

ویژه دانشجویان



مقالات برگزیده

همایش

تبیین ولایت امام عصر

حضرت

مهدی (عج)

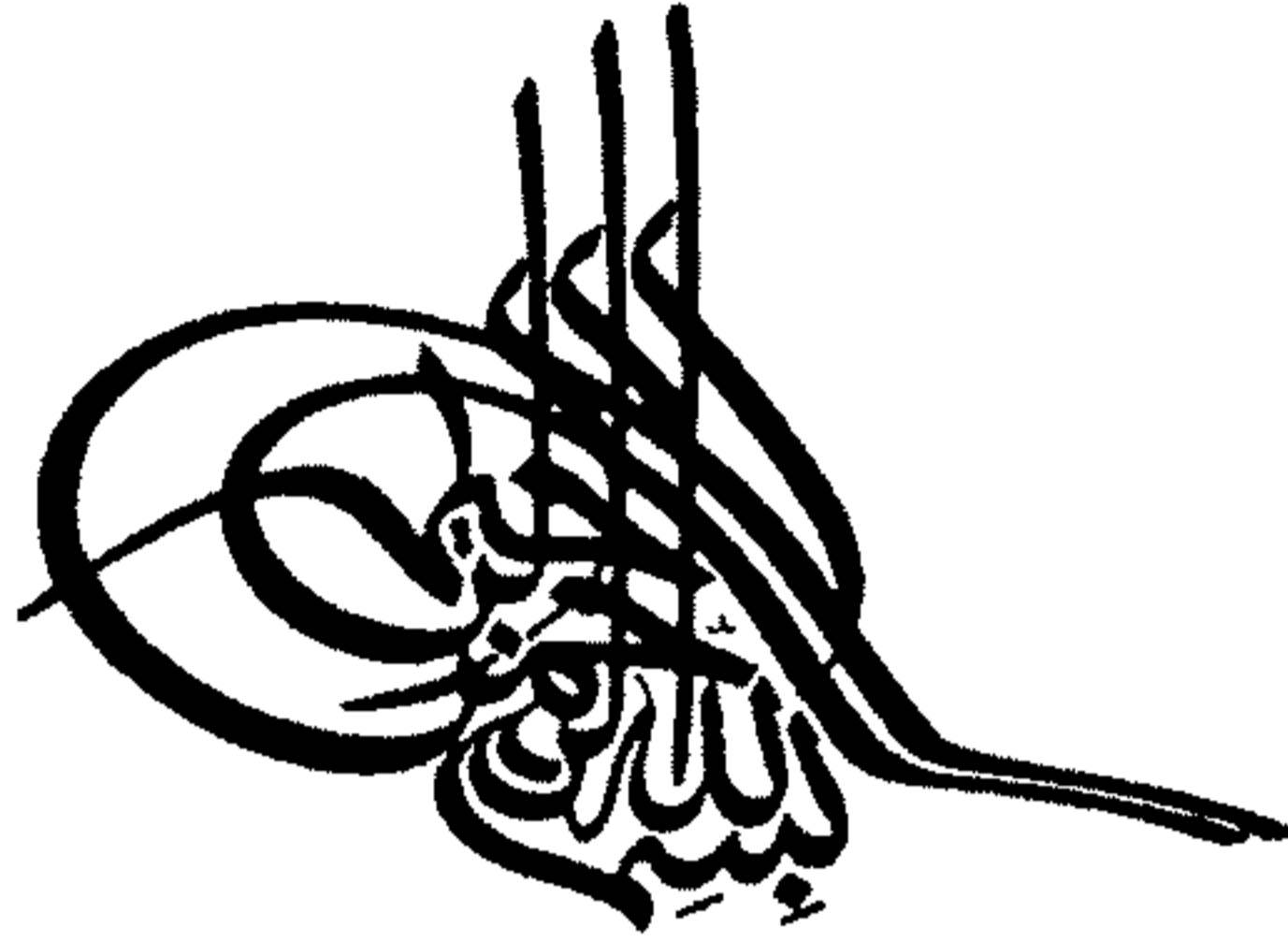
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

با مشارکت :

معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در منطقه ۹

دبیرخانه و واحدهای منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی



دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

مجموعه مقالات منتخب همایش

تبیین ولایت امام عصر حضرت مهدی (عج)

ویژه دانشجویان

منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

با مشارکت

معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در منطقه ۹

دبیرخانه و واحدهای منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی

اردیبهشت ماه ۱۳۸۴

همایش تبیین ولایت امام عصر حضرت مهدی (عج) مجموعه مقالات دانشجویان (۱۳۸۴ : مشهد)
مجموعه مقالات همایش تبیین ولایت امام عصر حضرت مهدی (عج) / اول اردیبهشت ۱۳۸۴
[برگزار کننده] دانشگاه آزاد اسلامی مشهد با همکاری نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و
و دبیرخانه و واحدهای منطقه ۹.

۳۰۵ صفحه .

ISBN : 964-477-3-X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. تحقیق و پژوهش - کنگره ها. ۲. حضرت مهدی (عج) - مقاله ها و تحقیقات. الف. دانشگاه
آزاد اسلامی (مشهد). حوزه معاونت فرهنگی. ب. عنوان.

۵۷۰

QH ۲۴۵ / ج ۹

۱۳۸۴

۸۱-۲۶۶۶۲ م

کتابخانه ملی ایران

مجموعه مقالات همایش

"تبیین ولایت امام عصر حضرت مهدی (عج)"

ویژه دانشجویان

ناشر:

حوزه معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و نهاد مقام معظم رهبری و

دبیرخانه واحدهای منطقه ۹

با همکاری انتشارات سخن گستر

صفحه آرای: اعظم مهلوجی

نوبت چاپ / شمارگان:

اول ۱۳۸۴ / ۱۰۰۰ جلد

چاپ: ژیان

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

یادآوری

مقالات مندرج در این مجموعه پس از داوری توسط صاحب نظران به چاپ رسیده اند، مسئولیت مطالب مندرج در این مجلد مستقیماً به عهده نویسندگان بوده و لزوماً بیانگر نظر کمیته علمی همایش تبیین ولایت امام عصر نمی باشد.

ساختار همایش

رئیس

دکتر حسین احمدی : معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

دبیر

حجت الاسلام محتشمی : مسئول امور فرهنگی منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی

رئیس کمیته علمی

حجت الاسلام ابوالحسن سلطانی : معاونت نهاد

رئیس کمیته اجرایی

دکتر احمد فولادیان : مدیر مطالعات و پژوهش های فرهنگی

هیأت علمی

- | | |
|------------------------------|---|
| ۱. دکتر رضا اشرف زاده | استاد دانشگاه آزاد اسلامی مشهد |
| ۲. دکتر عبدالعلی صاحبی | استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مشهد |
| ۳. محمدرضا عطائی | عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد |
| ۴. ابوالحسن سلطانی | عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد |
| ۵. سید اسماعیل هاشمی رکاوندی | حق التدریس دانشگاه آزاد اسلامی مشهد |
| ۶. محمد رمضانپور | عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر |
| ۷. محمدحسین بحری | عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام |

پیام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مظاهری (مدظله العالی) به همایش تبیین ولایت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - دانشگاه آزاد اسلامی مشهد مقدس

بسم الله الرحمن الرحيم

وعد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض

خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که در فضای معنوی نظام مقدس جمهوری اسلامی، قلبهای پاک جوانان فهیم این ملت را به عالی ترین نقطه امید و به والاترین آرمان بشریت و به حلقه وصل و واسطه فیض عالم امکان یعنی حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء متوجه و معطوف ساخته است و امروز سخن از "مهدویت" و "انتظار فرج" به مثابه یک ضرورت الهام بخش و به شکل فراگیر، بالاخص در مجامع علمی و دانشگاهی بروز و ظهور یافته است.

مسئله انتظار فرج که در روایات شیعه از افضل اعمال به شمار آمده است، صرفاً یک مسئله تشریفاتی در مجموعه اعتقادات تشیع نیست، انتظار، هم در بعد اندیشه و هم در بعد عمل به بشریت نوید عدالت جهانی را می دهد و اعتقاد به ظهور منجی که اختصاص به شیعیان و مسلمانان نداشته و در همه ادیان ابراهیمی، موضوع "منجی موعود" و "موعود یآوری" مورد توجه جدی و اعتقاد دین باوران است. به معنای تضمین عدالت برای همه انسانهاست و این همان آرمان بلندی است که تمامی انبیاء الهی و اولیای حضرت حق تعالی برای آن قیام کرده اند و همه سلطه گران و زورمداران عالم نیز در پی حذف و رفع آن بوده اند.

امروز نیز نظام سلطه جهانی که بر اساس مبانی لیبرال دموکراسی بنا شده است، با رسیدن به چنین آرمانی به سختی مخالفت می کند، بحث "جهانی سازی" و تبدیل دنیا به یک دهکده واحد با مدیریت یکپارچه و تحمیل یک جانبه فرهنگ سلطه بر سراسر جهان، در همین راستا، مطرح و از سوی قدرت های بزرگ به ویژه دستگاه های فرهنگی و رسانه ای آنان به طور مستمر پیگیری می شود. امروز غرب و به ویژه آمریکا به دنبال آن است تا به هر وسیله ممکن و با بهره گیری از همه شیوه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی، سلطه ستمگرانه خود را بر سراسر جهان، تحمیل نماید و کیست که نداند پشت صحنه این جریان خطرناک جهانی، کسی جز صهیونیست های فزون طلب و تفکرات پلید آنان است؟ در چنین شرایطی که بشریت در کویر خشک جهان مادی و در میانه انواع ظلم ها و بی عدالتی ها حیران مانده است "مهدویت" الهام بخش، آرمان بلند "جهانی سازی مهدوی" و "جهانی سازی مهدوی" و "جهانی شدن دین مبین اسلام" است. آری گسترش اسلام در سراسر جهان نه یک وهم و خیال که حقیقت بلندی است که خداوند تعالی با نبوت حضرت ختمی مرتبت (ص) منادی آن است؛ "هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لینهظره علی الذین کله و لو کره المشرکون" و این حقیقت بلند با بزرگترین رویداد تاریخ بشر و عظیم ترین انقلاب عدالت خواهانه تاریخ یعنی انقلاب بزرگ جهانی مهدی موعود (اروحنا فداه) به وقوع خواهد پیوست.

امید است که نسل جوان و به ویژه دانشجویان عزیز با ارتقا و تعمیق هرچه بیشتر معرفت و ایمان و آگاهی خویش، خود را برای چنان رخداد عظیمی، آماده سازند چرا که وعده الهی ویژه صالحان و مومنان است.

از همه مسئولان و دست اندرکاران و شرکت کنندگان در این همایش که در جوار استان ملکوتی حضرت ابی الحسن الرضا (ع) و به منظور تبیین ولایت امام عصر (عج) برگزار می گردد، صمیمانه تشکر می کنم و از خداوند سبحان توجه هرچه بیشتر به مسئولیت ها و وظایف سنگین مان در قبال موضوع مهم مهدویت و انتظار فرج را مسالت می کنم و برای همه عزیزان دعای مستجاب حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را خواستارم
والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

حسین المظاهری

هشتم ربیع الاول ۱۴۲۶

۱۳۸۴/۱/۲۸

پیام جناب آقای دکتر جاسبی رئیس محترم دانشگاه به همایش تبیین ولایت امام زمان (ع)

وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم أمنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا خداوند به کسانی که از شما ایمان آورند و نیکوکار گردند وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنانکه امام صالح پیامبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مومنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرکت و ریا پرستش کنند.

سوره نور / آیه ۵۵

از ویژگی های هزاره سوم اولویت یافتن اطلاعات و فناوری است به ویژه در عصری که همه در پی توسعه و در رویای آینده ای درخشان تر هستند. در طول تاریخ آرزوی بهتر زیستن با زندگی انسان عجین بوده و این رویا در زندگی بشر به شکل های گوناگون تبلور یافته است از مدینه فاضله افلاطونی تا مدینه فاضله فارابی و از بهشت موعود سوسیالیستها گرفته تا مدینه فاضله عصر روشنگری لیکن عصر ظهور مهدی موعود (عج) ویژگیهایی دارد که آن را از دیگر عصرها متمایز می سازد از جمله آنکه اعتقاد به عصر ظهور نومییدی را می زداید و عدالت را برقرار می کند. فقر و تنگدستی ریشه کن می گردد و مستضعفان حکومت می یابند.

جهانی شدن در این زمان توجه بسیاری را به خود معطوف کرده و با دو دیدگاه بدان نگریسته می شود گروهی آن را ابزاری برای چیرگی و گسترش مدرنیته دانسته و برخی آن را جریانی خودجوش که تمام ابعاد جامعه اعم از بعد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را دربرمی گیرد. می پندارند.

مهدویت در فرهنگ شیعه از اساسی ترین محورهایی است که می تواند روشنگر اهداف انسانی باشد و افقهای تازه ای را فراروی او بگشاید. با اعتقاد به این اصل مهم مومنان و مسلمانان شاداب و فارغ از هرگونه احساس تنهایی و سرگستگی دردنیای فراصنعتی و فاقد ارزشهای انسانی کنونی هستند.

پرداختن و رواج این اندیشه و تحقیق در زوایای گوناگون آن از وظایف استادان حوزه و دانشگاه است که بحمدالله در این خصوص همتی شایسته گمارده اند و خدای را سپاس گذاریم که در حکومت جمهوری اسلامی تحت رهبری ولایت فقیه. دانشگاه آزاد اسلامی این توفیق را یافت که در حوزه معرفت دینی به ویژه شناخت ابعاد مختلف زندگی حضرت مهدی (عج) اقدام به برگزاری همایش های زنجیره ای در سطح مناطق و انشاءالله کشوری نماید که به یقین برگزاری چنین همایشهایی مورد توجه حضرت حق بوده و مشمول دعوات زاکیه حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فدا خواهد بود.

آرزو داشتیم در جمع شما استادان و دانشجویان و میهمانان اندیشمند در منطقه ۹ و در جوار مَضِیح شریف حضرت علی بن موسی الرضا (ع) باشم و توفیق آن را در آینده از خداوند منان خواهانم. ضمناً لازم می دانم از همکاری معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در منطقه ۹ واحدهای منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی و به ویژه رئیس. کمیته علمی. دبیر اجرایی و تمامی دست اندرکاران همایش تشکر نموده و برای کلیه شرکت کنندگان توفیق در ره یافت بایسته و ایجاد ظرفیتهای نظری تازه در این حوزه آرزو کنم.

دکتر عبدالله جاسبی

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

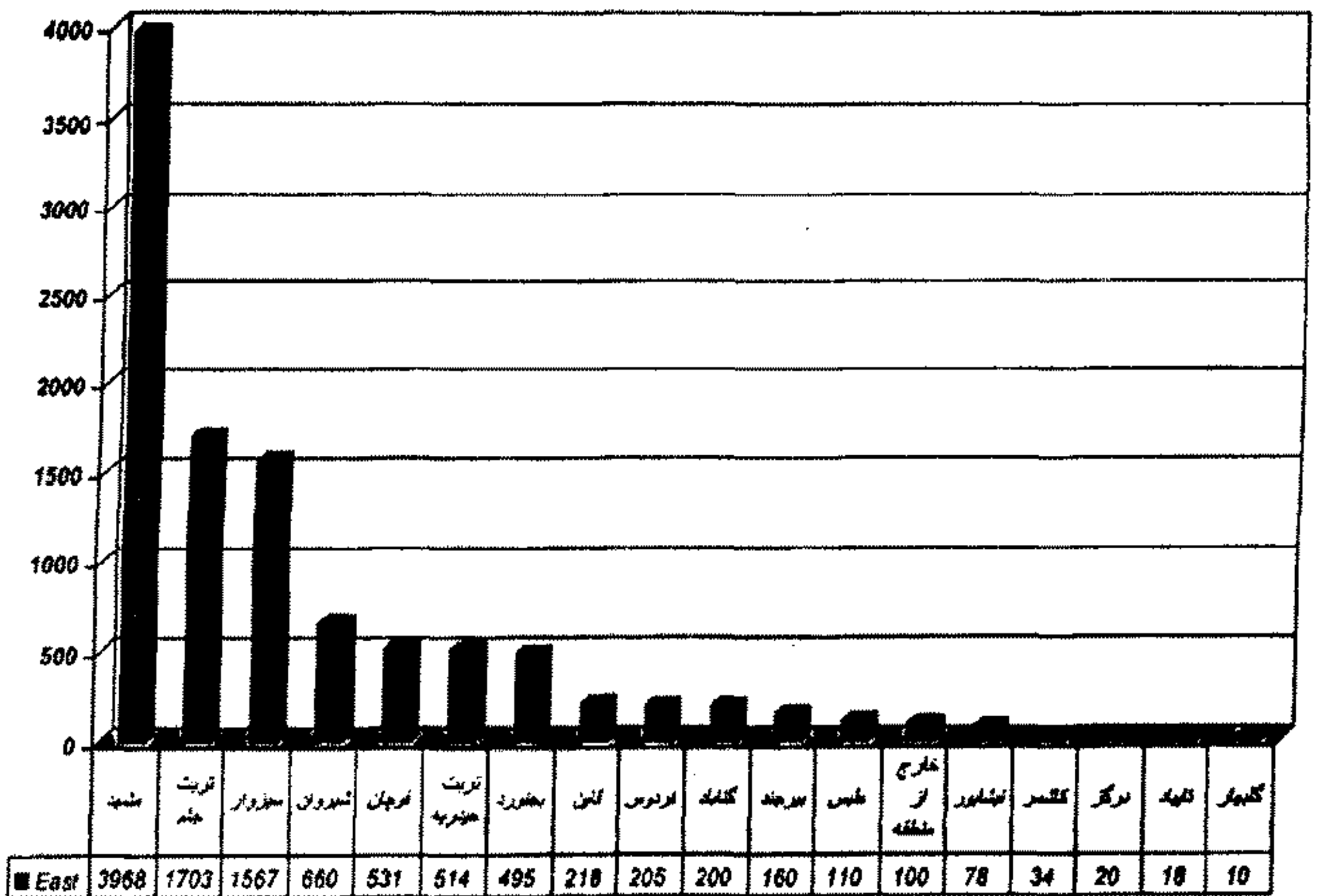
گزارش رئیس همایش

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد با مشارکت معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در منطقه ۹ و دبیرخانه و واحدهای منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی در راستای توصیه های مقام معظم رهبری حضرت آیت ... خامنه ای (دام عزه) در رابطه با اسلامی کردن دانشگاه ها و سیاستهای راهبردی دانشگاه آزاد اسلامی مبنی بر اعتلای معرفت و بصیرت دینی جوانان و تعمیق باورهای عقیدتی آنان پیرامون ولایت امام عصر حضرت مهدی (عج) و توجه آگاهانه به ابعاد مختلف زندگی آن بزرگوار اقدام به برگزاری همایش نموده که در بخش فراخوان مقالات دانشجویان مدیران محترم گروههای معارف اسلامی و مسئولان عزیز دفاتر فرهنگ اسلامی و با اشراف و تاکید روسای محترم دانشگاه های آزاد اسلامی منطقه دعوت از دانشجویان جهت ارائه مقاله از ترم اول ۸۳-۸۴ آغاز گردید و در مجموع تعداد ۱۰۴۹۱ به واحدها واصل گردید که از این مجموعه پس از ارزیابی مرحله اول در واحدها تعداد ۱۱۲۰ مقاله به دبیرخانه همایش ارسال گردید و با انجام ارزیابی مرحله دوم در کمیته علمی تعداد ۵۹۶ مقاله مورد داوری نهایی (مرحله سوم) قرار گرفت که از بین این مقالات تعداد ۱۶ مقاله جهت چاپ و ارائه و ۱۶ مقاله برای ارائه انتخاب گردید و نیز از تعداد ۳۰ شعر و قطعه ادبی ۷ عدد شعر و ۳ قطعه ادبی انتخاب گردید که این مجله که در پیش روی شماست حاصل تلاش دست اندرکاران همایش به ویژه استادان گروه معارف و دفاتر فرهنگ اسلامی است. شایسته است از همه استادان و صاحب نظران و فرهیختگان و همکارانی که در برگزاری همایش ما را یاری نموده اند صمیمانه تشکر نمایم.

رئیس همایش

دکتر حسین احمدی

نمودار مقالات واصله از واحد های منطقه ۹ دانشگاه آزاد اسلامی به دبیرخانه همایش تبیین ولایت امام عصر (عج)



فهرست مقالات ارائه شده دانشجویان در همایش تبیین ولایت امام عصر

حضرت مهدی (عج) به ترتیب حروف الفبا:

۱۳	مهدویت در ادیان (محمد ادبی)
۲۱	مهدی موعود (ایمان اروجی)
۳۳	امام مهدی در نهج البلاغه (محمد رضا انبیائی)
۴۹	مهدویت در قرآن. احادیث و ادعیه (حسن تخم افشان)
۶۱	حضرت مهدی (حمیدرضا خرمی)
۷۵	مهدی در سیمای قرآن (فاطمه خزاف مقدم)
۸۷	المنتظر (فاطمه دستپروزی)
۱۰۱	مهدویت و تشیع (طاهره سارانی)
۱۱۱	انتظار (عصمت سوارپور)
۱۲۳	مهدویت در قرآن احادیث و ادعیه (خدیجه صفاری مقدم)
۱۳۹	آیات و روایات از حضرت مهدی (رضا عباسی مقدم)
۱۴۷	مهدویت. فرهنگ انتظار و مسئولیت پذیری (فاطمه قربانی)
۱۶۷	مهدویت فرهنگ انتظار و مسئولیت پذیری (مینا قهرمان شهرکی)
۱۷۹	شناختی در مورد امام زمان (زهرا کیقبادی)
۱۸۷	چشم اندازی از حکومت حضرت مهدی (یاسر مرشدلو)
۱۹۹	تاریخ تحلیلی زندگی و غیبت امام زمان (سید مرتضی یوسف زاده)
اشعار	
۲۰۹	دلبر بیگی پور
۲۱۱	فاطمه ثنایی نسب
۲۱۲	معصومه حیدری
۲۱۴	منیر عسگر نژاد
۲۱۶	فاطمه غلامی
۲۱۹	مهسا فتاحی صدر
۲۲۰	منصوره معینی
۲۲۲	حسن یعقوبی
قطعات ادبی	
۲۲۵	معصومه حیدری
۲۲۶	موسی الرضا حیدری
۲۲۷	مهسا فتاحی صدر
۲۲۹	لیلا نصیری

مهدویت در ادیان

محمد ادبی، حسن داروغه مقدم، طیبه ادبی، معصومه سادات جلیلی حسینی

مسئله غیبت و انتظار

غیبت و انتظار یکی از سنن تکاملی است که تاریخ برای بسیاری از امت های گذشته نشان می دهد. همواره در بین انسانها نهضت‌هایی به منظور آزادی از قید و اسارت طاغوتها صورت می گرفته و این نهضت‌ها توسط فرستادگان الهی، رهبری می شده است. اما توده مردم آنطور که می باید از رهبر نهضت قدردانی و طرفداری نمی کردند و قابلیت دریافت این نعمت بزرگ را از خود نشان نمی دادند و در نتیجه رهبر برای مدتی از میان مردم غایب می شد. خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد می گوید: «وجود امام و تصرف او در امور، طبق قاعده لطف مسلم است و عدم حضور یا تصرف او از ناحیه ما پدید آمده است. در طول مدت غیبت مردم در اثر لمس کردن آثار شوم اسارت و طاغوت پرستی بیدار می شدند و وقتی به خود می آمدند که از روش عصیان و گناه و نافرمانی رهبر بازگشت و توبه می کردند»^۱

رهبر به فرمان الهی در میان آنان آشکار شده، حق جویان را در طی مراحل نهضت رهبری می نماید این حقیقت را در تاریخ نهضت ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی و... مشاهده می کنیم.

در حقیقت زمان غیبت عبارت است از: دورانی که باید قوه ها و استعدادهاى مردم به تدریج به مرحله فعلیت مرحله بهره برداری برسد و قابلیت برای بهره گیری از یک رهبر الهی را دارا شوند. ممکن است در شرایطی که می توانند توسط تبلیغات و تعلیمات و راهنمایی های صحیح به وجود بیایند استعدادها و قابلیت‌ها زودتر پرورش یابند و شرایط ظهور و انقلاب مهدی (عج) فراهم گردد. امکان دارد در اثر تخریهای فکری و آلودگی ها و سرگرمی ها و زرق و برق دنیا و دور افتادن از درک لذت عدالت و حق و نیز برخورد با موانع، استعدادها و قابلیت‌ها خفته بماند و دیرتر بیدار شود. به همین میزان، زمان ظهور رهبر زود یا دیر خواهد شد. خواجه نصیر طوسی در رساله امامت خود می گوید: غیبت حضرت مهدی (عج) نه از خدای سبحان است و از آن حضرت پس از مکلفین و مردم است و آن غلبه خوف و تمکین نداشتن مردم از امام است. موقعی که سبب غیبت زایل گردد ظهور واقع می شود.

پس روشن است که ما تا عوض نشویم و قابلیت و زمینه ظهور آن حضرت را فراهم نکنیم، ظهور امکان ندارد. تاوقتی بشریت قابلیت نیابد و لااقل گروه و جمعیتی به راستی خواهان گسترش عدل و داد نباشند و روح حق پذیری یافت نشود، چنین انقلابی نخواهد شد.^۲

کارکرد و آثار اعتقاد به مهدویت در جامعه چیست

به مسئله امامت یک بار فقط از نظر ظاهر قضیه نگاه می کنند یعنی تدبیر امور ظاهری مردم، و یک بار از نظر باطن قضیه نگاه می کنند. بعضی ها اشکال می کنند که مثلا اگر امام غایبی نبود ما چه مشکلی داشتیم. اگر گردش کار زندگی ظاهری را بگوییم، اگر پیامبر نبود ما مشکلی نداشتیم و... اما آنکه معتقد به خداست برای خود یک آرمان و تفکری دارد که زندگی را منحصر به زندگی ظاهری نمی داند و آنکه معتقد به نبوت است

^۱ - تجرید الاعتقاد، خواجه نصیر طوسی، ترجمه حسین تهرانی، ص ۴۷

^۲ - وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان (عج)، علی رضا پور ص ۱۵۳

آن هم زندگی را منحصر به زندگی عادی و حیوانی نمی داند و به دنبال هدف هایی است در این زندگی و معلوم است که اگر خدا و نبوت را نپذیریم و برای این ظاهر، باطنی معتقد نباشیم اصلا امامت برای ما مطرح نمی شود. امامت یا یک مسئله اصلی است یا یک مسئله فرعی. بعضی ها معتقدند که امامت از فروع دین است و اکثریت علمای شیعه معتقدند امامت از اعتقادات اصلی شیعه است اعتقاد اصلی یا فرعی باشد این وقتی است که اگر فرعی باشد باید به طی مقدماتی به آن رسید. اگر هم اصلی باشد اصل اول اسلام نیست. اصل اول توحید است و بعد نبوت و معاد و... ماوقتی توحید و نبوت را نپذیریم اصلا امامت برای ما معنا پیدا نمی کند اما وقتی به دنبال این بودیم که جهان ظاهر و باطنی دارد، دنیایی است و آخرتی، جسمی و روحی هست، همان طوریکه خدا معنا پیدا می کند، نبوت معنا می یابد، امامت نیز معنا پیدا می کند. خدایی که رب ماست و ما عبد او هستیم میان ما و خدا واسطه هایی برای ابلاغ پیام، برای رساندن فیض، برای تربیت و تکامل ما است این واسطه ها گاه انبیاء هستند و گاه ائمه و اولیاء.

بالاخره اینها واسطه اند. و فقط به آنها نباید از نگاه جریان ظاهری نگریسته شود، بلکه یک مسئله معنوی هستند. وجود امام زمان از نظر معنوی یک نور است، یک واسطه فیض است که اگر نباشد فیض به جهان نمی رسد. اما اینکه عقیده ما به چنین چیزی چه نتیجه ای دارد خود دو مطلب است؛ یکی اینکه بعضی عقیده ها به دنبال نتیجه هم نیستند. خود عقیده هدف است برای مثال اگر ما فقط به خدا معتقد باشیم به این معنا نیست که حتما این اعتقاد نقشی در زندگی ما داشته باشد^۱.

نه، بشر می خواهد واقعا بداند که حقیقت چیست؟ و اگر هست ما باید ایمان داشته باشیم و بپذیریم. مسئله مهدویت هم به همین نحو است. ما وظیفه داریم ببینیم چنین چیزی هست یا نیست. اگر هست که تکلیف است بپذیریم اگرچه پذیرش آن از نظر ظاهر به زیان ما باشد و یا احتیاج به فداکاری در راه آن هم داشته باشد، اما از نظر کلی، عقیده به مهدی و روح انتظار، انسان را لبریز از امید می کند برای پیروزی حق. یعنی یک مجموعه انسانهایی که چنان ایمانی بر غلبه حق داشته باشند که هر لحظه فکر کنند که آن پیشوا و منجی خواهد آمد. معلوم است که این افراد از نظر امید به آرمان های عالی در وضع خوبی خواهند بود و دچار یاس نخواهند شد و تمام شادی و نشاط خود را حفظ خواهند کرد و هر لحظه منتظرند آن پیشوا بیاید و آن مشکلات را از پیش پای مردم بردارد. اما گفتیم که مسئله امامت فقط این نیست. برای مثلا روایت داریم که «اگر امام از جهان هستی لحظه ای برداشته شود جهان هستی استقرار خود را مانند دریا از دست می دهد و هستی پایدار نخواهد ماند»

اما مسئله انتظار چیزی است که به ما امید می بخشد منتظر نمی تواند فاسد باشد وی کسی است که کمر بسته است برای مبارزه با باطل و ستم که این خود جنبه پرورشی دارد و نمی تواند نا امید باشد چون می داند که در آخرین لحظه هم اگر یک ساعت بیشتر هم از عمر دنیا نمانده باشد، این منجی ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد^۲.

مسئله دیگر اینکه عقیده به امامت از نظر شیعه تکامل معنوی اعمال است و در حقیقت مانند روح اعمال است. مانند اینکه اگر شما نماز بخوانید و خدا را نپرستید نماز دارای روح نیست همان طور اگر شما عبادت کنید و انبیاء را نپذیرید چنین است و یا اگر عبادت را انجام دهیم ولی به امامت عقیده نداشته باشیم قسمتی از روح عبادت ما ناقص است. یعنی عبادت ما عبادت حقیقی نیست ولذا در روایت داریم که ما اگر اعمالی داشته باشیم،

^۱ - مهدویت در ادیان، یحیی یثربی ص ۲۱

^۲ - آثار اعتقاد به امام زمان (عج)، هادی قندهاری، ص ۳۵

زندگی عابدانه و زاهدانه را پیشه خود سازیم اما امامان را شناسیم مرگ ما مرگ جاهلیت خواهد بود. حضرت صادق (ع) فرمود که: «اگر در دنیا جز دو نفر نمالند مطمئنا یکی از آن دو نفر امامند و آخرین کسی که از دنیا می رود امام است» یعنی هیچ وقت انسان بی امام نبوده و نخواهد بود.^۱

دیدگاه ادیان دیگر نسبت به منجی چیست؟

در ادیانی که خودشان را دین نهایی می دانند، این اصل مسلم است که مطلب فقط اینجا پایان پذیرفته است، در دین یهود هم همیشه مسئله این بود که شما نگران نباشید در آینده یک منجی خواهد آمد. وقتی که حضرت عیسی (ع) آمد، ایشان برای یهودیانی که ایمان آوردند یک منجی موعود بود، حضرت عیسی (ع) هم اشاراتی دارد که بعد از من منجی خواهد آمد و زرتشتیان هم به «سوشیان» معتقدند به شخصی که آخرالزمان ظهور می کند و یارانی از سرزمین های مختلف به دور خود گرد می آورد و در دنیا نور معرفت بر می انگیزد و زمین و آسمان را به هم پیوند می دهد و معنویت را رواج می دهد. در تمام ادیانی که ما می شناسیم بشارت به منجی در آنها وجود دارد و این مخصوص شیعه نیست، این بشارت به منجی در اسلام هم هست، یعنی ما با برادران اهل سنت اختلافمان گاهی بر سر مصداق است اصل مهدی جای اختلاف نیست، آنها هم معتقدند در آخرالزمان مهدی ظهور خواهد کرد ولی آن مهدی کیست؟

ما می گوییم امام دوازدهم شیعیان است، بعضی ها می گویند خیر شخص دیگری است. بنابراین اصل منجی در نظام اعتقادات دینی یک امر طبیعی است، چون روح انسان نباید قانع شود که کار این است و دیگر بیش از این پیشرفت نخواهد کرد. چرا که آن برابر است با ناامیدی و عقب گرد و ما امیدواریم که روز به روز وضع معنویت از گذشته بهتر باشد.

دلایل علمی و عقلی مهدویت

پیشرفت روز افزون علوم کارهایی را که قبلا محال و ممتنع به نظر می آمد ممکن الوقوع ساخته و حتی در موارد زیادی به آنها تحقق خارجی و عینی بخشیده است. همین امر اخباری را که درباره کیفیات مربوط به قیام و ظهور پیشوای جهانی وارد شده اند برای مردم مادی هم تاحدی قابل فهم و قبول نموده است، مثلا سرعت جت ها و موشک هایی که اخیرا ساخته اند از جمله سرعت موشک رویا شاهد خوبی برای امکان حرکت های غیرعادی و سرعت های نوری می تواند باشد...

حتی یک قرن پیش اصلا قابل تصور نبود که آهن و آلومینیوم چندصدتنی با صدها مسافر در هوا پرواز کند و روی آب حرکت کند. دو قرن پیش باورکردنی نبود که صدای کسی را که در غرب صحبت می کند در شرق بتوان شنید یا قابل قبول نبود که حتی خود گوینده هم با تمام حرکات و ژست هایش دیده شود.

از همه بالاتر، انتقال عکسها و نوشتجات از مسافت های بسیار دور به واسطه دستگاه های خاصی که تهیه کرده اند، بر ما ثابت می کند که سرعت حرکت امام زمان (عج) و یارانش دیده شدن مشرق از مغرب و بالعکس... امری کاملا ممکن خواهد بود و علم خودش شاهد این امر است و دستگاه به ظاهر ساده تلفن و تلویزیون نمونه عملی آن...^۲

اگر ما می گوییم صدای پیشوای ما را اهل هر زبانی به زبان خود خواهد شنید، چیز گزافی نگفته ایم. زیرا هم اکنون در جلسات بین المللی گوشه ها و دستگاه هایی مورد استفاده قرار می گیرد که بیانات ناطقین را به

^۱ - آخرالزمان و حکومت مهدی از دیدگاه معصومین، حسین هاشمی نژاد، ص ۴۷

^۲ - تاریخ ادیان جهان، عبدالعظیم رضایی، ص ۸۵

همان زبانی تحویل مستمع می دهد که خواهان آن است. . . و اکنون کامپیوتر خود مسئله ترجمه را بدون دخالت مستقیم انسان می خواهد انجام دهد و چیزهای تازه دیگری که در عالم علم و صنعت هر روز شاهد تحقق آنها هستیم. البته اینها نمونه هایی است از پیشرفت علوم و واقعیت هایی که عملی شده و قابل انکار نیست. از سوی دیگر کوشش هایی که علم برای ازدیاد عمر بشر می کند و با پیشرفتهایی که در این زمینه به دست آمده است مسئله «امتناع طول عمر» را منتفی ساخته است. علمای بیولوژی طی آزمایش هایی که بر روی برخی از اعضای زنده حیوانات انجام دادند فهمیدند که می توان آنها را به وسیله دارو و مواد لازم، بیش از حد معمولی زنده نگه داشت و وقتی که علم ناقص بشری تا این حد بتواند پیشرفت کند آیا عقلانی است که ما معتقد به یک سلسله امور غیرعادی و خدایی نشویم؟

اصولا با توسعه علوم به اصطلاح غریبه، اسپیریتوالیسم، اسپیریتیزم، مانیتیزم، هیپنوتیزم و . . . که امروز در سراسر جهان کاملا رایج و معمول شده و مورد استفاده قرار گرفته و دانشمندان این علوم بدین وسیله ارواح را برای انجام کارهای مهم و غیرعادی استخدام می کنند. برای مردم مادی هم ثابت شده که انجام دادن امور غیرعادی محال نیست به طوری که چندی پیش یک مرتاض هندی چندین روز در زیر آب به سر برد و دیگری چندین هفته خود را در زیر خاکها مدفون ساخت و پس از آن هر دو زنده از زیر خاک و آب بیرون آمدند در حالی که می دانیم ادامه حیات انسان بدون اکسیژن و در زیر آب و خاک از لحاظ علمی مقدور و معقول نیست. علم دیروز و امروز

قرآن می فرماید «و ما اوتینم من العلم الا قليلا» بشر با همه پیشرفتهایی که در علوم کرده هنوز نتوانسته خیلی از مسائل را کشف و حل کند زیرا هنوز هم علم بشری ناقص است. مورپس مترلینگ می گوید: «خیال کرده ایم که به اسرار ذره های کوچک و اتم پی برده ایم، هنوز اسرار ذرات برق و الکترون بر ما مجهول است ما نمی دانیم برق و یا الکترون از چه ساخته شده و دارای چه ترکیباتی است؟ زیرا الکترون به قدری کوچک است و طوری فرار می کند و چنان با سرعت به اطراف پراکنده می شود که ما هنوز نتوانسته ایم آن را به تنهایی دستگیر کنیم. و به تنهایی مورد معاینه و تحقیق قرار دهیم و همچنین نمی دانیم که یک ذره نور به زبان لاتین فوتون نام دارد دارای چه ترکیباتی است. ما هنر عاجزیم که یک ذره کوچک از امواج صدا یا فوتون را به تنهایی مورد تجزیه و تحقیق قرار دهیم»

ایشترین می گوید: «افسانه راز برزگ هنوز لاینحل است. . . آنچه تا کنون از کتاب طبیعت خوانده ایم بسیاری چیزها به ما آموخته است و ما با اصول زبان طبیعت آشنا شده ایم. . . ولی با این همه می دانیم که در مقابل مجلداتی که خوانده و فهمیده شده هنوز از حل و کشف کامل مطالب خیلی دوریم.

فلاماریون می گوید «ما فکر می کنیم اما هیمن فکر چیست؟ راه می رویم ولی این عمل عضلات ما چیست؟ هیچکس آن را نمی داند»

ویلیام جیمز می گوید: «علم ما همچون قطره ای است ولی جهل ما یک دریای عظیم»

شارل ریشه که یکی از اساتید دانشکده پزشکی در فرانسه است در مقدمه کتاب رد پدیده های روحی می نویسد: «علوم امروز هر قدر توسعه و صحت پیدا کند باز همواره نقصانی آشکار دارد» وی سپس مثالهای متعددی از نقاط تاریک علوم امروز را ذکر کرده و می افزاید «اگر از یک مرد بربر یا دهقان مصری سوالی درباره معلومات او از جهان طبیعت کنیم یک دهم مطالبی را که در کتابهای ابتدایی می نویسند نمی داند و من می

دانم که روزگاری بیاید که علمای عصر ما در مقابل آن دوران مانند دهاتی بربر باشند در مقابل اساتید دانشگاه فرانسه^۱

هدف ما از نقل این سخنان آن است که بگوییم: اگر علم امروز و اکتشافات بشری عصر ما نتوانسته ماده ای را کشف کند که موجود زنده ای را مثلا هزار سال زنده نگه دارد این دلیل نمی شود که اصلا چنین امری محال و غیرعملی است و به قول معروف، عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود. زیرا معتقدات علمی دانشمندان قرون گذشته در عصر ما به اندازه ای سست و بی ارزش شده که امروز می توان از آنها تنها به عنوان یک تئوری باطل غلط و بی اساس نام برد. اصول پذیرفته شده علم هیئت قدیم - بطلمیوسی - از خنده دارترین اصول علم پیشین است.

علم تا دیروز اتم را جزء تجزیه ناپذیر معرفی کرده بود و در تعریف آن می گفت: کوچکترین جزء یک عنصر که قابل تقسیم نباشد ولی ما دیدیم که دانشمندان قرن ما اتم را شکافتند و ... دیدند که: آفتابی در یکی ذره نهان است

و از کجا که فردا شگفتی های دیگری را کشف نکنند. علم سابقا نمی توانست قمر مصنوعی و موشک کیهان پیما بسازد و حتی تصورش هم خنده آور بود اما امروز علم می کوشد که پای بشر را حتی به کرات آسمانی باز کند و به طور کلی اگر در قرون گذشته یکی از اکتشافات و اختراعات علمی امروز را ولو به صورت یک تئوری و فرضیه برای مردم بیان می کردند دستگاه انگیزسیونی پاپ او را تکفیر کرده و داغ آتیه نئیستی - الحاد - بر پیشانی او زده می شد و مردم هم علاوه بر بیزاری و کناره جویی از او وی را یک فرد مالیخولیایی و دیوانه می دانستند.^۲

گالیله، کانت، ولتر، کپرنیک و کپلر را روی همین عنوان کشتند. ولو اینکه گالیله در دم مرگ هم دو مرتبه نوشت: باز هم زمین می چرخد اما او دیگر نمی توانست منشا اثری باشد و البته ما شواهد زیادی از نوع گالیله و کانت و ... داریم که می توانیم آنها را در صفحات تاریک قرون وسطی و تازی محاکمات دستگاه انگیزسیونی پاپ و دربار مذهبی واتیکان پیدا کنیم.

پس به طور کلی معلوم شد که علم امتناع تحقق این امور را نفی می کند و شاید در آینده با پیشرفت های بیشتری در زمینه های مختلف امکان وقوع آن را برای مردم عادی هم ثابت کنند. . .

آری ما یقین داریم که موفقیت های روزافزون علم، روزی تمام حقایق ایدئولوژی ما را که روزگاری برای گروهی موهومات و خرافات جلوه داده شده بود، روشن خواهد ساخت و اسلام با همان چهره بی آرایش و دین فطری بودن خویش تجلی خواهد کرد.

از لحاظ عقلی

شاید بعضی ها که نمی خواهند زیر بار حق و حقیقت بروند و می بینند که پیروی از احکام الهی سدهای فراوانی در راه امیال نفسانی آنها ایجاد می کند می گویند: عقل، این مسائل را درک نمی کند و نمی تواند قبول نماید.

ما برای آنکه چگونگی و علت اساسی این حرف ها را پیدا کنیم ناچاریم که مقدمه کوتاهی برای تبیین مسئله بیاوریم. قبلا باید توجه داشت که مراد از درک عقل چیست؟ و کدام عقلی این مسئله و به طور کلی

^۱ - شارل ریشه، رد پدیده های روحی، ص ۳

^۲ - وابستگی جهان به امام زمان (عج)، لطف ا... صافی گلپایگانی، ص ۴۹

مسائل مربوط به سورناتورالیست - ماوراءالطبیعه - را نمی تواند قبول کند؟ اگر مقصود از درک عقل، درک و احساس یک سلسله افکار و خیالاتی است که در مخیله انسان خطور می کند و طبق میل نفسی بعضی از قبول و بعضی را رد می کند و در واقع می خواهد از هر چیزی که برای خواهش های شهوی و حیوانی او حدودی قائل شود آزاد شده و به اصطلاح امروزی، از پیروان ارگیاستیک (تمایل به عیاشی، میگساری، هرزه درایی) و فلسفه باید خودش بود اگرستانسیالیسم است ما آن عقل را اصولاً عقل نمی دانیم و درک و عدم درک، قبول و عدم قبول آن هم به هیچ وجه نمی تواند مدرکیت و حجیت برای اثبات و نفی مسئله ای داشته باشد.

به نظر ما، عقل که یک نیروی باطنی و غیرمادی است - و شاید همین نیرو تنها وجه تمایز انسان و حیوان باشد - اگر آزاد و بی قید و تابع جنبه حیوانی انسان گردد، صفات اصلی و حقیقی خود را که از جمله دیدن و درک حقیقت است از دست می دهد و علاوه بر اینکه نمی تواند امام زمان را قبول کند خدا را هم قبول ندارد و به تعبیر قرآن چشم و گوش و قلب آنان مهر خورده است و یا بیماری درونی آنها درمان پذیر نیست: ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه... و فی قلوبهم مرض فزادهم الله فرضا و لهم عذاب الیم بما كانوا یکذبون

آری در این هنگام است که نور عقل خاموش می شود، قلب تاریک می گردد و دیگر نور حقیقت و معرفت را درک نمی کند و... هم لایفقهون^۱.

عقل کذایی، می گوید: فلسفه اتومیسم یک مشرب فلسفی صحیحی است و تا وقتی که خدا در زیر آلات و ابزار و دستگاه های آزمایشی لابراتوارها دیده نشود او را هم قبول ندارد و مسلم همچو عقلی فوتوریسم را هم قبول نخواهد داشت. اما اگر مقصود از عقل و درک آن، عقلی باشد که تحت شرایط تربیتی خاصی تربیت و تکامل یافته است. این عقل بسیاری از مسائل را قبول دارد که عقل بی قید و عقل مادی آزاد، آن را باور نمی کند.

عقل انسانی ما علاوه بر اینکه خدای ندیده را باور دارد و به آن صمیمانه و صادقانه ایمان آورده است، برای آن خدای ازلی و ابدی قدرتی نیز قائل است که می تواند مخلوقی را بیافریند که حتی میلیونها سال هم بتواند تحت شرایط خاص، زنده بماند. آیا یک نیروی ازلی و ابدی، یک قدرت بی انتها و بی همتا، نمی تواند موجود زنده ابدی خلق کند؟ عقل ما به این مسئله جواب مثبت می دهد و می گوید کسی که ماده حیاتی را در پرتوپلاسم دمیده است می تواند آن را ابدی هم بنماید و انسان را هزاران سال زنده نگه دارد^۲.

از طرفی، عقل ما با دقت در موقعیتهای علوم و با توجه به اندک بودن معلومات و ادراکات بشری، چنانچه قرآن هم به آن تصریح می کند بخوبی در می یابد که این امر - اعتقاد به امور غیبی، اعجاز، فوتوریسم و مسائل غیرعادی متعلق به آنها - هرگز اشکالی ندارد و بر فرض هم اگر دیگران چگونگی آن را درک نکردند، او باور دارد که این موضوع هم کاملاً واقعیت دارد و مانند مسائل زیاد دیگری است که پشت پرده عالم وجود هست ولی برای بشر، هنوز چگونگی آن مخفی است. این ایمان وقتی تقویت شده و به مرحله ایقان برسد، که می بیند مخبرین این امر، پیغمبران و اولیاء و کسانی بوده اند که با عالم ماوراءالطبیعه، با هستی بخش عالم هستی ارتباط ویژه داشتند و می بیند بسیاری از مسائلی را که آنها گفته بودند و مردم ظاهر بین باور نمی کردند، امروز کم کم صحت آنها بر همه روشن می شود. برای یک انسان کامل تربیت شده مکتب تربیتی و انسان سازی اسلام که

^۱ - قرآن کریم

^۲ - عقل و اعتقاد دینی، مایکل پرسون، ترجمه احمد نراقی، ابراهیم سلطانی، ص ۶۸

بازهم تحت شرایط خاصی از تمام صفات و اخلاق ضد انسانی و از تمامی رذائل اخلاقی پاک شود. این موضوع به اندازه ای مسلم و بدیهی است که از زنده بودن خودش برای او بدیهی تر است. به عبارت دیگر برای یک فرد کامل، برای یک مومن واقعی، علم به این مسئله از مرحله یقین هم گذشته و به مرحله شهود می‌رسد و البته ارتقاء به آن مقام کار هر بی سر و پای نیست. پس به طور اجمال دانسته شد آنچه که خدا و امام زمان را نمی‌تواند قبول کند عقل نیست بلکه آنچه واقعا عقل است درک و قبولش هم عقلایی و قطعی و حتمی بودن موضوعی را که مخبرین صادق به حد تواتر در هزار سال یا هزاران پیش از آن گزارش داده اند به رای العین می‌بیند دیگر نمی‌تواند باور کند که منکرین این امر عقل سلیمی داشته باشند. . . و آیه ای از قرآن مجید را متذکر می‌شود که می‌فرماید:

«و لقد ذرنا للجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها. اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون»^۱

گفتار مستشرق آلمانی

اشاره کردیم که اعتقاد به امام زمان تاثیر زیادی در تقویت روحیه ما دارد اینک گفتار فیلسوف و مستشرق معروف آلمانی ماریین را در این باره بخوانید. ماریین در آخر کتاب خود درباره فوتوریسم شیعه می‌گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه تواند گردید همانا اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار به ظهور اوست»^۲

چون معتقدات مذهبی در ملل مشرق زمین تا دو قرن دیگر کاملا اثرات خود را خواهد بخشید و میتوان گفت که در این مدت و با این همه جمعیت و اسباب طبیعی شیعه پیشرفت محیرالعقولی نموده و از حیث عده و نیرو و قدرت، مقام اول را حائز خواهد شد.

حتی اگر معتقدات مذهبی از بین رود شیعه دارای آن سرمایه ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و عارضیه مذهب شوکت و اقتدار و قوت و حکومت خود را در عالم نگه دارند.

خاتمه و تذکر

استعمارگران برای اجرای نقشه ها و توطئه های ضد انسانی خود از هیچ جانبی خودداری نمی‌کنند و برای ایجاد تفرقه و انشعاب بین مسلمین کوشیده اند که از این مسئله هم سوء استفاده کنند از طرفی مهدی موعود فرستاده اند و از طرف دیگر احمد امین مصری را مامور ساخته اند که اصول عقاید شیعه را موهوم و بی اساس قلمداد کنند و بعد خود برانگیخته شوند.

استعمار برای ملل مسلمان در پاکستان غلام احمد قادیانی - قادیانگیری - و در ایران محمد علی شیرازی و حسینعلی مازندرانی بایگیری و بهائگیری و در بلاد دیگر، کسان دیگر را تراشیده اند تا در راستای اهداف آنان کار کنند و البته درست است که اینها و تمامی مدعیان دروغین مهدویت رسوا و مفتضح شده اند اما باید ما بیدار باشیم و گول نیرنگها را نخوریم و نگذاریم که جوان ما به دام افتد و توجه داشته باشیم که قرار نیست هر روز یک مهدی برای اصلاح ظهور کند و از نظر اسلام: مهدی موعود (عج) که از دودمان رسالت است هنوز ظهور نکرده و تمام مدعیان از صدر اسلام تا به امروز دروغگویی بیش نبوده اند زیرا:

^۱ - قرآن کریم

^۲ - مهدی کیست؟ ابوطالب تجلیل تبریزی، ترجمه جلیل تجلیل، ص ۳۱۲

- ۱- مهدی موعود یکی است و تا کنون دهها نفر مدعی مهدویت شده اند
- ۲- اگر یکی را بپذیریم و دیگری را قبول نکنیم ترجیح بلامرجح لازم خواهد بود و اگر همه را قبول کنیم نقض غرض خواهد شد
- ۳- برای هر کشور و شهری یک مهدی ظهور نخواهد کرد
- ۴- مهدی اسلام وقتی ظهور کند پیروز خواهد شد و این مدعیان همگی شکست خورده اند
- ۵- مهدی اسلام (عج) موجب صلح بین المللی و عدالت جهانی خواهد شد ولی همه اینها باعث آشفتگی اوضاع مردم شده اند
- ۶- مهدی اسلام برای ترویج دین اسلام قیام خواهد کرد و ادعای نبوت نخواهد کرد اما اغلب مدعیان اول باب بوده اند و بعد مهدی شده اند و سپس نبی جدید و همین تناقضات موجب بی بها بودن همه شان گردیده است.

مهدی موعود

ایمان اروچی

امام مهدی (ع)

امام مهدی نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد گردید و پنج سال از زندگانی او در حیات پدر بزرگوارش گذشت و در آن مدت فعالیت مهم و اساسی پدر بزرگوارش (ع) بر دو امر مهم متمرکز گردید:

۱- احتیاط کامل از دستگاه ۲- آشنا کردن او با یاران نزدیک خود.

امام مهدی (ع) پس از پدر مسئولیت امامت را برعهده گرفت و آنروز پنج سال داشت (۲۶۰ هجری)

امام مهدی (ع) با بعضی یاران نزدیک خود بطور مستقیم تماس گرفت و به آنان توصیه می‌فرمود که مشاهدات خود را در میان مردم تبلیغ کنند و سفارش می‌کرد که مکان و سایر خصوصیات را که راه وصول بسوی او را برای مقامات دولتی آسان می‌ساخت پنهان دارند امام مهدی (ع) بیشتر مسایل را که به او می‌رسید از طریق وکیلان و سفیران خود که مورد اعتماد او بودند پاسخ داد و فقط با کسانی که اخلاقشان محرز می‌شد و تعیین می‌کرد که راز او را فاش نمی‌کنند تماس می‌گرفت.

آیاتی از انجیل لوقا

سطور ذیل قسمتی از باب بیست و یکم از انجیل لوقا است

آیه ۶ می‌بینید این چیزها را و آید زمانیکه گذاشته نشود و در آن سنگی بر سنگی مگر آنکه خواب بشود، پس او را پرسیده گفتند که استاد این کی خواهد بود و چه نشان خواهد دارد در پیوستن آن؟ گفت آگاه باشید که فریفته نشوید، زیرا بسیار به اسم خواهند آمد که گویند من هستیم و وقت قریب است، پس نیفتید به عقب ایشان. و چون بشنوید اخبار جنگها و هنگامه‌ها را مضطرب می‌شوید زیرا که بایست که همه اینها بجا آید لیکن هنوز وقت به اتمام نرسیده و در آن هنگام ایشان را گفت که برخوانند خواست قومی بر قومی و مملکتی بر مملکتی و در اماکن خواهند بود زلزله‌های عظیم و گرانبها و بادها خواهد آمد توهمات و نشانه‌های عظیم از آسمان. به درستی که تسلیم کنند شما را، والدین و برادران و خویشان و دوستان، بکشند بعضی از شما را. و شما نفوس خود را به صبر نگاه دارید و چون یابید اورشلیم را که محصور شده است و خیام سپاه آنگاه در یابید که نزدیک است و برای آن، در آن هنگام کسانی که در یهودی هستند بگریزند بسوی کوهستان و کسانی که داخل آن هستند به بلوکات روند و کسانی که هستند به بلوکات به اندرون آن نیابند.

زیرا که آنروزها است روزهای انتقام و تکمیل هر آنچه نوشته شده.

و وای بر آبستن‌ها و شیر دهندگان در آن ایام زیرا که گرفتاری عظیم بر زمین خواهد بود و این طایفه را سخت - و بدم شمشیر خواهند افتاد، و در همگی قبایل اسیر خواهند بود در آفتاب و ماه ستارگان و بر زمین گرفتاری طوایف به تحیر و صدای دریا و امواج. و خلق از وهم و انتظار آن قضایا که بر ربع مسکونی می‌آید بیجان خواهند شد زیرا که خواهد شد توانایی آسمان متزلزل. و در آن وقت خواهند دید فرزند انسان را بر آب نشسته با قوت و جلال می‌آید. آیه ۲۸ و چون شروع به این چیزها شود راست نشسته سری‌های خود را بالا نمائید زیرا که خلاصی شما نزدیک شده است.

و به آنها مثلی آورد که درخت انجیر و سایر درختها را ملاحظه نماید که چون به مجرد اینکه به بینید که شکوفه را می‌ریزد خود در یابید که ملکوت خدا نزدیک شده - و من به شما راست می‌گویم که نخواهد تا همگی

اینها به وقوع انجامد و آسمان و زمین خواهد گذشت و لیکن سخنان من نخواهد گذشت. پس بیدار بوده و دعا کنید در تمام اوقات تا شایسته باشید.

آیاتی از انجیل مقدس

چون مواد انجیل مرقس با تفاوت کلمات و جملاتی مطالبش نظیر گفته‌های انجیل لوقا است لذا آنچه آیه هم از باب سیزدهم انجیل مرقس را ذیلاً می‌خوانیم.

آیه ۵ پس عیسی در جواب آنها شروع نموده و فرموده که بر حذر باشید که کس شما را گمراه ننماید آیه ۱۹ زیرا که چنان زحمتی در آن ایام واقع خواهد شد که از آغاز آفرینش که خدا خلق نموده است تا این زمان نبوده است و نخواهد بود آیه ۲۰ و اگر خدا آن روزها را کوتاه ننموده بی‌هیچ بشری نجات نمی‌یافت لیکن به جهت خاطر برگزیدگانی که خود برگزیده آن ایام را کوتاه ساخت آیه ۲۱ پس در آن وقت اگر کسی شما را گوید که اینک مسیح در این جا است یا در آن جا است را در مکنید آیه ۲۲ زان رو که مسیحان کاذب و پیغمبران کاذب خواهند برخاست و چیزهای عجیب و غریب را نشان خواهند داد که اگر ممکن بود برگزیدگان را هم گمراه می‌نمودند.

اختلاف مسلمانان و اختلاف یهود

و قال له بعض اليهود: ما دفتتم نبيكم حتى اختلفتم فيه؟ فقال عليه السلام له: انما اختلفنا عنه لا فيه و لكنكم ما جفت ارجلكم من البحر حتى قلت لنيكم: اجعل لنا الهما كما لهم الهه فقال انكم قوم تجهلون. آن گاه که یکی از یهودیان به آن حضرت عرض کرد و هنوز پیغمبرتان را دفن نکرده درباره‌ی وی اختلاف پیدا کردید و فرمود ما درباره‌ی نبوت آن حضرت اختلاف نداشتیم بلکه درباره‌ی مطالبی که فرموده بود اختلاف پیدا کردیم اما شما هنوز پاهایتان از آب دریا (که نجات یافتید) خشک نشده بود که پیامبر خود گفتید: همان طوریکه دیگران بت دارند برای ما هم بت در نظر بگیر که آن را عبارت کنیم و موسی گفت: شما مردمی نادان هستید.

بشارت‌های تورات

کتاب مقدس یهود ((تورات)) بیش از صد آیه در سفارش مژده آمدن پیغمبر آخر الزمان و وصی دوازدهمینش را با وجودیکه تورات حاضر در دست یهودیان برای چندمین بار تحریف شده آشکارا می‌نویسد فصل ۱۸ در سفر تورات مثنی در آیه ۱۵ می‌گوید خداوند خدایت میان شما از برادرانت پیغمبری را مثل من مبعوث می‌گرداند او را بشنوید آیه‌ی هیجده همان فصل هیجده می‌گوید از برای ایشان پیغمبر مثل تو از میان برادران ایشان مبعوث خواهیم کرد و کلام خود را به دهانش خواهیم گذاشت تا هر آنچه فرمایم به ایشان برساند معلوم نیست با این صراحت تورات چرا هنوز قوم یهود در این ۳۵۰۰ سال گذشته نبوت پیامبران بعد از حضرت موسی (ع) را بطوریکه در دو آیه‌ی که خواندیم مانند حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام با اینکه صاحب شریعت بوده‌اند نپذیرفته‌اند آیه هفده از مزمور ۲۴ امیر داود علیه‌السلام می‌گوید: ای دروازه‌های سرهای خود را بلند نمائید وای درهای ابدی مرتفع شوید تا پادشاه ذیحلال داخل شوید آیه سی و هشت همان مزامیر می‌گوید، اما عامیان باهم مستاصل و عاقبت شیران منقطع خواهد شد آنقدر راز این اشارات دهنده در تورات هست که نعمایت ندارد.

چرا جوان

الف) وصف جوان

جوانی بهار سبز حیات است و فصل شیرین زندگی را در جوانی می‌توان جست. نشاط، شادابی، تلاش، اراده، پشتکار، نیرو، احساس، نوگرایی، فضیلت‌جویی و ده‌ها ویژگی دیگر در این مقطع جلوه می‌کند. جرقه‌های هویت‌جویی و استقلال‌طلبی که به نوعی همراه با بازیابی و بازسنجی گذشته خود و جامعه است، نخست در درون جوانی رها می‌شود.

و بالاخره امید به آینده برجسته‌ترین نمای زندگی یک جوان است. او وقتی به حال و شرایط موجود خود عشق می‌ورزد و از اراده و تلاش برخوردار می‌گردد که افق آینده خود را شفاف و روشن ببیند. این نشاط امیدبخش، به منزله‌ی نیروی محرکه‌ای برای حیات و لذت‌بردن از کار و کوشش است.

ب) نیاز نسل نو

پیام‌آوران دین به نیازهای محدودتر، خواسته‌های عمومی و کارآیی جوانانی نظر داشتند و دیگران را به درنگ در نیازهای دین قشر و رفتار نیک و سرشار از مهربانی با ایشان فراخوانده می‌فرمودند: جوان، نازک‌دل‌تر از دیگران است. دل جوان همچون زمینه خالی است که هرچه در آن کاشته شود آن را می‌پذیرد. جوانان را دریاب، اینان زودتر از دیگران به کارهای خیر روی می‌آورند.

آداب و رسوم خویش را به فرزندانان تحمیل نکنید، که آنان برای زمان غیر از زمان شما آفریده شده‌اند. پیشوایان ما با توجه به نیاز واقعی نسل نو، رهنمودها و برنامه‌های تربیتی خو را در این محور متمرکز کرده، به راهنمایی جوانان پرداختند و کانون دل ایشان را به نور ایمان روشن ساخته، منشور زندگی زیبا و جان‌بخش را به آنان ارزانی داشتند. در پرتو این توجه برخاسته از زاویه آینده‌نگری و آینده‌بینی، بسیاری از جاذبه‌های انحراف رنگ باخته، دام دزدان دل و اندیشه جوان برچیده گردید. نتیجه این سیستم تربیتی آن شد که در هر برهه و دوره‌ای، جوانان پیشتازان پیشرفت دین و کلید کامیابی پیامبران دین به شمار می‌آمدند.

ج) پیشگامان پیروزی

پس از بعثت پیامبر اسلام، روی‌آوری جوانان به آیین محمد (ص)، دو چندان بود. آنان با الهام از فطرت پاک خویش، پیشاهنگ پیروان اسلام گردیده، با شور و نشاط گرداگرد پیامبر (ص) جای گرفتند، و با حضور سبز و چشمگیر خود، قلب پیام‌آور وحی را شادمان ساختند، حضوری که در کلام پیامبر (ص) این‌گونه وصف شده است: من الله بعثنی بشیر و نذیر، فحالفنی الشبان و خالفنی الشیوخ.

خداوند مرا به پیامبری برانگیخت، پس جوانان با من پیمان بستند و یاریم کردند و بزرگسالان به مخالفت برخاستند.

یاران جوان^۱

بیشتر یاران قائم «جوان» اند. آن گونه که امیر سخن، علی بن ابی طالب (ع) بدان بشارت داده است:

«ان اصحاب القائم شباب لا كهول فيهم الا كاحل في العين او كالملاح في الزمرد و اقل انراد الصلح»

«یاران قائم جوان هستند در میان آنها پیرمرد یافت نمی‌شود به جز مانند سرمه در چشم و نمک در طعام، که کمتر از هر ماده در طعام هم نمک آن است.»

موعود نیز هم خود جوان است و هرچند که صدها سال از حیات او گذشته لیک به اعجاز الهی سیمایش به مانند جوانی خوش چهره می‌ماند. امام حسن (ع) در بیان این نکته می‌فرماید:

خداوند مهدی را به قدرت خویش در سیمای جوان کمتر از چهل سال آشکار و ظاهر می‌کند.

به تماشای طلوع تو، جهان چشم به راه
به اسیر قدمت، کون و مکان چشم به راه
به تماشای تو ای نور دل هستی، هست
آسمان، کاهکشان، کاهکشان چشم به راه

۳۱۳ فدایی^۲

یاران مهدی (عج) ۳۱۳ نفر هستند. به تعداد و یاران پیامبر اکرم در جنگ بدر، و به تعداد و یاران طالوت در نبرد با جالوت این رقم در بسیاری از روایات معتبر شیعه و سنی به ما رسیده است. از جمله فرمایش پیامبر اکرم (ص):

عدد یاران مهدی ۳۱۳ نفر - به تعداد اصحاب بدر - است.

احادیثی نیز نقل است که بر رقم‌های چون ۵ هزار، ۱۰ هزار و ۱۲ تا ۱۵ هزار نفر تأکید دارد و یا بر زنده شدن و همراهی بسیاری از برجستگان دین و مؤمنان گواهی می‌دهد. ابتدا این رقم‌های متفاوت و مختلف منافاتی با رقم واقعی اصحاب امام زمان (عج) ندارد. بلکه ۳۱۳ نفر، همان یاران اصلی و نخست امام بوده، که با گردآمدن ایشان، دعوت قائم (عج) آغاز می‌شود و سپس با جذب و گردآمدن دیگر دوستان وارد و تمنسون مهدی حرکت شکل می‌گیرد. کلام امام صادق (ع) بر این نکته اشاره دارد که: پس از اجتماع ۳۱۳ یار امام تا هنگام گردآمدن ده هزار نفر در مکه اقامت کرده و بعد از کامل شدن راهی مدینه می‌شوند. امام جواد (ع) به صحیفه مختومدی اشاره می‌کند که در آن مشخصات یاران مهدی ثبت است؛ همراه قائم (عج) صحیفه مهرشما می‌کند که اسامی یاران آن حضرت همراه با ویژگی‌ها، شهر، آراستگی‌ها و کنیه‌هایش در آن نوشته شده است.

حضور زنان^۳

زنان متعهد در طول تاریخ حماسه‌ها و قیام‌ها نقش چشمگیری داشتند. پیام‌آور حضور توام با عزت و عفت بوده‌اند. وجود پنجاه زن جوان در میان ۳۱۳ یار امام زمان (عج) حکایتگر جایگاه ویژه آنان در عصر ظهور است. امام باقر (ع)؛ سوگند به خدا، سیصد و سیزده نفر بدون وعده پیشین گرد می‌آیند. در میان آنها پنجاه زن هست. بی‌شک کارآمدی زنان در عرصه‌هایی جلو می‌نماید که با سرشت و طبیعت ایشان سازگار باشد، از این رو

۱. پور امینی محمد باقر - عنوان کتاب: یاوران مهدی (عج). ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). نوبت چاپ: اول سال ۱۳۴۷

۲. پور امینی محمد باقر - عنوان کتاب: یاوران مهدی (عج). ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). نوبت چاپ: اول سال ۱۳۴۷

۳. پور امینی محمد باقر - عنوان کتاب: یاوران مهدی (عج). ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج). نوبت چاپ: اول سال ۱۳۴۷

سرپرستی و انجام امور بهداشت و درمان را می‌توان یکی از کارکردهای آنان نام برد. این نکته را از سخن امام صادق (ع) پیرامون آن دسته از زنانی که رجعت نموده و در زمره یاران عمومی مهدی (ع) قرار می‌گیرند می‌توان فهمید امام می‌فرماید: همواره مهدی (عج) سیزده زن است. آنان مجروحان را مداوا می‌کنند و از بیماران جنگی پرستاری می‌نمایند چنانچه زنان در زمان پیامبر اسلام (ص) همراه او بودند.

قدرت و شجاعت^۴

یاران مهدی (عج) توان و قدرت چهل مرد دارند. شیران مبران رزمند و جان‌هایشان از خار سنگ محکم‌تر. امام صادق (ص) می‌فرماید: لوط پیامبر از این سخن خود که به دشمنان گفت: ای کاش نیروی قدرتمندی علیه شما داشتیم یا به استوانه‌ای محکم پناه می‌بردم. آرزوی نیرویی همانند نیروی قدرتمند مهدی موعود (ع) و یاران او را داشت که یک تن از آنان توان چهل مرد را دارد، آنان دل‌های استوارتر از پاره‌های آهن دارند و چون از برابر کوه‌ها می‌گذرند صخره به لرزه درآیند، شمشیرها را غلاف نمی‌کنند تا آن هنگام که خداوند بخواهد و خشنود شود. امام ششم در گفتاری دیگر به این نکته اشاره اشاره می‌فرماید که یاران قائم هر یک توان خود را برابر با سیصد نفر می‌بیند. بی‌شک این دو شبیه، از قدرت فراوان آنان حکایت دارد. پیامبر (ص) فرمودند: اصحاب موعود از بهترین سوارکاران روی زمین هستند.

امام باقر (ع) در بیگانه بودن آنان با ترس چنین بیان می‌دارد: هنگامی که قائم ما قیام می‌کند و مهدی ظهور نماید جرأت و دلیری هر یار او از شیر بیشتر می‌گردد. آنان بی‌محابا در صحنه کارزار می‌تازند برای که: دل‌هایشان چون قطعه فولاد می‌شود که اگر با آن دل، خود را به کوه بزنند آن را از جای می‌کنند. دل‌هایی چون پولاد دارند در هر سو - تا مسافت یک ماه - ترس بر دل‌های دشمنان سایه می‌افکند. پیشوای پنجم در تصویر آیه «اولی باس شدید» می‌فرماید: همانا قائم و یارانش هستند. آنان سخت نیرومندند. البته راز توانمندی و دلیری یاران جوان مهدی (عج) در حرکت طبیعت دل‌ها و حضور در محفل شفابخش جان‌ها نهفته است: هر کس که قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد بهبودی می‌یابد و اگر ناتوان باشد نیرومند می‌شود.

عدالت اجتماعی^۵

امام صادق (ع): مهدی، عدالت را، همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان می‌کند، و دادگری او همه جا را فرا می‌گیرد. گسترش عدالت سراسر جهان و ریشه‌کنی بیداد از همه‌ی آبادی‌های زمین، از نخستین برنامه‌های انقلاب امام مهدی (عج) می‌باشد و از هدف‌های اصلی آن امام بزرگ و نجاتبخش است. این موضوع در بشارت‌ها و احادیثی که درباره آن حضرت رسیده است خیلی روشن یاد شده است. در سخنان پیامبر بزرگوار اسلام و امامان معصوم که درباره‌ی قیام امام دوازدهم آمده، دعوت به توحید و مبارزه با شرکت و کفر به اندازه‌ی ایجاد عدالت و اجرای آن مورد تأکید قرار نگرفته است. علت این موضوع شاید این باشد که با آموزش‌های پیامبران گذشته و بویژه پیامبر ما و دین اسلام همچنین رشد علم و آگاهی بشر، انسان‌ها به خدای یکتا ایمان می‌آورند و اندیشه خدانشناسی شکست می‌خورد و نوع جامعه‌های انسانی دارای عقیده

۴. پور امینی محمد باقر - عنوان کتاب: یاوران مهدی (عج)، ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، نوبت چاپ: اول سال ۱۳۴۷
۵. مؤلف، مهدی حکیمی - عنوان کتاب: امام مهدی (عج) و آینده زندگی، ناشر انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، نوبت چاپ: اول

مذهبی و خدایی می‌گردند لیکن با این وصف در آتش ظلم، حقکشی و کینه‌توزی و روابط غیر انسانی می‌سوزند و با زندگی بی‌عدالت که در حقیقت شکنجه و مرگ تدریجی است دست به گریبانند از این رو نیاز عمده‌ی جامعه بشری برقراری عدالت و دادگری است و حاکمیت روابط انسانی بر جامعه انسان‌ها تشنه عدالت‌اند و خواهان آیین و دینی که این تشنگر را فرو بنشانند و آتش بیدادگری را خاموش کند و عدالت واقعی را به وجود آورد. که همه مردم کوچک و بزرگ و قوی و ضعیف آن را آشکار ببینند.

بنابراین مشکل اصلی و نخستین آن نجات دهنده‌ی بزرگ انسان، مشکل خداپاوری یا انکار خدا نیست بلکه مشکل اصلی ظلم و ستم جهان‌سوز و همه‌جایی است که بشریت را در کام خود فرو برده و در آتش خود سوزنده است و دین و عقیده و آزادی و خواب و خوراک و آسایش و همه چیز انسان را نابود ساخته است. به این جهت امام مهدی (عج) که آخرین نجات‌دهنده‌ی انسان‌هاست بعد از ظهور مبارک خویش، اصول عدالت و دادگری را در میان همه‌ی انسان‌ها برقرار می‌سازد و همه مردم را از بدی و آزار رسانی و زشتی و محرومیت رهایی می‌بخشد.

حکومت مستضعفانه

امام علی (ع): ایشان و مستضعفان میراث بر زمین، خاندان پیامبرند که خداوند بعد از سختی‌ها مهدی ایشان را برانگیزد و به آنان عزت بخشد و دشمنانشان را خوار سازد.

از برنامه‌های اصلی امام مهدی (عج) تشکیل دولت مستضعفان و محرومان است. مستضعفان کسانی‌اند که توسط زورمندان ضعیف نگهداشته‌اند و حقوق آنان پایمال شده است. در دوران ظهور هنگامی که ظالمان و زورمندان کنار گذاشته شدند، مانع راه مستضعفان برداشته می‌شود و همه کارها به دست افراد دو طبقات محروم سپرده می‌شود. بنابراین تهیدستان هستند که بر جامعه حکومت می‌کنند و جامعه را اداره نمایند. دیگر از ستمکاران و اشراف و حکومت‌های ظالم خبری نیست. این هدف تمام پیامبران و انسان‌های بزرگ بوده و اسلام نیز چنین هدفی داشته است. پیامبر (ص) و امامان ما همه در راه رسیدن به چنین هدفی گام برداشته و سختی کشیده‌اند و حتی در این راه به شهادت رسیده‌اند. در طول تاریخ همیشه ستمگران و ظالمان و جباران ... محرومان تهیدست و مستضعف را به بردگی می‌کشیدند و آن‌ها را به کارهای سخت مجبور می‌کردند و حقوق و دسترنجشان را می‌خوردند. همیشه چنین افرادی وجود داشته‌اند که دیگران را تحقیر می‌کردند و آزادی آنان را سلب می‌نمودند و مانع رشد و ترقی آن‌ها می‌گشتند، و از اجرای قانون و اصل عدالت مانع می‌گردیدند. در تمام این دوران انسان‌های بزرگ به کمک محرومان و تهیدستان می‌آمدند و با زورگویان و ظالمانه به مبارزه می‌پرداختند، لیکن در هیچ دوره‌ای پیروزی همگانی و همه‌جایی پدید نیامد. و اگر در دورانی حکومتی برای محرومان و زیردستان تشکیل شد، با نیرنگ، جنگ و خونریزی ستمگران و سلطه‌طلبان مواجه گردید و پس از مدتی شکست خورد. اما در دوران حاکمیت امام موعود (عج) آن انسان بزرگ تمام آیین پیامبران و امامان و مصلحان بشری را اجرا خواهد کرد. حکومت در دست مستضعفان قرار خواهد گرفت و عدالت مطلق اجرا خواهد شد. دیگر ظالم و ستمگری وجود نخواهد داشت تا مظلوم و ستم‌دیده‌ای وجود داشته باشد و زورگویی وجود ندارد که مردمان را به زیر سلطه خویش درآورد طبقات اجتماعی از بین خواهد رفت. همه افراد برادروار زندگی کرده و زندگی‌هایی نزدیک به هم خواهد داشت و همه افراد به فکر محرومان و مستضعفان خواهند بود و همه مردم به نیازهایشان خواهند رسید.

روش زندگی امام موعود (عج)

« امام صادق (ع): به چه جهت درباره خروج قائم عجله دارید؟ به خدا سوگند، او جامعه‌ای درشت می‌پوشد و خوراک خشک و ناگوار می‌خورد.»

امام مهدی (عج) چون همه پیامبران بسیار ساده‌زیست است. لباس‌های درشت و کم بها می‌پوشد و خوراک خشک و ناگوار می‌خورد. اهل آسایش و تن آسایش نیست. چون پیامبران از هرگونه تعظیم و بزرگداشت و ستایش پرهیز دارد. او به معنای واقعی زاهد است و جز به ضروریات زندگی تن نمی‌دهد و در سطح پایین‌ترین طبقات بلکه دشوارتر از آنان زندگی می‌کند.

امام مهدی (عج) همانند حضرت یحیی (ع) زاهدترین و عابدترین مردمان است. با ظهور او دیگر بار اخلاق و رفتار پیامبر و امامان آشکار می‌شود. او تجلی دوباره‌ی زندگی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و دیگر امامان است و لباس و خوراک و خانه و کاشانه او یادآور لباس و خوراک و خانه‌ی کوچک و بی‌نهایت ساده‌ی پیامبر (ص) و امام علی (ع) است. آری! رهبری جامعه اسلامی باید چنین باشد. آنان که زندگی‌های مرفه و آسوده دارند و با شادی زندگی می‌کنند، در کاخ‌ها سکونت دارند به دور از آسایش خلق

دوستی و ایثار

لطف و صفا بر دوستی یاران صبح سایه می‌گسترده‌اند بدان حرکت تفسیر واقعی همدلی و همرازی را می‌توان در آینه انس آنان نظاره کرد. پیشوای یازدهم (ع) ایشان را دوستان با صفا می‌نامد. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید:

زمان قیام قائم دوران رفاقت و همدلی فرا رسد. مرو به سراغ مال به در رفته و حاجت خود بگیرد و احدی او را منع نکند. اوج محبت ایشان در این کلام معصوم جلوه‌گر است. «گویا یک پدر و مادر آنان را پرورانده‌اند. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است. پیامبر بزرگ اسلام این انس و الفت را یک عطیه‌الهر دانسته‌اند می‌فرماید:

خداوند دل‌های آن‌ها را با هم مهربان می‌کند.

نظم و ترتیب

یکپارچگی و هماهنگی تدبیر و نظم، سیره عملی و پیام رفتاری یاران مهدی (عج) است، حرکت و سکون، آرامش و پیشرفت و عملکرد آنان با نظم آراسته شده است. شیوه پسندیده‌ای که امیرالمؤمنان (ع) از آن چنین یاد می‌کند.

گویا آنان را می‌نگرم، زی و حیاتی یکسان، قد و قامتی برابر، در جهان و برای زندگی همانند و هم لباسند. امام حسین عسگری (ع) نیز این ویژگی یاران را به فرزند دلبنده‌اش خبر می‌دهد:

دوستان با صفا کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های در گران بها که دو رشته‌ای قرار گیرند شمع وجودت را احاطه کرده‌اند.

بر مرگ سواران شب حادثه‌هایید

خورشید نگاهید و در آفاق رهایید

مرداب کجا فرصت پیدا شدنش هست

آنگاه که چون موج از این بحر برآید
در سینه‌تان زهره صد موج نهفته است
حالی که سبک‌بارتر از ابر شماید

توده‌های مردم می‌زنند، ادعایی پوک و پوچ دارند و سختی یاوه می‌گویند.

امام موعود (عج) چون نیاکان خویش به هر کس هرچه خودش می‌بخشد و کسی دست خالی از نزد او باز نمی‌گردد و به جز خدا و رضای او به چیزی دیگری نمی‌اندیشد. و در برابر زحمات‌ها و کوشش‌هایی که برای مردم می‌کشد پاداشی در نظر ندارند و حتی ستایش و تشکری نمی‌خواهد امام موعود (عج) که داعی حق و گسترده عمل است، ذره‌ای در اجرای شخصی پای از حد و مرز عدالت بیرون نمی‌گذارد او نخست عمل را در درون خود پیاده کرده است و سپس به پیاده کردن آن در جامعه و جهان دست می‌زند.

عمران و آبادی زمین

از دیگر عوامل عمران و آبادانی و بهره‌برداری از امکانات تا حد امکان می‌باشد در دوران پیش از ظهور با همه پیشرفت‌های علوم از همین زمین‌هایی که قابل استفاده و کشاورزی هستند و آب‌هایی که می‌شود آن‌ها را ذخیره نمود و امکانات و ... بهره‌برداری صحیح نشده است. در بعضی مناطق به علت نفوذ استعمار و وابستگی و محرومیت از امکانات استفاده نشده است اما در دوران ظهور در تمام زمین‌ها و آب‌ها استفاده خواهد شد و تمام زمین آباد و سبز و خرم خواهد گشت.

کنترل و نظارت دقیق مرکزی

امام مهدی (عج) برای رسیدن به نظم اجتماعی و رفاه اقتصادی کنترل و نظارت دقیقی بر حاکمیت مرکزی جهان خواهد داشت و با تشکیل یک مرکز، تمام منابع ثروتمند و درآمد جامعه را بدون هیچ‌گونه فرقی در اختیار کل افراد بشر قرار می‌دهد و همه امکانات را به تساوی تقسیم می‌کنند. و با این کنترل دقیق عوامل اصلی فقر و محرومیت که دولت‌های ظلم و کفر و سرمایه‌داران هستند از میان می‌رود. در آن دوران این طور نخواهد بود که بخش‌هایی از جامعه عقب مانده و فقیر و بخش‌هایی ثروتمند باشند و گروهی بی‌سواد و مریض و بدون بهداشت و گروه دیگر در حد بالای خدمات بهداشتی و رفاهی باشند.

« در اوج تنهایی »

در اوج تنهایی ...

این کلمه شما را به یاد چه چیزی می‌اندازد؟

آیا تاکنون در جمعی قرار گرفته‌اید که همه به شما بی‌توجه باشند؟

آیا تاکنون احساس غربت و تنهایی کرده‌اید؟

وقتی در میان جمعی زندگی کنید که اعمال و کردار ایشان برخلاف میل شما است آیا خود در تنها حس

نمی‌کنید؟

اکنون اگر ببینید در جمعی بالغ بر شش میلیارد نفر یک انسان کامل که خداوند متعال توسط انبیاء عظام علیه‌السلام او را به مردم معرفی نموده تا همه از او پیروی کنند و به وسیله او خود را به صلح و سعادت و کمال انسانی برسانند همه به یک سو می‌روند او به سوی دیگر، چه احساسی خواهید داشت؟

آیا او به اندازه شش میلیارد نفر احساس تنهایی نمی‌کند؟

او به اندازه‌ای تنها است که حتی جمعی منکر وجود مقدسش می‌باشند.

عده‌ای با آن که او زنده است می‌گویند او متولد نشده و در آینده به دنیا خواهد آمد. عده‌ای هم که به او اعتقاد دارند تحت تأثیر اکثریت مردم کره زمین قرار گرفته و توجهی به او ندارند. و اینجا اوج تنهایی اوست که معتقدین به او توجهی به او نداشته باشند یعنی: ... بعضی از آنان بگویند امام زمان (عج) حالا ظهور نمی‌کند، هنوز جهان آماده نیست. ... عده‌ای دیگر بگویند برو دعا کن امام زمان (عج) نیاید و الا اول با من و تو چه خواهد کرد. ... بعضی هم بگویند ما لیاقت نداریم آن حضرت را ببینیم، ما گنه‌کاریم، ای کاش آقای حالا ظهور نفرماید زیرا ما خود را نساختیم.

چرا؟

چرا باید من و تو اینقدر کم به یاد آن حضرت باشیم که سخنان فوق درباره آن حضرت گفته شود؟ چرا نباید افکار و سخنان فوق و امثال آن را از چهره زیبای شیعیان بزدا کنیم. تنهایی آن حضرت از آن جهت است که شیعیان تصوراتی دور از واقعیت درباره امام زمان (عج) دارند. « ظهور امام زمان (عج) در یک قدمی ماست »

امام هادی (ع) در روایتی فرمودند:

« وقتی امام زمانتان غایب شد فرج را به مانند نزدیکی زمین زیر پایتان، به خود نزدیک بدانید. »

یعنی همان‌طور که زمین زیر پایتان نزدیک‌ترین چیزها به شماست اگر به آن نگاهی بیندازید، همچنین اگر توجه به امام زمان (عج) و فرج آن حضرت داشته باشید و چشم از آن حضرت برندارید و دسته جمعی و یکپارچه فرجش را بخواهید، ظهور آن حضرت بمانند زمین زیر پایتان به شما نزدیک است. وقتی انسان چیزی را بخواهد و آن چیز به تلاش و عمل او بستگی داشته باشد رسیدن به مقصد در یک قدمی اوست و ظهور امام عصر ارواحنا فداه از همین قبیل است.

ظهور آن حضرت در یک قدمی ماست زیرا این ما هستیم که باید خواستار ظهور حق و عدالت به دست آن حضرت شویم و آمادگی خود را اعلان نماییم در صورتی که در حال حاضر بسیاری از مردم از ظهور امام عصر ارواحنا فداه هراس دارند و آن را بر هم زننده وضعیت موجودی که به آن راضی هستند می‌دانند.

امام زمان (عج) را تنها گذاشته‌ایم

آری ما در خواب غفلت فرو رفته‌ایم و دوست دشمن را برای آنکه هر چه می‌خواهد بگوید باز گذاشته‌ایم همان‌گونه که جد غریبش را در صحرای کربلا انسان‌های غافل‌ی چون ما تنها گذاشته و دشمن هر چه خواست به آن حضرت و پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی (ع) جسارت کرد و حتی آن حضرت را که حجت خدا در زمین بود شخص بی‌نماز معرفی کرد. پس جای تعجب نیست که اکنون نیز امام عصر (عج) را خشن خونریز و ویرانگر معرفی نماید تا همه از او بترسند و هیچکس حتی در دل جرأت نکند بگوید خدا من مشتاق ظهور آن حضرت هستم پس ظهورش را همین امروز برسان.

اگر ما بخواهیم ظهور نزدیک است

اگر ما بخواهیم ظهور نزدیک است زیرا ظهور امام زمان (عج) می‌تواند به دو نحو صورت پذیرد: یکی آن که مردم یکپارچه شوند و آن را از خدای بزرگ بخواهند و دیگر آنکه مردم دست روی دست گذاشته و منتظر وقوع حوادث بنشینند تا پیمانهای ظلم و ستم و دوری از خدا پر شود و در نهایت خداوند فرج را در آخرین زمان ممکن انجام دهد.

زمان ظهور پایان عمر شیطان

بد نیست بدانیم علت دیگری که شیاطین و دشمنان خاندان عصمت (ع) ظهور امام عصر ارواحنا فداه بیاورد و می‌پندارند آن است که آنانی از ظهور امام عصر ارواحنا فداه وحشت دارند و آن را پایان عمر شیطان خود می‌دانند در نتیجه القاء نموده‌اند که: ۱- حالا حالاها خیلی مانده امام ظهور بفرمایند. ۲- ما لیاقت آن حضرت را نداریم. ۳- اگر بیاید اول گردن من و تو را می‌گیرد و می‌زند. ۴- اگر بیاید مال و مقام و فرزند و زن و ... را از تو می‌گیرد.

در نتیجه چون اگر مردم مسلمان خود را چنان نساخته‌اند که این‌ها را سخن شیطان بدانند و چنان روحیه‌ای داشته باشد که چنین مسائلی برایش مطرح نباشد از ظهور آن حضرت می‌ترسند و با آنکه آن بزرگوار را دوست دارند ولی اعماق قلب خواستار ظهورش نیستند و هنوز جهان آماده این امر نیست.

وقتی نسل قبل چنین تصویری داشت، نسل حاضر هم چنین فکر کرد، نسل بعدی هم همین‌طور این فکر را خواهند پذیرفت در نتیجه معلوم نمی‌شود مردم چه زمانی باید امام زمان (عج) و ظهور مقدمش را طلب نمایند. و به همین وسیله شیطان به خوبی موفق شده است مردم مسلمان را از فکر امام زمان (عج) خارج و آن حضرت را مربوط به زندگی آن‌ها نداند این‌ها مصائبی است که امروز باید نشست و همچون حضرت امام صادق (ع) خالصانه برای آن اشک ریخت چنان که آن بزرگوار برای چنین مصائبی ناله کرده و دعای ندبه را به شیعیان تعلیم داده‌اند تا امروز بعضی از اشخاص کم‌معرفت و بی‌معرفت به امام زمان (عج) نگویند چرا اینقدر به یاد امام زمان (عج) هستید و لازم نیست زیاد از آن حضرت اسم ببرند. اگر این اشخاص با امام صادق (ع) رو به رو می‌شوند لابد به آن حضرت خیلی مانده ایشان تشریف بیاورند هنوز دنیا آماده نیست و ...

امتیازات زندگی در عصر ظهور

ای کاش مردم می‌دانستند با ظهور امام زمان ارواحنا فداه جهان چگونه متحول می‌شود که فهرست این تحول را به طور خلاصه برشمردیم:

۱. تمامی فقراء از لحاظ مالی بی‌نیاز و همه انسان‌ها ثروتمند می‌شوند.
۲. هیچ گرسنه‌ای در کره‌ی زمین باقی نمی‌ماند مگر آنکه سیر شود.
۳. هیچکس بدون پوشاک و لباس مناسب نخواهد ماند.
۴. هیچکس بدهکار و مقروض نخواهد ماند.
۵. هیچکس در جهان غم‌دیده و ناراحت نخواهد بود.
۶. هیچکس در غربت و دوری از وطن به سر نخواهد برد.
۷. هیچ انسان اسیر و دربند نخواهد زیست.
۸. تمامی امور جامعه اسلامی اصلاح و از فساد پاک خواهد شد.
۹. هیچ انسانی مریض نخواهد زیست و تمامی امراض از محیط زندگی بشر خارج شده.

حضور مهدی موعود در میان ما

درست است که اکنون صاحب غدیر خم در میان ما نیست تا بتوانیم سر بر آستانش بنهیم و او را امام و مقتدای خود بخوانیم اما فرزند او موعود غدیر وارث غدیر «مهدی عج» در میان ماست. بیا تا مانند مردم آن زمان نباشیم. بیا تا برای امامان شادی آفرین باشیم نه باعث غربت و مظلومیت. تو خودت خوب می‌دانی که موعود غدیر یگانه وارث غدیر می‌باشد. پس بیا تا در طلیعه غدیر پیمان خویش را با او محکم کرده غبار زندگانی خود را زلالی بخشیم و مرهمی بر دل غمین مولا باشیم. و تو ای موعود غدیر!

بیا که ظهور تو تسکین‌بخش خاطر امیرالمؤمنین و التیام‌بخش زخم‌های روح و جان مادرت حضرت زهرا (ع) است بیا و با ظهورت دل غمین مادر را شاد کن و انتقام او و همسر مظلومش را از اعداء بگیر. مهربان امام مهدی عزیز در انتظار مقدم پاکت نشسته‌ام جان و مال و فرزندمان فدای قدم تو، بیا و دستمان بگیر.

شبهات امام زمان به دیگر امامان:

شبهات امام به پیامبر قیام با شمشیر است. شبهاتی که به یونس (ع) دارد غیبت اوست که بعد از پیروی به صورت جوانی به سوی قومش بازگشت. شبهات او به یوسف؛ غیبت و پنهانی او از خواص خود و عموم مردم و برادرانش و اشکالی بود که کار وی برای پدرش یعقوب پدید آورده بود با اینکه مسافت بین او و پدر و کسان و علاقمندان نزدیک بود شبهاتی که به مؤمنی دارد، ترس ممتد وی از مردم و غیبت طولانی و مخفی بودن ماجرای ولادتش و پنهان گشتن پیروان او بوسیله‌ی آزار و خواری که بعد از وی به آن‌ها رسید تا گاهی که خداوند عزوجل فرمان ظهور او را صادر کرد و بر دشمنان پیروز مؤید داشت.

شبهات وی به عیسی؛ اختلافی است که مردم درباره‌ی او دارند. زیرا جماعتی گفتند او متولد نشده و عده‌ای گفتند او مرده است و گروهی گفتند او را کشتند و به دار زدند و اما شبهاتی که به جدش محمد مصطفی (ص) دارد قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول و جباران و گردنکشان و پیروزی وی به وسیله‌ی شمشیر و ربعی است که در دل ما پدید می‌آورد.

منابع و مأخذ:

۱. یاوران مهدی (عج) - نویسنده: پور امین محمد باقر
۲. امام مهدی (عج) و آینده‌ی زندگی - مؤلف: مهدی حکیمی
۳. در اوج تنهایی - علیرضا نعمتی
۴. مهدی موعود - مترجم: علی دوانی
۵. برکه‌ی نور - برداشتی از خطبه‌ی غدیر
۶. کمال‌الدین - شیخ صدوق
۷. راهی به سوی نور - علیرضا نعمتی

امام مهدی (عج) در نهج البلاغه

محمدرضا انبیائی دانشجوی کارشناسی عمران دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر و پژوهشگر نمونه^۱

چکیده

در این مقاله کوشیده‌ایم با توجه به منابع موجود در تفسیر و شرح‌های نهج البلاغه، اشارات مستقیم و قابل توجه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به وجود مقدس حضرت ولی عصر را جمع‌آوری نمائیم. در این مقاله به شرح آیاتی خطبه‌ها و حکمت‌هایی از نهج البلاغه خواهیم پرداخت که در آنها به وجود حضرت حجت (عج) اشاره گردیده است و مفسرین نهج البلاغه شریف در تفسیر آنها به وضوح سخن به میان آورده‌اند. لذا لازم به ذکر است، بنا بر حجم بالای مطالب جمع‌آوری شده و محدودیت در حجم مقاله تنها بخشی از بررسی‌های انجام شده در این مقاله آمده است، که امیدواریم در فرصت‌های آینده بتوانیم قسمت‌های بعدی این مقاله را نیز ارائه نمائیم. در خطبه دوم می‌فرماید:

هم موضع سره و لجا امره و غیبه علمه و موئل حکمه و کهوف کتبه و جبال دینه، بهم اقام الخیاء ظهره و اذهب ارتقاء فرائضه...

لا یقاس بال محمد صلی الله علیه و اله من هذه الامه احد و لا یسوی بهم من جرت نعمته علیه ابداء، هم اساس الدین و عماد الیقین، الیهم یفی الفالی و بهم یلحق القالی و لهم خصائص حق الولاية و فیهم الوصیه و الوارثه.^۲

آل محمد (ص) جایگاه اسرار خداوند و پناهگاه فرمان او و گنجینه علم او و مرجع احکام او و حافظان کتابهای او و کوههای استوار دین اویند، خداوند به وسیله اهل بیت پیامبر پشت خمیده دین را راست نمود و اضطراب آن را برطرف ساخت ... کسی را با آل محمد (ص) نمی‌توان مقایسه نمود و کسانی را که پرورش یافته نعمت ایشانند با ایشان برابر نمی‌توان دانست، آل محمد (ص) اساس دین و ستون یقین‌اند، شتاب کننده (غلو کننده) به ایشان باز می‌گردد و واپس مانده به ایشان می‌پیوندد، ویژگیهای حق ولایت از آن ایشان است و وصایت و وراثت به ایشان مستقر است.

در خطبه چهارم می‌فرماید:

« بنا اهتدیتم فی الظلماء و لستمتم ذروه العلیاء و بنا افجرتم عن السرار»

شما مردم به واسطه ما از تاریکیهای نادانی به نور ایمان هدایت شدید و به وسیله ما به اوج ترقی و تعالی رسیدید و سپیده دم خوشبختی شما به واسطه ما دمید.

خطبه ۹۳:

« اما بعد حمد الله، و الثناء علیه، ایها الناس، فانی فقات عین الفتنه ...»

اما بعد از حمد و ثنای خداوند، ای مردم، من چشم فتنها را در آوردم ...

۱. آدرس: کاشمر - خیابان ۱۷ شهریور ۱۲ - جنبه تکیه جوانان حسینی - پلاک ۲۶ تلفن ۸۲۲۵۶۹۶ - ۰۵۳۲ فاکس:

۰۵۳۲ - ۸۲۴۱۵۲۰ تهران - سعادت آباد - بلوار فرهنگ - جنب اداره کل آموزش و پرورش مدارس خارج از کشور - پلاک

۶۲/۱ همراه ۰۹۱۵-۳۳۲-۲۰۱۲

Personal e-mail : m_r_anbiyaei@yahoo.com

۲. منتخب الاثر ص ۴ و ۵

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۷ - ۶۰

ابن ابی الحدید پس از تأیید اعتبار و ارزش تاریخی این خطبه می‌گوید:
 علی (ع) پس از انقضاء داستان نهروان، این خطبه را ایراد فرموده؛ و خطبه دارای فرازهایی بوده که سید رضی آنها را ایراد نکرده است.

آنگاه به ذکر فرازهای ایراد نشده پرداخته؛ و از آن جمله است:

«فانظروا اهل بیت نبیکم، فان لبدو فالدوا، و اذا استنصروکم فانصروهم، فلیفرجن الله الفتنة برجل منا اهل البیت. بابی ابن خیره الاماء، لایعطيهم الا السیف، هر جا هر جا موضوعا علی عاتقه ثمانیه اشهر، حتی تقول قریش: لو کان هذا من ولد فاطمه لرحمنا. یغیربه الله بنی امیه حتی یجعلهم حطاما و رفاتا ملعونین اینما تقفوا اخذوا و قتلوا تقتیلا سنه الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنه الله تبدیلاً»

به اهل بیت پیامبر خود بنگرید؛ پس اگر آنان بر جای خود نشستند شما هم بنشینید؛ و اگر به پا خواستند شما هم به پا خیزید؛ و اگر از شما یاری طلبیدند آنها را یاری دهید. شکی نیست که خداوند بوسیله مردی از ما خاندان (پیامبر) با در کوبیدن فتنه، مردم را از آن بر کنار کند (آنچنانکه پوست حیوان را از گوشت جدا سازند). پدرم به فدای پسر بهترین کنیزان که جز شمشیر چیزی بدانها (فتنه جویان و مفسدان فی الارض) حواله ندهد؛ کشتار و نابودی است که بدان محکوم شوند؛ هشت ماه شمشیر از دوش نهد تا آنکه قریش گویند: اگر این شخص (مهدی) از فرزندان فاطمه بود بر ما رحم می‌کرد.

خداوند او را برای درافتادن با بنی‌امیه برانگیزد تا آنجا که آنان را تار و مار سازد؛ (و چنانکه خداوند در قرآن فرموده است؛) آنها رانده‌شدگان هستند که هر جا آنان را بیابند محکوم به مرگ نمایند.

این سنت الهی باشد که در حق پیشینیان به اجرا درآمده، و از این پس هم خلل‌ناپذیر خواهد بود.

ابن ابی الحدید می‌نویسد:

اگر سؤال شود: آن شخصی که به آن وعده داده شده و امام (ع) با جمله «پدرم به فدای پسر بهترین کنیزان» از وی تعبیر نموده کیست؟

گفته می‌شود: اما امامیه، پس به گمان آنها وی امام دوازدهم ایشان است؛ و وی فرزند کنیزی به نام نرجس می‌باشد.

اما اصحاب ما (اهل تسنن)، پس گمان کرده‌اند او فاطمی است که در آینده از کنیزی متولد خواهد شد، و در حال حاضر (عصر ابن ابی الحدید) موجود نیست.

و اگر گفته شود از بنی‌امیه چه کسی در آن وقت موجود است تا آن شخص موعود انتقام بنی‌امیه را از او بگیرد، در حالیکه (و) طبق جمله «فعند ذالک تود قریش بالدنیا و ما فیها لو یرونی مقاما واحدا. و لو قدر جزر جزرور» - که در متن خطبه است - آنان خوش دارند که علی (ع) بر آنان حکومت می‌کرد؟

می‌گوئیم: اما امامیه، پس قائل به رجعت هستند؛ و به گمان آنها در آینده به هنگام ظهور امام منتظرشان، گروهی از افراد بنی‌امیه و دیگران به دنیا باز خواهند گشت و امام منتظر دست و پای آنها را قطع، و دسته‌ای را میل در چشمانشان فرو برد، و دسته دیگر را بدار کشد، و انتقام آل محمد را از دشمنان پیشین و آینده بگیرد.

و اما اصحاب ما (اهل تسنن) چنین پندارند که خداوند از این پس در آخرالزمان مردی را از فرزندان فاطمه، که در حال حاضر موجود نیست، خلق کند و او زمین را سرشار از عدالت کند همچنانکه از ظلم و ستم سرشار گردیده؛ و از ستمگران انتقام گیرد و به سخت‌ترین شکلی آنان را کیفر دهد؛ و او از کنیزی خواهد بود؛ و همانطوریکه در این فراز از کلام امیرالمؤمنان (ع) و دیگر آثار وارد شده، نامش همانند رسول الله صلی الله علیه و آله، «محمد» می‌باشد؛ و هنگامی ظهور کند که ملکی از دودمان بنی‌امیه بر بیشتر کشورهای اسلامی حکومت

نماید، و او همان سفیانی موعود در خبر صحیح، و از اولاد ابوسفیان بن حرب بن امیه خواهد بود که امام فاطمی او و پیروانش از بنی امیه و دیگران را خواهد کشت.

خطبه ۱۰۰:

« و خلف فینا رایه الحق، من تقدمها مرق، و من تخلف عنها زهق، و من لزمها لحق، دلیلها مکیت الکلام، بطیء القیام، سریع اذا قام، فاذا انتم التتم له رقابکم، و اشرتم الیه باصابعکم جاءه الموت فذهب به فلبثتم بعده ماشاء الله، حتی یطلع الله لکم من یجمعکم، و یضم نشرکم، فلاتطمعوا فی غیر مقبل، و لاتیأسوا من مدبر، فان المدبر عسی ان تزل به احدی قائمته، و تثبت الاخری، فترجعا حتی تثبتا جمیعاً»

او (پیامبر) پرچم حق را برافراشت و در میان ما به یادگار گذارد؛ آن کس که از زیر سایه این پرچم پای پیش نهد از شریعت اسلام خارج گردد؛ و آن کس که از پیرویش سرباز زند به هلاکت رسد؛ و سرانجام کسی که زیر سایه این پرچم به پیش رود راه سعادت پیموده و به آن دست یابد.

پرچمدار این پرچم با شکیبائی و آرامش سخن گوید؛ و با کندی و تانی در اجرای کارها به پا خیزد؛ اما چون به پا خواست بسی شتاب کند تا به پیروزی نهائی رسد؛ پس آنگاه که سر در گرو فرمانش نهادید، و با سرانگشت به سویش اشاره کردید، دوران او سپری شده و مرگش فرا رسد.

از آن پس ناگزیر مدتی که مشیت الهی اقتضاء کند در انتظار بسر برید، آنگاه خداوند شخصیتی را برانگیزد تا شما را (که به اختلاف و جدائی گرائیده‌اید) جمع کند و پراکندگی شما را سر و سامان بخشد. پس به کسیکه (چیزیکه) رو نکرده دل مبندید؛ و از آن که رو گرانه ناامید مشوید.

آگاه باشید که آل محمد صلی الله علیه و آله همانند ستارگان این گنبد مینا باشند؛ آن هنگام که یکی از آنها غروب کند دیگری بدرخشد.

گوئی چنان است که در پرتو آل محمد (ص) نعمتهای الهی را بر شما فراوان و تمام شده می‌بینم؛ و آنچه را که آرزوی شما را در دل می‌پرورانید بدان دست یافتید.

ابن ابی الحدید می‌نویسد: امام این خطبه را در سومین جمعه زمامداری خود ایراد فرمود؛ و ضمن آن به مطالبی پیرامون احوال خود اشاره کرد. سپس همچون دیگر شارحان، بی‌چون و چرا هدف از ایراد این خطبه را پیشگویی از مهدی و توصیف آن حضرت دانسته و می‌گوید: شخصی را که خدا برمی‌انگیزد از اهل بیت است؛ و این سخن اشاره به مهدی آخرالزمان می‌باشد و در نزد ما (اهل تسنن) غیر موجود است و از این پس وجود پیدا خواهد کرد؛ و به عقیده امامیه اکنون موجود می‌باشد.

خطبه ۱۳۸:

« یعطف الهوی علی الهدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی، و یعطف الرای علی القرآن، اذا عطفوا القرآن علی الرای، حتی تقویم الحرب یکم علی ساق، بادياً نواجذها، مملوءه اخلافها، حلواً رضاعها، علقماً عاقبتها.»

او هوای نفس را به هدایت و رهنمود الهی برمی‌گرداند، آن هنگام که مردم هدایت الهی را به خواسته‌های نفسانی برگردانده‌اند.

و آنگاه که مردم قرآن را تفسیر به رأی کنند او آراء و نظریات را به قرآن گرایش دهد.

ابن ابی الحدید پیرامون این فراز سخنان امام علی (ع) می‌گوید:

این کلام اشاره به امامی است که خداوند او را در آخرالزمان به وجود می‌آورد و همو باشد که در روایات و آثار به او نوید داده شده است؛ و مقصود از گرایش به قرآن، لغو احکام صادره از روی رأی و قیاس، و منع از عمل بر طبق گمان و تخمین، و جایگزین کردن عمل بر طبق قرآن است.

و امام (ع) در فراز بعد چنین خاطرنشان می‌فرماید که:

رویدادها و حوادث بدانجا منتهی می‌شود که جنگ همه را به پا خیزاند، و همانند حیوان درنده‌ای که در موقع حمله دهان خود را برای دریدن شکار و بلعیدن آن، تا آخرین حد باز می‌کند به شما نیشخند زند؛ پستانهای آن از شیر پر گشته؛ مکیدن شیر آن بس شیرین است، و سرانجام بس زهرآگین.

امام (ع) این چنین سخن را ادامه می‌دهند که:

«الا و فی غد - و سیاتی غد بما لاتعرفون - یاخذ الوالی من غیرها عمالها علی مساویء اعمالها، و تخرج له الارض افالید کبدها، و تلقی الیه سلماً مقالیدها، فیریکم کیف عدل السیره، و یحیی میت الکتاب و السنه»
آگاه باشید، در فردا - فردائی که از آمدنش و آنچه همراه دارد ناآگاهید - والی و زمامدار (با این ویژگی که بر اساس وراثت از حکومت‌های قبل، یا بند و بست با گروه‌ها و احزاب چپ و راست، یا سرسپردگی به استعمارگران شرق و غرب روی کار نیامده):

کارفرمایان و عمال آن حکومتها را بحسب تجاوزات و خیانت‌هایی که مرتکب شده‌اند، محاکمه نموده، به کیفر رسانده؛ و زمین پاره‌های جگر خود را برای او بیرون آورد، و از روی تسلیم و فروتنی کلیدهای خود (اختیار گوشه و کنار جهان) را به سوی او اندازد؛ و آنگاه او روش زمامداری و آئین دادگستری پیامبر را به شما نشان دهد، و آثار مرده و فراموش شده کتاب و سنت را دگر بار زنده، و به اجراء و گسترش درآورد.

ابن ابی الحدید در ذیل این فراز نوشته است:

«ان الوالی یعنی امام الذی یخلقه الله تعالی فی آخر الزمان»

بدون شک مقصود از والی در این عبارت امامی است که خداوند او را در آخرالزمان خلق خواهد کرد. و علامه قندوزی نیز این فراز از کلام امیرالمؤمنین (ع) را تحت عنوان «فی ایراد الکلمات القدسیه لعلی کرم الله وجهه، الی ذکرها فی شأن المهدی فی کتاب نهج البلاغه» آورده است. و حاکم در «مستدرک» به نقل از مجاهد از ابن عباس آورده که گفت: و اما مهدی آنست که پر می‌کند زمین را از عدالت، همچنانکه پر شده باشد از ستم؛ و در این موقع چهارپایان و درندگان در امنیت بسر خواهند برد؛ و زمین پاره‌های جگرش را بیرون اندازد. مجاهد پرسید: پاره‌های جگر زمین چیست؟

ابن عباس پاسخ داد: قطعاتی همانند ستون‌هایی از طلا و نقره

خطبه ۱۵۰:

«... یا قوم هذا ابان ورود کل موعود، و ذنو من طلعه ما لاتعرفون. الا و ان من ادرکها منا یسری فیها بسراج منیر، و یحذو فیها علی مثل الصالحین، لیحل فیها ربقاً، و یعتق فیها رقاً، و یصدع شعباً، و یشعب صدعاً، فی ستره عن الناس، لا یبصر القائف اثره، و لو تابع نظره...»

ای مردم اکنون هنگام فرا رسیدن فتنه‌هایی است که به شما وعده داده شده؛ و نزدیک است برخورد با رویدادهایی که حقیقت آن بر شما ناشناخته و مبهم خواهد بود.

دانسته باشید آنکس که از طریق ما (مهدی موعود منتظر) به راز این فتنه‌ها پی برد و آن روزگار را دریابد، با مشعل فروزان هدایت ره بسپرد، و به سیره و روش پاکان و نیکان (پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام) رفتار نماید، تا در آن گیر و دار گره‌ها را بگشاید، و بردگان در بند ظلم و خودخواهی و ملت‌های اسیر استعمار را از بردگی و اسارت برهاند، توده‌های گمراهی و ستمگری را متلاشی و پراکنده سازد، و حق طلبان را گرد هم آورد،

و بدیگر عبارت تشکیلات کفر و ستم را بر هم زند و جدائی و تفرقه اسلام و مسلمانان را تبدیل به یکپارچگی نموده و سامان بخشد.

این رهبر (مدتها بلکه قرن‌ها) در پنهانی از مردم بسر برد و هر چند دیگران کوشش کنند تا اثرش را بیابند، نشانی از رد پایش نیابند.

در این هنگام گروهی از مؤمنان برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آمده شوند، همچون آماده شدن شمشیر که در دست آهنگر صیقل داده شده.

همینان چشمانشان به نور و فروغ قرآن روشن گردد، موج با شکوه تفسیر قرآن در گوش دلشان طنین‌انداز شود، شامگاهان و صبحگاهان جانشان از چشمه حکمت و معارف الهی سیراب گردد.

ابن ابی الحدید پیرامون این سخن می‌گوید:

جمله « و ذنو من طلعه ما لاتعرفون » کنایه از پیش‌آمدهای مهم و رویدادهای بی‌سابقه از قبیل دابه الارض، دجال، فتنه‌ها و کارهای خارق‌العاده وهم‌انگیز او، ظهور سفیانی، و کشتار بیش از حد مردم است.

آنگاه می‌نویسد:

امام با ایراد جمله « الا و ان من ادرکها » بذکر مهدی آل محمد (ص) پرداخته که از کتاب و سنت پیروی می‌کند.

و جمله « فی ستره عن الناس » بیانگر موضوع پنهانی و غیبت این شخصیت والا مقام مورد اشاره است.

سپس می‌گوید:

این موضوع امامیه را در عقیده مذهبی (ولادت حضرت مهدی (ع)) سودی نبخشد؛ هر چند که پنداشته‌اند سخن امام تصریح به گفته آنها درباره غیبت مهدی است؛ زیرا جایز است که خداوند این چنین امامی را در آخرالزمان بیافریند و مدتی در پنهانی بسر برد، و دارای مبلغین و نمایندگان باشد که دستورات او را به اجرا درآورند، و از آن پس ظهور نماید و زمام کشورها را بدست گیرد و حکومتها را زیر سلطه خود درآورد و جهان را مسخر فرماید.

اکنون توجه خوانندگان را بدین نکته جلب می‌نماید که ابن ابی الحدید از یکسو انطباق کلام امیرالمؤمنین (ع) را بر عقیده شیعه درباره حضرت مهدی حجه بن الحسن العسکری (ع) و ولادت و زنده بودن آن بزرگوار باور نکرده و رد می‌کند؛ و از سوی دیگر جایز و ممکن می‌داند که حضرت مهدی (ع) پس از دنیا آمدن، مدتی را در حال غیبت و پنهانی بسر برد، و نمایندگان و مبلغین از طرف حضرتش به وظائف محوله دینی پردازند؛ آنگاه ظهور کند و رسماً مشغول به کار گردد.

بدون شک این نظریه جز تعصب و لقمه دور سر گردانیدن، توجیه دیگری نمی‌تواند داشته باشد؛

چه اگر ممکن باشد که آن حضرت بعد از دنیا آمدن غایب گردد و ... پس همان نظریه‌ای را ارائه داده است که شیعه می‌گوید، منتها با یک اختلاف غیر اساسی؛

و آن اینکه شیعه معتقد به ولادت امام زمان در سال ۲۵۶ هجری است، و این اعتقاد مبتنی بر دهها حدیث از ناحیه امامان معصوم علیهم السلام، و اعترافات بیش از یکصد نفر از مورخان و دانشمندان اهل تسنن است که در مقدمه بدانها اشاره شد.

نیز علامه قندوزی در باب ۷۴ « ینابیع الموده » این فراز از کلام امام را بعنوان مهدی موعود اسلام و مورد نظر شیعه ایراد نموده است.

خطبه ۱۵۲:

« و قد طلع طالع، و لمع لامع، و لاح لائح، و اعتدل مائل، و استبدل الله بقوم قوماً، و بیوم یوماً، و انتظرنا الغیر انتظار المجدب المطر. و انما الائمه قوام الله علی خلقه، و عرفاوه علی عباده... »
 طلوع کننده‌ای طالع شد؛ و درخشنده‌ای بدرخشید؛ و آشکار کننده‌ای آشکار گردید؛ و آنچه به انحراف گرائیده بود به حق و اعتدال برگشت؛ و خداوند گروهی را به گروهی تبدیل، و روزی را در برابر روزی قرار داد.
 جز این نیست که امامان (برحق) پاسداران الهی بر خلق خدا هستند، و آگاهان مراقب از طرف او بر بندگان؛ کسی به بهشت نخواهد رفت مگر اینکه آنان را بشناسد؛ و هیچکس به دوزخ نخواهد رفت جز آنکه پیشوایان (برحق) را انکار کند، و آنها او را جزو پیروان خود ندانند.

ناگفته پیدا است که مقصود از این سخن - که شرط رفتن به بهشت را شناخت امامان، و مایه رفتن به جهنم را نشناختن امامان (ع) و انکار آنان اعلام نموده - شناختن و نشناختن امامان دروغین و پیشوایان ظلم و گمراهی نیست.

بنابراین متصدیان امر خلافت قبل از علی (ع)، و معاویه‌ها و یزیدها و مروان‌ها و عبدالملک‌ها و هشام‌ها از بنی‌امیه، و سفاح‌ها و منصورها، و هارون‌ها و مأمون‌ها و متوکل‌ها و معتمد‌ها و دیگران از بنی‌العباس (که سراسر عمرشان به کشتار اهل بیت پیامبر (ص)، و قتل و غارت مؤمنین و سادات، و پر کردن زندانها از افراد بیگناه، و راه انداختن مجالس شراب و قمار و زنا و هتک اسلام، و انواع جنایت طی گردید.) کسانی نبودند که شناخت آنها شرط سعادت و نشناختنشان مایه گرفتاری باشد.

آری اگر مقصود از این کلام، افراد نامبرده باشد، زمامداران خائن کشورها و مناطق مسلمان‌نشین و نوکران خود فروخته استعمار نیز دست کمی از آنان نداشته، و باید آنها هم معرفتشان مایه سعادت و عدم شناختنشان مایه جهنم باشد؛ و این مطلبی است که هیچ مسلمان عاقلی زیر بار آنها نمی‌رود.

چنانکه هدف از شناسائی امامان راستین، تنها شناختن نام آنها و نام پدرانشان و اطلاع بر تاریخ ولادت و درگذشتشان نیست. بلکه هدف اصلی از این وظیفه بزرگ اسلامی شناختن امام است با ویژگیهای علمی و سیره اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، و دیگر شؤون شخصی و امامتی، و اعتراف عقیدتی و عملی به مقام ولایت او.
 و مقصود از شناخت آنان مردم راه، شناختن بعنوان شیعه و در خط پیروی آنان بودن است؛ و این درست همان معرفت و شناسائی طرفینی مایه رفتن به بهشت و رهائی از جهنم است.

اکنون با توجه به جملات « انما الائمه قوام الله علی خلقه، و عرفاوه علی عباده » به این نکته پی خواهیم برد که باید در هر عصر و دوره‌ای از اعصار و دورانهای اسلامی کسی وجود داشته باشد که تحت عنوان «امام» و «پیشوا» قائم بر خلق خدا و مراقب بر بندگان او باشد. این حقیقتی است غیر قابل انکار که جز بر اساس عقیده شیعه درباره دوازده امام و تولد و حیات امام دوازدهم، بر هیچ فرقه‌ای از دیگر فرق اسلامی (چه شیعه و چه سنی) منطبق نخواهد شد.

بدین ترتیب تنها کسیکه در طول حدود ده قرن و نیم گذشته تاکنون و بعداً هم تا عصر انقلاب جهانی اسلام می‌تواند از بین اقشار و توده‌های مختلف اسلامی، مصداق بی‌چون و چرای سخن امام امیرالمؤمنین (ع) باشد همانا حضرت بقیه‌الله الاعظم، مهدی منتظر، حجه بن الحسن العسکری (عج) باشد، که گذشته از شیعه، بیش از یکصد و بیست نفر از بزرگان علمای اهل سنت و مراجع درجه اول حدیثی، تاریخی، و ادبی آنها اعتراف به ولادت و غیبت و نیز قیام جهانی حضرتش در آینده نموده‌اند.

آری، او هم‌اکنون در هر کجا که هست به وظیفه قائمیت بر خلق خدا مشغول، و به گفته محقق طوسی علیه الرحمه: «وجوده لطف، و تصرفه لطف آخر، و عدمه منا»

اصل وجودش لطف است، و دخالتش در امور لطفی دیگر، و عدم تصرف یا غیبتش از ناحیه ماست. در خطبه ۱۶۱ می‌فرماید:

(ابتعنه بالنور المضيئي و البرهان الجلی و المنهاج البادی و الكتاب الهادی اسرته خیر اسره و شجرته خیر شجره اغضانها معتدله و ثمارها متهدله)

خداوند پیامبرش را با نوری درخشان و برهانی آشکار و راهی روشن و کتابی هدایتگر برانگیخت، خانواده او نیکوترین خانواده و درخت او بهترین درخت، شاخه‌های آن در حد اعتدال و میوه‌های آویزان و در دسترس همگان است.

خطبه ۱۸۲:

« ... قد لبس للحکمه جنتها، و اخذها بجمیع ادبها من الاقبال علیها و المعرفه بها، و التفرغ لها، فهی عند نفسه ضالته التي يطلبها، و حاجته التي يسأل عنها. فهو مغترب اذا اغترب الاسلام، و ضرب بعسیب ذنبه و الصق الارض بجرانه، بقیه من بقایا حجتہ، خلیفه من خلائف انبیائه»

همانا زره دانش را بر تن پوشانده، و آن را با تمام آداب و شرائطی که می‌یابد - چون توجه به شناسائی و فراغت بال از سرگرمی به غیر آن - پس حکمت گمشده او باشد که پیوسته در جستجوی آن است و خواسته اوست که در تعقیبش پرس و جو می‌کند.

آن زمان که اسلام به غربت گراید و (همانند شتری که رنجور و از راه رفتن باز مانده دم خود را حرکت دهد و سینه بر زمین چسباند) حرکت و سازندگی خود را از دست بدهد، و او (حضرت مهدی (ع)) به غربت و پنهانی به سر برد (تا موقعی که از طرف خدا مأمور به قیام گردد و اسلام را از غربت و فراموشی و حالت بسی‌تفاوتی مردم برهاند).

او باقیمانده‌ای است از حجت‌های خدا و خلیفه ایست از خلفای پیامبران.

ابن ابی الحدید پیرامون این فراز از سخن امیرالمؤمنان (ع) نوشته است:

این گفتار را هر گروهی بر اساس عقیده خود تفسیر کرده‌اند. شیعه امامیه گمان کرده‌اند که مقصود از این شخصیت، مهدی منتظر می‌باشد.

آنگاه به ایراد نظر صوفیه اهل تسنن و فلاسفه و دیگر همفکران خود - که هیچ یک نه مستند بدلیل عقلی است نه نقلی - پیرامون این فراز از سخن امام پرداخته و گوید:

به نظر من بعید نیست که مراد از این شخصیت، قائم آل محمد در آخر وقت باشد، هنگامیکه خداوند او را بوجود آورد، هرچند که الآن موجود نیست؛ زیرا در این کلام دلیلی بر وجود او نباشد؛ و اتفاق همه فرق اسلامی بر این است که (عمر) دنیا و تکلیف مردم جز با ظهور و قیام او پایان نخواهد یافت.

اکنون توجه به این نکته لازم است که شارح معتزلی، نخست برداشت شیعه از کلام امیرالمؤمنین (ع) را با تردید نقل کرده، لیکن چون برگفته‌های صوفیه و فلاسفه و اصحاب خود دلیل قانع‌کننده‌ای نیافته، ناگزیر تن به عقیده شیعه و صحت برداشت آن از سخن امام (ع) داده، و صریحاً اعتراف به پیشگویی آن حضرت از وجود مهدی و قیام جهانی او کرده است؛ اما درباره ولادت و حیات حضرتش تشکیک نموده، می‌گوید:

در این کلام چیزی که در حال حاضر دلیل بر وجود او باشد به نظر نمی‌رسد.

بدیهی است که این سخن از مثل ابن ابی الحدید، با مقام فضلی که داشته، جز به انکار حقایق و مخالفت از روی تعصب با شیعه، به چیز تفسیر نمی‌شود.

زیرا امیرالمؤمنان (ع) درصدد معرفی اصل موضوع مهدی در اسلام و نقش وجودی او پس از ولادت و دیگر مراحل حیاتی آن موعود الهی بوده‌اند، نه در مقام خبر دادن از ولادت و موجود بودن کسی که بیش از دو قرن بعد از حضرتش ولادت یافته، تا در کلامش اشاره‌ای به موجودیت او باشد، و ابن ابی الحدید (بدون توجه به واقعیت تاریخ حضرت مهدی (ع)) از آن اشاره بفهمد که مهدی در قرن هفتم زنده و موجود است، و الا منکر ولادت و حیات او گردد.

در حدیثی که به نقل سیوطی - در «عرف الوردی» ص ۱۲۶ - ابن ابی شیبہ، احمد بن حنبل، ابوداؤد، ابویعلی، و طبرانی از پیامبر (ص) آورده‌اند که ضمن پیشگویی از مقدمات همزمان با ظهور مهدی (ع) - همانگونه که امیرالمؤمنان (ع) از اسلام تعبیر نموده - حضرتش از پیش تعبیر و پیشگویی نموده و می‌فرماید:

« یلقى الاسلام بجرانه الی الارض »

یعنی اسلام را با کمال آرامش و با تمام ابعاد پیاده و گسترده می‌کند.

نیز نعیم بن حماد در «فتن» - بنا به نقل سید بن طاووس - از پیامبر آورده که فرمود:

« مهدی گنجها را استخراج می‌کند و اموال را تقسیم. »

آنگاه فرمود: « یلقى الاسلام بجرانه »

خطبه ۱۸۷:

« الا بابی و امی هم من عده اسمائهم فی السماء معروفه و فی الارض مجهوله. الا فتوقعو ما یکون من ادبار امورکم، و انقطاع وصلکم و استعمال صغارکم. ذاک حیث تکون ضربه السیف علی المؤمن اھون من الدرهم من حله، ذاک حیث یکون المعطى اعظم اجراً من المعطى. ذاک حیث تسکرون من غیر شراب، بل من النعمه و النعیم، و تحلفون من غیر اضطرار، و تکذبون من غیر احراج. ذاک اذا عضکم البلاء، کما یعرض القتب غارب البعیر. ما اطول هذا العناء. و ابعدها هذا الرجاء »

هان، پدر و مادرم به فدایشان باد؛ آنها گروهی باشند که نامهایشان در آسمان نزد فرشتگان معروف است ولی در زمین ناشناخته‌اند؛ آگاه باشید شما آماده عقب‌گرائی امور خویش و گسیختگی پیوندها و روی کار آمدن کوچکان (خردسالان، نالایقان دون همت) خویشتن باشید.

توضیح: ابن ابی الحدید می‌نویسد:

« الامامیه تقول هذه العده هم الائمة الاحد عشر من ولده (ع)؛ و غیرهم يقول انه عنی الابدال الذین هم

اولیاء الله فی الارض ... »

امامیه گویند: این عده امامان یازده گانه از فرزندان آن حضرت (ع) هستند؛ و دیگران می‌گویند: مقصود حضرت از این کلام ابدالند که اولیاء خدا در زمین هستند؛ و ما پیش از این درباره قطب و ابدال به وضوح سخن گفته‌ایم.

آنگاه می‌گوید:

سخن آن حضرت که می‌فرماید: « نامهای آنان در آسمانها معروف است » یعنی فرشتگان معصوم آنها را می‌شناسند و خداوند اسماء آنان را به ایشان اعلام نموده است.

و اینکه فرموده: در زمین ناشناخته‌اند یعنی در نظر توده صمردم (که) بخاطر استیلاء و نفوذ گمراهی بر اکثریت آنان (امامان بر حق را نمی‌شناسند یا نسبت بدانها بی‌تفاوتند).

در اینجا توجه خوانندگان را به این نکته معطوف می‌داریم که:

ابن ابی الحدید، تفسیر عبارت امیرمؤمنان (ع) به امامان یازده گانه را به شیعه نسبت داده، و تفسیر آن به ابدال و اولیاء در زمین را به دیگران؛ ولی خود اظهار نظری نکرده؛ زیرا گویا بدین مطلب توجه داشته است که این چنین تعبیری از ناحیه امام امیرالمؤمنان (ع) درباره یک عده - هرچند اولیاء خدا باشند - اما بی‌نام و نشان و بدون هیچگونه نقش و مسؤولیتی، به دور از حقیقت و غیر قابل قبول است.

بویژه آنکه موضوع ابدال و اقطاب، ساختگی و فاقد ریشه اسلامی، و یک عقیده صوفیانه و عوام فریبانه است که همچون اصل تصوف، از پدیده‌های عقیدتی اهل تسنن سر نخ گرفته، و ترکیبی از مسیحیت یونان و زردشتی گری ایران - قبل از اسلام - و بودائی هند می‌باشد.

در حالی که تفسیر شیعه در مورد امامان معصوم علیهم السلام - که به موجب آثار علمی و حدیثی باقیمانده از آنان، بزرگترین نقش حمایت از اسلام، و سازندگی علمی و عملی جامعه اسلامی را بر عهده داشته و دارند - امری است معقول و بر اساس منطق اسلامی.

اکنون می‌پردازیم به ترجمه بقیه کلام امام (ع) که می‌فرماید:

این ماجرا هنگامی به وقوع خواهد پیوست که تحمل انسان مؤمن در برابر ضربات شمشیر آسان‌تر باشد از بدست آوردن درهمی از راه حلال. و هنگامی خواهد بود که اجر و ثواب گیرنده از دهنده بیشتر است، چه دهنده از محل درآمد حرام و یا از روی ریا و خودنمائی و ولخرجی می‌بخشد، در حالیکه گیرنده در جهت وظیفه شرعی و یا از روی اضطرار در راه حفظ جان خود و عائله‌اش مصرف می‌کند.

این در موقعی باشد که (شما مسلمانان) مست می‌گردید اما نه با شراب، بلکه بعلت فراوانی نعمت؛ و سوگند می‌خورید اما نه از روی ناچاری؛ دروغ می‌گویید اما نه از روی حرج و ناگریزی.

این در وقتی خواهد بود که بلاها و مصیبت‌ها - همانند باری گران که بر گرده شتر نهاده شده و سنگینی جهاز پشت آنها را مجروح نماید - بر شما فشار آورد.

آه، این گرفتاری و سختی چه طولانی است! و امید رهائی از آن چه دور!

چون این فراز از کلام امام بیانگر حوادث، انحطاط اخلاقی، و مشکلات زندگی پیش از ظهور می‌باشد که مایه امتحان مردم، و از شرایط مقدماتی ظهور مهدی (ع)، و شاید پیوسته بعصر ظهور باشد، بدین جهت ما هم چون دیگران آن را در این جا آوردیم.

و ده‌ها حدیث مسلم از پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان (ع) و صحابه درباره ائمه اثنی عشر بطور عموم، و تعدادی شامل ذکر نام و مشخصات هر یک از آنان بخصوص گواه بر مدعای شیعه می‌باشد.

آری، این امامان شیعه هستند که علاوه بر نقش رهبری و نشر علوم اسلامی، همه پاره‌های تن امام امیرالمؤمنان (ع) بوده، و امام (ع) در حق آنها می‌فرماید: « پدر و مادرم فدایشان باد.»

لکن متأسفانه تعصب مانع از رفتن زیر بار حقیقت و گردن نهادن حتی به واقعیات دینی است؛ و بدین ترتیب همچون شارح معتزلی، ابن ابی الحدید، را با مقام فضل و دانشش، در مورد سخنان امام امیرالمؤمنین علی (ع) وادار به خیالبافی و خلط مبحث و تفسیر « ما لایرضی صاحبه » می‌کند که تن به قبولی امامت ائمه معصومین معرفی شده ندهد، و بجای آنها رهبران دغلباز صوفیه را که خود گمراه، و دیگران را گمراه کننده‌اند مطرح کرده و جا بیندازد.

بطور خلاصه این فراز از سخنان امام (ع) شامل پیشگویی درباره هرج و مرج‌های اخلاقی، بوجود آمدن شهر بغداد، خرابی عراق، بالا رفتن نرخها، و بدنبال آن حوادث گریه‌آور، ناله خیز و دردناکی است که به جرم بد رفتاریها و سرکشی‌ها به امر خدا به وقوع خواهد پیوست.

آنگاه از حضرت مهدی (ع) به عنوان «فرزند بهترین پدران» یاد فرموده؛ و خبر از سرنوشت شوم و مرگ‌آوری می‌دهد که - به کیفر سرپیچی از فرمان الهی و پیروی از دستورات دین - در انتظار مستکبران و فاسقان است.

خطبه ۱۹۰:

«... الزموا الارض، و اصبروا علی البلاء، و لاتحرکوا بایدیکم و سیوفکم فی هوی السنتکم، و لاتستعجلوا بما لم یعجله الله لکم.

فانه من مات منکم علی فراشه و هو علی معرفه حق ربه و حق رسوله و اهل بینه مات شهیداً، و وقع اجره علی الله، و استوجب ثواب ما نوى من صالح عمله، و قامت النیه مقام اصلاته لسیفه، فان لكل شیء مده و اجلاً.»
بر جای خود استوار بوده (بدون اجازه و حساب از اقدام به نبرد خودداری کنید)، در برابر بلاها و مشکلات، پایدار باشید، شمشیرهایتان را در راه هوی و هوس و سخنانی که از زبانتان سر می‌زند به کار نیندازید و درباره آنچه خداوند، شتاب و عجله را نسبت به آن روا نداشته، شتاب نکنید؛

زیرا کسی که از شما در بستر خود بمیرد، اما آنچنانکه شایسته است خدا و پیامبر و اهل بیتش را که (مسئول مقام امامت و جانشینی پیامبرند) شناخته باشد، شهید از دنیا رفته است، و پاداش او برخداست، و از ثواب کارهای شایسته‌ای که قصد انجام آن را داشته، برخوردار خواهد بود، و نیتش جایگزین شمشیرزدن برای خدا و جان‌باختن در راه اوست.

پس - توجه داشته باشید - هرچیز را وقت مشخص، و هر کاری را سرانجامی است.

توضیح: علامه قندوزی در «ینایع الموده - باب ۷۴ -» این فراز از خطبه «نهج البلاغه» را ضمن دیگر فرازهای «نهج البلاغه» که مربوط به حضرت مهدی (ع) است ایراد نموده، و بدین ترتیب اعتراف می‌کند که امام امیرالمؤمنین (ع) با ایراد این کلمات قدسیه، پیشگویی از حضرت مهدی (ع) نموده، و مردم را به وظیفه خود در فراز و نشیبهای زندگی و هنگام غیبت آن حضرت هشدار می‌دهد که مبادا از روی هوای نفس، و بدون در نظر گرفتن مصالح اسلامی، از روی احساسات اقدام به جنگ و شمشیر زدن کنند؛ و به خیال رسیدن به مقام شهادت، خود و دیگران را به خطر اندازند.

بطور خلاصه امام (ع) با ایراد این سخن، سرعت فرا رسیدن قیامت را بدانچه رخ داده و به وقوع پیوسته تشبیه نموده؛ و آنگاه این مطلب را با حرف «قد»، که به اصطلاح بیانگر تحقیق است، تأکید نموده و می‌گوید:
چنان است که نشانه‌های آن (قیامت) مثل ظهور دجال، ظهور مهدی و عیسی علیهما السلام، و جز اینها (دیگر چیزهای حتمی‌الوقوع) لباس وجود پوشیده.

ابن میثم پیرامون جمله «و لا تحرکوا بایدیکم و سیوفکم فی هوی السنتکم» نوشته است:

این سخن نهی از جهاد بدون فرمان یکی از امامان (معصوم) پس از امیرالمؤمنان است که از فرزندان حضرتش می‌باشند؛ و این به هنگامی خواهد بود که کسی از آن امامان به منظور برقراری حکومت حق به پا نخواسته باشد؛ چه اینگونه حرکتها و جنبشها جز با اجازه امام وقت جایز نخواهد بود ...

حکمت ۱۰۹

می‌فرماید: (نحن النمرقه الوسطی، بها يلحق التالی و الیها يرجع الفالی)

ما تکیه‌گاه میانه‌ایم، واپس مانده به ما می‌پیوندند و تندرو به سوی ما باز می‌گردد.

و امام علیه‌السلام در گفتار خود به کمیل بن زیاد می‌فرماید:

اللهم بلی لاتخلوا الارض من قائم الله بحجه اما ظاهراً مشهوراً و اما خائفاً مقموراً، لئلا تبطل حجج الله و بیناته و لم ذا و این اولئک، اولئک و الله الا قلوب عدداً و الاعظمون عند الله قدراً، یحفظ الله بهم حججه و بیناته حتی یودعوها نظراً هم و نرعوها فی قلوب اشباههم هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و با شروا روح الیقین واستلانوا ما استعوره المترفون و انسوا بما استوحش منه الجاهلون و صحبوا الدنیا بابدان ارواحها معلقه بالمحل الاعلی اولئک خلفاء الله فی ارضه و الدعاه الی دینه آه آه شوقاً الی رویتهم.

آری خداوند زمین هیچگاه از فردیکه برای خدا با برهان روشن قیام کند خالی نیست و آن قائم یا آشکارا و شناخته شده است و یا بیمناک و پنهان تا حجت خدا باطل نگردد و نشانه‌های او از میان نرود تعدادشان چقدر؟ و کجا هستند؟ به خدا سوگند تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ مقدارند، خداوند به وسیله آنان حجت‌ها و نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد تا به کسانی که همانندشان هستند بپارند و بذر علم و حکمت را در دل‌هایشان بکارند، نور حقیقت بینی در دل ایشان تابیده و روح یقین را لمس کرده‌اند و آنچه را خوشگذران دشوار می‌شمارند آسان گرفته‌اند و با آنچه نادان از آن می‌هراسنداش گرفته‌اند در دنیا با بدنهایی زندگی می‌کنند که روح آن بدن‌ها به جهان بالا پیوند خورده است، آنان جانشینان خدا در روی زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند آه آه چه اندازه اشتیاق دیدار آنان را دارم.

ابن ابی الحدید در شرح نهج‌البلاغه در ذمه این نخست ابن حکمت می‌نویسد و هذا یکاد یکون تصریحاً به مذهب الامامیه ابن حمله بلی لاتخلوا الارض من قائم الله بحجه ...

نزدیک است که تصریحی به مذهب شیعه امامیه باشد.

حکمت ۱۴۷:

اللهم بلی لاتخلوا الارض من قائم الله بحجه، اما ظاهراً مشهوراً و اما خائفاً مقموراً، لئلا تبطل حجج الله و بیناته و لم ذا و این اولئک، اولئک و الله الا قلوب عدداً و الاعظمون عند الله قدراً، یحفظ الله بهم حججه و بیناته حتی یودعوها نظراً هم و نرعوها فی قلوب اشباههم هجم بهم العلم علی حقیقه البصیره و با شروا روح الیقین و استلانوا ما استعوره المترفون و انسوا بما استوحش منه الجاهلون و صحبوا الدنیا بابدان ارواحنا معلقه بالمحل الاعلی اولئک خلفاء الله فی ارضه و الدعاه الی دینه آه آه شوقاً الی رویتهم. انصرف یا کمیل اذا شئت.

بارخدا یا چنین است که هرگز زمین - به لطف تو - از کسی که با حجت و دلیل به امر حق قیام کند و دین الهی را برپا دارد خالی نخواهد ماند. خواه ظاهر باشد و آشکار (مثل امامان یازده گانه معصوم) خواه در حال ترس و پنهانی تا دلائل الهی و مشعل‌های فروزان او از بین نرود. و آنها چند نفرند و کجایند.

آنان بخدا سوگند تعدادشان اندک اما از حیث مقام و منزلت نزد خدا بسی بزرگ و ارجمندند.

خداوند به وسیله آنان حجت‌ها و دلایل روشن را پاسداری می‌کند تا آن را به کسانی همانند خود بسپارد و بذر آن را در دل‌های افرادی چون خودشان بیافکند.

علم و دانش با حقیقتی آشکار به آنها روی آورد. و آنها روح یقین را بانهادی آماده و پاک لمس نمایند. آنچه را دنیا پرستان هوس باز دشوار و ناهموار شمردند. آنها برای خویش آسان و گوارا دانند و آنچه را ابلهان از آن هراسان باشند بدان انس گیرند. دنیا را با تنهایی همراهی کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوسته است.

آنها در زمین خلفای الهی باشند و دعوت‌کنندگان به دینش.

آه آه بسی مشتاق و آرزومند دیدارشان هستم. ای کمیل هم اکنون اگر می‌خواهی بازگرد.

این فراز از سخنان امام امیرالمومنین علی (ع) تحت شماره ۱۴۷ کلمات "نهج البلاغه" ذکر شده و عده ای از اعلام ادب و تاریخ و حدیث از اهل تسنن نیز آن را آورده اند.

توضیح: ابن ابی الحدید همچون بسیاری از شارحان "نهج البلاغه" (باتوجه به جمله های "قائم لله بحجه" و "خلفا الله فی ارضه" و "الدعا الی دینه" و دیگر جملات و قرائن مندرجه در این فراز از کلام امام که جز بر پیامبر و امام معصوم بعد از او بر هیچ مقام و شخصیتی منطبق نمی شود) نتوانسته است دلالت این قسمت از سخنان این بزرگوار را بر عقیده شیعه در مورد امامت و خلافت علنی یازده امام معصوم و امامت و خلافت توأم با غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) - انکار نماید و نوشته است:

این جمله اعتراف صریح امام نسبت به مذهب امامیه است. لکن بر اساس عقیده شخصی اش (انکار تولد حضرت مهدی (ع) در جازده و می گوید:

جز آنکه اصحاب ما آن را حمل بر وجود ابدال می نمایند که اخبار نبوی درباره آنان وارد گردیده است و این همان پوشاندن لباس باطل بر حق و برعکس است که قرآن مجید می فرماید:

"لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و انتم تعلمون"

حق را به باطل میپوشانید و آن را کتمان کنید در حالیکه می دانید حقیقت چیست و حق کدام است. و نیز می فرماید:

"لم تلبسون الحق بالباطل و تکتبون الحق و انتم تعلمون"

چرا حق را به باطل می پوشانید و آن را کتمان می کنید در حالیکه می دانید حقیقت چیست و حق کدام است.

امام (ع) در این فراز پرمحتوی از کلام خود. قبل از هرچیز توجه مسلمانان را به ضرورت مسئله رهبری در اسلام و نیاز بی چون و چرای جامعه اسلامی به وجود امام واجد شرایط در هر عصر و زمانی معطوف داشته و در قالب راز و نیاز یا شاهد گرفتن خدا بر گفتار خود در بیان یک حقیقت دینی - خاطرنشان می سازد که:

نباید صحنه زمین از کسی که قائم به امر حق و برپا دارنده آن باشد خالی بماند. چه در این صورت حجت‌های الهی خلل پذیر. و نشانه های او باطل خواهد شد.

از آن پس امام امیرالمومنین (ع) به تشریح موقعیت امامان راستین و مقام رهبری اسلام (که در وجود خود و فرزندان معصومش خلاصه گردیده) می پردازد و مجدداً نظر مسلمانان را به این نکته متوجه می سازد که:

عهده دار مقام رهبری و مسوول زعامت بر مسلمانان یا از آزادی برای تصدی و انجام وظایف رهبری - در جهت نشر علوم قرآن. ترویج احکام اسلام. جوابگویی به مشکلات و مبارزه با فساد - برخوردار است (همچنانکه حضرتش با ده نفر از امامان دیگر هریک تا حدی از این آزادی برخوردار بودند) و یا بر اثر حاکمیت زمامداران خودفروخته و ستمگر و نامساعد بودن زمینه برای انجام وظیفه رهبری - از ترس جان خود و شیعیانش - در حالت ناشناسی و پنهانی به سر می برد (همچنانکه امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) با چنین موقعیتی روبرو و مبتلا گردید).

آری تا آنجا جو حاکم. امام و شیعیانش را وادار به اختفای از دشمن و تقیه کرد که طبق احادیث مربوطه شیعیان به خاطر مسائل امنیتی حتی از تصریح به نام امام دوازدهم ممنوع گردیده و با رمز و اشاره از حضرتش سخن می گفتند.

در مرحله سوم امیرالمومنین (ع) به تعداد امامان اشاره نموده و با ادای سوگند کمی و محدودیت آنها را اعلام و تاکید فرموده است: آنچنانکه با در نظر گرفتن احادیث وارده از ناحیه پیامبر (ص) درباره خلفای اثنی عشر - تنها با ائمه دوازده گانه مورد قبول شیعه می تواند منطبق گردد. دیگر هیچکس.

در مرحله چهارم امام (ع) پس از برشمردن یک سلسله برتریها و ویژگیهای معنوی این گروه - که تنها در خورشان پیامبران و جانشینان آنهاست - می فرماید:

"اینان خلفای خدا در زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند"

اکنون در صورتی که می بینیم قرآن مجید از پیامبران الهی همچون داوود به عنوان خلیفه خدا نام برده و می گوید:

"یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق"

ای داوود! ما تو را خلیفه خود در روی زمین قرار دادیم پس بین مردم به حق داوری نما

بدین نکته پی خواهیم برد که جز پیامبر و جانشین برحق او که نقش رهبری و تعلیم و تربیت مردم را به عهده دارند کسی نمی تواند خلیفه خدا در زمین باشد. بنابراین مقصود امیرمومنان از این عده خلفا همان امامان راستین شیعه می باشد که مسوولیت راهنمایی و رهبری مسلمانان از طرف خدا وسیله پیامبرش به دوش آنها نهاده شده است.

اما خلفای انتخابی مردم را نمی توان از آنان به خلیفه خدا تعبیر کرد و تنهایی توان به عنوان خلیفه مردم از آنها نام برد.

"لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها" (و تلا عقیب ذلک) و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین"

دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دوشیدن شیرش (بخاطر بچه اش) امتناع می ورزد - با مهربانی همانند مادر نسبت به بچه اش رو می آورد (آنگاه این آیه را تلاوت فرموده) می خواهیم بر آنانکه در زمین ناتوان شمرده شدند تفضل نموده و آنان را پیشوایان جهان و وارثان زمین قرار دهیم.

امیرمومنان علی (ع) در این فراز از سخنان خود چنین خاطر نشان فرموده که دنیا پس از روگردانیدن از اهل بیت پیامبر (ص) دیر یا زود انعطاف نشان داده و به آنها رو می کند.

اکنون آیا مقصود از این رو کردن پیروزی افراد برتر و شایسته تر بر کفر و ظلم جهانی. به شکل حکومت و استقرار حق است یا ضعف و نابودی دشمنان و از بین رفتن موانع و بالاخره آماده شدن زمینه برای گسترش آثار علمی و اخلاقی آنها در سراسر گیتی؟

هر دو نظریه به ویژه نظریه نخست از طرف شارحان نهج البلاغه ارائه گردیده ولی پرواضح است که نشر آثار علمی و اخلاقی اهل بیت بطور مطلق و همه جانبه مستلزم حاکمیت مطلقه و پیروزی کامل بر عموم دشمنان است و این مطلب با توجه به گواه قرار دادن حضرت. آیه شریفه را بر کلام خود امری است قطعی.

زیرا آیه شریفه بیانگر پیروزی و رهبری و دستیابی مطلق و بی قید و شرط مستضعفان است نسبت به آنچه در اختیار مستکبران و تحت نفوذ زمامداران گمراه و تجاوزگر قرار گرفته و تحقق چنین امری جز به استقرار حکومت جهانی حق و عدالت به دست اهل بیت به چیزی میسر نگردد و مصداق آن به اتفاق عموم حضرت حجت بن الحسن العسگری است.

ابن ابی الحدید پیرامون این سخن می گوید:

امامیه پنداشته اند که حضرتش با این جمله به امام غائبی وعده داده است که در آخر الزمان به زمامداری زمین نائل خواهد شد.

و اصحاب ما می گویند این جمله وعده به امامی است که صاحب اختیار زمین و مسلط بر کشورهای جهان خواهد شد ولی لازمه این وعده موجود بودن و غائب بودن او نیست بلکه در صحت این تعبیر کافی است که در آخر وقت به وجود آید.

به این ترتیب ملاحظه می کنید که ابن ابی الحدید ایراد کلام امام (ع) را درباره حضرت مهدی (ع) پذیرفته اما مثل همیشه از اعتراف به ولادت و حیات آن بزرگوار امتناع ورزیده است.

اکنون می گوئیم درست است که لازمه ایراد این وعده، موجود بودن و غائب بودن امام مهدی به هنگام سخن نیست لکن با توجه به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری نه در حال حاضر مانعی از انطباق سخن امام امیرالمومنین علی (ع) بر آن بزرگوار وجود دارد و نه در عصر ابن ابی الحدید که حدود چهارقرن از تولد آن حضرت می گذشته است چه ابن ابی الحدید در رجب ۶۴۴ تألیف شرح نهج البلاغه را آغاز و در آخر صفر ۶۴۹ به انجام رسانیده است و در نتیجه مقصود از این کلام همانست که شیعه امامیه گفته و می گوید.

حکمت یکم:

«... فاذا كان ذلك، ضرب يعسوب الدين بذنبه، فيجتمعون اليه كما يجتمع قزع الخريف»

پس آنگاه که وضع این چنین شد، پیشوای دین به خشم آید و آمادگی خود را اعلام کند، در این موقع - مؤمنین با شتاب دورش جمع شوند، همانگونه که ابرهای پائیزی به هم پیوسته شوند.

در لغت عرب «يعسوب» به ملکه زنبور عسل گفته می شود، و چون روش زندگانی این حیوان بظاهر کوچک، اما پربرکت برخوردار از موقعیت رهبری زنبوران عسل است که با جاه و جلال، و دارای نقش حیاتی در جهت پیدایش و زیست صدها و هزارها زنبور عسل، و محصول ارزنده و شفابخش آنها است، در حقیقت آنفع و أطهر حیوانات است، امیر مؤمنان (ع) از فرزندش حضرت قائم (ع) (به خاطر نقش رهبری و روش حکومتی حضرت شکه توأم با عدل و امنیت جهانی، و مایه سعادت و نجات بشر، و مفیدترین و منزه ترین حکومت‌های جهان از انواع آلودگی و وابستگی و تجاوزها خواهد بود) تعبیر به «يعسوب» فرموده و گوید:

يعسوب دين بهنگام ظهور همچون شیر- که به هنگام غضب دم بر زمین می زند و نعره می کشد - حالت خشم از خود نشان دهد، و با قاطعیت خود را معرفی، و آمادگیش را برای قیام جهانی اعلام فرماید.

در این موقع مؤمنان، آنچنانکه توده های ابر پائیزی باس رعیت به هم می پیوندند، از هر سوی دنیا، شتابان به دور او گرد آیند و با رهبری حضرتش وارد صحنه عمل شوند.

پیامبر اسلام نیز کرارا از امام علی (ع) به عنوان يعسوب دین نام برده چنانکه شخص امام (ع) نیز در کلماتش از خود تعبیر به يعسوب فرموده است.

سید رضی مولف «نهج البلاغه» می گوید:

يعسوب آقای بزرگی است که در آن روز زمامدار مردم خواهد بود و قزع توده ابر بدون آب است.

ابن ابی الحدید می نویسد:

این خبر از پیشگویی‌هایی می باشد که امام ایراد نموده و از مهدی آخرالزمان یاد فرموده است. و معنای «ضرب بذنبه» به حال استقرار و آرامش در آمدن بعد از اضطراب است.

چه «یعیسوب» ملکه زنبور عسل و رهبر آن است و بیشتر اوقاتش در حال پرواز باد و بال خود می باشد و هنگامی که دم خود را بر زمین می زند دیگر از پرواز و حرکت باز ایستاده به آرامش گراید. آنگاه می نویسد:

خواهید گفت: این نظریه همانند عقیده امامیه است در اینکه مهدی به حال ترس و پنهانی در گوشه و کنار زمین به سر برد. آنگاه در آخرالزمان ظهور کند و در مرکز حکومت خود ثابت و مستقر گردد.

ولی من می گویم طبق مذهب ما (اهل تسنن) بعید نیست که امام مهدی همان کسی که در آخرالزمان ظهور می کند نخست از روی مصلحتی که خدا از آن آگاه است در حال اضطراب و پراکندگی حکومت نماید و از آن پس حکومتش مستقر و پراکندگیش سامان یابد.

در این جا باز می بینیم ابن ابی الحدید برای فرار از رفتن زیر بار ولادت و غیبت آن حضرت، به توجیه ناموجه پرداخته و احتمالات غیرقابل انتطابق با پیشگویی امیرالمومنین را دستاویز قرار داده و با لقمه دور سر گردانیدن همان نظریه شیعه را ارائه می دهد منتها در قالب عقیده شخصی خودش.

نیز هروی این فراز را به نقل از امیرالمومنین (ع) آورده و همچون ابن ابی الحدید پیرامون آن اظهار نظر کرده است. و زمخشری گوید:

جمله "ضرب بعسیب ذنبه" (که معنایش دم بر زمین زدن است) در این مورد به معنای ایستادگی و پایداری او با پیروان خویش است.

این اثر به دنبال نقل این جمله می نویسد: مقصود دوری گزیدن از برخورد با فتنه و شتابان سیر کردن با اتباع خود در زمین است.

علامه قندوزی در باب ۷۴ کتاب "ینابیع الموده" منظور امام امیرالمومنین (ع) را از این سخن حضرت مهدی دانسته است. در پایان با توجه به اظهار نظرهایی که درباره این فراز از سخن امام (ع) به عمل آمده چنین استفاده می شود:

- ۱- پیشگویی امام علی از ظهور فرزندش حضرت مهدی (ع) به عنوان یک امر مسلم و شدنی.
- ۲- ظهور حضرت مهدی به شکل قیام گسترده دینی. و بعنوان زمامدار مطلق و بی چون و چرای جهان اسلام.
- ۳- حضرتش همانند ملکه زنبور عسل. از یک سو نقش مرکزیت و رهبری جامعه مومنین را به عهده خواهد داشت و از سویی وجود مقدس او در روش حکومتی مایه خیر و برکت و موجودیت افراد بشر است چنانکه ملکه زنبور عسل خود منشا پیدایش و ادامه حیات هزاران هزار زنبور کارگر فعال و عسل ساز می باشد.
- ۴- هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) توده های انبوه مردم از گوشه و کنار جهان همچون توده های ابر پاییزی با شوق و شتاب به سوی او رهسپار و پروانه وار دور شمع وجودش گرد آیند.

۵- حضرت مهدی (ع) بدون هیچگونه برخورد زیان بخشی با فتنه ها و از ناحیه فتنه جویان با پیروان خود به پیروزی مطلق می رسد و سرانجام مشکلات و موانع یکی پس از دیگری از سر راهش برطرف خواهند شد.

مبانی معرفتی غیبت و ظهور امام زمان (عج) مهدویت در قرآن، احادیث و ادعیه

حسن تخم افشان

چکیده مطالب

مهدویت در شمار مسائل اعتقادی اسلام است، از این رو در باور مسلمانی ... شیعی و سنی - اندیشه مهدی و عدل گستری وی، نهفته است.

بیش از یکصد آیه از قرآن کریم به مصلح کل حضرت بقیه الله تفسیر و تأویل شده است. قرآن کریم، ظهور آن منجی موعود را با آرزوها و فطرت حق طلبانه و عدالت خواهانه بشر پیوند زده است. در طول تاریخ انسان همیشه در آرزوی تحقق حکومتی صالح و دور از ظلم و بی‌عدالتی بوده است. قرآن کریم در معرفی حکومت حضرت مهدی (عج) و موعود آخر الزمان، روی این خواسته فطری انسان انگشت گذاشته است. هم چنین بر این نکته تأکید کرده که اعتقاد به موعود آخر الزمان تنها به شیعیان و مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه تمام پیامبران گذشته، بشارت فرارسیدنش را داده‌اند.

قرآن ایشان را بعنوان منجی و ذخیره الهی همه انسانهای مسلمان در سراسر جهان معرفی می‌کند. او را بعنوان شخصیتی که فراتر از هر مذهب و ملیتی است برای مردم کل جهان مطرح می‌کند و قیامتش را جهانی می‌داند.^۱

انسانها همواره آرزو داشته‌اند که روزی ریشه‌های ستم و ستمگری خشکیده شود و به جای فریب، دروغ، باطل و ظلم، صداقت، درستی، حقیقت و شایستگی به حکومت برسد و قرآن با سخنانی روشن و قانع نوید می‌دهد که باطل و ستمگری در جهان پایدار نخواهد ماند و در نهایت از زمین رخت بر خواهد بست.

« و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذا البلاغا لقوم عابدين »
سوره انبیاء - آیه ۱۰۵ - ۱۰۶

« همانا بعد از ذکر (تورات) در زبور نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته ما میراث خواهند بود و این سخن ابلاغ روشنی است برای عبادت‌کنندگان. »

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که در آینده بندگان شایسته خدا بر همه کره زمین حکومت خواهند کرد. خداوند با این بشارت بزرگ روح امید را در اعماق جان‌های مؤمنان می‌دمد و در آنها انگیزه برای رسیدن به روز موعود را پدید می‌آورد.^۲ حکومت جهانی مهدی (عج) سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و پرچم اسلام و توحید را در همه نقاط زمین به اهتزاز در می‌آورد. در قرآن مجید این آیه سند محکم و بزرگ خلل ناپذیر اسلام - سخنی در این باره به میان آمده است و آیات متعددی که تأویل آن تطبیق با حضرت مهدی (عج) شده بسیار است. در قرآن کریم سوره صف آیه ۹ می‌خوانیم:

(هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون)

۱. سید حسین اسحاقی - سپیده امید - بوستان کتاب - چاپ اول پاییز ۸۰ - قم صفحه ۵۷

۲. سید علی حسینی و تقی متقی - ۵۹ نکته درباره امام زمان (ع) - مؤسسه فرهنگی انتشاراتی شیعه - چاپ اول تابستان ۸۲

« او خدایی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آن را بر تمام دینها غالب گرداند هرچند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست.»

این آیه صریحاً نوید می‌دهد که روزی خواهد آمد که آیین اسلام، همه ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می‌گیرد که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می‌دهد.

در سوره نور آیه ۵۵ می‌خوانیم:

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملواالصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدون لایشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذالک فاولئک هم الفاسقون»

(خداوند به آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته می‌کنند وعده داده که آنان را نماینده (خود) در زمین گرداند همانگونه گذشتگان آنانرا خلیفه کرد و وعده داده که دینشان را که برای آنها پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش کند، و برای من شریک نمی‌گیرند.)

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است با آنکه ایمان و عمل صالح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان و عمل نیک خود زمینه‌سازی برای ایجاد آینده درخشان می‌کنند) نوید می‌دهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می‌سپرد، دین آنها نیرومند و قوی می‌گردد و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می‌شود و در پایان آیه اشاره به این مطلب می‌کند که حکومت آنها بر سراسر زمین بر اساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هرگونه شرک است. به این ترتیب می‌بینیم که این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید که همه مردم تحت پرچم توحید قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را بدست می‌گیرند خبر می‌دهد قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در آیه ۵ سوره قصص می‌فرماید:

«و نریدان لمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»

« ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.» این آیه اگر چه در ماجرای موسی و فرعون نازل شده که خداوند موسی را بر فرعون و فرعونیان پیروز کرد و مستضعفان را به رهبری موسی به حکومت رسانید ولی این آیه هرگز مربوط به زمان خاص موسی نیست بلکه یک بشارت عمومی است در مورد پیروزی حق بر باطل، که سرانجام این پیروزی به طور جامع و کامل و جهانی بدست مهدی (عج) و پیروانش به موسی و پیروانش تشبیه شده‌اند.^۱ و در روایتی می‌خوانیم امام سجاد فرموده: « سوگند به کسی که محمد (ص) را به حق بشارت دهنده و بیم‌دهنده قرار داد، نیکان ما همانند موسی و پیروانش هستند و بدان ما همانند فرعون و پیروانش می‌باشند.»^۲

امام علی (ع) در تفسیر آیه فوق فرموده:

این گروه آل محمد (ص) هستند، خداوند، مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود بر می‌انگیزد و به آنان عزت می‌دهد و دشمنان آنان را ذلیل و خوار می‌کند)^۳

۱. محمد مهدی اشتهاردی - حضرت مهدی فروغ تابان ولایت - انتشارات مسجد مقدس جمکران - چاپ هفتم زمستان

۸۰ ص ۷۷ - ۷۶ - ۷۴۷۳

۲. مجمع البیان، ذیل آیه ۵ سوره قصص - همان کتاب

۳. نورالثقلین ج ۲ ص ۱۱۰ - همان کتاب

در قرآن کریم راجع به اینکه دین مقدس اسلام دین عمومی بشر خواهد شد و تمام ادیان دیگر در مقابل این دین از بین خواهند رفت و تحت الشعاع قرار خواهند گرفت، دیگر از آثار و نتایج وجود مقدس مهدی موعود است. سوره فتح - آیه ۲۸

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا»
این دین را بوسیله این پیامبر فرستاد برای اینکه در نهایت امر آنرا بر تمام دینهای عالم پیروز گرداند یعنی همه مردم جهان تابع این دین بشوند. ۶
سوره بقره - آیه ۱۵۵

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين»
(قطعاً شما را گرفتار می کنیم بواسطه چیزی از ترس و گرسنگی و کاستن داراییها و جانها و میوهجات و مژده بده شکیبایان را)

روایت شده از امام جعفر صادق (ع) که فرموده: پیش از قیامت قائم نشانههایی از طرف خداوند برای آزمایش مؤمنان می باشد و در این آیه که می گوید: شما را دچار می کنیم به چیزی از ترس به واسطه مواجه شدن ایشان، با گرانی قیمتها و گرسنگی و کاهش دارایی آنان سبب قحطی و کاستن جانهای آنان به واسطه مرگ ناگهانی و کاهش میوهجات به علت نیامدن باران و مژده بده شکیبایان را در آن هنگام. ۷
آیه ۳۳ سوره توبه

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»
«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاده تا او را بر همه آیینها غالب گرداند هرچند مشرکان کراهت داشته باشند»

این آیه عیناً در سوره صف تکرار و در سوره فتح با مختصر تفاوتی آمده است و خبر پیروزی اسلام بر سایر ادیان می دهد و شکی در پیروزی اسلام و سایر ادیان از نظر منطق و استدلال و غلبه علمی و عینی نیست و سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و تدریجاً بر همه جهان پیروز خواهد گشت و تکامل این برنامه هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) است و امام باقر در تفسیر آیه فرموده: «ان ذالک یکون عند خروج المهدی (عج) ...»

و عده ای که در این آیه است به هنگام ظهور مهدی (عج) از آل محمد صورت می پذیرد. در آن روز هیچ کس در روی زمین نخواهد بود مگر اینکه اقرار به حقانیت محمد (ص) می کند.
سوره اسراء آیه ۸۱

«و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً»
«و بگو حق فرا رسید و باطل منحل و نابود شد و باطل نابودشدنی است»
از روشن ترین مصداقهای پیروزی حق بر باطل قیام حضرت مهدی (عج) است که پیروزی نهایی حق بر باطل در سراسر جهان است که در بعضی روایات جمله (جاء الحق و زهق الباطل) به قیام حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است که در این زمینه امام باقر (ع) فرموده:

مفهوم این سخن الهی این است که «هنگامیکه امام قائم (عج) قیام کند دولت باطل بر چیده می شود».
سوره حج آیه ۴۱
«الذین ان مکناکم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا المنکر و لله عقبه الامور»

یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است. در بعضی روایات آیه شریفه به حضرت مهدی و یارانش یا آل محمد به طور عموم تفسیر شده است. چنانچه امام باقر در تفسیر آیه فرموده:

« خداوند شرق و غرب را در سیطره حکومت آنها قرار می‌دهد. آیینش را آشکار می‌سازد و به وسیله حضرت مهدی و یارانش بدعت و باطل را نابود می‌کند، آنچنان که تبه‌کاران حق را نابود کرده بودند و آنچنان می‌شود که بر صفحه زمین اثری از ظلم دیده نمی‌شود چرا که آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. ^۱ (سوره مائده - آیه ۵۴)

« یا ایها الذین آمنوا من یرتدمنکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المومنین اعزه علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم ... »

« ای مؤمنان هر کسی از شما از دین خویش بگردد (زیانی به دین خدا نخواهد رساند، زیرا که خداوند دین خود را بی‌یاور نخواهد گذاشت، بلکه) او مردمی پدید خواهد آورد که ایشان را دوست می‌دارد و ایشان او را دوست می‌دارند آن مردم با مؤمنان خوش رفتار و نرمخو خواهند بود و با کافران سختگیر و بی‌گذشت، و آنان همواره می‌کوشند و در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنشگری باکی نخواهند داشت.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است ... این آیه، درباره قائم و اصحاب او نازل شده است همانا که در راه خدا جهاد کنند و از هیچ چیز پروا ندارند. ^۲ (سوره انعام - آیه ۱۵۸)

« یوم یأتی بعض آیات ربک لاینفع نفساً ایمانها لم تکن أمنت من قبل ... »

« روزی که پاره‌ای از آیات پروردگار تو پدیدار گردد آن روز هیچ کس را - اگر از پیش ایمان نیاورده باشد - ایمان و باور سودی نخواهد بخشید. »

شیخ صدوق از امام صادق روایت کرده است که فرموده آیات، در این آیه، ائمه هستند و آن آیت مورد نظر قائم است. روزی که قائم با شمشیر قیام کند ایمان آوردند آن کسانی که از پیش به او ایمان نداشته‌اند، آنان را سودی نخواهد داشت، اگر چه آنان به امامان پیش از او ایمان داشته باشند، و مقصود از « یوم یاتی بعض آیات ربک ... » « روزی که پاره‌ای از آیات پروردگار تو پدیدار گردد، خروج قائم آل محمد است. خوش به حال شیعیان قائم که در زمان غیبت در انتظار او به سر می‌برند و هنگامیکه ظاهر شود فرمانبردار اویند. آنان اولیاء خدا، که نه از چیزی ترسی دارند و نه اندوهی. ^۳ و با ذکر آیاتی در رابطه با ظهور حضرت مهدی (عج) این فصل را به پایان می‌رسانیم. (سوره سبأ آیه ۵۱)

« و لو تری اذفرعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب » (وای کاش می‌دیدید هنگامی را که (کافران) وحشت‌زده‌اند. آنجا راه گریزی نمانده است و رجایی نزدیک گرفتار آمده‌اند.) (سوره زحرف آیه ۶۱)

« و انه لعلم الساعه فلاتمترن بها و اتبعون هذا صراط مستقیم »

(بی تردید آن نشانه‌ای برای (فهم) زمان موعود است. پس زنده‌ها در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید، این است راه راست.) (سوره تکویر - آیه ۱۵ و ۱۶)

۱. سید محمود حسینی سیرجانی - میلاد خورشید ولایت - انتشارات ناصر چاپ اول پاییز ۷۹ - مهدیه قم - ص ۲۴ و ۲۸

۲. محمدرضا حکیمی - خورشید مغرب - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ چهارم - تابستان ۶۴ - ص ۱۱۶ ص ۱۱۷

۳. محمدرضا حکیمی - خورشید مغرب ص ۱۲۱ و ۱۲۲

« فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس » (سوگند به ستارگان بازگشت کننده‌ای که گردشگردند و پنهان شونده)^۱

فصل دوم

مهدویت در احادیث ائمه معصومین (ع)

الف - احادیثی در رابطه با نسب امام مهدی (عج)

ب - احادیثی از امامان درباره غیبت و ظهور او

۱- از بحث مهدویت در آیات قرآن که بگذریم مسئله مهدویت در احادیث نبوی آغاز می‌شود. و این بحث را با سؤالی مطرح می‌کنیم که:

آیا پیامبر اکرم (ص) در این زمینه چه مطلبی فرموده است؛ آیا فرموده است یا نفرموده است؟ و اگر روایات مربوط به مهدی موعود انحصاراً روایات شیعه می‌بود، برای شکاکان جای اعتراض بود که؛ اگر مسئله مهدی موعود مسئله واقعی است، باید پیامبر اکرم (ص) گفته باشد و اگر پیامبر اکرم (ص) گفته بود باید سایر فرق اسلامی هم روایات کرده باشند و تنها شیعیان روایت نکرده باشید!

جواب این سؤال بسیار واضح است چرا که؛ اتفاقاً روایت باب مهدی موعود را تنها شیعیان روایت نکرده‌اند، روایاتی که اهل تسنن در این زمینه دارند از روایات شیعه اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. و مهدویت یک فلسفه بزرگ جهانی است. چون اسلام یک دین جهانی است و این را باید به صورت یک فلسفه بزرگ جهانی تلقی کرد. وقتی قرآن در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می‌گوید: « و لقد کتبنا فی الزبور ... » صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد.^۲

مسئله مهدی و مهدویت پیش از آنکه به مذهب شیعه اختصاص داشته باشد یک مسئله ریشه‌دار اسلامی است. روشن است که همه مسلمانها در اعتقاد به ظهور امام (عج) - که راویان متواتر رسول خداست و آمدنش را بشارت داده است - اتفاق نظر دارند. و مقصود از روایات «متواتر» روایاتی است که به اندازه‌ای نقل کنندگان آن زیاد باشد که هیچ تردیدی در صحت و درستی آن باقی نماند. اکنون این پرسش مطرح است که چرا روایات بیانگر نسب مهدی (عج) اختلاف دیده می‌شود؟ و باید پرسید که واقعاً امام مهدی کیست؟

روایات وارده در نسب امام مهدی (ع):

احادیث صحیحهای که درباره نسب امام مهدی وارد شده چند دسته‌اند که مفادشان یکی است و با یکدیگر اختلافی ندارند. بنابراین در راه تشخیص نسب حضرت مشکلی ایجاد نمی‌کنند اکنون به بررسی پیش گفته می‌پردازیم:

۱. سید ثامر هاشمی العمیدی - ترجمه مهدی علیزاده - در انتظار ققنوس - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - چاپ

دوم پاییز ۸۲ ص ۶۳ و ۶۴

۲. سیری در سیره ائمه اطهار - مرتضی مطهری ص ۲۹۸ - ۲۸۱

الف) حدیث «مهدی به کنانی، قریشی و هاشمی» است.

مقدسی شافعی حدیثی ذکر کرده‌اند که امام مهدی را ابتدا به «کنانه» سپس به «قریشی» و آنگاه به «بنت هاشم» منتسب می‌کند. این حدیث همان است که قتاده از سعید بن مسیب روایت کرده است. قتاده می‌گوید: از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی حق است؟ گفت: آری، پرسیدم: او از کدام تبار است؟ گفت: از کنانه. گفتم: پس از کنانه از کدام قبیله؟

پاسخ گفت: از قریش است. من بار دیگر سؤال کردم: پس از قریش از چه تیره‌ای است؟ جواب داد از بنی هاشم ...^۱

ب) حدیث: «مهدی از فرزندان عبدالمطلب است»

این حدیث را ابن ماجه و دیگران از انس بن مالک نقل کرده‌اند: رسول خدا (ص) فرمود: «ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم. من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی» بر این اساس بدیهی است که فرزندان عبدالمطلب همگی «هاشمی» خواهند بود. در نتیجه مهدی (عج) از فرزندان عبدالمطلب بنی‌هاشم قریشی کنانی است.^۲

ج) حدیث: «مهدی از فرزندان ابوطالب است»

سیف بن عمیره چنین روایت می‌کند: در نزد ابوجعفر المنصور بودم که بدون مقدمه لب به سخن گشود و گفت: ای سیف بن عمیره بدان که ناگزیر روزی یک منادی در آسمان، اسم مردی از فرزندان ابوطالب را اعلام خواهد کرد. من گفتم: فدایت شوم، ای امیرالمؤمنین! آیا این، روایت است؟ گفت: یلی، قسم به آنکه جانم در دست اوست این سخن با گوشه‌های خود شنیدم. گفتم: ای امیرالمؤمنین! من تا این ساعت حدیث را نشنیده بودم! گفت: ای سیف! این حدیث حق است و هرگاه آن واقعه رخ دهد ما اولین کسی خواهیم بود که وی را اجابت می‌کند.

بی‌تردید این ندا متوجه مردی از پسرعموهای ماست. آنگاه من گفتم: یعنی مردی از فرزندان فاطمه؟ گفت: آری، ای سیف! اگر من این حدیث را از ابوجعفر محمد بن علی.

(امام باقر نشنیده بودم چنانچه همه‌ی اهل زمین چنین سخنی به من می‌گفتند از ایشان نمی‌پذیرفتم، اما آن که این حدیث را برایم گفت محمد بن علی (ع) بود.

گفتنی است که ای حدیث نیز حدیث دوم را مقید می‌کند. زیرا هر کسی نسبش به ابوطالب برسد. شکی نیست که از منتسبین پدر ابوطالب، یعنی جناب عبدالمطلب نیز خواهد بود.^۳

د) حدیث (مهدی از عترت است)

احادیث زیاد بدین مضمون وارد شده است. ابوسعید خوری از رسول خدا چنین نقل می‌کند: پیش از آنکه روز قیامت فرا برسد، زمین از ظلم و ستم لبریز خواهد شد آنگاه مردی از عترت من یا اهل بیت من (تردید از راوی است) آن را از قسط و عدل برخواهد ساخت آن چنانکه مملو از ظلم و دشمنی شده است.^۴

۱. نویسنده: سید ناصر هاشم‌العمیدی کتاب: در انتظار ققنوس صفحه ۹۴

۲. نویسنده: سید ناصر هاشم‌العمیدی کتاب: در انتظار ققنوس صفحه ۹۵

۳. نویسنده: سید ناصر هاشم‌العمیدی کتاب: در انتظار ققنوس صفحه ۹۵

۴. همان کتاب ص ۱۰۴ و ۱۰۵

۵) حدیث (مهدی از فرزندان نبی است)

روایت ابو سعید خوری از رسول اکرم (ص) است که فرمودند: مهدی که گشاده پیشانی و کشیده بینی است، از من است و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد. هم چنانکه از ظلم و ستم لبریز خواهد شد و هفت سال حکومت خواهد کرد. همچنین از جمله‌ی این روایات، حدیث امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) است که فرموده: مهدی از فرزندان من است که غیبت خواهد کرد و در غیاب او امت‌ها گمراه خواهند شد. او میراث انبیاء را باز خواهد آورد و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد هم‌چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.

بدین ترتیب، روشن است که مهدی (عج) فرزند امام علی بن ابی طالب و از نسل همسر اولشان یعنی فاطمه زهرا (س) است.^۱

حدیث: زمین از حجت قائم خداوند، تهی خواهد ماند.

هر دو گروه (شیعه و سنی) به این حدیث استناد کرده‌اند و از طریق متعددی آن را نقل کرده‌اند. کمیل بن زیاد نخعی از امیرالمؤمنین چنانکه در نهج‌البلاغه آمده است نقل می‌کند که: آن حضرت پس از فراز بلندی چنین فرموده: آری!

زمین از حجت قائم خداوند تهی نخواهد ماند و تهی نماندن زمین از حجت قائم خدا تنها با ولادت یافتن مهدی (عج) سازگار است.^۲

و حدیث: مهدی (عج) از نسل حسین (ع) و نهمین فرزند وی است

قندوزی از المناقب خوارزمی به استاد خود از امام حسین (ع) نقل می‌کند: بر جد خود رسول خدا وارد شدم، مرا برون خود نشانند و به من فرموده: «ای حسین خداوند از نسل تو نه امام قرار داده است که نهمین آنان قائم ایشان است و همگی در فضل و منزلت نزد خدا یکسانند.»^۳

حدیث امام صادق (ع) درباره نوین بودن آیین و روش حضرت مهدی:

«گویی با دیگر پیامبر در عرصه حیات مسلمان ظاهر گشته است. تردیدی نیست که در حکومت مهدی، همان دشمنی‌ها، ستیزها، و نیز همان دوستی و جان‌افشانی‌ها، آشکار خواهد شد.»
« هنگامیکه قائم ظهور کند، آیین جدیدی با خود می‌آورد، چنانکه پیامبر در طلیعه اسلام، مردم را به آیین نو دعوت می‌نمود.»

بدین سان روش مهدی را شیوه رشد و آسایش و تکامل اخلاقی می‌یابیم. پیامبر در این باره چنین فرموده:
«مردی از خاندان من برمی‌خیزد، به سنت من رفتار می‌کند. در عصر ظهور وی، خدا برکت از آسمان فرو می‌فرستد و زمین، برکت‌هایش را در دسترس مردم خواهد نهاد.»^۴

در حدیثی از رسول اکرم، مهدی موعود (عج) برخواسته از عترت رسول شناسانده که در جهان و سیاست، تابع وحی و سنت پیامبر است: «مهدی از عترت من است و بر اساس سنت من پیکار می‌کند، همانگونه که من بر اساس وحی پیکار کردم»

۲. همان کتاب ص ۱۰۴ و ۱۰۵

۳. همان کتاب ص ۱۲۲

۴. همان کتاب ص ۱۳۷

و در جای همانندی سیرت و صورت مهدی را با سیرت و صورت خود، یادآور می‌شود و نقش شهاب گونه مهدی را در دوران غیبت، حیرت و سرگردانی امت‌ها، می‌نمایاند:

« مهدی در صورت و سیرت، پیش از دیگران، به من شباهت دارد. برای او غیبت و حیرت می‌باشد که در آن دوران امت‌ها به گمراهی دچار شوند و او همچون شهابی فرو زنده رسد و زمین را آکنده از عدل و قسط نماید در حالیکه ظلم و جور همه جا را گرفته است.^۱»

حدیث پیامبر اکرم (ص) در رابطه با ظهور حضرت مهدی:

پیامبر فرمودند: اگر از عمر جهان جز یک روز نماند خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ظلم وجود پر شده است.^۲

حدیث امام محمد باقر (ع) در رابطه با ظهور حضرت مهدی:

امام باقر (ع) فرمودند: پیشوا و امامی خواهد آمد که در سال ۲۶۰ پنهان خواهد گشت سپس چون شبها در شب تار خواهد درخشید، پس چنانچه زمان وی را دریابی، چشمان تو روشن خواهد شد.

این حدیث بخشی از آینده‌نگری‌های اعجاز‌آمیزی است که اهل بیت از رسول خدا - یعنی همان کسی که این خبر را از وی دریافت کرده است - آموخته‌اند.^۳

حدیث امام حسن عسگری (ع) در مورد غیبت فرزندش:

« پس از من فرزندم، قائم (و صاحب امر دین و امامت) است و اوست که مانند پیامبران، عمری دراز خواهد داشت و غایب خواهد شد. در غیبت طولانی او دل‌هایی تیره گردد، فقط کسانی در اعتقاد به او پابرجا خواهند ماند که دل آنان به فروغ ایزدی رخشان باشد و روح خدایی به آنان مدد رساند.^۴»

احادیثی از امام حسین (ع) راجع به غیبت و انتظار:

۱- « امام حسین فرموده: قائم این امت از فرزندان من است او صاحب غیبت است و میراثش در حالیکه زنده می‌باشد تقسیم می‌گردد.»

۲- « کسیکه در زمان غیبت قائم ما بر ولادت ما استوار باشد، خداوند پاداش هزار شهید مثل شهدا جنگ بدر واحد را به او خواهد داد.»

۳- صاحب این امر (مهدی) دو غیبت دارد یکی آنقدر طولانی است که گروهی خواهند گفت او از دنیای رفته است و جمعی خواهند گفت او کشته شده و عده‌ای می‌گویند او ظهور کرده است کسی از ظهورش اطلاع نخواهد داشت جز کسانی که در انتظارند.»

۴- « اگر مهدی (عج) قیام کند گروهی از مردم او را انکار نمایند زیرا علیرغم تصور آنانکه مهدی را به ستیز پیر می‌پندارند حضرت با چهره شاداب جوانی ظهور خواهد کرد.»^۵

روایت شده از امام صادق در تأویل کلام خدا در سوره آل عمران:

۲. همان کتاب ص ۱۸۸

۳. سید محمود حسینی سیرجانی - میلاد خورشید ولایت ص ۳۳

۴. سید ثامر هاشم العمیدی - در انتظار ققنوس ص ۶۵

۵. هدایتی فخر داوود - زندگی و رهبری امام مهدی ص ۱۲۶

۱. سید محمد حسینی سیرجانی - میلاد خورشید ولایت ص ۲۸ تا ۳۳

«آنانکه در آسمانها هستند و آنانکه در زمین می‌باشند، از روی میل و رغبت یا کراهت تسلیم خدا می‌شوند» و امام فرموده: هنگامیکه مهدی (عج) قیام کند زمینی باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آنجا به شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله ندا می‌شود.

و همچنین در روایت دیگری از امام دیگری از امام باقر و امام صادق (ع) در تأویل سخن حق: «و اگر عذاب ایشان تاخیر اندازیم تا وقت پیروان شمرده شده...» که فرمودند: پیروان شمرده شده یاوران مهدی (عج) می‌باشند در آخرالزمان که سیصد و سیزده نفرند، همانند شماره اهل بدر. در یک زمان جمع‌آوری می‌شوند همانطور که ابرهای پراکنده پاییزی جمع‌آوری می‌شوند. و همچنین امام باقر در تأویل قول حق: «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مردنش به او می‌گرود و روز قیامت بر ایشان گواه می‌باشد» - می‌فرمایند: «عیسی پیش از قیامت به دنیا فرود می‌آید، و اهل هیچ ملتی - از یهودیان و غیر ایشان - نمی‌مانند مگر پیش از مردن خود، به او می‌گروند و عیسی پشت سر مهدی نماز می‌خواند.»^۱

امام باقر (ع) فرمودند: زمانی بر مردم می‌آید که امام و پیشوای آنان غیبت می‌کند پس خوش به حال کسانی که بر فرمان ما استوار و ثابت قدم باشند.^۲

امام باقر (ع) حدیث طولانی نقل کرده است. در آن حدیث سخن از قائم می‌گوید: هنگامیکه قائم خروج کند به خانه کعبه تکیه دهد. آنگاه ۳۱۳ تن نزد او گرد آیند پس نخستین سخن که می‌گوید این آیه است: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین «بقیه الله (ذخیره الهی) برای شما مردم اگر مؤمن باشید از هر چیزی و هر کسی دیگری بهتر است.»

من بقیة الله ام و حجت خدایم در میان شما. آنگاه هر مسلمانی که به او سلام دهد گوید: «السلام علیک یا بقیة فی ارضه»^۳

احادیث ذیل در تفسیر سوره کوثر نقل شده‌اند:^۴

۱- ابوبصیر می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم قائم کی خروج می‌کند؟ فرمود: ای ابا محمد! ما اهل بیت وقت ظهور را تعیین نمی‌کنیم و محمد (ص) فرموده است: تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ می‌گویند.

۲- امام صادق (ع) مفصلی فرموده: غیبت قائم ما نیز مورد انکار امت واقع می‌گردد. یکی بدون اطلاع می‌گوید: امام اصلاً متولد نشده است، دیگری می‌گوید: به دنیا آمده ولی مرده است. دیگری کافر می‌شود و می‌گوید: امام یازدهم اصلاً اولاد نداشته است. دیگری به واسطه گفتارش ایجاد تفرقه می‌کند و از دوازده امام تجاوز نموده آنها را سیزده و زیاده‌تر می‌داند. و دیگری خدای را عصیان ورزیده می‌گوید: روح قائم در بدن شخص دیگری تکلم می‌کند.

۲. محمدرضا طبسی - ستاره درخشان ص ۹۹

۳. سیرجانی - میلاد خورشید ولایت ص ۳۲

۴. محمدرضا حکیمی - خورشید مغرب ص ۱۲۰

۵. ابراهیم امینی - دادگستر جهان - مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر - چاپ دوم مهر ۱۳۴۷ - قم ص ۳۱۹ و ۳۲۰

فصل سوم

مهدویت در ادعیه

بحث مهدویت در ادعیه را مختصراً به ذکر دعاهایی که در مفاتیح‌الجنان آمده است آغاز می‌کنیم و با دعایی که امام صادق به زراره تعلیم به پایان می‌رسانیم.

در مفاتیح‌الجنان، زیارت نیمه شعبان می‌خوانیم:

۱- «و احيينا في دولة ناعمين و بصحبتهم غانمين.»

و زنده‌دار ما را دولتش با نعمت و به همنشینی او بهره‌مند.

۲- «اللهم و ادرک بنا ایامه و ظهوره و قیامه»

بار خدایا! و برسان به ما روزگارش را و ظهورش و قیامتش را.

۳- در زیارت حضرت مهدی می‌خوانیم:

«و پر کن به وسیله او و زمین را از عدل و آشکار کن بوسیله او دین پیامبرت را که درود فرستد خداوند بر

او و خاندانش»

۴- دعای عهد: «و اعمر اللهم به بلاءک و اوحی به عبادک»

و آبادگردان بار خدایا بوسیله او شهرهایت را و زنده گردان بوسیله او بندگانت را.

۵- دعای ندبه: «اللهم واقم به الحق و ادحض به الباطل»

بار خدایا بر پا دار بوسیله او حق را و نابود کن بوسیله او باطل را.

۶- «و اتنا من حوض جده بکاسه و بیده»

و سیراب کن ما را از حوض جدش (که درود فرستد بر او و خاندانش) با جامش و دستش.^۱

امام صادق (ع) به زراره فرموده: اگر آن زمان (غیبت) را درک کردی این دعا را بخوان: (اللهم عرفنی نفسک

فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک)

دعای حضرت:

۷- «و جدد به ما امتحی من دینک و بدل من کلمک حتی تعدینک به»

و تازه گردان بوسیله او آنچه را محو شده از دینت و دگرگون شده از حکمت تا اینکه به جای خود باز گردد

دینت بوسیله او.

امام صادق (ع) به زراره فرموده: اگر آن زمان (غیبت) را درک کردی این دعا را بخوان.

اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک)

اللهم عرفنی رسولک ما لک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک)

اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ظلمت عن دینی)

زمان‌هایی که ویژه حضرت مهدی (عج) دانسته‌اند:

شب قدر، روز جمعه، روز عاشورا و نیز هر روز (از زرد شدن آفتاب، غروب آن) و عصر روزهای دوشنبه و

پنج‌شنبه و همچنین شب و روز شعبان و روز نوروز می‌باشد که درباره آن به نیایش سفارش کرده‌اند.^۲

۱. سیرجانی - میلاد خورشید ولایت صفحات ۳۹ - ۴۰

۲. هدایتی فخر داوود - زندگی و رهبری امام مهدی ص ۱۰۴

منابع و مأخذ

- ۱- اسحاقی، سید حسین، سپید، امید، بوستان کتاب چاپ اول پاییز ۸۰، قم
- ۲- اشتهاردی، محمد مهدی، حضرت مهدی فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ هفتم، زمستان ۸۰
- ۳- امین، ابراهیم، دادگستر جهان، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، چاپ دوم، بهار ۴۷، قم.
- ۴- حسینی، سید علی و منقی، تقی، ۵۹ نکته درباره امام زمان سیما فرهنگی - انتشاراتی، چاپ اول. تابستان ۸۲، قم.
- ۵- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، چاپ چهارم، تابستان ۷۶
- ۶- طبسی، آیات الله شیخ محمدرضا، ستاره درخشان، مترجم سید محمد حسین انصاریان، چاپ دوم، بهار ۷۱، قم.
- ۷- مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار - انتشارات صدرا، چاپ هفتم، زمستان ۷۱، تهران
- ۹- هاشم العمیدی، سید ثامر، در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی عزیزاده، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی، چاپ دوم، پاییز ۸۲
- ۱۰- هدایتی فخر داوود، ابوالفضل، زندگی و رهبری امام مهدی، انتشارات شهریار، چاپ اول، بهار ۷۹، قم.

حضرت مهدی (عج)

حمیدرضا خرمی

مقدمه

بر قاف رسالت نتوان رفت چو سیمرغ

بی هم‌رهی دست توانای معلم

ابلیس چرا دارنده شد از درگه ایزد

ناموخت چو او خط الفبای معلم

انسان موجودی است عالی که تجسّن عینی اراده خدا است و خداوند احسن الخالقین است که اشرف مخلوقات را آفرید و از روح عالی خود در او دمیده و به او درک و شعور تعقل بخشید تا به مدد همت خود متعالی گردد و خداوند به واسطه رحمت پیامبران را فرستاد تا معلمان باشند و مکارم اخلاق و شیوه‌های زندگی را بیاموزند.

معلمی رسالتی است در امتداد رحمت خدا و مسئولیتی است خطیر که از عهده همگان خارج است و مدعیان بی‌حوصله و نابخرد در این حیطة نامحرمند.

مدعی است خدا که آیه به تماشاگه راز

دست غیب آمد بر سینه نامحرم زد

آنچه مسلم و مشهور است در دنیای آشفته امروز دیگر این بیت آن شاعر بینوا کمتر مصداق دارد که می‌گفت:

نه هر کو بداند الف راز توان نام او را معلم نهاد

«معلم امانتداریست که انسان امانت اوست»

امام راحل (ره)

از آنجا که من در رشته آموزش ابتدایی مقطع کاردانی دانشگاه آزاد اسلامی تایباد در سال ۸۱ مشغول به تحصیل هستم و در درس آشنایی با کتابخانه بر آن شدم که با راهنمایی استاد خود جناب آقای نصیری به انتخاب موضوع امام مهدی (ع) پردازم و از چند منبع مختلف بوسیله روش فیش‌نویسی در نوشتن یک مطلب کار را شروع کرده و در چند هفته در ترم تابستان تعداد ۶۰ فیش از کتابهای مختلف نوشته و جمع‌آوری شد. مطابق با فیش شروع به نوشتن مطالبی در مورد امام مهدی (ع) انجام شد.

مطالب جمع‌آوری شده در این مصحف از منابع مختلف می‌باشد که برای گذراندن واحد آشنایی با کتابخانه به عنوان تحقیق داده شده است. امیدوارم که توانسته باشم مطالب را آن‌طور که باید باشد جمع‌آوری کرده به امید آن روزی که همگی جزء منتظران آن امام همان مهدی موعود باشیم.

از زمانهای گذشته تاکنون پیامبران و امامان زیادی برای هدایت و راهنمایی ما آمده‌اند که پیشینیان و این‌های مختلف در مورد به دنیا آمدن مهدی (ع) در کتابهای اوستا- انجیل- تورات مطالبی چند درباره ظهور منجی آخرالزمان مطرح شده است.

همچنین در احادیث مختلف از پیامبران حضرت عیسی- صالح و دانیال پیغمبر و حضرت محمد(ص) در مورد ظهور مهدی موعود خبر داده‌اند.

از جمله روزی سیدالشهداء زبان به سخن گشود و درباره امامت سخن گفت: «در میان ما خاندان نبوت و رسالت دوازده مهدی وجود دارد که هر یک برای ارشاد و هدایت اجتماع بشری از پیشگاه مقدس پروردگار مأموریت داشته نخستین امام و رهبر الهی امیرالمؤمنین علی(ع) است و آخرین آنها نهمین فرزند من که اوست امام قائم و پیشوایی که با فرمان الهی قیام نموده و حق را در روی زمین گسترش می‌دهد و صحنه تحیتی حیاتی تازه به خود می‌گیرد پس از آنکه چهره‌اش به غبار نادانی و بی‌عدالتی گرفته شده باشد.

در نتیجه دین خدا که از متن واقع گرفته شده و حق است بر تمام ادیانی که خود را به دروغ به خدا بسته‌اند غلبه پیدا می‌کند اگرچه ضدخداپرستان از این کار ناخشنود باشند.

آری این امام دوازدهم از انظار پنهان می‌گردد و آنچنان دوری او به درازا می‌کشد که جمعی از دین خدا برمی‌گردند ولی عده‌ای به هیچ قیمتی دوستی او را از دست نمی‌دهند»^۱

خواب‌های نرجس خاتون و ملیکه

شب‌ی نرجس در خواب دید که حضرت محمد و دامادش علی بن ابیطالب و جمعی از امامان به قصر آمدند. حضرت عیسی به استقبال آنها آمد و حضرت رسول اکرم فرمود: یا روح‌الله ما آمده‌ایم که ملیکه فرزند وصی تو شمعون را برای این فرزند سعادت‌مند یعنی امام حسن عسکری خواستگاری کنم و ادامه دارد شرف دو جهانی به تو رو کرده و ناگهان نرجس با پریشانی از خواب پرید.^۲

دوباره بعد از چهارده شب بهترین زنان عالم یعنی فاطمه زهرا و حضرت مریم با هزار کنیز از حوریان بهشتی به خواب نرجس آمدند.

حضرت مریم به نرجس گفت: این خاتون بهترین زنان و مادر شوهر تو امام حسن عسکری است. پس نرجس به دامن فاطمه زهرا آویخت و گریست و از امام حسن عسکری شکایت کرد که دیگر به خواب او نمی‌آید و از دیدنش ابا دارد.

فرمود: فرزندم چگونه به دیدن تو آید حال آنکه تو بر مذهب ترسائی ایمان داری و اگر میل داری حق تعالی و مریم از تو خشنود باشند و امام حسن عسکری به دیدن تو بیاند اشهد خود را بگو و نرجس شهادتین را به زبان جاری کرد و حضرت فاطمه او را به سینه چسباند و دل‌داری داد و گفت: اکنون منتظر آمدن فرزندم باش و من او را سوی تو می‌فرستم.^۳

در شب‌ی نرجس خوابید و در خواب امام حسن عسکری را دید و گفت: چون نرجس مسلمان شدی هر شب نزد تو می‌آیم.

حضرت عسکری مرا در شب‌ی از شبها خبر داد که در فلان روز جدت لشکری به جنگ مسلمین می‌فرستد و تو خود را در میان کنیزان و خدمتگزاران بیانداز با لباسی که ترا شناسند و بعد از فلان راه برو. نرجس چنان کرد و به لشکر مسلمین برخوردند ما را اسیر کردند و آخر کار من آن بود که کسی نمی‌دانست من دختر پادشاه روم و مرد پیری که من در غنیمت او افتادم نام من را پرسید گفتم نرجس هستم سلیمان بن بشر گفت تو خوب عربی می‌دانی گفتم از جدم یاد گرفتم و مرا به سامراء برد و خدمت حضرت هادی(ع) رفتم و حضرت گفت که دیدی چگونه عزت دین اسلام را به تو رو کردند و شرف و بزرگواری محمد و اولاد او را فهماندند.

۱. مصلح حقیقی جهان، تألیف سید محمدتقی مقدم، انتشارات مقدم، ص ۳۳

۲ و ۳. کتاب مصلح حقیقی جهان، ص ۴۰ و ۴۱

۴. کتاب مصلح حقیقی جهان، ص ۴۲

حضرت فرموده: نزد تو کدام بهتر است ده هزار اشرفی یا فرزندی که پادشاه مغرب و مشرق باشد. نرجس گفت: آیا این فرزند از من به عمل خواهد آمد. حضرت هادی گفتند: آری از کسی که رسول خدا تو را برای او خواستگاری کرد و او پسر امام حسن عسکری است نرجس خوشحال شد.^۱

حضرت امام حسن عسکری و نرجس خاتون ازدواج کردند و بعد از مدتی که گذشت خبر داشتن فرزندی به امام حسن عسکری نوید داده شد.

تا هنگام ولادت مانند حمل موسی و تا ساعت تولد هیچ کس اثر حمل در نرجس نمی‌دید. حتی قابله‌های متخصصی که معتمد عباسی در سرای حضرت گماشته بودند که هرگاه در خانواده امام عسکری اثر حمل ببینند فوراً اطلاع دهند.

مانند فرعون که قابله‌های بسیاری را برای زنان بنی‌اسرائیل گماشته تا از حمل مادر موسی اطلاع دهند. تا آخرین لحظه ولادت حکیمه خاتون عمه حضرت اثر حمل را در نرجس مشاهده نکرد او می‌گفت: نزدیک بود مرا شک عارض شود. که ناگاه صدای امام حسن عسکری بلند شد که عمه جان سوره قدر را بخوان و من شروع کردم به خواندن سوره انا انزلناه و او از میان رحم با من هم‌آواز شد چون سوره تمام گردید او متولد شد و همگی غرق شادی شدیم.^۲

مهدی فرزند پیامبر است و از اولاد بانوی اکرم حضرت فاطمه زهرا و نهمین امام است از نسل امام حسین(ع)

مهدی بن حسن سکری بن علی نقی بن محمد تقی بن علی بن موسی الرضا بن موسی بن جعفر بن جعفر بن محمد صادق بن محمد بن علی باقر بن علی بن الحسین بن حسین بن علی است.^۳

امام مهدی در روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ متولد شد.^۴ بنا به مشهور سال ۲۵۶ موافق عدد کلمه نور و به قولی سال ۲۵۵ در شهر سامراء در منزل ملکی پدر که الان صحن و حرم عسکریین است متولد گردید.^۵

اسم آن حضرت محمد و کنیه او ابوالقاسم و ابوصالح می‌باشد.^۶ القاب متعددی آن امام دارند از جمله آنها مهدی - منصور قائم بامر الله - حجة الله - ولی الله - صاحب الامر - صاحب الزمان - المنتقم - بقیه الله می‌باشد.^۷

روزی ابونصر خادم می‌گوید بعد از چند روز از تولد به خانه‌ای که گهواره حضرت مهدی در آنجا بود رفتم چون سلام کردم پاسخ شنیدم فرمود صندلی سرخ آورید.

چون صندلی را آوردم فرمود آیا مرا می‌شناسی گفتم: بلی یا سیدی تو بهترین آقا و پسر بهترین آقا هستی و فرموده: من خاتم اولیاء هستم و برای خاطر من بلا از خاندان و شیعه‌ام برداشته می‌شود ولی بعد از من ولی و

۱. کتاب مهدی منتظر تألیف حاج شیخ محمدجواد خراسانی، آبان سال ۱۳۵۹، انتشارات خراسانی قم، ص ۱۴

۲. کتاب خورشید مغرب، تألیف محمدرضا حکیمی، سال ۱۳۸۰، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۲۹

۳. کتاب خورشید مغرب، تألیف محمدرضا حکیمی، ص ۱۹

۴. کتاب مهدی منتظر، تألیف شیخ محمدجواد خراسانی، ص ۱۴

۵. کتاب مهدی منتظر، تألیف شیخ محمدجواد خراسانی، ص ۱۳

۶. کتاب مهدی منتظر، تألیف شیخ محمدجواد خراسانی، ص ۱۳

وصی کسی نمی‌باشد.^۱

در کودکی تا سال دویست و شصت که پنج سال یا چهار سال و اندی از سن شریفش گذشته بود در کفالت پدر بزرگوارش بود و به روح‌القدس سپرده شد و در این مدت مخفی از همگان می‌زیست مگر بعضی از خواص که از ولایتش مطلع گشته و او را در ایام کودکی مشاهده کردند.^۲

در مورد شمایل حضرت مهدی در کتابهای مختلفی مطالبی را نوشته‌اند مانند چهره‌اش گندمگون - ابروانش هلالی و کشیده - چشمانش سیاه و درشت و جذاب - شانهاش پهن - دندان‌هایش براق و گشاده - بینیش کشیده و زیبا - پیشانی‌ش بلند استخوان‌بندی او استوار - عضلاتش پیچیده - هیأتش خوش منظر و رباینده قیافه‌اش از حشمت و شکوه رهبری سرشار نگاهش دگرگون‌کننده - خروشش دریا‌سان و فریادش همه‌گیر می‌باشد.^۳

مهدی از لحاظ سیرت عملی صاحب حشمت و سکینه و وقار است مهدی جامه‌هایی درشت‌ناک و خشن می‌پوشد و همیشه نان جو می‌خورد و در علم و حلم مهدی از همه مردم بالاتر است و مهدی همانا پیامبر است و خلق او خلق مهدی می‌باشد.^۴

بعد از گذشت چندین سال از تولد حضرت مهدی یکی از خادمان امام حسن عسکری روایت می‌کند که من رقعها را با خود به شهری ببرم و حضرت فرمود که امام حسن تو بعد از ۱۵ روز که می‌آیی دیگر نیست و آواز گریه از خانه ما بلند می‌شود خادم گفت: چه کسی امام و پیشوای ما بعد از شما خواهد شد گفت وقتی که رقعها را آوردی و با این وضع مواجه شدی کسی که جواب رقعها را از تو طلب نماید او جانشین من است و همچنین کسی که بر جنازه من نماز بگذارد.

بعد از سفر این مسائل پیش آمد و جعفر برادر حضرت عسکری به در سرای آمد و من را دید و چیزی نگفت فهمیدم که او جانشین امام نیست و برای خواندن نماز جنازه جعفر جلو ایستاد در آن لحظه کودکی گندمگون - تنک موی بیرون آمد و لباس جعفر را کشید و فرمود ای عمو عقب بیا که من به نماز کردن پدرم اولی تر از تو هستم جعفر عقب آمد و کودک بر جنازه نماز کرد و وقتی حضرت را دفن کردند کودک پیش من آمد و جواب رقعها را خواست و هر دو علامت امامت برای من مشهود شد.^۵

ابتدای امامت حضرت مهدی (ع) از سال ۲۶۰ که پدر بزرگوارش به زهر معتمد عباسی شهید شد آغاز گردید.^۶ از جمله علامتهای امامت مشتمل بر اینها است.

- ۱- متولد می‌شود پاک و پاکیزه
- ۲- چشم او بخوابد و دل او بیدار باشد
- ۳- از همه مردم عالمتر باشد
- ۴- دارای معجزه باشد
- ۵- از همه ترک‌کننده‌تر باشد به آنچه تهی می‌کند
- ۶- از همه شجاع‌تر باشد

۱. کتاب مصلح حقیقی جهان، تألیف سید محمدتقی مقدم، ص ۱۶۳

۲. کتاب مهدی متظر، تألیف شیخ محمدجواد خراسانی، ص ۱۵

۳. کتاب خورشید مغرب، تألیف محمدرضا حکیمی، ص ۲۸

۴. خورشید مغرب، تألیف محمدرضا حکیمی، ص ۳۰

۵. کتاب مصلح حقیقی جهان، تألیف سید محمدتقی مقدم، ص ۱۷۳

۶. مهدی متظر، شیخ محمدجواد خراسانی، ص ۱۵

۷- مهربان‌تر از مردم به خودشان باشد.^۱

انسان عصاره عصارات کائنات است و مهدی(ع) عصاره انبیاء و اولیا است و شباهت‌های زیادی به دیگر پیامبران دارد از جمله طولانی بودن عمر مانند حضرت آدم و نوح(ع) و پنهان بودن ولادت از حضرت ابراهیم و موسی(ع) و زیبایی از حضرت یوسف(ع) و غیبت از قوم از حضرت صالح(ع) و قضاوت کردن از حضرت داود و جهان‌داری و حشمت از حضرت سلیمان و برخورداری از فرج و گشایش پس از گرفتاری از حضرت ایوب(ع) و رجوع میان مردم پس از غیبت در هیأت جوانان از حضرت یونس و نورانیت مورد اختلاف قرار گرفتن احوال شخصی از حضرت عیسی و انقلاب خونین و خروج با شمشیر و درهم کوبیدن جباران از حضرت محمد(ص) می‌باشد.^۲

از جمله اتفاقات جوانی غیبت صغری که بیش از ۷۰ سال به طول انجامید بعد از غیبت صغری غیبت کبری و درازمدت آغاز گردید و تاکنون ادامه دارد.^۳

اکنون چه دلایلی است که امام ما غائب می‌باشد. دلیل عمومی اینکه پیش از تولد حضرت مهدی پیغمبر و امیرمؤمنان و ائمه پیش‌بینی کردند و گفتند او غیبت خواهد کرد و غیبت او طولانی خواهد بود. دلیل خصوصی آن آثار وجودیه آن حضرت که برای پیروانش و منتظرینش ظاهر است از مشاهده او و توسلات به او و دادرسی‌های او که در فوائد آن حضرت در زمان غیبت ذکر خواهیم کرد و این آثار دال بر وجود اوست.^۴

در آیین ما اسلام به قدری قطعی و مسلم درباره حضرت مهدی کتابهای زیادی در میان اهل سنت و اهل تشیع وجود دارد از جمله کتابهای حدیث- تاریخی- دیوان شاعران- کتابهای مناقب و فضایل- کتابهای لغت و ادبیات

مانند: مسند- تألیف احمد حنبل شیبانی جامع- ابو عیسی ترمذی
البیان- ابو عبدالله شافعی فوائدالفکر- یوسف کرمی مقدسی
مشرب الوردی- ملا علی قاری حنفی مکی اصول کافی- تفه الاسلام کلینی
الغیبه- شیخ الطایفه طوسی بحار الانوار- علامه مجلسی
منتخب الاثر- شیخ لطف الله صافی گلپایگانی امله‌دی- آیت الله صدر
در فجر ساحل- شیخ محمد حکیمی می‌باشد.^۵

از حضرت رضا(ع) نقل شده است که مهدی ما زمانی قیام می‌کند که در سنین کهولت است ولی سیمائی جوان داد و خیلی نیرومند است که اگر به کهن‌ترین درختان دست بزنند آن را از جای می‌کند و اگر در میان کوه‌های بزرگ فریاد برآورد همه جا را دچار طنین صدای خود می‌کند. خدا او را از انظار تا بخوهد دور نگه می‌دارد پس از آن جلوه او را آشکار نموده و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد.^۶

۱. مهدی منتظر، شیخ محمد جواد خراسانی، ص ۱۸
۲. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۱۷۳
۳. خورشید مغرب، تألیف محمدرضا حکیمی، ص ۴۳
۴. مهدی منتظر، محمد جواد خراسانی، ص ۳۶
۵. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۹۵
۶. کتاب مصلح حقیقی جهان، محمد تقی مقدم، ص ۱۶

هم‌اکنون که از هجرت حضرت مهدی (ع) هزار و سیصد و هشتاد و سه سال قمری می‌گذارد از عمر شریفش هزار و صد و بیست و هفت سال می‌رود اما هنگامی که ظاهر شود به صورت جوانی ظاهر خواهد شد که در سن سی یا چهل سالگی است و مرور زمان هیچ در وی تأثیر نکرده تا معلوم شود قدرت خداوند و هم در این امر امتحانی باشد برای خلق که به همین دلیل علت برگشتن بعضی از راه او می‌باشد.^۱ در اجتماع حق حاکمیت اجتماعی دارای یکی از ۵ وضعیت زیر می‌باشد.

- ۱- حاضر و فعال مثل حضرت موسی
- ۲- حاضر و غیرفعال مثل حضرت عیسی
- ۳- حاضر و فعال مثل ائمه طاهرين
- ۴- غایب به غیبت‌های کم زمان مثل حضرت صالح
- ۵- غایب به غیبت‌های طولانی مثل امام زمان

که اینها همه برای امتحان مردم جهان می‌باشد که چگونه زندگی کنند.^۲ دربارهٔ پیشامد وضعیت غیبت آن امام امر این است که پیش از وقوع غیبت زمینه برای این پیشامد فراهم می‌گشته است.

از زمان امام نهم به بعد مردم کمتر امکان تماس با ائمه داشته‌اند مدتی دراز از دوران امامت امام دهم و یازدهم نیز در حالت بازداشت و تحت نظر گذشته است که چیزی است نظیر غیبت که بیشتر با وکیلان آن در امام مردم در تماس بودند.

در مدت ۶۰ تا ۷۰ سال غیبت صغری توسط ۴ نایب خاص با مردم در ارتباط بودند.^۳ غیبت امام مهدی به دو دوره تقسیم می‌شود.

غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ هجری یعنی حدود ۶۹ سال بود و در دوران غیبت ارتباط شیعیان به کلی قطع نبود و به گونه‌ای محدود با امام در ارتباط بودند در این مدت با نایبان خاص با امام مرتبط می‌شدند و آماده‌سازی برای غیبت کبری بود.^۴

غیبت صغری از نظر شعاعی غیبتی همه‌جانبه نبود و شعاع و دامنهٔ آن محدود بود اگرچه امام از نظرها پنهان بود لیکن این غیبت و پنهانی نسبت به همه‌کس نبود بلکه کسانی بودند که به صورتی با امام در تماس بودند و آنها نایبان خاص امام بودند و گاهی گروهی از مردم به وسیلهٔ نایبان خاص به دیدار امام مهدی می‌رفتند و در این مدت امام هم غایب بود و هم غایب نبود.^۵

از جمله نایبان خاص حضرت مهدی (ع) در دوران غیبت صغری می‌توان عثمان بن سعید - محمد بن عثمان - حسین بن روح نوبختی - علی بن محمد سمری می‌باشد.^۶

وظایف و فعالیت‌های اساسی نواب خاص

الف- پنهان داشتن نام و مکان امام

^۱ کتاب مهدی منتظر، محمدجواد خراسانی، ص ۱۵

^۲ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۱۷۳

^۳ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۱۷۰

^۴ زندگی حضرت امام مهدی، تألیف محمد پیشوای انتشارات مرکز فعالیت‌های قرآنی، ص ۹

^۵ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۴۳

^۶ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۴۵

دیدار آنها با امام گاهگاهی صورت می‌گرفت این سیاست استتار و پنهان‌کاری دقیقاً بر اساس دستور راهنمایی خود امام صورت می‌گرفت.

ب- سازمان‌دهی و کلا

نمایندگان محلی در عصر غیبت با اختیارات گوناگون و حوزه‌های فعالیت متفاوتی که داشتند در مناطق تمرکز شیعیان مستقر بودند و هر چند در زمان پیشوای دهم و یازدهم این دسته توسط وکیل با امام تماس می‌گرفتند اما در هر حال امکان ارتباط مستقیم با خود امام نیز برای آنان وجود داشت ولی در عصر غیبت صغری امکان ارتباط مستقیم کلاً قطع شد و فقط زیر نظر نواب خاص بودند.

ج- اخذ و توزیع اموال متعلق به امام

نواب خاص امام هر کدام در دوران سفارت خود وجوه و اموال متعلق به آن حضرت را که شیعیان مستقیماً یا توسط وکلای محلی می‌پرداختند.^۱

در مورد بعضی از وظایف نواب خاص که پاسخگویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی که دایره فعالیت آنها شامل پاسخگویی به همه نوع سؤالات فقهی و شرعی حل مشکلات عقیدتی و نیز مبارزه علمی با شبهاتی می‌شد که مخالفان مطرح می‌کردند و از این راه در تضعیف عقاید و پریشانی فکری شیعیان می‌کوشیدند درباره مبارزه با مدعیان دروغین نیابت که مبارزه با ادعاهای باطل را نیز به فعالیت‌های نواب اربعه افزود.

گروهی در عصر غیبت به دروغ مدعی سفارت و نیابت خاص امام بودند و در اموال متعلق به امام تصرفات بی‌مورد نموده و در مسائل اعتقادی سخنان گمراه‌کننده بر زبان می‌راندند.^۲

اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می‌داد ممکن بود موجب اغراف افکار شود و ذهنها آماده پذیرش آن نباشد اما گذشته از زمینه‌سازیهای مدبرانه امامان پیشین در طول غیبت صغری به تدریج ذهنها آماده شد و بعد مرحله غیبت کامل آغاز گردید و تاکنون نیز ادامه دارد و پس از این نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت بدهد ادامه خواهد داشت.^۳

پس از گذشتن دوره غیبت صغری غیبت درازمدت آغاز گردید و این مدت طولانی است که بزرگترین مرحله آزمایش و امتحان در دار طبیعت و سنجش ایمان و عمل خلق وجود دارد تا معلوم گردد که مردم چگونه عمر خود را سپری می‌کنند و از هستی و نیروهای خویش چگونه استفاده می‌برند چه نتیجه‌ای می‌گیرند و چگونه برنامه زیست خویش را تنظیم می‌کنند.^۴

در دوره غیبت کبری چنانکه یاد کردیم در هر عصری عالم بزرگی که واجد همه شرایط لازم فقاقت و رهبری باشد در رأس جامعه قرار می‌گیرد و رهبری از آن اوست و رجوع مردم به اوست و او صاحب ولایت شرعی است به نیابت از امام حاضر می‌باشد.^۵

در دوران غیبت مسأله ایام و تداول ایام در میان افراد و اقوام مسئله‌ای بسیار مهم است.

۱. زندگانی حضرت امام مهدی، ص ۲۰

۲. زندگانی حضرت مهدی، مهدی پیشوایی، ص ۲۵

۳. زندگانی حضرت مهدی، مهدی پیشوایی، ص ۱۰

۴. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۴۳

۵. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۴۷

ایام ظرف اعمال و حوادث است و گردش آنها در میان مردمان طبق فلسفه الهی تاریخ بر منوال خاص است. همه ایام روزگار برای بشریت امتحان است لیکن یکی از مهمترین دوره‌های این امتحان بزرگ چنانکه یاد شد دوره غیبت کبری است خداوند این فرصت امتحانی را به مردمان داد و آنان را به اختیار خویشتن گذارد و ایام را همچنان میان آنان برگزار کرد تا این امتحان عظیم و گسترده نیز برگزار شود.

البته غیبت و ایام غیبت از نظر عاطفه‌های مذهبی واقعیتی دردآور بوده زیرا که دوری آن پیشوای دلسوز و مربی محبوب هجرانی سوزان را در پی دارد فراقی که انسانهای کامل معتقد و مردم با ایمان بسی سوخت و گداخت و داستان این مشتاقی و مهجوری پایان شکیبایی از دستشان ربود و اشکشان را بر این چمن و گل که بی فروغ رخ ساقی رنگی نداشت پاشید و مردم ما معتقدند که مهری به اذن خدا زنده است و در جهان می‌زید لیکن از عموم مردم نهان است تا روزی که به هنگام حصول به امر خدا ظاهر شود.^۱

مقصد اصلی از برانگیختن پیامبران و فرود آمدن کتاب از آسمان برپاداشتن دادگری است در میان مردمان برپایی دادگری در جامعه انسانی سرچشمه همه خیرها و نیکی‌هاست.

اگر دادگری نباشد هیچ خیر و فضیلتی نخواهد بود و دادگری حقیقی این است که حکومت از آن خدا باشد و نه از آن انسان و پیامبران پاک و امامان معصوم به نیابت از خدا بر جامعه انسانی حکومت می‌کنند و مجری حکم خدا هستند و چون می‌نگریم که در تاریخ پیوسته بیدادگران و جباران به هم ستم کرده و نفس پیامبران را شهید می‌کنند و فریاد امامان را خاموش می‌سازند چون چنین است مقاومت در برابر آنان همیشه یک وظیفه بزرگ و یک تکلیف دینی است خداوند فرموده که دین او حاکم باشد و احکام او اجرا گردد اینست که پیوسته پیامبران در رده پیشین مبارزات عظیم جای دارند و در این زمان هم مقاومت در برابر حکومت جابر غیبت مقاومت است.^۲

مقاومت به جز بعد اعتقادی و ذهنی بعد عینی هم دارد که به عنوان یک وظیفه عملی و عینی که مقدمات آن تهیه شده باشد نیز همیشه حضور داشته باشد و فعال باشد تا متصل شود به مقدمات ظهور و نبردهای وسیع آن ایام و سپس استقرار حکومت مهدی همچنین ما باید راهها و زمینه‌ها و ابعاد و عوامل مقاومت را به خوبی تشخیص دهیم و امکانات را به دقت بشناسیم تا در همه جا حضور تکلیفی خویش را حفظ کنیم تا عینیت جامعه ما پیوسته عینیت مقاومت باشد و پایداری نه عینیت تسلیم و خواری^۳ هنگامی که به اهمیت مقاومت و ابعاد آن و حفظ موجودیت اسلام در عصر غیبت با نایب امام پرداختیم ابعاد وسیع این تکلیف بزرگ هم در مورد نایب امام و هم در مورد وظایف مردم و مسئولیت‌های جامعه نسبت به او به خوبی دانسته می‌شود نایب امام باید دین خدا و میراث پیامبران را در عصر خویش حراست کند و این مجموعه نفیس را به نسلهای آینده برساند و مردم نیز باید در ادای این تکالیف همه‌گونه به او کمک کنند دین یک نظام جامع است نه یک مشت موعظه و احکام چه امکان اجرایی داشته باشد و چه نداشته باشد بلکه در خود دین ضمانت اجرایی آن از طریق مقام رهبری و قدرت مرکزی پیش‌بینی شده است بنابراین اگر قرار باشد تربیت و سیاست دینی در جامعه اعمال شود. آیا جز از طریق در دست داشتن قدرت و حاکمیت ممکن است.

^۱ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۴۹

^۲ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۳۲

^۳ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۳۸

ایا می‌شود مقامات دینی از نظر قدرت سیاسی هیچ‌کاره باشند روشن است که ممکن نیست حضور قدرت دینی جز با حضور قدرت سیاسی امکان‌پذیر نیست و این است که دین عین سیاست است و سیاست عین دین است.^۱

راز فلاح و پیروزی جاوید ترسیم جامع عینیت مقاومت است در بعد خودسازی و جامعه‌پردازی و حماسه‌آفرینی و پروا پیشگی تا به فلاح برسید و درباره ابعاد مقاومت به چند بعد مقاومت ضروری اشاره می‌کنیم.

بعد دینداری یعنی اینکه هر کس بکوشد تا دین خود را در اعتقاد و در عمل حفظ کند مبانی عقیدتی خویش را با تفکر و تأمل و کسب آگاهی‌های سودمند و شناخت‌های درست و درس‌های لازم استوار سازد. بعد دین‌آموزی این بعد آموختن دین و مبانی و تکالیف دین است به دیگران و حفظ دین است در جامعه مسلمان متعهد باید برای حفظ دین در جامعه و گسترش در این سو و آن سو و بقا و انتقال آن و خوب فهماندن آن به فرزندان و نزدیکان به اشخاص و محیط‌ها به کوشش برخیزد.

بعد فرهنگی نگرهبانی و حراست فرهنگ دینی است در میان افراد و اجتماع لازم است که به هر وسیله‌ای شده است فرهنگ اسلامی و دینی و سنن شیعی در میان جامعه زنده بماند و همواره نقش‌آفرین و جهت‌بخشی می‌باشد.^۲

بعد اعتقادی نیز تجدید حضور همواره جهان‌بینی دینی است در سطح اجتماع نظام فکری دینی باید همواره به صورت یک نظام فکری نیرومند و مستدل در میدان‌های اندیشه اجتماعی حائز و حاکم باشد. باید پیوسته آگاهی‌تربیت شوند که از همه مکاتب فکری و مبانی ایدئولوژیکی آگاه باشند و در همه صحنه‌ها و در برابر پیدایش هر فکری و کشفی و نظریه‌ای مسائل را روشن کنند و آسیب‌پذیری حقایق دینی و اعتقادی را نشان دهند و از حضور نفوذ و فعال بودن آن حمایت کنند.

بعد اقتصادی حفظ قدرت مالی و امکانات اقتصادی اسلامی است همه نهضتها و انقلابها و اصلاحها هم برای گسترش یافتن و هم برای باقی ماندن نیازمند هزینه‌اند جامعه نیز در مواردی نیازمند کمک مالی است.

بعد سیاسی حضور و مقاومت سیاسی است با کناره‌گیری از فعالیت‌های سیاسی و از دست دادن پست‌های مدیریت اجتماعی هرگونه قدرتی به مرور از دست می‌رود و کار به جایی می‌رسد که شما به احکام دین خود حتی در سطح فرد نتوانید عمل کنید.^۳

بعد نظامی و قدرت مسلحانه از دیگر موردها است و دین اسلام همیشه دعوت به قدرت و عزت کرده است خود نیز از آغاز با قدرت و عزت وارد صحنه زندگی بشر شده است.

اسلام جامعه متدین را به داشتن قدرت نظامی و نیروهای جنگی تشویق فرموده است اینها همه برای این است که مسلمانان مقتدر باشند و عزت که از آن خدا و رسول و مؤمنان است همچنان از آن آنان ماند. بعد سازماندهی و ایجاد تشکیلات نیز می‌باشد به خوبی معلوم است که هرگونه فعالیت اجتماعی و تبلیغات اعتقادی و حضور سیاسی و کوشش نظامی در اجتماع وقتی سودمند است که از یک سازماندهی

^۱ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۵

^۲ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۳۸

^۳ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۰

اصولی و یک همگیلاست مسجوم و نیرومند برخوردار باشد بدون داشتن تشکیلات و سازماندهی نیروها هدر می‌رود و مجاهدتها به نتایج عمده خود نمی‌رسد و موضع‌گیریها پایدار نمی‌ماند و موقعیتها محفوظ نمی‌ماند. بعد هنری و مظاهر القایی و تبلیغی است در اینجا می‌خواهم بر این بعد بسیار تأکید کنم حوزه‌های مذهبی و دیانتی نباید از آثار عظیم و قدرتهای شگرف هنر و قدرت القای هنری غفلت ورزند بعد هنری در ابعاد مقاومت بعدی بسیار مؤثر است توجه به مسائل هنری و ذوقی باید امری جدی و تکلیفی تلقی شود پایه تبلیغات صحیح نیز به روش همین بعد قرار دارد.

بعد زمانگرایی مثبت از ابعاد مقاومت است خواص زمانی در مقیاس اجتماعات بشری یک حقیقت متغیر است که در هر عصر و نسلی ویژگی‌هایی دارد و اموری نوین را آشکار می‌سازد چیزهای نوینی که در هر عصر نو پیدا می‌شود.

چنین نیست که همه محکوم و مردود است اگر چیزها و آیینهای نو بخواهند سنتهای درست و اصالتهای راستین را بفراموشانند به یقین باید خود آنها به دست فراموشی سپرده شوند. اما چیزها و آیینها و روشهای نو همیشه اینگونه نیستند چه بسیاری از امکانات نو و مسائل نو به هدفهای مقدس و مقاومتیهای خدایی کمک می‌رسانند.^۱

نقش مهم در اداره اجتماعات نخست با مراکز تربیتی است و در دست داشتن مراکز تربیتی فقط و فقط با در دست داشتن مراکز قدرت سیاسی میسور است و لاغیر و اینها همه در گرو داشتن تشکیلات و سازماندهی است و داشتن تشکیلات و سازماندهی در گرو داشتن رهبری نیرومند است و اطاعت مردم از رهبری دین عین سیاست است یعنی اینکه پیروی از نایب امام در عصر غیبت لازم است و غیبت امام با وجود نایب امام حتی الامکان قابل جبران است و جامعه بی‌قطب هدایت و نجات رها نگشته است.

کسانی که از فعال بودن دین در اجتماع هراس دارند همواره این تفکر کفرآمیز را شیوع می‌دهند که دین از سیاست جداست چون می‌دانند که هنگامی دین از سیاست جدا شد از قدرت جدا شده است وقتی هم از قدرت جدا شد یعنی هیچ است.^۲

رهبر دینی نمی‌تواند به بخشی از مسئولیت خویش بسنده کند مثلاً امور تربیتی را به دست گیرد و از امور سیاسی چشم‌پوشد و از طرف دیگر اگر در جامعه یک رهبری واحد نباشد و یک خط حکومت نکند گرفتاری‌های سنگین پیش خواهد آمد زیرا که اعتقادات و تکالیف دینی حکمی می‌کند و سیاست حاکم حکمی دیگر رهبر دینی هم باید خط فکری و تربیتی و دینی داشته و هم باید در امور سیاسی و نظامی و اقتصادی حضور داشته باشد و رهبری دینی قابل تجزیه نیست و مردم باید در عصر غیبت به عالم ربانی رجوع کنند تکالیف عالم ربانی زمان حفظ موجودیت دین و حراست ایتم آل محمد(ص) می‌باشد.

حراست از انحراف تربیتی و سیاسی - انحراف فردی و اجتماعی - انحراف حکمی و حکومتی و انحراف عملی و فکری است.^۳

در زیر طاق بلند تاریخ همیشه از عدالت سخن بسیار آمده است و اگر عدالت در مرحله نفوس بشری باشد به آن عدالت انفسی گویند و اگر عدالت در بین همه جانوران و مظاهر طبیعت و همه جهان باشد عدالت آفاقی می‌گویند و این دو عدالت کمال بزرگ بشریت است و بدست آوردن آن امری مشکل می‌باشد

۱. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۴۰

۲. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۵۰

۳. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۵۰

و موانع زیادی بر سر راه آن است و عدالت یاد شده فقط از طریق پیامبران بیان شده است که همیشه با مقاومت جباران و ستمگران فاسد رو به رو گشته است منتظران مهدی(ع) باید در طول تاریخ انتظار چنان عدالتی را داشته باشند و هرچه مقاومت در برابر این انتظار بیشتر باشد بجاست و انتظار دعوت به نپذیرفتن باطل است که همیشه با انتظار غلبه حق بر باطل و غلبه داد بر بهداد و علم بر جهل.

همواره آمادگی خود را برای مشارکت در نهضت‌های پاک و مقدس تجدید می‌نماید و به همین دلیل به شیعه به عنوان منتظر دستور داده‌اند که سلاح خود را همیشه آماده داشته باشد و چنین هم باید باشد.^۱ از جمله القاب پیشوای ما قائم است که انسان منتظر هرگاه این نام را می‌شنوند قیام می‌کند که این احترام موجب توجه خاص آن امام به قیام‌کننده می‌شود.

شیعه منتظر و بلکه هر مسلمانی در هر عصر غیبت باید همواره دارای مبارزه و قیام در راه تحکیم عدالت جهانی و حفظ حقوق انسان‌ها باشد و در راه تحقق آن به وسایل گوناگون بکوشد تا آنجا این آمادگی را داشته باشد و ابراز دارد.^۲

وقتی صحبت از انتظار و منتظر می‌شود و معیارهای آن مشخص می‌گردد ضدانتظار و ضدمنتظر هم شناخته می‌شوند انسان منتظر نمی‌تواند به نام صبر خواص اعتقادی و عملی و آمادگی‌های نظامی و اقدامی را که در احادیث ائمه تأکید شده است از کف بنهد و نمی‌تواند ظلم را که همیشه مبارزه با آن تکلیف است را قبول کند و زیر بار حکومت ظالم برود در پاره‌ای از احادیث گفته شده است عجله نکنید و شتاب نداشته باشید اینها به معنای صبر بر ظلم و سکوت نیست بلکه عجله نکردن در رسیدن دولت حقّه جهانی مهدی(ع) است.^۳

انتظار تمرین و ریاضت است و تمرین زندگی است ساده و خشن و دور از رفاه و تن‌آسایی تا بدینگونه با زندگی پیشوای قیام هماهنگ کردند و تاب پیروی از فرزند علی را پیدا کنند باید در انسان منتظر روح پارسایی پایداری زهد و بی‌نیازی قدرت و مردانگی شهامت و بی‌باکی به وفور وجود داشته باشد باید این خصلتها را در خویش پرورد و یک چریک آماده باشد و هیچ‌گونه ضعف و سستی نباید او را دستخوش قرار دهد.^۴

بشریت پس از چند هزار سال کوشش و پیگیری در راه تجربه و شناخت طبیعت و جهان و هزینه گذاشتن اکنون چند سالی بیش نیست که انسان به مسئله سفر به قضا و گردشهای آسمانی دست یافته است و در روایات آمده مهدی بر مرکبهای پرصدايي که آتش و نور در آنها تعبیر شده است سوار می‌شود و به آسمانها سفر می‌کند و این تعبیر نوعی از فضایی‌های جدید است که در آن دوران وجود دارد یا به دستور خود امام ساخته می‌شود که به اسباب سماوات که از زمین به آسمان‌ها رفته و مورد استفاده قرار گرفته می‌شود.^۵

یک یا دو سال قبل از ظهور علائمی وجود دارد از جمله ملخ سرخ- فساد خرما بر درخت- جنگ و قتلی که منقطع نشود- خسوف ماه در شب چهاردهم رجب و ظاهر شدن مردی در زیر آسمان- باد سرخ- زلزله‌های

^۱ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۶۰

^۲ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۶۳

^۳ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۸۸

^۴ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۸۳

^۵ خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۳۸

بسیار^۱ در نزدیکی‌های ظهور سه فرو رفتگی در زمین روی می‌دهد. یکی از فرو رفتگی‌ها در مشرق و یک فرو رفتگی در مغرب و یک فرو رفتگی در جزیره‌العرب و شهر بصره بدست شخصی از دودمان تو که اتباع او همچون ملخ می‌باشد ویران شود و قیام مردی از اولاد حسن بن علی و آمدن دجال که در مشرق از ناحیه سیستان خروج می‌کند و آمدن سفیانی نیز می‌باشد.^۲

از جمله نشانه‌های عمومی برای حضور مهدی خروج غلامان از طاعت خواجگان گرسنگی - آمدن ملخ زیاد - هرج و مرج - رشوه‌خواری - ریاست زنان و بچه‌ها - شادی فرزندان به مرگ والدین - تزئین مساجد - امانت را ضایع کردن - خوردن مرد از کسب زن - زنان به مجلس شورا می‌روند - سبک شمردن مردم ربا را هوای نفس را بپرستند - عمارت‌های قرص بلند سازند - مسجد نمودن قبرستانها است.^۳

بدان که یاران آن حضرت بسیارند از جمله یمانی و لشکرش خراسانی و سپاهش حسنی و یارانش و گیلانی و اعوانش و جعفری و جمعیتش و سایر احزاب شیعه که در آن سال قیام خواهند کرد.^۴

از نشانه‌های ظهور خروج سفیانی است که به صورت آبله رو چهارشانه ارزق چشم نامش عثمان بن عنبسه از اولاد یزید بن معاویه است و از وادی یابس خروج کند پنج شهر بزرگ را متصرف می‌شود و بعد لشکر بسیاری به اردن می‌فرستد و لشکر را به طرف مدینه می‌فرستد و در آنجا خرابی زیاد وارد کنند و یک قسمت را به طرف مکه بفرستد که نرسند و قسمتی که به شام رفتند در بین راه لشکر حقه‌الله بر آنها ظفر یابند و تمام آنها را هلاک نمایند و غنائم آنها را متصرف شوند و فتنه آن ملعون در اطراف بلاد بسیار عظیم شود و او دشمن شیعیان علی است و هر کس یک نفر از دوستان علی بن ابی طالب را بیاورد هزار درهم بگیرد و همسایه از همسایه خبر دهد و مردم به جهت مال دنیا این کار را کنند.^۵

از صفات دجال که پیامبر و امیرالمؤمنین از آن بیم داده‌اند یک چشم بیشتر ندارد که در میان پیشانی‌اش مثل ستاره صبح می‌درخشد همان چشم خون‌آلود است گویی با خون ترکیب شده او الاغی سفید رنگ و تندرو دارد که هر گام او یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند. دجال ادعای خدایی می‌کند و چون دوستان خود را بگرد خویش خواند صدای او را تمام جهانیان می‌شنوند در دریاها فرو می‌رود و خورشید با او حرکت می‌کند و در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی باشد که مرد مرا مواد غذایی می‌بیند. مردم هنگام ظهورش به قحطی دچار می‌شوند و پیش از ظهور حضرت مهدی سی دجال ظهور خواهند کرد.^۶

از علائم ظهور سخن از طلوع خورشید از مغرب آمده است خورشید به هنگام ظهر در آسمان را کد شود و آسمان به سختی تیره گردد و خورشید ناپدید شود چنانکه گویی غروب کرده است و ساعتی چند تا به هنگام عصر پیدا نباشد و از مغرب طلوع کند.^۷

از حوادثی که در اوان ظهور به وقوع می‌پیوندد.

۱. مهدی منتظر، ص ۱۴۱

۲. مهدی موعود، تألیف علامه مجلسی، ۱۳۷۵، ناشر دارالکتب اسلامی، ص ۱۰۶۵

۳. مصلح حقیقی جهان، ص ۳۴۶

۴. مهدی منتظر، ص ۱۹۷

۵. مصلح حقیقی جهان، محمدتقی مقدم، ص ۳۶۸

۶. مصلح حقیقی جهان، محمدتقی مقدم، ص ۳۶۴

۷. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۱۱۰

نداهاى آسمانى كه سه نداء در ماه رجب دو نداى آسمانى از جبرئيل در شب و روز ۲۳ ماه رمضان و دو نداى شيطان از زمين در مقابل او و نداى جبرئيل اين است كه با صيحه‌اى همه عالم را بيدار مى‌كند و قائم آل محمد را معرفى مى‌كند و شيطان باز هم تا آخرين شب مردم را وسوسه کرده و به شك مى‌اندازد و نداى ديگر در ماه ذیحجه است كه حضرت صاحب‌الامر خود را معرفى مى‌كند به صدائى كه همه جهانيان بشنوند.

نداى ديگر در عاشورا بعد از قتل نفس زكيه است نداى ديگر به خروج به سوى مکه براى نصرت او است كه به شمشير قيام مى‌كند.^۱

در مورد آغاز ظهور مهدي كه بعد از دو ركعت نماز توسط جبرئيل بر ميزاب به شكل پرنده سفيد باشد و خلق خدا با او بيعت مى‌كنند.

تقریباً سيصد و پانزده نفر هستند و مردم را به كتاب خدا و سنت پيغمبر و ولايت على بن ابیطالب و بيزارى از دشمنان را بخواند و امام عصر در مدينه آمد و قریشيان گفتند بسوى اين سرکش رويم به خدا قسم اگر او محمدى بود آن امر را حادث نمى‌کرد و اگر فاطمى و علوى بود چنين نمى‌کرد و قائم مى‌فرمايد: ساکت باشيد آرى والله با من از رسول خدا عهدى است جامه‌دان را بيار تا عهد را بيرون آورم و چنين کردند و همگى با او بيعت کردند.^۲

در مورد تکليف در زمان حضور اين است كه وظيفه ما تعيين تکليف براى او و پيروان او نيست بلکه اطاعت کردن او در هر امر و جهاد کردن در رکاب او و اجابت نداى آسمانى است و امام باقر فرمودند: هر کس قائم را درک کند و تسليم نکند براى او آنچه براى پيغمبر و على تسليم کرده خداوند بهشت را بر وی حرام کند و جاىگاه او در آتش خواهد بود.^۳

آثار

قال الامام المهدي

۱- ما در رعايت حال شما کوتاهى نمى‌کنيم و ياد شما را از خاطر نبرده‌ايم كه اگر جز اين بود گرفتاريها به شما روى مى‌آورد و دشمنان شما را ريشه‌كن مى‌کردند از خدا بترسيد و ما را پشتيبانى كنيد.

۲- خداوند مقدر فرموده است كه حق بر مرحله نهايى و كمال خود برسد و باطل از بين رود و او بر آنچه بيان نمودم گواه است.

۳- من باقيمانده از آدم و ذخيرة نوح و برگزيده ابراهيم و خلاصه محمد كه درود خدا بر همگى آنان باد هستم.

۴- هيچ چيز مثل نمازينى شيطان را به خاک نمى‌مالد پس نماز بخوان و بينى شيطان را به خاک بمال.

۱. مهدي منتظر، ص ۱۷۴

۲. مصلح حقيقي جهان، محمدتقى مقدم، ص ۳۹۳

۳. مهدي منتظر، ص ۲۹۶

- ۵- من آخرین نفر از اولیاء هستم خداوند به وسیله من بلا را از خانواده شیعیانم برطرف می‌گرداند.^۱
- ۱- پناه می‌برم به خدا از ناینایی بعد از بینایی و از گمراهی بعد از راهیابی و از اعمال ناشایسته و فرو افتادن در فتنه‌ها.
- ۲- دانش دانش ما است و از کفر کافر گزندی بر شما نیست.
- ۳- از پرسش‌ها و سؤال‌های غیرلازم خودداری نمایید.
- ۴- برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید. زیرا همین دعا کردن فرج و گشایش شما است.
- ۵- خدایا اگر ترا اطاعت نمودم پس حمد و سپاس برای تو است که به من توفیق طاعت دادی و اگر نافرمانی تو نمودم دلیل و حجت برای تو است.
- ۶- خدایا از شیعیان و یاران من کسانی را که موجب روشنی چشم و پشتیبانی من هستند بر من وارد کن و آنها را در حفظ و امن قرار ده به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.
- ۷- خدایا به دانشمندان توفیق ترک دنیا طلبی بخاطر دنیا عطا بفرما و به تحصیل علم و تلاش در راه آن را عنایت فرما.
- ۸- ظهوری نیست مگر به اجازه خداوند متعال و آن هم پس از زمانی طولانی و قساوت دلها و فراگیر شدن زمین از جور و ستم.^۲
- ۱- زمین خالی از حجت خدا نیست یا آشکار است و یا نهان.
- ۲- آگاه باشید به زودی کسانی ادعای مشاهده به عنوان نیابت خاصه مرا می‌کنند هرکس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صدای آسمانی چنین ادعایی نماید دروغگو است.
- ۳- خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پنهان دار و اجتماع من و دوستانم را فراهم ساز و به آنچه که به من وعده دادی وفا کن و مرا تا وقتی که اجازه ظهور نداده‌ای حفاظت فرما.
- ۴- خودت را در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده و حوائج مردم را برآور.
- ۵- علم و دانش ما به خبرهای شما احاطه دارد و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.
- ۶- وجود من برای اهل زمین سبب امان و آسایش است همچنان که ستارگان سبب امان آسمانند.
- ۷- سجده بر قبر جایز نیست.^۳

^۱ زندگانی حضرت مهدی (ع)، مهدی پیشوایی، ص ۶۵

^۲ زندگی حضرت مهدی (ع)، مهدی پیشوایی، ص ۶۹

^۳ زندگی حضرت مهدی (ع)، مهدی پیشوایی، ص ۷۳

مهدی (عج) در سیمای قرآن

فاطمه خزاف مقدم، زاهده بقایی، زینب بیانی

تو برون آور و ما را به لقایش برسان
یارب آن طلعت زیبا ز پس پرده غیب
آنچه مانع ز ظهورش شده از جا بر داد
و آنچه اسباب ظهور است برایش برسان
دوستانش همه را بوسه به پایش برسان
دشمنانش همه تن‌ها زد روان خالی ساز

دیباچه

مهدویت در اسلام یکی از بحث‌هایی است که کتابهای بی‌شماری را به خودش اختصاص داده است. اعتقاد به منجی آخرالزمان نه تنها در دین اسلام بلکه در دینهای دیگر هم وجود داشته و دارد. همان‌گونه که در تورات به آمدن خاتم‌الانبیاء و ظهور او از مکه خبرهایی وجود داشت درباره امام زمان نیز وجود دارد. ما در این تحقیق سعی بر آن داشته‌ایم به گونه‌ای بی‌طرف آیات قرآن کریم و همچنین احادیث موجود از پیامبر و ائمه هدی معصومین را از دیدگاه علمای تشیع و تسنن و پیروان دیگر مذاهب مورد بررسی قرار دهیم و قضاوت آخر را به خود خواننده محترم واگذاریم. ابتدا آیاتی را که در این مورد نازل شده و تفاسیر مربوط به آن را بررسی می‌کنیم و سپس مهدی را از دیدگاه ائمه هدی و علمای شیعه مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌دهیم و بعد از آن مهدی (عج) را از دیدگاه علمای اهل سنت می‌شناسیم و در پایان نتیجه کلی را بر عهده خود خواننده گرامی می‌گذاریم تا خود قضاوت کند درباره آنچه به رشته تحریر درآمده است.

آن شاء... آنچه نوشته شده است ابتدا مورد نظر ایزد منان و سپس آقا و سرورمان بقیه الاعظم قرار گیرد و توانسته باشیم گامی هر چند کوتاه در جهت شناساندن حقانیت امام زمان برداشته باشیم. بدیهی است که هر نوشته‌ای کمی و کاستی خواهد داشت چرا که بی‌عیب مطلق خدا است. اگر در این تحقیق نقص و نقصانی است امیدوارم آن را به بزرگی خود بر ما ببخشایید.

مهدی خواهد آمد

من مات و لم يعرف امام زمانه مات مینه الجاهلیه؛

هر که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، مرده خواهد بود و به روش مرده اهل جاهلیت، پیش از مبعوث شدن رسول (ص) که بر کفر و جهل در اصول و فروع دین می‌میرند.^۱ (پیامبر اکرم (ص))

آن زمان که جور و ظلم و فساد تمام زمین را فرا گیرد و مؤمنین راستین با تمام وجود و با قلبی مملو از ایمان صاحب الامرشان را از خداوند درخواست کنند و با تمنا و خواهش از پروردگار اجازه ظهور امامشان را

۱. ر.ک، بشارت نبوی (ص) به ظهور مهدی (عج)، ص ۶۹۸، تألیف محمدحسین صفاخواه

بخواهند، مهدی موعود خواهد آمد. آن امام همامی که ثمره وجودی امام حسن عسکری (ع) و نرجس خاتون می‌باشد، آری او خواهد آمد. پشت به کعبه داده و دست به بناگوش گذاشته و صدا می‌زند: انا بقیه ا... در این هنگام است که مؤمنین راستین فوج فوج به سوی او می‌گروند و در آن هنگام وعده راستین خداوند جامعه عمل به خود می‌پوشاند و اوست که زمین را پر از عدل و داد می‌کند به گونه‌ای که گویی در زمین هرگز فسادی نبوده است. در اینجا بهتر است، اندکی درباره مهدی موعود بیشتر بدانیم.

دوران زندگی امام زمان شامل پنج قسمت می‌باشد.

- ۱- اختفاء
 - ۲- غیبت صغری
 - ۳- غیبت کبری
 - ۴- زندگی قبل از ظهور
 - ۵- زندگی بعد از ظهور
- ما درباره سه دوره اول آن توضیحی مختصر می‌دهیم.

اختفاء:

این دوره از هنگام تولد حضرت (۲۵۵ هـ) تا رحلت امام عسکری (۲۶۰ هـ) است. به علت اختناق شدید خاندان عباسی دوران حمل و تولد امام زمان مخفی بود، زیرا خاندان عباسی باتوجه به روایاتی که از ائمه اطهار شنیده بودند می‌دانستند از صلب امام حسن عسکری (ع) فرزندی به وجود خواهد آمد که بساط ظلم و جور عالم را برمی‌چیند. در نتیجه مواظب بودند مانع از به وجود آمدن آن حضرت شوند. امام رضا در این باره می‌فرماید: «از ویژگیهای آن حضرت ولایت پنهانی است». (خفی الولاده و المنشا)

در بسیاری از احادیث نیز گفته شده است که مهدی شباهتهایی به حضرت ابراهیم و حضرت موسی دارد.^۱ امام عسکری در آن دوره دو وظیفه اساسی و حساس را عهده‌دار بود: یکی حفظ فرزندش از گزند خلفای عباسی و دیگر اثبات وجود او و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم و آن حضرت از عهده هر دو به بهترین شکل برآمد و هم فرزندش را حفظ کرد و هم در فرصتهای مناسب به یاران و دوستان خود او معرفی نمود.^۲

غیبت صغری:

با شهادت امام حسن عسکری در سال (۲۶۰ هـ) مرحله غیبت کوتاه مدت (امام دوازدهم (عج)) آغاز شد و تا سال (۳۲۹ هـ) یعنی ۷۰ سال به طول انجامید. این دوره به لحاظ اینکه از نظر زمانی محدود است به آن غیبت صغری می‌گویند. در طول این مدت شیعیان به وسیله نواب خاص آن حضرت با امام زمان در ارتباط بودند. این نایبان چهار نفر بودند و به نواب اربعه مشهورند.^۳ این دو ویژگی دارد. یکی امامت مهدی (عج) و دیگر سعادت و نبابت (نواب اربعه) است باتوجه به این دو ویژگی دوره اختفاء جزء غیبت صغری به حساب نمی‌آید.^۴

۱. ر.ک، بشارت، درسنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۳۲، مؤلفان: آقای، عاشوری، جباری، حکیم

۲. ر.ک، همان کتاب، ص ۳۶

۳. ر.ک، درسنامه عصر غیبت، ص ۱۷۵، مؤلفان: آقای، عاشوری، جباری، حکیم

۴. ر.ک، همان کتاب، ص ۳۴

غیبت کبری:

غیبت کبری پس از به پایان رسیدن غیبت صغری آغاز شد و تاکنون هم ادامه دارد. در غیبت کبری امام به وسیله نیابت عامه با جامعه اسلامی در ارتباط می‌باشد. (در نیابت عامه بر اساس یک منابله کل و معین که امام خود به دست داده بود هر فردی که آن را منابله را از همه جهت و در همه ابعاد دارا باشد نائب امام شناخته می‌شود و با نیابت از امام ولی جامعه در امر دین و دنیا خواهد بود) این مقام و این نیابت به وسیله خود حضرت مهدی به عالمان واجد شرایط تفویض شده است.

شیخ طوسی، شیخ صدوق و شیخ طبرسی از اسحاق بن عماد نقل کرده‌اند که گفت: مولای ما حضرت مهدی (عج) وظیفه شیعیان در زمان غیبت؟ فرموده است. در حوادث و پیشامدهایی که واقع می‌شود به روایت‌کننده‌گان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

طبرسی در کتاب (الاحتجاج) نیز از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت ضمن حدیثی فرموده هر یک از فقهای که مراقب نفسش، نگهبان دینش، مخالف هوی و هوسش و مطیع فرمان مولایش (ائمه ع) باشد بر عوام لازم است که از او تقلید کنند. بدین ترتیب امور مسلمین در زمان (غیبت کبری) به دست «ولی فقیه» است.

مهدی در قرآن

آیات و روایات زیادی درباره حضرت مهدی و غیبت و ظهور او و همچنین ایجاد یک دولت جهانی مبتنی بر عدالت و دولتی اسلامی وارد شده، و در اکثر این روایات و آیات به مستضعفین جهان مزده و بشارت داده شده که منجی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد آلمان مهدویت در آئینه اسلام به روشنی ترسیم شده است و بالغ بر ۱۲۰ آیه در قرآن کریم به این موضوع اختصاص دارد. برخی از آیات در ظاهر آن اشاره به مهدی موعود دارد و برخی در باطن.^۱

ما در این قسمت توجه شما را به آیاتی معطوف می‌داریم که درباره حضرت مهدی (عج) نازل شده است:

۱- وَعَدَا... الَّذِي آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي رِضُوا لَهُمْ و لِيبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبد و ننى لا يشركون بى شيئاً و من كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون. (سوره نور- ۵۵)

خداوند به آنانی از شما که ایمان آورده‌اند و نیکویی‌های را بجای می‌آورند وعده فرموده است که ایشان را در زمین جانشینان (خویش) قرار دهد، همچنان که پیشینیان از ایشان را جانشین گردانید و آیینی که برای ایشان پسندیده است، ریشه‌دار و پایدار سازد. پس از (دوران) ترس ایشان آرامش و امنیت را برایشان برقرار سازد (تا) مرا بپرستند و برای من چیزی را شریک و انباز قرار دهند.^۲

به اعتقاد قرآن سنت الهی بر این قرار گرفته تا صالحان و نیکان را در آینده فقط جانشین خویش در زمین قرار دهد و جهان را از هرچه ناپاکی و نادرستی پاک کند.

مرحوم طبرسی در ذیل آیه (چنین) می‌گوید: از اهل بیت پیامبر (ص) این حدیث نقل شده است که: آنها فی المهدی من آل محمد. این آیه درباره مهدی آل محمد (ص) می‌باشد.^۳

^۱ ر.ک، آینده جهان، ص ۲۴

^۲ ر.ک، همان کتاب، ص ۲۵

^۳ ر.ک، آخرین امید، ص ۲۱۸، تألیف داود الهامی

در تفسیر روح المعانی و بسیاری از تفاسیر شیعه از امام سجاد(ع) چنین نقل شده است که در تفسیر آیه فرموده آنها به خدا سوگند شیعیان ما هستند، خداوند این کار را برای آنها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد و هم اوست که پیامبر(ص) در حق وی فرمودن: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، حاکم بر زمین شود و روی زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد.^۱

۲- هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

(سوره توبه، آیه ۳۳)

(بخش اصلی) این آیه سه بار در قرآن تکرار شده است که دلیل بر اهمیت موضوع است.

در تفسیر برهان از کتاب «کافی» از ابوالفضل آمده است. «از حضرت کاظم(ع) درباره آیه هوالذی ارسل رسوله... سؤال کردم فرمودند: منظور این است که خدا، رسولش را به ولایت و وصایت امر فرموده است و ولایت عبارت است از دین حق. سؤال کردم منظور از (لیظهره علی الدین کله) چیست فرمودند: آن دین را بر تمام ادیان به گاه ظهور قائم(عج) برتری و ظفر بخشید.

قندوزی حنفی در کتاب خود «ینایع الموده» و شیخ بزرگوار ما مجلسی رضوان... علیه در کتاب خویش «بحارالانوار» از امام صادق(ع) در تفسیر آیه حدیثی را نقل کرده‌اند اما آنچه را که قندوزی ذکر کرده به شرح زیر است.

«به خدا قسم، تاویل این نخواهد آمد تا آنگاه که قائم مهدی(عج) خروج نماید و وقتی که خروج فرمود مشرکی باقی نخواهد ماند مگر آنکه خروج او را دوست نمی‌دارد و کافری باقی نمی‌ماند مگر آنکه کشته خواهد شد...»

و اما آنچه را که علامه مجلسی ذکر فرموده‌اند این است: «از ابوبصیر روایت شده که گوید از حضرت صادق(ع) درباره آیه (هو الذی ارسل...) سؤال کردم. امام صادق(ع) فرمودند: به خدا قسم، تاویل آن هنوز آشکار نگردیده است. عرض کردم فدایت شوم کی تاویل آن نازل خواهد گردید؟ فرمودند: تا آنکه قائم به خواست خداوند قیام کند. اگر او قیام نماید مشرکی باقی نمی‌ماند...»^۲

در حدیث دیگری از امام باقر(ع) نقل شده که: این امر هنگامی خروج مهدی آل محمد محقق خواهد شد پس در آن موقع کسی نمی‌ماند مگر این که به رسالت پیغمبر اکرم(ص) اقرار کند.^۳

۳- بقیه... خیر لکم آن کنتم مؤمنین:

بازمانده خدا مهدی برای شما مطلق نیکویی است اگر در زمره مؤمنان باشید.^۴

باتوجه به این که خداوند در این آیه ذکر کرده بازمانده خدا برای شما مطلق نیکویی است چنین کسی با چنین خصوصیتی تنها می‌تواند از فرزندان پیامبر باشد که خداوند از او به عنوان مطلق نیکویی نام برده است. چرا که چنین نمونه‌ای را جز در خاندان معصوم نمی‌توان جستجو کرد.

۴- فورب السماء و الارض انه الحق. (ذاریات- ۲۳)

^۱ ر.ک، همان کتاب، ص ۲۵

^۲ ر.ک، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۹، نویسنده: سید کاظم قزوینی، مترجم: دکتر حسین فریدونی

^۳ ر.ک، آخرین امید، ص ۲۵۵، تألیف داود الهامی

^۴ ر.ک، آینده جهان، ص ۲۵، تألیف جلال برنجیان

امام سجاد(ع) امام باقر(ع) و امام صادق(ع) این آیه شریفه را به «قیام قائم» تأویل نموده‌اند.^۱

۵- و لقد کتبتنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون. (سوره انبیاء- ۱۵)

ما در کتاب (زبور) پس از ذکر چنین نوشتیم که در آینده صالحان و پاکان وارثان زمین خواهند بود. در بعضی از روایات صریحاً این آیه تفسیر به یاران مهدی(عج) شده است، چنانکه در مجمع البیان ذیل همین آیه از امام محمدباقر(ع) چنین می‌خوانیم: هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان: بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند یاران مهدی در آخر هستند.^۲

و یستنبؤنک احق هو؟ اقل: انی و ربی انه لحق و ما انتم بمعجزین. (سوره یونس- ۵۳)

(ای محمد) از تو می‌پرسند: آیا آن حق است؟ بگو: آری! به پروردگارم سوگند که به راستی آن حق است و شما هرگز راه فراری ندارید. گفته می‌شود که در این آیه از مدت‌ها و مهلت‌ها می‌شود و تکذیب پیامبران از سوی ملت‌ها و نزول عذاب بر آنها سخن گفته، نوید خروج حضرت ولی عصر(عج) را به هنگام انحراف امت اسلامی از شاهراه هدایت مژده می‌دهد.^۳

همانطور که ذکر شد ۱۲۰ آیه در قرآن کریم وجود دارد که به مسأله مهدویت می‌پردازد. ذکر تمام آیات از حوصله این تحقیق بیرون است برای بدست آوردن اطلاعات بیشتر می‌توانید رجوع کنید به کتابهای زیر: آخرین امید، روزگار رهایی، امام مهدی(عج) از ولادت تا ظهور. امید است با مطالعات بیشتر و دقیق‌تر قرآن و تفاسیر موجود و همچنین شرح‌هایی که توسط معصومین(ع) درباره آیات داده شده هرچه بیشتر خداوند تبارک و تعالی و ائمه هدی را شناخته و با ایمان کامل و یقینی راستین پای در صراط مستقیم گذاریم.

مهدی(عج) در روایات شیعه و سنی

مهدی در منابع شیعه:

اخبار و روایات فراوانی درباره امام زمان(عج) از پیامبر اسلام(ص) و سایر امامان معصوم(ع) به ما رسیده که درباره خصوصیات او و زندگی ایشان به ما علم و آگاهی می‌دهد، مثلاً ذکر این موضوع که او نهمین فرزند امام حسین(ع) است و یا او از فرزندان فاطمه(س) است، همچنین درباره غیبت او که در بعضی از روایات صریحاً گفته شده دارای دو غیبت است و یا اینکه روزی قیام خواهد کرد و دنیا را از ظلم و جور همانگونه که پر شده است پاک خواهد کرد. تعداد این روایات به قدری فراوان است که درباره کمتر موضوعی این قدر روایت وارد شده است، به عنوان نمونه آماری اجمالی از احادیثی که از ائمه هدی در این رابطه به ما رسیده از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم:

- ۱- امیرالمؤمنان(ع) ۵۱ حدیث
- ۲- امام حسن(ع) ۵ حدیث
- ۳- امام حسین(ع) ۱۴ حدیث
- ۴- امام زین‌العابدین(ع) ۱۱ حدیث
- ۵- امام محمدباقر(ع) ۶۳ حدیث
- ۶- امام صادق(ع) ۱۲۴ حدیث
- ۷- امام موسی کاظم(ع) ۶ حدیث
- ۸- امام رضا(ع) ۱۹ حدیث
- ۹- امام جواد(ع) ۶ حدیث

^۱ ر.ک، روزگار رهایی، ص ۷۸، تألیف: کامل سلیمان، مترجم: علی اکبر مهدی‌پور

^۲ ر.ک، آخرین امید، ص ۲۱۱، تألیف: داود الهامی

^۳ ر.ک، روزگار رهایی، ص ۷۱، تألیف: کامل سلیمان، مترجم: علی اکبر مهدی‌پور

۱۰- امام هادی (ع) ۶ حدیث ۱۱- امام حسن عسکری ۲۳ حدیث^۱

احادیثی که درباره امام زمان (ع) در منابع شیعه وارد شده، اعم از اینکه ایشان آخرین امامند و یا احادیثی که ظهور ایشان را مژده می‌دهد، همچنین روایاتی که می‌گویند ایشان دارای غیبت طولانی هستند و... خیلی زیاد و قابل تأمل می‌باشد. حال توجه شما را به موضوعات وارد شده درباره امام زمان (عج) و همچنین تعداد احادیث جلب می‌کنیم.

- ۱- درباره این که امام دوازده نفرند و اول آنها علی (ع) و آخر آنان مهدی (عج) است. ۵۸ حدیث
- ۲- احادیثی که به ظهور آن حضرت مژده می‌دهد. ۶۵۷ حدیث
- ۳- روایاتی که آن حضرت را از دودمان پیغمبر می‌داند. ۳۸۹ حدیث
- ۴- روایاتی که می‌گویند اسم و کنیه او مانند پیغمبر است. ۴۸ حدیث
- ۵- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امیرالمؤمنین (ع) می‌داند. ۲۱۴ حدیث
- ۶- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه می‌داند. ۱۹۲ حدیث
- ۷- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام حسین (ع) می‌داند. ۱۸۵ حدیث
- ۸- روایاتی که آن بزرگوار نهمین فرزند امام حسین (ع) می‌داند. ۱۴۸ حدیث
- ۹- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان سجاد (ع) می‌داند. ۱۸۵ حدیث
- ۱۰- روایاتی که آن بزرگوار را از فرزندان امام محمدباقر می‌داند. ۱۰۳ حدیث
- ۱۱- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام جعفر صادق (ع) می‌داند. ۱۰۳ حدیث
- ۱۲- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام موسی کاظم (ع) می‌داند. ۱۰۱ حدیث
- ۱۳- روایاتی که می‌گویند او چهارمین فرزند امام رضا (ع) است. ۹۵ حدیث
- ۱۴- روایاتی که می‌گویند او سومین فرزند امام جواد (ع) است. ۹۰ حدیث
- ۱۵- روایاتی که می‌گویند او از فرزندان امام هادی (ع) است. ۹۰ حدیث
- ۱۶- روایاتی که او را فرزند امام حسن عسکری (ع) معرفی می‌کند. ۱۴۶ حدیث
- ۱۷- روایاتی که می‌گویند اسم پدرش حسن است. ۱۴۷ حدیث
- ۱۸- روایاتی که می‌گویند او جهان را از عدالت پر می‌کند. ۱۲۳ حدیث
- ۱۹- روایاتی که غیبت او را طولانی می‌داند. ۹۱ حدیث
- ۲۰- روایاتی که در رابطه با طول عمر آن حضرت می‌باشد. ۳۱۸ حدیث
- ۲۱- روایاتی که می‌گویند او امام دوازدهم و پایان بخش امامان است. ۱۳۶ حدیث
- ۲۲- روایاتی که می‌گویند دین اسلام به وسیله او جهانی می‌شود. ۴۷ حدیث

باتوجه به ارقام یاد شده در فوق و به اضافه ۲۵۱۵ روایت دیگر که در پیرامون حضرت مهدی (عج) در منابع شیعه وارد شده آشکار می‌گردد که روایتهایی که درباره آن حضرت رسیده فوق حد تواتر است.^۲ همان طور که ملاحظه می‌کنید تعداد روایات وارد شده درباره آن منجی بشریت مهدی موعود بقدری زیاد است که خارج از حوصله و حد توان این تحقیق است فقط چند حدیث برای نمونه ذکر می‌کنیم مطالعه و تحقیق بیشتر را به خود شما واگذار می‌کنیم.

^۱ ر.ک، سیره پیشوایان، ص ۶۹۳، مؤلف: مهدی پیشوایی

^۲ ر.ک، آخرین امید، ص ۲۶۵، مؤلف: داود الهامی

۱- عبدالرحمن بن عباس می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) فرموده: خداوند متعال نظری بر زمین نمود و مرا به عنوان نبی خود اختیار کرد سپس نظری دیگر نمود و علی را به عنوان امام اختیار نمود و مرا امر فرمود که او را برادر، وصی، خلیفه و وزیر خود قرار دهم پس علی از من خواست و اوست همسر دخترم و پدر دو سبطم حسن و حسین بدانید که خداوند من و آنان را حجت‌هایی بر بندگان قرار داده و از صلب حسین امامانی قرار داده که قائم به امر من خواهند بود و وصیت مرا حفظ می‌کنند و نهم از آنان قائم اهل بیت من و مهدی امت من است و شبیه‌ترین مردم به من از نظر شمائل، اقوال و افعال است و بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه‌کننده ظاهر شده امر الهی را اعلان و آشکار کرده دین الهی را ظاهر نموده با نصرت خدا و ملائکه‌اش تأیید می‌شود و زمین پس از آن که پر از ظلم و جور شده مملو از عدل و داد خواهد نمود.^۱

۲- پیامبر اکرم در حدیث دیگری به صراحت از طول عمر ولی عصر (عج) سخن گفته است. «دنیا سپری نمی‌شود جز اینکه مردی از اهل بیت من و همنام با من، عرب را مالک می‌شود. اگر غیبت او به مقدار عمر نوح در میان قوم خود، طول بکشد، باز هم ظاهر می‌شود و از دنیا نمی‌رود جز اینکه زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه پر از ظلم و ستم شده است.»^۲

حضرت نوح به صراحت قرآن ۹۵۰ سال در میان قوم خود دعوت نمود اما عمر کامل او (بیش از نبوت و بعد از طوفان) اختلافی است و در منابع تاریخ از ۱۷۵۰ تا ۲۷۵۰ سال نوشته‌اند.

۳- ام هانی گوید: از امام باقر (ع) از تفسیر قول خدا تعالی (۱۶ و ۱۷ سوره تکویر) «سوگند به نهان‌شونده‌ها، به رونده‌ها در لانه خزنده‌ها» ام هانی گوید در پاسخ فرموده: «امامی است که در سال دویست و شصت نهان می‌شود سپس چون شهابی فروزنده در شب تاریعیان می‌گردد اگر به دورانش بررسی چشم‌ت روشن شود.»^۳

۴- مرحوم صدوق در کمال الدین از امام حسین (ع) روایت کرده که فرموده: «ما دوازده مهدی هدایت‌کننده داریم اول آنها امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و آخر آنها نهمین فرزند من است. او امامی است که قیام به حق می‌نماید خداوند زمین را پس از آن که مرده باشد به وسیله او زنده می‌کند و هم به وسیله او دین حق (اسلام) را بر همه ادیان غالب می‌گرداند هر چند مشرکان نخواهند. او غیبتی دارد که در آن مردم بسیاری از دین برمی‌گردند و گروهی دیگر بر دین حق ثابت باشند. برخی از روی سرزنش به آنها بگویند اگر راست می‌گویید موقع ظهور امام زمان شما چه وقت است؟! اما آنها که در غیبت وی با تحمل رنجها و تکذیب مخالفان بر عقیده خود ثابت می‌مانند مثل کسانی هستند که با شمشیر در رکاب رسول خدا جهاد کرده‌اند.»^۴

۵- امام جواد (ع) به عبدالعظیم حسنی (س) فرموده: قائم ما همان مهدی منتظر است که در زمان غیبت باید در انتظارش بود و در زمان ظهور باید اطاعتش نمود او سومین فرزند من است (خواهد بود) سوگند به آن خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و امامت را ویژه ما خاندان قرار داد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌گرداند تا مهدی ظاهر شود و

۱. رک، درسنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۲۶، تألیف: آقایی، عاشوری، جباری، حکیم

۲. رک، درسنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۷۸، تألیف: کامل سلیمان، مترجم: علی اکبر مهدی پور

۳. رک، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۷۷، تألیف: ثقه الاسلام کلینی (ره)، مترجم: آیت ... محمدباقر کمره‌ای

۴. رک، آخرین امید، ص ۲۵۹، مؤلف: داود الهامی

زمین را از عدل و داد پر کند، چنانچه از ظلم و جور پر شده است خداوند متعال کار وی را یک شبه اصلاح می‌کند، چنانکه کار موسی کلیم... را در یک شب اصلاح نمود او رفت تا برای همسرش آتش بیاورد اما با منصب نبوت و رسالت برگشت. امام جواد(ع) سپس فرموده: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار ظهور قیام اوست.^۱

۶- جابر بن عبدالمطلب... انصاری در روایتی که به طرق مختلف نقل شده است از صحیفه‌ای خبر داده است که آن را در دست حضرت فاطمه(ع) مشاهده نموده که درخشندگی عجیبی داشته و در آن نام دوازده امام(ع) همراه نام مادرشان یاد و آخرین نام، قائم آل محمد(ص) بوده است.^۲

۷- رسول خدا(ص) به یارانش فرموده: معتقد شوید به شب قدر، شب قدر پس از من، از آن علی بن ابی طالب و ۱۱ تن فرزندان اوست.^۳

۸- عبید بن زراره گوید: از امام صادق(ع) شنیدم می‌فرموده: مردم امام خود را نیابند امام در موسم حج حاضر باشد و مردم را ببیند و مردم او را نبینند. مقصود این است که به عنوان امامت او را تشخیص ندهند و او را نشناسند.

۹- ابراهیم بن عمر کناس می‌گوید: از امام محمدباقر شنیدم که می‌فرموده: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود و قائم قیام می‌کند در حالی که بیعت کسی بر گردنش نیست».^۴

باتوجه به احادیث و روایات موثق و متواتری که از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) نقل شده بود موضوع تولد و غیبت امام زمان چنان برای شیعیان قطعی و مسلم بوده که قبل از تولد آن امام همام کتابهای در این زمینه تألیف شده است.

«حسن بن محبوب زراد» (م ۲۲۴) یکی از محدثان و مصنفان موثق شیعه کتاب «المشنه» را یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته و اخبار مربوط به غیبت امام مهدی را در آن نقل کرده است مرحوم طبرسی می‌نویسد: محدثان شیعه در زمان امام محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) اخبار غیبت را در تألیفات خویش آورده‌اند همچنین برخی از اصحاب ائمه درباره آن حضرت و قیام او کتاب نوشته‌اند مانند ابراهیم بن صالح انماطی - (از یاران امام باقر) حسن بن محمد بن سماعه (از اصحاب امام موسی بن جعفر) محمد بن حسن بن جمهور - (از یاران امام رضا(ع)) علی بن مهزیار از یاران امام جواد(ع)) و فضل بن شاذان نیشابوری (از شاگردان امام رضا و امام جواد و امام هادی(ع))^۵

مهدی در منابع سنت:

مهدویت و اعتقاد به وجود مقدس مهدی(ع) اختصاص به مکتب شیعه ندارد بلکه در سایر مکاتب مانند (شافعی، حنبلی، حنفی، مالکی) و همچنین در منابع اهل سنت روایات زیادی به چشم می‌خورد که از طریق گروه بسیاری از صحابه و تابعین خویش نقل کرده‌اند. اینک توجه شما را به تعدادی از این روایات جلب می‌کنیم.

۱. ر.ک، سیره پیشوایان، ص ۶۹۵، مؤلف: مهدی پیشوایی

۲. ر.ک، درسنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۲۶، مؤلفان: آقای، عاشوری، جباری، حکیم

۳. ر.ک، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۶۵، تألیف: ثقه الاسلام کلینی(ره)، مترجم: آیت... محمدباقر کمره‌ای

۴. ر.ک، درسنامه تاریخ عصر غیبت، ص ۱۳۰، مؤلفان: آقای، عاشوری، جباری، حکیم

۵. ر.ک، سیره پیشوایان، ص ۶۹۶-۶۹۵

بر اساس پژوهش برخی از محققان بزرگ، محدثان اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی را از ۳۳ نفر از صحابه پیامبر اسلام در کتب خود نقل کرده‌اند، تعداد ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور امام غایب را در کتابهای خود آورده‌اند و ۳۲ نفر از آنان مستقلاً درباره حضرت مهدی کتاب نوشته‌اند.^۱

مؤلف کتاب الام المهدی استاد علی محمد علی دخیل اسامی ۲۰۵ نفر از بزرگان علمای اهل سنت را در کتاب خود آورده به این ترتیب که تعداد ۳۰ نفر از آنها مستقلاً درباره حضرت مهدی (عج) کتاب نوشته‌اند و ۳۱ نفر دیگر فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی (ع) اختصاص داده‌اند و ۱۴۴ نفرشان به تناسبهای مختلف روایات حضرت مهدی (عج) را در کتابهای خود آورده‌اند.^۲

بر اساس یک بررسی اجمالی، تعداد ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به «تواتر» بودن احادیث مهدی در کتابهای خود، تصریح کرده‌اند. علامه شوکانی در خصوص اثبات تواتر این روایات، کتابی به نام «التواریخ فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسیح» تألیف کرده است.^۳

یکی از علمای شیعه کتابی تألیف کرده و نام آن را کشف المخفی فی مناقب المهدی نامیده است و در این کتاب ۱۱۰ حدیث از طریق رجال عامه روایت کرده (است)... در اینجا فقط اسامی کسانی که این یکصد و ده حدیث را در کتابهای خود آورده‌اند را ذکر می‌کنیم تا توفیق با تحقیق از مضامین آن مستحضر گردند.

مؤلف	نام کتاب	احادیث	مؤلف	احادیث	نام کتاب	مؤلف
بخاری	صحیح	۳	حمیدی	۲	جمع بین الصحیحین	
مسلم	صحیح	۱۱	زیدبن معاویه عبدری	۱۱	بین صحاح سسته	
عبدالعزیز عکبری	فصال الصحاب	۷	تعلیبی	۵	تفسیر ابن قتیبه	
غریب	الحدیث	۶	ابن بشریه دیلمی	۴	الفردوسی	
حافظ ابوالحسن دارقطنی	مسن فاطمه (س)	۶	حافظ ابوالحسن دارقطنی	۳	مسدعلی (ع)	
کسانی	المشیدا	۲	حسن بن مسعود فرا	۵	المصابیح	
ابوالحسن ساری	الملاحم	۳۶	حافظ بن مطیق	۳	از کتاب وی	
محمدبن اسماعیل فرغلی	الرعايه الاهل الروايه	۳	حمیدی (نامبرده)	۲	در خبر سطح	
یوسف بن عبدالبر	نمیری	استیعاب	۲			

^۱ ر.ک، همان کتاب، ص ۶۹۷

^۲ ر.ک، آخرین امید، ص ۲۲۳، مؤلف: داود الهامی

^۳ ر.ک، سیره پیشوایان، ص ۶۹۸، مؤلف: مهدی پیشوایی

«مسند احمد حنبل» متوفای ۲۴۱ هجری، و «صحیح بخاری» متوفای ۲۵۶ ه از جمله کتب مشهور اهل سنت است که قبل از تولد امام قائم (عج) نوشته شده است و احادیث مربوط به آن حضرت در آنها نقل شده است.

از جمله احادیثی که «احمد حنبل» نقل کرده است این حدیث: پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند حتماً در آن روز شخصی از ما خاندان را برمی‌انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد می‌کند.^۱

لازم است مروری بر سخنان مشاهیر اهل سنت درباره امام زمان (عج) داشته باشیم.

۱- حافظ ابو عبید... گنجی (متوفای ۶۵۸ هق) در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» (باب ۱۱) می‌گوید: (احادیث پیامبر اکرم (ص) درباره مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد به حد تواتر رسیده است).^۲

۲- «مومن شیلنچی» می‌نویسد: «اخبار متواتری از پیامبر رسیده که نشان می‌دهد مهدی از خاندان اوست و او زمین را پر از عدل و داد می‌کند.»^۳

۳- ابوسعید از پیغمبر (ص) نقل کرده که فرمود: «آن کس که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گذارد از ماست.»^۴

ابوسعید خدری از پیغمبر (ص) روایت نمود که فرمود: «امت من در زمان مهدی چنان در فراخی معیشت به سر برند که هیچ‌گاه پیش از آن ندیده باشند. آسمان پی در پی برکات خود را برای آنان فرو می‌ریزد و زمین آنچه دارد بیرون می‌دهد.»^۵

۴- عبدا... بن عمر روایت نموده که پیغمبر فرمود: «مردی از اهل بیت من خارج می‌شود که نامش مطابق نام من و اخلاقش چون اخلاق من می‌باشد، و او جهان را پر از عدل و داد کند.»^۶

۵- خذیقه از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «امامهای بعد از من مبعوث برگزیدگان بنی اسرائیل می‌باشند نه نفرشان از نسل حسین (ع) بوجود خواهند آمد و مهدی این امامت از آن ما است، آگاه باشید آنان با حق و حق با آنهاست پس بنگرید که بعد از من چگونه با ایشان رفتار می‌کنید.»^۷

۶- سید احمد شیخ اسلام شافعی مذهب می‌نویسد روایاتی که درباره مهدی (ع) روایت شده است کثیر و در حد تواتر می‌باشد و سپس می‌نویسد: در بین آنها حدیث صحیح وجود دارد و هم حدیث حسن و هم ضعیف و اکثر آن احادیث ضعیف می‌باشد و اما چون کثیرند و راویان آن زیادترند برخی از احادیث برخی دیگر را تقویت می‌کنند و بر روی هم مفید یقین می‌گردند.^۸

۱. ر.ک، سیره پیشوایان، ص ۶۹۷، مؤلف: مهدی پیشوایی

۲. ر.ک، همان کتاب، ص ۶۹۹

۳. ر.ک، همان کتاب، ص ۶۹۹

۴. ر.ک، آخرین امید، ص ۲۴۷، مؤلف: داود الهامی

۵. ر.ک، همان کتاب، ص ۲۴۵

۶. ر.ک، همان کتاب، ص ۲۴۳

۷. ر.ک، بقیه...، ص ۲۴۸، مؤلف: جمعی از نویسندگان

۸. ر.ک، همان کتاب، ص ۲۵۰

- ۷- ابوهریره از رسول خدا(ص) روایت می‌کند که آن حضرت فرموده: «پیش از آنکه قیامت پدید آید مردی از خاندان من قیام می‌کند.»^۱
- ۸- ابوسعید خدری از نبی اکرم(ص) روایت می‌کند که آن حضرت فرموده: «مردی از اهل بیت من به سلطنت خواهد رسید که به سنت من عمل می‌کند و خداوند از آسمان برای او روزی می‌فرستد و زمین آنچه دارد بیرون دهد زمین را پر از عدل و داد می‌کند. چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد او وارد بیت المقدس می‌شود و هفت سال سلطنت می‌کند.»^۲
- ۹- ابوالاعلی مودودی با اینکه به صراحت، متواتر بودن روایات را در این خصوص بیان نمی‌کند و لکن اعتراف به صحت این روایات می‌نماید آنجا که می‌گوید «خیلی مشکل است که ما بگوئیم این همه روایات که در خصوص مهدی(عج) وجود او و ظهور او و کیفیت تشکیل حکومت جهانی از ناحیه او وارد است، همه آنها حقیقت ندارد. به این ترتیب آن اندیشمندان اسلامی صحت روایات وارده در باب مهدی موعود را تأیید می‌نمایند.»^۳

سخن آخر

آیات و روایات و کتاب‌هایی که قبل از تولد امام زمان و بعد از آن نوشته شده و همچنین احادیث متواتری که از پیامبر و سایر امامان رسیده خود گواه بر وجود و حقانیت امام زمان(عج) می‌باشد. پس خدایا چه می‌شود بعضی از بندگان تو را با این همه دلایل روشن و بدیع و همچنین روایاتی که خود به آن اقرار کرده‌اند ولی باز هم بر سخن و ایده و آرمان خود پابرجا هستند؟ خدایا آیا این همه آیت و حدیث برای کسانی که منکر حق ولایت برای امامان معصوم بودند و با ایشان به مبارزه بر می‌خواستند کافی نبود که به آنها بفهماند که حق از آن علی و اولاد پاک و طاهر اوست؟ آیا همین دانشمندان اعم از سی و شافعی و... خود دلیل برای حقانیت امام زمان ارائه نکرده‌اند؟ آیا خودشان این سخن را بارها تکرار نکرده‌اند که مهدی موعود خواهد آمد و او فرزند فاطمه زهرا(س) است؟ پس چرا در میان امت پیامبر تفرقه افکنند و امتی که باید متحد و یکپارچه باشد به ۷۳ گروه تقسیم شود؟ عقل انسان او را به فکر وادار می‌دارد باید قدمها را آهسته برداشت. مطالعه و تحقیق را افزایش داد و سرانجام راهی را انتخاب کرد که همان صراط المستقیم است.

«والسلام»

۱. ر.ک، قائم آل محمد، ص ۱۳۱، مؤلف: ذکرا... احمد کرمانشاهی

۲. ر.ک، همان کتاب، ص ۱۳۰

۳. ر.ک، بقیه ا...، ص ۲۴۸، جمعی از نویسندگان

منابع و مأخذ:

- ۱- بشارت نبوی (ص) به ظهور مهدی (عج)، تألیف: محمدحسین صفاخواه، ناشر: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی
- ۲- درسنامه تاریخ عصر غیبت، مؤلفان: آقای - عاشوری - جباری - حکیم، نشر: انتشارات مرکز جهان علوم اسلامی
- ۳- امام مهدی از ولادت تا ظهور، نویسنده: سید کاظم قزوینی، مترجم: دکتر حسین فریدونی
- ۴- آخرین امید، مؤلف: داود الهامی، ناشر: انتشارات مکتب اسلام
- ۵- آینده جهان، تألیف: جلال برنجیان، ناشر: مؤسسه تحقیقات و انتشارات طور
- ۶- اصول کافی، ج دوم، تألیف: مرحوم ثقه الاسلام لکینی (ره)، مترجم: آیت ... محمدباقر کمره‌ای، ناشر: انتشارات اسوه
- ۷- اصول کافی، ج سوم، تألیف: مرحوم ثقه الاسلام لکینی (ره)، مترجم: آیت ... محمدباقر کمره‌ای
- ۸- روزگار رهایی، مؤلف: کامل سلیمان، مترجم: علی اکبر مهدی پور، ناشر: دفتر شعر آفاق
- ۹- امام حجه بن الحسن عسکری صاحب الزمان (عج)، نویسنده: موسی خسروی
- ۱۰- بقیه ...، مؤلف: جمعی از نویسندگان، ناشر: دفتر نشر کوكب
- ۱۱- قائم آل محمد نجات بخشی انسانها، نویسنده: ذکرا... احمدی کرمانشاهی، ناشر: انتشارات دارالباقر (ع)، قم
- ۱۲- سیره پیشوایان، نویسنده: مهدی پیشوایی، ناشر: مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع)
- ۱۳- راز نیایش منتظران، نویسنده: آیت ... سید محمدتقی موسوی اصفهانی، ناشر: دفتر تحقیقاتی و انتشارات بدر

المنتظر

فاطمه دست پروری

دیباچه

((السلام علی المهدی، الذی یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً)) با استعانت از خداوند متعال و با عنایات خاص حضرت مهدی (عج) بر آن شدم تا تحقیقی پیرامون سیره نورانی آن حضرت تهیه نمایم. به دلیل اینکه به سیره امام مهدی (ع) و شخصیت والای ایشان علاقه بسیاری دارم می‌خواهم از طریق شناخت و معرفت بیشتر وظیفه‌ام را نسبت به ایشان و یاری کردن دینشان بهتر بدانم و نحو احسن انجام دهم تا انشاءالله در دوران ظهورش از یاوران او باشم این موضوع را برای تحقیق برگزیدم. و نیز طبق حدیث شریف پیامبر (ص) که فرموده‌اند: هر کس امام زمانش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است ضرورت تحقیق در این موضوع کاملاً آشکار و واضح است و باشد که با شناخت بیشتر نسبت به امام زمان (عج)، محبتش در دل‌هایمان بیشتر و پیرو خط نورانیش باشیم. در مورد سیره حضرت مهدی (عج) تحقیقات فروانی بعمل آمده و کتابهای زیادی در این مورد نگاشته شده که از آن جمله می‌توان به کتابهایی همانند خورشید مغرب، مکیال المکارم، النجم الثاقب و هزاران عنوان دیگر در مورد سیره اخلاقی و ویژگیهای آن حضرت و یارانشان اشاره کرد. من در این تحقیق سعی کردم تا با نگاهی هر چند اندک به زوایای زندگانی آن حضرت و یاران و نائبان خاص ایشان و ویژگیهای منتظران واقعیشان و اثری که از این انتظار در روح و جسم انسان می‌گذارد به شرح مختصری از آن بپردازم. در این تحقیق به سؤالاتی از قبیل: زمان تولد و چگونگی غیبت ایشان و سؤالیهای که به شرح ذیل آورده شده است، نیز پاسخ داده می‌شود.

- ۱- ویژگیهای حکومت جهانی آن حضرت چیست؟
- ۲- امام زمان در آیات قرآن و بیان معصومین چگونه معرفی شده‌اند؟
- ۳- خصوصیات امام عصر از دیدگاه ادیان مختلف چیست؟
- ۴- فلسفه غیبت چیست؟
- ۵- تکالیف شیعه در عصر غیبت چیست؟
- ۶- انتظار یعنی چه؟
- ۷- اقسام و آثار انتظار چه چیزهایی هستند؟
- ۸- نظر اسلام در مورد انتظار چیست؟
- ۹- نامها و القاب آن حضرت چیست؟
- ۱۰- ویژگی یاران آن حضرت چیست؟
- ۱۱- امام زمان در حدیث معراج چگونه معرفی شده‌اند؟
- ۱۲- نشانه های ظهور مهدی (ع) ((برخی از نشانه‌ها)) چیست؟

مقدمه

خداوند متعال با خلقت انسان همواره پیامبرانی را برای هدایت و رهبری آنها گسیل داشته که اولین آن پیامبران (آدم) ع و آخرین آنها حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله ص بودند هر چند این بزرگواران به خصوص رسول اکرم در این باره سعی بسیاری از خود نشان دادند ولی هیچ کدام نتوانستند نتیجه مطلوب را در زمان حیات خویش بدست آورند از این رو بعد از پیامبر اسلام ص اصل امامت و وصایت امامان پایه گذاری شد و به امر الهی حضرت امیرالمؤمنین ع به وصایت و جانشینی آن حضرت و پس از او نیز یازده تن از اولاد معصوم و بزرگوارش به ترتیب عهده‌دار امر امامت و خلافت شدند اما متأسفانه این امامان نیز بنا به دلایلی نتوانستند به آن نتیجه مطلوب دست یابند تا اینکه مشیت الهی بر این تعلق گرفت که دوازدهمین پیشوای معصوم مسلمانان و شیعیان (حضرت امام مهدی (ع)) برای تحقق بخشیدن به آرزوی تمام پیامبران و امامان (ع) در پس پرده غیبت به سر برد تا در روز موعود ظهور کرده و با انقلاب خویش یک حکومت واحد جهانی را تشکیل دهد حضرت مهدی عج مظهر کامل تقوا، ایمان، صبر، حلم، علم، صفا، توحید، عشق به الله، ایشار، گذشت، عبادت، اطاعت، خلوص و یقین هستند که با تمسک به ایشان و پیروی از راه و روش پاک و مقدسشان می توان عابدانه زیست و عاشقانه و آنطور که شایسته یک انسان واقعیست در محضر خداوند متعال حاضر شد. بار پروردگارا توفیق عمل به دستوراتت را آنگونه که شایسته است به ما عنایت فرما و عنایتی کن تا ما نیز از زمره یاران مهدیت باشیم.

سلام علی آل طاهها و یاسین
سلام علی آل خیر النبیین

فصل اول**مهدی (عج) کیست؟****لزوم شناخت امام زمان (ع)**

ایمان بدون شناخت امام زمان (عج) تحقق نمی‌پذیرد بر این مطلب هم دلیل عقلی دلالت دارد و هم دلیل نقلی.

دلیل عقلی:

علتها و فلسفه‌هایی که برای ضرورت و لزوم وجود پیامبر گفته‌اند همان علتها برای ضرورت وجود جانشین و وصی پیغمبر نیز صادق است که پس از وفات آن حضرت لازم بوده باشد تا مردم به جانشین پیغمبر در شئون زندگی خود مراجعه کنند امامان ما احکام الهی را از پیامبر گرفتند و مردم را با مبانی و مفاهیم دین مقدس آشنا می‌سازد همچنین تردیدی نیست که بیانگر احکام دین اگر معصوم نباشد مردم به گفتار او اطمینان نخواهند کرد و دیگر اینکه اگر فرض کنیم همه علما و دانشمندان علم به تمامی احکام دارند و به همه آنها عمل می‌کنند باز هم وجود علما ما را از وجود امام بی‌نیاز نمی‌کند زیرا منافع وجود آن حضرت منحصر به بیان علوم نیست بلکه همه آنچه که از مبدأ و سرچشمه فیض الهی به مخلوقات می‌رسد از برکات وجود او می‌باشد.

دلیل نقلی:

روایات بسیاری که در حد تواتر است بر ضرورت شناخت امام عصر دلالت دارد که به چند نمونه اشاره می‌کنیم در خبر از معاویه ابن عمار روایت است که حضرت صادق (ع) درباره آیه شریفه (ولله اسماء الحسنی فادئوه بها) برای خداوند اسماء نیکو است پس او را به این نامها بخوانید و فرمودند: به خدا قسم آن اسماء حسنی ما هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد مگر با شناخت و معرفت ما.

نخستین کاربرد کلمه مهدی (عج):

کلمه مهدی به معنی کسی است که به وسیله خدا هدایت می‌شود، صفت مفعولی ریشه هدی به مفهوم (هدایت کردن) می‌باشد این اصطلاح دو بار در قرآن در صفت فاعلی با همان ریشه هادی، هدایتک تنده بکار رفته است.

نامها و القاب مهدی (ع):

حجت خدا، منصور، منتقم، غایب، خالص، سدره المنتهی، تالی، خلیفه الله، مدبر، عین، منعم، حامد، مهدی، احسان، مضطر، صالح، باسط، برهان، خازن.

نامهای آن حضرت در سایر ادیان:

او قید مو، لند یطارا، ماشع، شماطین، مهیدالآخر، مسیح الزمان،

نگاهی گذرا بر اسامی نرجس خاتون:

نرجس: نام گل زیبایی از رده تک لپه ایها که به خاطر زیبایی فوق العاد هاش چشم معشوق را به آن تشبیه می‌کند، گل نرجس خاتون نیز در جهان منفرد است و همه عاشقان در آرزوی گوشه چشمی از آن محبوب گمگشته به سر می‌برند.

سوسن: گلی فصلی و دارای گل‌های زیباست، گل سوسن گل همیشه بهار است که گذشت زمان هرگز از طراوت او نکاهد.

سبیکه: طلای ناب و نقره خالص را گویند، او در پایتخت بیزانس در عشق آقا امام حسن عسکری (ع) گداخته شده و به دست کیمیاگر حضرت زهرا (ع) ناخالصیهای امپراطوری روم از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد.

مریم: نام مادر گرامی حضرت عیسی (ع) است و او مادر منجی جهان بشریت است که به اتفاق علمای شیعه و سنی به او اقتدا کرده در پشت به سرش نماز خواهد ایستاد.

صیقل: هر شیئی نورانی، صیقلی و جلا داده شده را گویند، شیخ طوسی و شیخ صدوق می‌فرمایند، پس از آنکه حضرت نرجس خاتون حضرت ولی عصر (ع) را حامله شد او را صیقل نامیدند.

ملیکه: به معنای شهبانوست، او مادر فرمانروای جهان هستی است که همه سلاطین روی زمین پیشانی ادب بر آستانش می‌سایند.

سیمای ملکوتی حضرت صاحب الزمان (ع)

پیامبر گرامی اسلام در کتاب بحارالانوار فرمودند: مهدی از نسل من است. سیمایش چون ماه تابان و چهره‌اش گرد و درخشان و رنگ چهره‌اش عربی است. موهایش پرپشت و دندانهای ثناییش براق و از هم جدا پیشانی مبارکش باز و درخشان است مهدی دیدگانی مشکی موهایی پرپشت چهره‌ای چون ماه تابان خالی بر

گونه راست و نشانی چون مهر نبوت در میان دو کتف دارد مهدی طاووس اهل بهشت است چهره‌اش مانند ماه می‌درخشد. بر بدن مبارکش جامه‌هایی از نور است. بر او چنان جامه‌های نورانی است که به وسیله شعاع نور حق پرتو افشانی می‌کند. سر مبارکش گرد و برگونه راستش خالی سیاه چون پاره‌ای مشک بر زمینه‌ای عنبر نیا است.

فصل دوم

امام عصر در آیات قرآن واز بیان معصومین (ع)

مولود مسعود

آری در شب پانزدهم شعبان به سال ۲۵۵ هجری خداوند متعال به پیشوای یازدهم فرزندی عطا نمودند که نامش را (م ح م د) نهادند امام موعود شیعیان از پدری با آن فضایل و کرامت و مادری با چنین فضیلت و عفت تمام قدم به دایره حیات گذاشت و با طلوع خود نور امید را در دل‌های شیفتگان و مستضعفان بوجود آورد این مولود پر از اسرار تا سال ۲۶۰ هجری تحت کفالت و تربیت پدر می‌زیست و برای اینکه مأموران دولت عباسی از وجودشان آگاه نگردند از انظار مستور ماندند و تنها خواص و دوستان شیعه محضر ایشان را درک کردند پس از شهادت پدر که امامت بر ایشان استقرار یافت به امر خداوند غیبت صغری ارتباط نائبان نیز با امام قطع گردید تا روزیکه ظهور از طرف خداوند علیم و حکیم تحقق یابد و با ظهور او حکومت عدالت گستر اسلام در سراسر جهان برقرار گردد و همه انسانها در صلح و صفا و برادری و برابری در کنار هم زندگی کنند.

امام مهدی(ع) از زبان پیامبر خداوند

پیامبر (ص) می‌فرمایند: (الائمة بعدی اثنی عشر اولهم علی بن ابیطالب و آخر هم الغائب هم خلفائی و اوصیائی و اولیائی و حجج الله علی امتی بعدی المقر بهم مؤمن و المنکر لهم کافر)
امامان بعد از من دوازده نفرند نخستین آنها علی(ع) و آخرین آنها قائم آل محمد می‌باشد آنان جانشینان و اوصیاء من و اولیاء من و حجت‌های خداوند بر امت بعد از من می‌باشند اعتراف کنندگان به آنان مؤمن و منکران به او پوشاننده حق و کافر هستند.

ابن عباس در تفسیر آیه شریفه (والسما ذات البروج) نقل می‌کند، که پیامبر (ص) فرمودند: من همانند آسمان هستم و برج‌های دوازده‌گانه آن امامان از اهل بیت و عترت من هستند که دوازده نفرند اولشان علی(ع) و آخرشان مهدی است.

امام زمان از زبان علی(ع):

(التاسع من ولدک یا حسین، هو القائم بالحق، و المظهر للدين و الباسط للعدل)

ای حسین نهمین فرزند تو همان قائم به حق و ظاهرکننده عدل و پیروزکننده دین و گسترش دهنده عدالت است.

حضرت امام مهدی (عج) در قرآن؛

در قرآن کریم نیز خداوند آیاتی را فرموده‌اند که دلالت بر وجود مقدس و پاک حضرت صاحب الامر (عج) دارد من جمله آیه ۲۸ سوره قصص: (و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الائمة و نجعلهم الوارثین) و ما خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در روی زمین پا بر جا سازیم. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: دنیا که امروز از ما روی گردان است، روزی به ما روی خواهد آورد، همانند ناقه‌ای که به فرزندش روی می‌آورد و سپس حضرت همین آیه را تلاوت فرمودند. آیه ۲۱ سوره انبیاء: (و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون)

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم، بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. آیه ۲۴ سوره مبارکه نوره: (وعدالله الذین آمنو منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعا آنان را حکمرانان روی زمین خواهد کرد همانگونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. آنچنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.

مهدی (عج) در حدیث معراج؛

رسول خدا (ص) فرمودند:

خدایند شبی که به آسمان برده شدم خدا به من ذریه‌ام را نمایاند و مهدی (عج) در میان آنان چون ستاره درخشان بود و خدای تعالی فرموده آنان حجت‌های او و خونیه‌ها ستاننده از خاندان توست و انتقام کشنده از دشمنان تو.

فصل سوم

امام عصر (ع) از دیدگاه ادیان مختلف

اعتقاد مسلمانان (شیعه و اهل سنت) در مورد امام زمان (عج)

شیعه اثنی عشری معتقدند که مهدی موعود از نسل پیغمبر (ص) و فرزندان امام حسین (ع) است. پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (ع) می‌باشد که در سال ۲۵۵ هجری در سامراء بدنیا آمدند و بعد از وفات پدر بزرگوارشان غائب شده و تاکنون زنده هستند و به انتظار امر الهی به سر می‌برند که برای صحت این اعتقاد می‌توان به آیات و روایاتی که در قرآن و بیان ائمه موجود است رجوع کرد.

اهل سنت: ابن عمر از قول رسول خدا (ص) می‌گوید: شنیدم رسول خدا فرموده: کسیکه بدون شناخت امام زمانش بمیرد به مرگ جاهلیت مرده و کسیکه دست از اطاعت امام بردارد روز قیامت وارد محشر خواهد شد در حالیکه نتواند از خود دفاع کند. اهل سنت امام مهدی (ع) را برخی از اولاد امام حسن (ع) می‌دانند و بعضی او را از نسل امام حسین (ع) می‌شمارند، در میان اینان اختلاف نظرهای دیگری نیز وجود دارد، زیرا برخی می‌گویند

که ((مهدی موعود)) دنیا آمد و مدتی زنده بود و بدرود حیات گفت، سپس در آخرالزمان مجدداً زنده خواهد شد، و قیام خواهد نمود و اکثریت اعتقاد بر این دارند، که مهدی در آینده به دنیا خواهد آمد و بعضی از علمای سنی با شیعه هم عقیده هستند و آن بزرگوار را در حال حاضر زنده و غائب می‌دانند.

مهدی موعود در زبور داوود(ع):

نام مهدی (ع) تحت عنوان مزامیر در لابلای عهد عتیق آمده و می‌توان گفت در هر بخشی از زبور اشاره‌ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین مستقیم موجود است.

در قرآن کریم می‌فرمایند:

(ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون):

علاوه بر ذکر (تورات) در زبور نیز نوشتیم بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد)

اینک متن زبور:

زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارثان زمین خواهند شد هان بعد اندک زمانی شریر نخواهند ماند در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارثان زمین خواهند بود.

مهدی موعود در عهد عتیق(تورات و ملحقات آن)

در سفر پیدایش چنین می‌خوانیم: خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت: به ذریت تو این زمین را می‌بخشم تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریه تو به ابد خواهم بخشید. بسوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار هرگاه توانی آنها را شمرد ذریت تو نیز چنین خواهد بود من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آورم تا این زمین را به ارثیت تو بخشم.

مهدی موعود در عهد جدید: (اناجیل و ملحقات آن)

در اناجیل پرنابا تویده‌های حضرت مهدی (ع) به صراحت آمده است. ولی نظر به اینکه مسیحیان آن را معتبر نمی‌دانند در اینجا فقط نویده‌های موجود در اناجیل معتبر را می‌آوریم (اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را ازهمدیگر جدا می‌کنند به قسمی که شبان میش‌ها را از هم جدا خواهند کرد.

مهدی موعود (ع) در کتاب مقدس هندوها: (کتاب باسک)

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریاها و زمین‌ها و کوهها پنهان باشد همه را بدست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می‌دهد و از او بزرگتر کسی دنیا نیاید. در کتاب (دید) از کتب مقدس هندوها در مورد مهدی (ع) می‌فرماید:

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلائق باشد و نام او (منصور) باشد تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را از مومن و کافر بشناسد و هر چه از خداوند بخواهد بیاورد.

مهدی موعود در منابع زرتشتیان (در کتاب زند)

از فرزندان دختر پیغمبر که (خورشید جهان) و شاه زمان نام دارد کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد.

مهدی موعود (ع) درجا ما سب نامه:

مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر، بزرگ تن، بزرگ ساق و بردین جد خویش باشد با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پردازد کند.

مهدی (عج) از دیدگاه الهیون:

گروندگان به آیین های آسمانی همگان متفقند که مصلحی الهی و ملکوتی برای سامان دادن وضع آشفته بشر و نشر عدالت و بر کندن ظلم و ستم روزی قیام خواهد نمود و به این بی سامانی سامان خواهد بخشید.

مادیون:

مادیون بر این عقیده هستند که تکامل بشر تدریجاً به اوج خواهد رسید تا آنجا که بشر از هر گونه ظلم و ستم بیزار شده و رو به جانب عدالت واقعی خواهد نمود و ناموس تکامل او را وادار به انتخاب اصلح و مصلح کل خواهد کرد.

الهیون با اینکه در اصل موضوع با یکدیگر هم عقیده اند ولی در تعیین آن فرد مصلح اختلاف نظر دارند، ملل غیر مسلمان برخی می گویند که او غریب است و بعضی معتقدند که مسیح می باشد و برخی او را خلیل می دانند.

فصل چهارم

غیبت امام عصر (عج)

دلایل غیبت صغری:

از امام صادق روایت می شود که فرموده اند: قائم قبل از قیام غیبت دارد زیرا از کشته شدن هراسان است، دلیل دوم به نقل از امام دوازدهم روایت شده که فرموده اند: نیاکانشان همگی به ظاهر بیعت حاکمان خود را به گردن داشته اند اما او خود رامخفی ساخته تا قیم مسلحانه کند و بیعت هیچ حاکمی را به گردن نخواهد داشت این دلیل را امام حسن (ع) و امام رضا (ع) نیز بیان فرموده اند. از طرفی امام به خوبی می دانستند که چگونه بعضی از پیروانشان موجب شکست دو قیام گذشته شدند و آنان با لو دادن فعالیت های ائمه به دشمنان موجبات شکست تلاشها و دستگیری ائمه را فراهم کردند.

شاید همین حوادث باعث شد که امام دوازدهم حتی از پیروان خود هم غیبت کنند و از طریق سازمان امامت در فعالیت های مخفی اقدام ورزند.

کلینی روایتی را نقل می کند که شرحش بدین گونه است: وقتی امام حسن عسگری (ع) به شهادت می رسد اشخاصی از ابو عبدالله صالحی وکیل آن حضرت می خواهند تا نام و نشان امام دوازدهم را برایشان بیان

کند چون او چنین کرد پاسخ این بود اگر نام او را برایشان فاش کنی ایشان آن را برای دیگران فاش خواهند کرد و چنانچه جای او را تشخیص دهند دشمنان به سوی امام روان خواهند شد.

نواب اربعه:

پس از آنکه امام زمان در سال ۲۶۰ از نظرها پنهان شدند تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهای ربانی از جانب آن حضرت تعیین شده و واسطه میان مردم و ایشان شدند.

طرح امام حسن عسکری (ع) برای مخفی کردن جانشین خود:

به خاطر شرایط سیاسی دوران عباسی و ناامنی آن دوره و محدودیتهایی که خلفای عباسی در آن زمان برای ائمه بوجود آورده بود، امام عسکری (ع) پس از تولد فرزندشان، این مطلب را برای همه بازگو نکردند و فقط به چند تن از یاران صمیمی و صدیق خویش و عمه های آن حضرت ولادت امام مهدی (عج) را اعلام نمودند. امام عسکری (ع) تصمیم گرفتند اقامتگاه پسرشان را به جای مطمئن تری غیر از سامرا تغییر دهند. از مطالعه حکایات تاریخی چنین بر می آید که امام عسکری (ع)، حضرت مهدی (عج) را از سامرا به مدینه منتقل نمودند و در آنجا ایشان را به مادر بزرگ پدری شان که حدیث نام داشتند سپردند و وادیع امامت را از قبیل نام اعظم خداوند، وراثت، اسلحه، را به ایشان سپردند.

امام عسکری (ع) به عنوان تقیه، وصایت خود را تنها به مادرشان حدیث اعلام کردند و بیشترین احتمال این است که امام مهدی (عج) دوران کودکی خویش را در مدینه سپری نموده اند زیرا امام عسکری (ع) خطری را که در صورت اقامت ایشان در عراق با آن مواجه می شدند را تشخیص داده بودند.

غیبت صغری و دلایل غیبت

دوران زندگی امام زمان (عج) را می توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱- دوره کودکی (از ۲۵۵ تا ۲۶۰) ۲- دوره غیبت صغری (از ۲۶۰ تا ۳۲۹) ه. ق

۳- دوره غیبت کبری (از ۳۲۹ هجری قمری شروع می شود تا وقتی که فرمان نهضت جهانی آنحضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد) امام زمان (ع) در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان از نظرها غائب شدند و این آغاز غیبت صغری بود.

عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد.

عثمان بن سعید عمری

او اولین نائب خاص و سفیر امام مهدی (عج) است، او در نزد شیعیان مقامی والا دارد. او از دوره نوجوانی در خانه عصمت و امامت، افتخار خدمت داشت آن بزرگوار رهبری سازمان زیر زمینی وکالت را بر عهده داشت و سپس وکیل خاص و یا نائب خاص امام مهدی (عج) شد. پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) او بود که مراسم تغسیل و تدفین آن حضرت را عهده دار شد، این خود بر مقام والای ایشان دلالت می کند. برخی گفته اند: در گذشت او بعد از رحلت امام حسن عسکری (ع) و قبل از سال (۲۶۷) روی داده است.

محمد بن عثمان سعید عمری

دومین سفیر و نایب آن حضرت ابا جعفر محمد بن عثمان سعید عمری است. او بعد از وفات پدر در جای او نشست. وی دو قبل از مرگش با راهنمایی امام از زمان مرگ خود آگاه شد. از رو برای خود قبری حفر کرد و در روز موعود چشم از دنیا فرو بست.

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

سومین نایب و سفیر خاص امام مهدی (ع) شیخ بزرگوار حسین بن روح نوبختی است. او از طرف امام زمان در زمان حیات دومین سفیر به عنوان نایب خاص امام انتخاب شد. حسین بن روح از سال (۳۰۵) تا (۳۲۶) به مدت ۲۱ سال منصب سفارت از ناحیه مقدسه را بر عهده داشت. وی در تاریخ هیجدهم شعبان چشم از دنیا فرو بست. پیکر این سفیر گرامی را در بغداد به خاک سپردند.

ابوالحسن علی بن محمد سمري

ایشان آخرین نایب امام هستند که تا پانزدهم شعبان سال (۳۲۹) وکالت و نیابت حضرت را بر عهده داشتند و پس از ایشان بنا بر فرموده امام کسی جانشین او نشود.

غیبت کبری

با رحلت آخرین سفیر امام غیبت کبری آغاز می گردد ولی غیبت امام به معنای حاضر نبودن ایشان نیست. زیرا طبق توقیع شریف آن حضرت که برای شیخ مفید آمده است می فرمایند: ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم اگر جز این بود دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می کردند. این حدیث نشان می دهد که ایشان در همه جا حضور دارند و آگاه بر احوال مردم هستند.

نقش سیاسی امام:

امامان ما بعد از امام سجاد (ع) سیاست تقیه را پیش گرفتند و منتظر بودند تا آگاهی مذهبی و سیاسی در میان مردم نتیجه دهد.

سیاست حضرت نیز تشکیل حکومت اسلامی است. تا جایی که بدعت ها را نابود کرده و اسلام ناب را مجددا احیا نمایند.

فلسفه غیبت

مقتضای حکمت الهی است که چیزی بیهوده خلق نکند. در روایات آمده که علت اصلی غیبت از اسرار الهی است و حتی ائمه نیز اجازه بیان آن را ندارند ولی در برخی احادیث حکمت هایی برای آن ذکر شده از جمله: آزمایش و امتحان بندگان. نجات از قتل. پیدا کردن آمادگی لازم از نظر فرهنگی، روانی و قدرشناسی. از طرفی

چنین غیبتی مستلزم عمری طولانی است و در برخی روایات آمده: که عمر آن حضرت آنقدر طولانی خواهد شد که جز شیعیان راستین کسی در اعتقاد خود استوار نخواهند ماند.^۱

فصل پنجم

انتظار

مفهوم انتظار

مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مرکب از دو عنصر است. عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی اعلام بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتر بودن است. اگر این دو جنبه در انسان نفوذ کند سرچشمه اعمال دیگری خواهد شد: ترک هر گونه همکاری با عوامل ظلم و فساد و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی های معنوی برای شکل دادن به حکومت جهانی.

اسلام و انتظار

اسلام که همه برنامه هایش بر اساس فلسفه های عمیق و صحیح اجتماعی است اصل انتظار را به عنوان پشتوانه بقای جامعه مسلمان و محرک احساسات و مهیج روحیه فعالیت انسان ها قرار داده است و انتظار عصر فتح و گشایش را افضل ترین اعمال دانسته است.

ارزش انتظار

روایت شده از امام صادق (ع) پرسیدند: حال کسی که دارای ولایت امامان است و انتظار حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟ امام در پاسخ فرمودند: او مانند کسی است که با پیامبرش در یک خیمه باشد و پیش روی او جهاد کند و با او شهید شود.

اقسام انتظار و آثار آن

انتظار به دو صورت می تواند باشد

۱- انتظار سازنده

۲- ویرانگر

این انتظار مبتنی است بر انجام اعمال واجب و وظایف دینی و شرعی یک مسلمان به علاوه ایجاد یک آمادگی روحی و جسمی در خود و دیگران و زمینه سازی برای ظهور امام زمان (عج).^۲ ولی انتظار منفی و ویرانگر انتظاری است که شخص پر شدن زمین از ظلم و جور را مقدمه ای برای ظهور می داند و خود نیز در به وجود آمدن تباهی کوشش می کند. این نوع انتظار منجر به نوعی تعطیل شدن حدود الهی و اسلامی می شود که هیچ نوع موافقتی با موازین شرعی ندارد.^۱

۱- علی اکبر مهدی پور، راز طول عمر امام زمان، بی جا، انتشارات طاووس بهشت، آبان ۱۳۷۸

۲- دکتر حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، قم: انتشارات زائر، صفحه ۴۵، بی تا

آثار انتظار

خودسازی فردی، خودیاری اجتماعی، منحل نشدن در فساد محیط، پایداری در برابر کارهای فاسد و مبارزه از فساد.

منتظر واقعی کیست

منتظران واقعی کسانی هستند که در اصلاح نفوس خودشان کوشش و جدیت کنند و به اخلاق نیک آراسته گردند. احکام و برنامه های اسلام را از منابع دینی استخراج کرده و به آن عمل کنند.

آثار تربیتی انتظار

وفاق ملی و اجتماعی، حال حضور و مراقبه دائمی، الگوپذیری، رویکرد مثبت به کل جهان، پویایی بیشتر، یافتن خط نورانی امام عصر.

تکالیف شیعیان در عصر انتظار

- ۱- معرفت و شناخت آن حضرت
- ۲- انتظار و ظهور امام عصر (ع)
- ۳- محزون بودن از فراق ایشان
- ۴- توبه
- ۵- خودسازی
- ۶- اطاعت و پیروی از نایب ایشان
- ۷- دعا برای سلامتی و تعجیل در امر فرج
- ۸- ترک تسمیه
- ۹- قیام به هنگام نام مخصوص (قائم)^۲
- ۱۰- رعایت حقوق برادران دینی
- ۱۱- درخواست معرفت امام عصر (ع)^۳
- ۱۲- حج رفتن به نیابت از آن حضرت
- ۱۳- تضرع و مسالت از خداوند برای حفظ ایمان
- ۱۴- دست بر سر گذاردن هنگام شنیدن نام مبارک
- ۱۵- ذکر فضائل و مناقب
- ۱۶- رعایت ادب
- ۱۷- زیارت امام زمان (ع)
- ۱۸- اظهار علاقه
- ۱۹- ارجاع مردم به امام
- ۲۰- اظهار اشتیاق برای ملاقات آن حضرت^۴

۱- دکتر حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، بی تا

۱- حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، بی تا، ص ۸۹.

۲- سید محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، بی جا، انتشارات بدر، ۱۳۷۲ ص ۲۵۵.

۳- حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، بی تا، ص ۸۹.

فصل ششم

ظهور ایمان و عدالت

علائم و نشانه های ظهور مهدی (عج)

علائم ظهور به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

۱- علائم حتمی

۲- علائم غیرحتمی

منظور از علائم حتمی آن است که به هیچ قید و شرطی مشروط نیست و قبل از ظهور باید واقع شود و مقصود از علائم غیرحتمی حوادثی است که به طور مطلق از نشانه های ظهور نیست بلکه مشروط به شرطی است که اگر آن شرط تحقق یابد مشروط نیز محقق می شود.

علائم ظهور امام زمان (عج) از نظر امام صادق (ع)

۱- حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند

۲- ظلم و ستم فراگیر شده است

۳- قرآن فرسوده و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است.

۴- اهل قرآن و دوستان آنها خارند

۵- نماز را سبک شمارند

۶- برای اذان و نماز مزد بگیرند

۷- صدقه بدون رضای خدا و با وساطت انجام شود

۸- علائم آسمانی آشکار شود

۹- خروج سفیانی

۱۰- خروج دجال

۱۱- قیام خراسانی^۱

حکومت جهانی

دعوت دین اسلام ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدف اسلام متحد کردن ملت‌ها و برداشتن دیوار امتیازات و اعتبارات لغو می باشد رسید بشر به چنین مقصد عالی و آسایش بخش در گرو اسبابی چند است از آن جمله وجود قوانین عادلانه تعالیم اجتماعی و رهبری که عالی مقام و روحانی باشد پاک و منزّه از احساسات حیوانی رهبری که فقط وابسته به خدا باشد.

اسلام به شدت خواهان تشکیل چنین حکومتی است ولی تشکیل این حکومت میسر نخواهد بود مگر اینکه جهان آمادگی پذیرش حجت بالغه خداوند را داشته باشد.^۲

^۱ - علیرضا رجالی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)، تهران: انتشارات نبوغ ص ۱۷۰

^۲ - دکتر طاهری، سیمای آفتاب ص ۳۰۷

فهرست منابع

- ۱- اشتهاردی-محمد مهدی، مهدی فروغ تابان ولایت، قم، انتشارات جمکران، پاییز ۷۸
- ۲- تاج لنگرودی-محمد مهدی، پیامهای امام زمان، بی جا، دفتر نشر ممتاز، بی تا
- ۳- جاسم حسین-تاریخ سیاسی امام دوازدهم، بی جا، انتشارات امیرکبیر، بی تا
- ۴- جمعی از سخنرانان-گفتمان مهدویت، قم، موسسه فرهنگی انتظار نور، بی تا
- ۵- جمعی از نویسندگان-بقیة الله، بی جا، نشر آفاق، بی تا
- ۶- جمعی از نویسندگان- تاریخ عصر غیبت، قم، مرکز نشر جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۰
- ۷- حکیمی-محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۹
- ۸- خلخالی-سید محمد مهدی، آخرین تحول با حکومت ولی عصر، قم: پنگوئن، بی تا
- ۹- رحیمیان-محمد حسین، جلوه های نور از غدیر تا ظهور، قم، دارالتقلین، بی تا
- ۱۰- رجالی-علیرضا، یکصد پرسش پیرامون امام زمان، تهران، انتشارات نبوغ، بی تا
- ۱۱- شریعت زاده-محمود، حکومت جهانی مهدی(ع)، بی جا، نشر الصادقین، بی تا
- ۱۲- صافی-لطف الله، انتظار عامل مقاومت در حرکت، قم، انتشارات شفق، بی تا
- ۱۳- طاهری-حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، بی تا
- ۱۴- طبرسی-میرزا حسین، النجم الثاقب، قم، انتشارات جمکران، بهار ۸۰
- ۱۵- عقیقی بخشایشی-چهارده نور پاک، تهران، انتشارات نوید اسلام، تابستان ۸۱
- ۱۶- گل محمدی آرمان-فریده، البیعت الله، قم، انتشارات دارالنشر اسلام، بی تا
- ۱۷- مهدی پور، علی اکبر، راز طول عمر امام زمان، بی جا، انتشارات طاووس بهشت، آبان ۷۸
- ۱۸- مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد، بی جا، انتشارات رسالت،
- ۱۹- موسوی اصفهانی-محمد تقی، مکیال المکارم، بی جا، انتشارات بدر، زمستان ۷۲
- ۲۰- موسوی اصفهانی-محمد تقی، مکیال المکارم، بی جا، انتشارات برگ شقایق، پاییز ۸۰

مهدویت و تشیع

طاهره سارانی

مقدمه

مهدویت، امتداد امامت و تجلی آخرین حلقه از سلسله حلقات آن است. مهدویت ذخیرهٔ آخرین هستی، ثمرهٔ همه رسالت‌ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوه‌گاه همه نیکی‌ها و زیبایی‌هاست.

مهدویت، قلب تپندهٔ حیات شیعه در تمامی قرون و اعصار است، مهدویت، باوری عمیق است که ریشه در ساخت و بافت انسان دارد، مهدویت، نوید پایانی سبز برای زمان است، مهدویت چشم اندازی است زیبا به جهان آینده و آیندهٔ جهان و رویکردی جدی و نوید بخش به آینده انسان و انسان آینده، مهدویت، حقیقت حقیقت بستگی است که جهان با وجود آن، برمدار عشق می‌چرخد، و خورشید، به یمن درخشش نورش زمین و آسمان را نور باران می‌سازد. مهدویت، آخرین پناه و خاکریز انسان معاصر است، مهدویت، اعتقاد به یک منجی. مصلح و یک حکومت جهانی و باور مشترک همهٔ ادیان و ندای قلبی همهٔ مستضعفان در سرتاسر این کرهٔ خاکی است، مهدویت، رمز پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایران است، مهدویت امید و حیات و زیبایی و عشق و شور و نشاط و در یک کلمه، همه چیز ما است تشیع، حقیقت اسلام و رود سیال و جاری تاریخ اسلام است. تاریخ اسلام، بی تشیع درخت آفت‌زده‌ای را می‌ماند که قرن‌ها است خشکیده است. این رود جاری و درخت تناور، در دستان پرتوان رسول (ص) گرمی‌اش، تولد یافت و روید، و اگر نبودند امامان شیعه، این وارثان فرهنگ وحی و دست پروردگان و اصحاب آنان، از آن هیچ نشانی نبود.

انقلاب اسلامی ایران، ریشه در تاریخ تشیع، و تشیع، ریشه در حقیقت اسلام و رسول علی و فاطمه و سجاد و صادق و عسکری (ع) دارد.

به گفتهٔ دکتر علی وردی (استاد جامعه شناس دانشگاه بغداد) تشیع، آتشفشان خاموش کوهسار است که گاه و بی‌گاه دود و بخار. لرزه و تکان اندکی پدید می‌آورد و همین تأثیرات اندک، ریشهٔ تمام انقلابات دنیای اسلام است. شیعه با اعتقاد به امامت گره خورده است، و با این طرح راه خویش را در تاریخ آغاز کرده، و در این راه، رنج‌ها برده است، تا آن جا که به اعتراف برخی، آن قدر که در این راه شمشیر کشیده شده و جان فشانی شده است، در هیچ برهه‌ای از زمان و در مورد هیچ یک از دیگر آموزه‌های دین، شمشیر زده نشده و جان فشانی نشده است. این اعتقاد و اهتمام از آن جا بر خاسته که آدمی، اهدافی بیش‌تر و بزرگ‌تر از آزادی و امنیت و رفاه و فراتر از محدودهٔ دنیا دارد.

خدا برای انسانی که در هستی طرح شده و با کل نظام رابطه دارد، حاکمی انتخاب کرده است تا در هر دوره، آنان که می‌خواهند، به پا خیزند و زمینه‌هایش را فراهم سازند!

مهدویت

در اصطلاح مهدویت به مکتب‌های فکری اطلاق می‌شود که شاخصه اصلی آن اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی و رهاننده باشد ارکان عمده این مکتب که ریشه در باورهای دینی دارند عبارتند از اسارت، غیبت، انتظار، نجات البتة ناگفته نماند که مهدویت عناصر و ارکان دیگری نیز دارد که به تبع چهار رکن در زمان مقتضی پدید خواهد آمد. عناصر و ارکان مانند تحول در آداب و شعائر دینی و تغییر در نظام بشری. مهدویت را

می‌توان به معنای مهدویت باوری، مسیحا باوری و موعود باوری به معنای هزاره گرایی، اعتقاد به فرارسیدن هزاره سلطنت مسیح و اعتقاد به عصر سعادت و به معنای آینده‌گرایی مطرح می‌شود!

مهدویت در دین زرتشت و اسلام

مقایسه اعتقادات و آموزه‌های اسلام و زرتشت نشان می‌دهد که موضوع مهدویت از مباحث مشترک بین این دو آیین است که زرتشت با عنوان موعود مزدسینا و در اسلام با لقب مهدی مشخص می‌شود. به تعبیر دیگر، بسیاری از پیروان دین زرتشت، این باور را پذیرفته‌اند که بر طبق متون مقدس و روایات، فرد یا افرادی که در آخر الزمان ظهور کرده و آیین مزدسینا را که دچار تغییر و تحول و سختی می‌شود، احیا خواهند کرد. از سوی دیگر، مسلمانان نیز چشم انتظار مهدی موعود هستند تا با آمدن خود عدل و داد را بگسترانند. طبیعی است که اعتقادات هر دو گروه ریشه در موارث دینی و تاریخی آنها دارد. در این جا نمی‌خواهیم اثبات کنیم که کدام دین در رساله مهدویت از دیگر متأثر بوده اما ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که در هر دو طرف جریان‌هایی وجود دارد که این اندیشه و دستمایه‌های اولیه آن را متعلق به خویش دانسته و قائل بر آنند که سایر ادیان از این بابت مدیون آنها هستند. و در مقابل افرادی هم هستند که اندیشه ظهور منجی آخر الزمان را علیرغم تصریح متون مقدس، نمی‌پذیرند. با این حال بسیاری بر این عقیده‌اند که سرانجام به وعده اوستا، قرآن و روایات موعودهایی ظهور نموده و ارزش‌های الهی و انسانی را اعتلامی بخشند.

پیشینه تاریخی مهدویت

علیرغم قدمت بسیار طولانی آیین مزدسینا، اگر تاریخ تولد زرتشت را قرن هفتم پیش از میلاد بدانیم، باید گفت که دین یهود پیشتر موضوع موعود آخر الزمان را وعده داده و اخبار زرتشت پیرامون این مطلب، تازه نیست اما در باب تاریخ و چگونگی تولد زرتشت اختلافات بسیاری در دست است و برخی حتی دوران حیات وی را تا یازده هزار سال قبل از میلاد ذکر کرده‌اند. به این لحاظ آیین مزدسینا در طرح مساله موعود آخر الزمان می‌تواند بر دین یهود و البته اسلام پیشی گیرد. به هر صورت می‌توان زرتشت را، حداقل در ایران، پیشگام اندیشه موعود آخر الزمان دانسته و این را از موهبات آیین ولی قلمداد نمود. در برابر آیین اسلام که از پیشینه کمتری برخوردار است، در این زمینه وارث سایر ادیان مطرح کننده بحث مهدویت قرار می‌گیرد. البته اسلام در موضع خودش، هم وام گیرنده این تفکر، هم مصلح و هم تشکل بخش آن بوده، اما این واقعیت انکار ناپذیر است که از اندیشه منتخب آخر الزمان زمانی توسط اسلام مطرح گردید که حداقل سه آیین عمده مزدسینا، یهود و مسیحیت به تفصیل در مورد آن آگاهی داده بودند. از این رو اسلام به نوعی در این مورد تصدیق کننده محسوب می‌شود نه مبدع.

فلسفه سیاسی - اجتماعی مهدویت

همان طور که مهدویت در دین موجود آثار واکنش‌هاست، در صحنه اجتماع و سیاست نیز به نوبه خود منشاء اثر است. در این جا به برخی تبعات اعتقاد به مهدویت و رویکردهای مختلف به آن در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازیم. در کتابهای زرتشتی، وظیفه یک فرد مؤمن در زندگی نسبت به حوادث آخر الزمان این است که او باید در رستاخیز و زنده شدن مردگان و هستی بهشت و دوزخ و حساب اعمال تردیدی به خود راه ندهد و حفظ این عقیده خودش جزء اعمال صالح محسوب می‌شود و چه بسا از اساسی‌ترین کارهای نیک نیز هست.

تولد حضرت مهدی (عج)

حضرت مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری (ع) و جانشین یازدهم پیامبر اسلام (ص) است. مادر حضرت مهدی (عج)، نرجس را اغلب مورخان دختر یوشعا و شیوعا راپسر قیصر روم دانسته‌اند، و نرجس از طرف مادر به شمعون. و شمعون به حضرت عیسی (ع) منتسب می‌باشد، که در یکی از جنگها به اسارت نیروهای مسلمین در آمد تا زمانی که محضر حضرت هادی نرسیده بود، کسی نمی‌دانست که او؛ دختر قیصر پادشاه روم است و خود او هم اظهار نمی‌کرد. وقتی که به اسارت در آمد از آنجا که لغات مختلف و از جمله عربی که پدرش به‌وی تعلیم داده بود، با زبان عربی فرموده: (اسمی نرجس) من نرجس هستم، چون اسیران جنگی، او را نمی‌شناختند. مشتری‌ها نیز رغبتی به خرید او نشان نمی‌دادند، و زمانی که امام هادی (ع) یکی از اصحاب را برای خرید جریه‌ای فرستاد، او را خریدند و به خانه امام هادی (ع) آوردند.

حضرت هادی (ع) خواهرش حکیمه را که عالمه بود به حضور پذیرفت و فرموده: این همان است، به او فرائض دین را تعلیم کن، او را برای فرزندم حسن به خانه آوردم و همسر وی خواهد شد، و مادر قیام کننده می‌باشد. نامهای دیگر مادر امام زمان (عج) عبارتند از: ریحانه، سوسن، صیقل، و در کتب ادعیه زیارتی برای والده ماجده حضرت ولی عصر (عج) نقل شده که ظاهراً مأثور است.

ولی بعضی از ادعیه نامه‌ها به تناسب مقام و شأن زیارت شونده توسط عالمان و عاشقان بیان شده و نگاشته‌اند، که متن بعضی از متن آنها از طرف معصومین (ع) وارد نشده است.

امام را در زمان کودکی دیده‌اند

از کسانی که در هنگام تولد حضرت صاحب الامر (ع) حضور داشته و جریان را مفصلاً شرح داده حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی و عمه امام حسن عسکری است.

اجمال داستان این می‌باشد که: حکیمه خاتون می‌گوید، روزی به خانه امام حسن (ع) مشرف شدم، شبانگاه که شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ بود وقتی خواستم به منزل مراجعت کنم، امام حسن فرموده: عمه جان امشب در خانه ما باش، زیرا ولی خدا و جانشین من در این شب متولد خواهد شد. پرسیدم از کدام کنیزت فرمود؟ از سوسن. من در سوسن هیچ اثر حاملگی نیافتم و کم‌کم در صحت وعده امام حسن تردید می‌نمودم که از اطاقش فرموده: عمه جان شک نکن که وقت تولد فرزندم نزدیک شده است ناگهان حال سوسن را جويا شدم احساس درد شدیدی را در خود حس می‌کرد. و من مشغول تهیه وسایل وضع حمل شدم طولی نکشید که کودک متولد شد و کودک را نزد پدرش بردند و زبان مبارکش را به چشمانش مالید و چشم‌ها باز شده و سپس اذان و اقامه را در گوش حضرت مهدی خواندند.

امامت، طرح آنانی است که در زندان دنیا نمانده‌اند و انسان را در جایگاه خودش طرح کرده‌اند اما جلودار کسانی است که جلوتر از زمان را می‌خواهند. امام، بر اساس واقعیت‌هایی حکومت و رهبری می‌کند که هنوز علوم انسانی آن را کشف نکرده‌اند و جلوتر از علم و جلوتر از زمان و آگاهی انسان است.

از آن جا که چنین امامی، ضرورت دارد، پس وجود دارد و چنین امامی را تو باید کشف کنی و چنان امامتی را تو باید زمینه ساز باشی.

مسئله امامت در شیعه، همواره، تهدیدی نسبت به قدرت دولت‌های غیر مذهبی بوده‌است. در شیعه، از لحاظ تئوری، حکومت مشروع، متعلق به امامان است. ویلیام وات، محقق دانشگاه ادین بورگ، در کتاب اصول گرای

اسلام و مدرنسیم، می‌گوید «اعتقاد به امامت و مسئله انتظار، از جمله ویژگی‌های تشیع است که در اندیشه سیاسی شیعه نقش مهمی ایفا می‌کنند»

مهدی (عج) در آینه روایات

شیعه امامیه، بر این باور است که امام مهدی (عج) دوازدهمین امام از ائمه اطهار (ع) است. ایشان پا به عرصه گیتی گذاشته و در حال حاضر، در این پنهان هستی، حیات دارد ولی از دیدگان پنهان است. اندیشه ناب مهدوی، با این خصوصیات، از ضروریات مذهب تشیع بوده و هر گونه تشکیک و تردید آفرینی در آن، موجب بیرون رفتن از مذهب است.

مهدویت و نظام مهدوی، پدیده‌ای «سیاسی و مدنی» است. همچنین پدیده‌ای «حقیقی و یقینی» محسوب می‌گردد. پدیده‌ای «عینی و عملی و تحقق یافته» نیز می‌باشد بدین ترتیب «پدیده مدنی مهدوی» دارای مراتب سه گانه وجودی - حقیقت، ماهیت و واقعیت است. این مراتب سه گانه پدیده شناسی مهدویت عبارت است از ۱- حقیقت یا هستی و چرایی مهدویت و نظریه آن را اعم از ضرورت، مبادی و علل غایبات، ۲- ماهیت چیستی، مفاهیم و حدود آن ۳- واقعیت عینی و وقوع عملی مسیر مهدویت و نظام و ساختار مهدوی یا چگونگی آن (سازگاری و راهبرد و روش اجرایی و عملیاتی آن).

حکومت جهانی مهدوی (عج)

قال رسول الله (ص) در لاتقوم اساعه حتی یغملک رجل من اهل بیتی یواطی اسمہ یملا الارض عدلاً و قسطاً كما ملت ظلماً وجوراً.

نظام، دین و حکومتی که داعیه‌دار «جهانی بودن» و «رهبری» جهانیان است، باید ویژگی‌های و برنامه‌هایی داشته باشد که با این ادعا هماهنگ بوده و امکان تحقق و وقوع داشته‌باشد. با چالشها و گسست‌هایی که روی لیبیرالسیم، سرمایه داری، سوسیالیسم و ... قرار دارد، می‌توان گفت که اسلام، آیین تمام جهانیان و دین جامعه بشری است و می‌تواند جوابگوی خواست‌های اساسی جهانیان باشد. اما در حال حاضر تحقق چنین چیزی، فقط با ظهور منجی موعود و مصلح جهانی امکان دارد. یعنی، به علت سستی و رخوت حاکم برجوامع و دوری آنان از تعالیم ناب اسلامی، امکان تشکیل حکومت جهانی اسلام، ضعیف بنظر می‌رسد. در عین حال باید در این راه کوشید و حداقل زمینه‌های تشکیل دولت فراگیر اسلام را فراهم نمود. و یکی از برنامه‌های مهم پیامبر (ص) و امامان (ع) تأسیس حکومت اسلامی و تشکیل امت واجد جهانی اسلام بوده است. این برنامه، در رأس دعوت اسلام قرار گرفته است و به یقین با انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) جامعه عمل خواهد پوشید.

با وجود این همه مشکل، کمبود، نارسایی، ظلم و ستم، فساد و تباهی، خود کامگی و استبداد، دولت‌ها، سازمانها و نهادهای فرد ملی و بین المللی، نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازها و احتیاجات بشر باشند و با وجود خطر جنگهای هسته‌ای، نابودی زیست محیطی، تباهی فرهنگها و هنجارها، ستیزه جویی و پرخاش گری میان سیاستمداران، گسست‌های فکری و اندیشه‌ای بشر رشد ناهمگون و غول آسای شرکتهای چند ملیتی و بازارهای بورس. تنهایی توان به یک حاکمیت فراگیر و بدون نقص و حکومت خوب، چشم داشت.

هدفها و فوائد ارتباط با حضرت ولی عصر (عج)

ارتباط با امام عصر (عج) دارای فواید، آثار و برکات بسیاری است، زیرا اگر این چنین نمی بود، خدای تعالی در کتاب شریف و با عظمتش، مؤمنین و شیعیان را به ارتباط با امامشان امر نمی فرمود، لذا در این قسمت از بحث به بیان پاره‌ای از این آثار و فوائد خواهیم پرداخت. اولین هدفی که برای ارتباط با امام عصر (عج) می توان بیان نمود، انجام امر الهی است، اطاعت از پروردگار خود به خود سبب نزدیک شدن انسان به ذات مقدس پروردگار می شود. همان طور که شخصی از امام باقر (ع) پیرامون بهترین چیزی که بندگان به خدای تعالی تقرب می جویند سؤال کرد، آن حضرت در جواب فرمودند: بهترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خداوند عزوجل تقرب می جویند اطاعت خداوند و اطاعت پیامبر اکرم (ص) و اولی الامر (ع) است

۲- بر آورده شدن حاجات و استجاب دعوات، از فواید دیگر ارتباط با حضرت ولی عصر (ع) است. زیرا برای بردن حوائج به نزد خدای تعالی نیازمند ارتباط با نماینده الهی و شفاعتش از ما نزد پروردگار می باشیم به دیگر سخن باید به واسطه ارتباط با حجت خدا و متوسل شدن به او با خدای تعالی مرتبط شویم تا به این وسیله دعاهایمان مستجاب و حاجت‌هایمان برآورده شود. زیرا خدای تعالی دوست دارد از دربی که برای ارتباط با خود باز فرموده، مردم از همان در وارد شوند و این امام و حجت است که درب ارتباط با خدا است، و همانطور که خداوند فرموده است.

«و اتو البیوت من ابوابها»، «همیشه از در خانه وارد شوید نه از دیوار آن»

۳- سومین فایده ارتباط با امام مهدی تمسک به حبل الهی و در پی آن هدایت شدن به صراط مستقیم است. همان طور که در زیارت جامعه در این باره عرضه می داریم. (و هدی من اعتصم بکم. کسی که تمسک به شما نموده و مرتبط با شما گشت، هدایت شد).

۴- فایده دیگر اینکه، به واسطه ارتباط با معصومان (ع) بالاخص حضرت ولی عصر (ع) است که می توان خدای تعالی را حقیقتاً عبادت کرد.

او را شناخت و عارف به حق او جل و علی - شد و به واسطه ارتباط با آنها است که خدای تعالی را به یگانگی واحدیت می توان شناخت. همان طور که مؤلف کتاب شریف بصائر الدرجات از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرموده: به سبب ما خدا عبادت می شود، به سبب ما خدا شناخته می شود به سبب ما خدا را به یگانگی می شناسد و محمد (ص) حجاب خداست یعنی واسطه بین خدا و خلق است.

نقش و همکاری حضرت مسیح (ع) با انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) با انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) از منظر قرآن نزول عیسی بن مریم (ع) در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) و هم کاری با ایشان در انقلاب جهانی مهدوی، در متن احادیث نبوی و اهل بیت نبی به صراحت و بطور روشن واضح به صورت شفاف و مستقیم برای همگان بیان شده است. در قرآن مجید نیز این حقیقت بیان شده است ولی در پرتو تفسیر قرآن با حدیث آشکار می شود پیام قرآن در ارتباط با این موضوع با کمک رهنمودهای ائمه معصومین (ع) درک می گردد و قرآن کریم درباره سر نوشت حضرت عیسی بن مریم چنین می گوید. که ما عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه دار آویختند، لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند، و قطعاً او را نکشتند! بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او (مسیح) ایمان می آورد و روز قیامت بر آنها گواه خواهد بود.»

و در مجموع با تفسیر قرآن به وسیله حدیث اهل بیت، حضرت عیسی بن مریم (ع) در انقلاب مهدوی یک امر قطعی است که بی تردید به حکم قرآن و سنت، حتماً حضرت عیسی (ع) همراه حضرت مهدی (عج) خواهد بود و در جهانی شدن اسلام و جهانی سازی اسلامی در انقلاب مهدوی نقش موثر ایفاء میکند.

ظهور صغری

ظهور صغری به درخشش نام حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) قبل از ظهور آن حضرت گفته میشود که همانند اذان صبح تا طلوع آفتاب بدون آن که خورشید دیده شود، فضا را به تدریج روشن میکند. در ظهور صغری افکار بشر روز به روز رشد بیشتری یافته و حق جویی، صلح طلبی و عدالت خواهی که همان شعاع‌های نورانی جهانی امام عصر (عج) هستند افکار جهانیان را در نور دیده نشان میدهد که جهان به عصر ظهور کبرای امام زمان (ارواحنا فداه) هر لحظه نزدیکتر می شود.

ظهور عصر

عصر ظهور منعکس کننده حقایق و مطالبی است که انسان را با شرایط و امتیازات زندگی زمان ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) آشنا مینماید و بیانگر تمدن حقیقی بشر در آن زمان است. و اگر قبل از ظهور آن حضرت، جامعه بشری مشتاق رسیدن به این زندگی باشند پروردگار مهربان آن رهبر معصوم را به بشر مرحمت خواهد فرمود و یک زندگی شایسته در کره زمین شکل خواهد گرفت و چنان چه زمان ظهور فرانسیده باشد و فرد بخواد به آن زندگی شایسته دست یابد راهبر او بسته نیست و میتواند با معرفت راستینش به امام زمان (عج) و تزکیه نفس به این مقصد برسد و او مثل کسی است که در آن زمان زندگی میکند و از امتیازات معنوی و حتی مادی آن زندگی بهره‌مند می شود.

عصر غیبت: زندگی در عصر کنونی که عصر غیبت امام عصر (عج) است، بسیار بارز است زیرا انتظاری که خداوند از مردم عصر حضوری و ظهور دارد؟ از مردم این دوران ندارد، به خاطر غیبت امام عصر (عج) و دسترسی نداشتن مردم به امام حجت خدا، خداوند ارفاق‌ها و الطافی به انسانهای نوین کرده است اما اگر کسی در عصر غیبت، سخت کوشش بوده و وظیفه شرعی خود را خوب بشناسد و به آن عمل کند، ثواب او راه مراتب از مردم عصر حضور ظهور بیشتر خواهد بود.

انقلاب حضرت موجب برکات دینی و دنیوی است .

حضرت صادق (ع) فرمود: وقتی که حضرت مهدی (عج) ظهور کند خیمه‌هایی برای تعلیم خدا نصب شود که مردم طبق آیه‌های نازل شده خداوند تعلیم یابند. برای بسیاری از مردم که فکر می کنند آنچه را که آنها اسلامی می دانسته‌اند، زمان حضرت مهدی (عج) هم تغییر نمی کند، وقتی که ببیند تغییر نمود برای آنها بسیار سخت است که مطالب جدید و بسیار تازه‌ای که احتمال نمی دادند، حضرت آن مطالب را بگویند، قبول کنند، لذا به خاطر همین مطالب از خیمه‌ها دور می کنند بطوری که آن مطالب را کفرآمیز میدانند همان طور که جنگ صفین علی (ع) را به کفر نسبت دادند، حضرت هم به کفر نسبت میدهند. حضرت صادق (ع) می فرماید: وقتی که قیام کنده قیام کند کتاب خدا را حد و مرز خود بخواند و محضی که علی (ع) نوشته ارائه میدهد. (زیرا مصحف علی (ع) روشن کننده مصحف موجود است.) حضرت مهدی (عج) بر همه اهل جهان از نظر صفات معنوی سبقت دارد و جامع همه ارزشهای واقعی است. از علی بن موسی (ع) فرمود قیام کننده ما داناترین، حکم کننده‌ترین، متقی‌ترین، حکیم‌ترین، سخی‌ترین و بهترین بنده خدا از میان مردم می باشد.

احتمال تأهل حضرت چیزی نمی دانیم، چون اثبات یا نفی آن از مسائل مورد ابتلاء مانیت. نظر مثبت باشد یا منفی به اعتقادات ما ضرری نمی رساند زیرا از مسایل شخص آن حضرت است، منتهی اگر بطور زودگذر به آن اشاره شود مانعی ندارد. حضرت صادق (ع) فرموده: قیام کننده (ما اهل بیت) را با اهل و عیال خود در مسجد سهله می بینیم که نزول کرده آنجا جایگاه ادریس (ع) و ابراهیم خلیل الرحمن بوده و پیامبران الهی در آن نماز خوانده اند و مأوای خضر (ع) است. کسی که آنجا بماند همانند کسی هست که در خیمه رسول الله (ص) بماند.

ایرانیان و آغاز زمینه سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج)

کلیه منابع روایی شیعه و سنی، پیرامون حضرت مهدی (ع) اتفاق نظر دارند که آن بزرگوار بعد از نهضتی مقدماتی که برایش بوجود می آید، ظهور میکند و یاران درفشهای سیاه، ایرانی اند که زمینه ساز حکومت آن حضرت و آماده کننده مقدمات فرمانروایی وی می باشند در این روایات، اتفاق است که دو شخصیت وعده داده شده، سید خراسانی و یا هاشمی خراسانی و یاور او شعیب بن صالح هر دو ایرانی هستند. تا پایان روایاتی که مربوط به آنان در منابع شیعه و سنی آمده است. اما منابع حدیث شیعه علاوه بر ایرانیان، افراد دیگری را بعنوان زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (ع) بنام یمنی ها ذکر نموده است چنانکه روایات بیشماری در منابع شیعه وجود دارد که بطور عموم دلالت دارد که قبل از ظهور آن حضرت، حکومت و یانپرو و یا نهضتی مبارز و انتقام گیرنده بر پا خواهد شد.

آغاز حکومت مهدی (ع) از ایرانیان

در بعضی روایات و احادیث آمده است که حکومت از ناحیه مشرق خواهد بود. امام علی (ع) نقل کرده است که آغاز ظهور او از مشرق است زمانیکه این امر پیش آمد، سفیانی خروج می کند» و از طرفی آنچه که علماء بر آن اتفاق دارند و در روایات به نحو تواتر وارد شده این است که ظهور آن حضرت از مکه است، بنا بر این باید مراد از گفته امیر مؤمنان (ع) که فرموده: «آغاز نهضت او از ناحیه مشرق است» یعنی آغاز و شروع وی از مشرق، یعنی ایران است. و همچنین دلالت دارد که آغاز نهضت آن حضرت، قبل از خروج سفیانی بوده و فاصله بین آغاز امر و خروج سفیانی، مدت نه کوتاه و نه طولانی است. زیرا در روایت، نهضت حضرت بر خروج سفیانی با «واو» عطف شده است نه فائوئم که دلالت بر فاصله داشته باشد، بلکه می توان گفت این روایت اشاره به نوعی ارتباط بین این آغاز امر زمینه سازی برای دولت حضرت مهدی (ع) از سرزمین ایران و خروج سفیانی دارد، توجه داشتید که جنبش سفیانی صرفاً واکنشی است جهت رویارویی با موج فزاینده نهضت اسلامی که زمینه ساز مقدمه قیام آن حضرت می باشد.

نهضت ظهور مقدس

روایات دلالت دارد که نهضت و انقلاب مقدس حضرت مهدی (اروحنافداه) در مدت چهارده ماه کامل می گردد در شش ماهه اول، امام (ع) در اضطراب و نگرانی به سر می برند و حوادث را بطور نهان، توسط یاران خود رهبری میکند در هشت ماه بعدی در مکه ظهور میکند و رهسپار مدینه و آنگاه راهی عراق و قدس میگردد و با دشمنان خود وارد نبرد می شود، جهان اسلام را بطور یکپارچه تحت فرمان و اطاعت خود در می آورد. آنگاه با رومیان (غربیها) پیمان آتش بس می بندد، چنانکه خواهد آمد.

امام حافظ سنت پیامبر است

وجود امام، نه تنها در جلوگیری از اختلاف در اصول و فروع مفید و ضروری است، بلکه وجود وی در مرحله دیگر که خطرناکتر از اختلاف در اصول و فروع است، بصورت ضروری‌تری، تجلی میکند یکی از بلاهای بزرگ که جامعه اسلامی پس از درگذشت پیامبر(ص) با آن روبرو شده، موضوع داخلی بازار جعل حدیث بود، و جاعلان حدیث و تاریخ، بانگیزه‌های گوناگون وارد این میدان شدند برخی از یهودیان و مسیحیان مسلمان نما مانند «کعب الاحبار» یا وهب بن منبه روی عداوتی که با اسلام داشتند، یک رشته اسرائیلیات و مسیحیات را وارد تاریخ اسلام نمودند گروهی از مسلمانان ضعیف الایمان بتحریک خلفا و امرای وقت و یا به خاطر شهرت و مقام خواهی یا انگیزه‌های دیگر دست به جعل حدیث زدند در اینجا بود که لزوم وجود امام معصوم و پیراسته از گناه و اشتباه که بر متن صراط مستقیم اسلام باشد. کاملاً احساس می‌گردد، تا مردم در پرتو مراجعه به وی، حق را از باطل و حقیقت را از مجاز باز شناسند.

پیشوائی از نظر اسلام نگارش: استاد جعفر سبحانی ص ۶۱-۶۲

نیایش، انگیزه‌ای بر تو و عاملی سازنده‌تر برای امید

در انجام نیایشهای اسلامی، رابطه‌ای بین انسان مسلمان و خدای جهان برقرار می‌شود که انسان با خواندن آنها در لحظاتی از زندگی قرار می‌گیرد، که تمام جنبه‌های مادی را از خود دور کرده، با یاد خدا و با قلبی آکنده متوجه خدا می‌گردد. آری نیایش جدّیت‌ترین هیجان روانی را در فرد ایجاد می‌کند و بر اثر رابطه و انسی که با معبود حقیقی برقرار می‌سازد، فرد روحش را از تنگنای قفس جسمی رها ساخته، در بینهایت به سوی جهان دیگر راهی می‌نماید و به واسطه تماسی که بی نهایت کوچک با بی نهایت بزرگ برقرار میکند و دیده بر افق بی پایان هستی می‌دوزد، تمام عنایتهای خدا را به سوی خود جلب میکند نیایش کننده با دیدی وسیعتر اجتماع را مورد مطالعه قرار میدهد و تمام مفسدتها و تبهکاری‌ها و رذالتها و بردگی‌ها را می‌نگردد و آهی عمیق از عمق جان می‌کشد، که‌ای آفریدگار، تو جهان را عبث و بیهوده نیافریدی، که انسان انسانیت خود را کنار بگذارد و بسان درنده خطرناکی شکم‌دیگری را بدرد، و نیافریدی که این اشرف آفریده‌هایت، به دلیل جنایاتی که مرتکب می‌شود، رذلت‌ترین موجودات گردد، و نیافریدی تا مظلوم را بکشد و از ظلم حمایت کند، عدالت را نابود کرده، ستمگری را رواج دهد، و بالاخره نیافریدی تا حق و فضیلت و شخصیت و دانش را پایمال کرده و از رذلیت و خیانت و جهالت حمایت کند. هرگز چنین هدفی نداشتی که در فلسفه آفرینش، منظورت دریافت کمال و رسیدن به اوج عزت و رهایی از چنگال عبودیت‌ها و برقراری عدالت و سیطره حق و غلبه آن بر باطل و عبور از خارستانها و سنگلاخهای هوا و هوس و گذر از کویر سوزان تمایلات حیوانی و رساندن روح به بارگاه ربوبی بود.

مسلمان واقعی در حال انتظار به سر می‌برد و در زمان انتظارش، سرودی را می‌خواند که محرک اوست و برنامه زندگی اش را در غیاب مصلح جهان در هر جمعه که رستاخیز اسلام است، با دقت می‌نگردد تا در ایام هفته به کار اندازد.

در انتظار مهدی بودند

عقیده به وجود مهدی طوری در مردم رسوخ و نفوذ نموده بود که از همان صدر اسلام در انتظار ظهورش روز شماری می نمودند. پیروزی و تأسیس دولت حق را برایش حتمی می دانستند این انتظار در ایام هرج و مرج و بحران های موخش و حوادث ناگوار تاریخ، شدت میساخت و در هر آنی در انتظار تحقق مصداقش بودند و بسا اوقات افرادی را اشتباهاً مصداق واقعی می پنداشتند.

غیبت صغری و کبری

امام دوازدهم دو مرتبه از دیده مردم مخفی شد. مرتبه اول از سال تولدش ۲۵۵ یا ۲۵۶ از سال وفات پدرش ۲۶۰ شروع شد و تا سال ۳۲۹ امتداد یافت. در طول این مدت گرچه از نظر عامه مردم غائب بود لیکن ارتباطات کاملاً منقطع نبود بلکه نواب خدمتش رسید و احتیاجات مردم را مرتفع می نمودند.

غائب بودن در این ۷۴ یا ۶۹ سال را غیبت صغری گویند و غیبت دوم از سال ۳۲۹ که سال انقراض نیابت نواب بود، شروع شد و تا زمان ظهور امتداد دارد. این را غیبت کبری می گویند. در غیبت صغری بعضی از فریبکاران از جهل مردم سوء استفاده نموده و با ادعای نیابت و با بیت امام غائب، مردم عوام و ساده لوح را فریب دادند. و بدین وسیله برای خود موقعیت و مقامی را کسب کردند و اموال مردم را به جیب زدند.

نتیجه گیری

از مباحث کلی می توان چنین نتیجه گرفت که یکی دیگر از بایسته های «مهدویت»، بیان حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی و ظهور منجی بشریت و مصلح کل است. این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان بدست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد و به وسیله «عدالت، رفاه، علم، بهداشت آسایش، قسط و داد، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی را در پهنه گسترده زمین ارزانی خواهد بخشید. در این نوشتار قصد به تصویر کشیدن آن جامعه جهانی موعود» را نداریم، بلکه تنها با استناد به روایات درصدد اثبات این مدعا هستیم که «حکومت مهدی (عج) به یقین جهانی خواهد بود و تمام ساز و کارهای اداره حکومت جهانی در آن وجود دارد. این بشارتی است که می تواند باعث تسکین خاطر بشر و زنده شدن امید به آینده پر افتخار شود. چالشها، ستیزه جویی ها و کاستی های موجود در دنیا و نیازها و احتیاجات فروان بشر، روز به روز بر ابطال نظریات و فرضیات «جهانی شدن» به شکل کنونی و سایر نظریات و اندیشه های دنیوی گرایانه سیاست صّحه می گذارد. قیام و ظهور امام زمان (عج) باید در عصر و دوران باشد که امکان عملی شدن یک حکومت فراگیر جهانی فراهم و یا حداقل زمینه های آن - از لحاظ ارتباطات، اطلاعات، اقتصاد جهانی، فرهنگ و ... گسترش یافته بوجود آمده باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیم علیرضا مهدویت در اسلام و دین زرشت. ناشر: انتشارات باز چاپ و صحافی: خجر اسلام نوبت چاپ اول ۱۳۸۱
- ۲- امینی ابراهیم. دادگستر جهان. ناشر: انتشارات شفق چاپ قدس
- ۳- خلجی محمد تقی. تشیع و انتظار. چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ زیتون پائیز ۱۳۸۱ نوبت اول نشر پیام مهدی
- ۴- علی اکبر. نگرشی بر اخبار و علائم ظهور حضرت مهدی (عج) ناشر: انتشارات دارالنور نوبت چاپ بهار ۱۳۸۱ چاپ: شریعت
- ۵- صحافی جعفر. پیشوایی از نظر اسلام مصحح شقفی - ناشر: دارالکتاب اسلامیه.
- ۶- پورسید آقائی. مسعود. چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد
- ۷- کورانی. علی. مترجم عباس. جلالی ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی چاپ و صحافی: چاپخانه سپهر

انتظار

عصمت سوارپور

مقدمه

یا مهدی!

در پس این قرن‌ها چشم به در دوخته شده است و منتظر آمدنت هستم هر صبح جمعه سراغت را از باد صبا می‌گیرم، نشانی از کو آشنای تو می‌پرسم، اما باد صبا چون همیشه پاسخی ندارد. آه که غروب جمعه چه دلگیر است چشم‌های ابدی منتظران هوای باریدن دارد. هفته‌ای دیگر نیز بی‌گل روی مولا سپری شد چه سخت است و طاقت فرساست.

هر شب منتظرت هستم تا اگر شبی گذرت به کوچه دل ما افتاد و از روی کرم گوشه چشمی به کوچه تاریک دل ما کردی و آن را از نور خود منور ساختی، در خواب غفلت فرو نرفته باشم. شب‌ها که به این امید روز می‌کنم و روزها را به این امید به شب که تو بیائی. بیائی و دل‌های زخم‌خورده‌مان را مرهم گذاری. دیگر روزهای هفته برایم معنا ندارد. تنها به جمعه می‌اندیشم. ای کاش هر روز جمعه بود و جمعه‌ای نزدیک در موعود، جمعه‌ای پر از عطر اقاقی‌ها، جمعه‌ای به عطر خوش محمدی (ص)، جمعه‌ای سرخ و حسین (ع) جمعه‌ای سفید به پاکی دل منتظران عاشق، جمعه‌ای سبز به سبزی «جمعه حضور»

فلسفه و مفهوم انتظار

مفهوم مثبت و اسلامی انتظار این است که انسان هر لحظه چشم به راه فرا رسیدن آن آرمان بزرگ الهی و آن روز موعود باشد. روزی که بشریت در نهایت عمل و برابری، به رهبری و فرمانروائی حضرت مهدی (عج) زندگی خواهند کرد. انتظار است که بار مسئولیت را بر دوش همهٔ باورداران به این ادیان به ویژه مسلمین سنگین می‌سازد. چرا که باید در پیراستن نفس خویش، و بالابردن میزان پاکی و فزونی خویش بکوشند تا خویشتن و دیگر انسانهای جامعهٔ خویش آماده سازند تا موجبات برپایی ظهور در آن روز پرشکوه فراهم گردد.^۱

«انتظار» یا «آینده‌نگری» به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. فی‌المثل بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراغ فرزند ناراحت‌اند و برای وضع بهتری می‌کوشند. بنابراین مسئله انتظار، حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است. عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بوده است و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه‌دار حلول کند. سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خوسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل‌گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر.

انتظار یعنی آماده باش کامل

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است؟
چگونگی «انتظار» همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم.

انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر

انتظار بازگشت یک دوست عزیز

انتظار فرا رسیدن فصل چیدن میوه از درخت و درو کردن محصول. هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است در یکی بارخانه را آماده کرده و وسایل پذیرایی فراهم ساخت. در دیگری ابزار لازم و داس و کمباین و ... و در دیگری کتاب و دفتر و قلم و لباس مدرسه و مانند آن.^۱ سخن از آینده جهان بشریت، چه نتیجه‌ای برای امروز ما می‌تواند داشته باشد؟ آینده بالاخره خواهد آمد، خوب باشد یا بد، آنها که تا آن روز زنده‌اند از مواهبش برخوردار می‌شوند، و آنها که نیستند خدا رحمتشان کند! به هر حال این مسئله فعلاً «نسیه» است و اثر مثبت سازنده‌ای در زندگی امروز ما ندارد! ولی این سخن را کسانی می‌گویند که همیشه با دید سطحی حوادث را می‌نگرند. و تصور می‌کنند امروز از دیروز و فردا جداست و جهان را مرکب از واحدهای پراکنده و از هم گسسته می‌پندارد. ولی نمی‌توان انکار کرد که عده‌ای کوتاه‌فکر از مسئله انتظار سوءاستفاده کرده به عنوان اینکه ما منتظر چنین ظهوری هستیم تمام مسئولیت‌ها را از دوش خود برداشته و به جای همه آنها مسئله انتظار ... آن هم محدود به زبان - گذارده‌اند.^۲

چشم‌انتظاری لحظه به لحظه

بعضی از احادیثی که تکالیف زمان غیبت را بیان می‌کند دلالت بر لزوم وجوب انتظار سریع و فوری و چشم‌به‌راه بودن ظهور در هر زمان دارد.

حدیثی که امام مهدی علیه‌السلام در نامه خویش برای شیخ مفید فرستادند: فرموده‌اند: فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا و یتحب ما یدینه من کراهتنا و سخطنا، فان امرنا بفته فجاه.

پس هر یک از شما باید بدانچه به وسیله‌اش به دوستی ما نزدیک می‌گردد، عمل کند، و از آنچه او را به خشم و ناراحتی‌ها نزدیک نماید، باید دوری کند. زیرا فرج‌ها آنی و ناگهانی پدیدار می‌شود، امام صادق (ع) در تشریح دین حق فرمودند: الورع و العفه و الصلاح ... (الی قومه) و انتظار الفرج بالصبر؛ خویش‌تنداری و پاکی و درستکاری ... (تا آنکه فرمودند) و انتظار فرج همراه با صبر و شکیبایی.

قال رسول الله (ص) سکوا الله فضله، فان الله یحب ان یسال و افضل العباد و انتظار الفرج. رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندان پاکش باد - فرمود: از فضل - بی‌کران - خردمندی درخواست نمائید. همانا خداوند درخواست کنندگان را دوست می‌دارد. برترین پرستش چشم‌انتظاری گشایش و فرج است. از دو جهت ثابت می‌کنیم که این احادیث به موضوع مهدویت اختصاص دارد.

جهت نخست: با استفاده از احادیثی که صراحت بر انتظار ظهور مهدی علیه‌السلام دارد چنین برداشت می‌شود که احادیث بدون صراحت نیز رساننده انتظار حضرتش می‌باشد و هیچگونه منافاتی با نظرگاه‌های شیطان در اصل مهدویت ندارد، زیرا، انتظار فرج و گشایشی از برترین پرستشها به شمار می‌آیند خواه حضرت مهدی علیه‌السلام موجود و غائب باشند و خواه به وجود نیامده باشند.

۱. شیخ محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر، انتشارات شهید، چاپ پیام؛ واحد کتاب بنیاد بعثت، ص ۱۰۷

۲. آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی، نشر مدرسه علی بن ابی طالب چاپ هشتم ص ۱۰۱

جهت دوم: آنگاه که انتظار فرج تا این اندازه مهم بود و در میان ائمه علیه‌السلام کوشش خاص برایش مبذول گردید نباید ساده اش انگاشت چرا که، فرموده‌اند: از دوست داشتنی‌ترین کردارها نزد پروردگار است و با برترین پرستش است و یا پایه‌ای از پایه‌های دین است این انتظار نباید نسبت به این شکل معین یا گرفتاری شخصی تفسیر شود زیرا بالاترین خواستنی که در لابلای گرفتاری‌ها، از یک مسلمان انتظار می‌رود. شکیبایی داشتن، و زبان به شکوه از پروردگار جهانیان نگشودن است و نیز انتظار زدوده شدن مشکلات و گرفتاری‌های مخفی چیزی نیست که سبب برتری بیشتری برای انسان باشد.

انتظار بزرگ چشم به راه روزی است که خداوند بدان وعده داده آن انتظاری است که برای همگان درک مسئولیت و پیروزی در آزمایش الهی را به ارمغان می‌آورد.

اینجاست که به روشنی در می‌یابیم: چرا این انتظار پایه‌ای از پایه‌های دین است زیرا دخالت مهمی در هدف اصلی آفرینش (آرمانی که قافله انبیاء، شهداء و صالحین در آن شریکند) دارد. پس این احادیث نیز معنایی جز مشارکت در این فرجام نیکو ندارد.^۱

انتظار ابعاد مکتب

در این انتظار عظیم و شکوهمند، ابعاد استوار مکتب نیز حضور دارد. هم ابعاد عقیدتی و هم ابعاد عملی.

۱- بعد توحید

یکی از ابعاد مهم انتظار که پیوسته باید مورد توجه باشد، بعد توحیدی آن است. انتظار در ماهیت خود، انتظار منتظر را متوجه مبدأ عالم و خدای جهان و سرچشمه همه هست‌ها و هستی‌ها می‌کند. منتظران چشم به راه مهدی هستند. مهدی کیست؟ بنده خدا و خلیفه خدا. ولی خدا در زمین که باید قدرت خداوند است، و مشغول عبادت خدا، و گرداندن اوضاع جهان است، و روزی خدا برای استقرار بخشیدن به دین خدا، و نجات جامعه بشری، ظاهر خواهد شد، و این بعد توحیدی انتظار، و توجه به خدا و طلب فرج از درگاه خدا، از مهم‌ترین اصول این اعتقاد و باور است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: افضل اعمال امتی. انتظار الفرج من الله عزوجل^۲: بهترین اعمال امت من. انتظار رسیدن به فرج است از نزد خدای عزیز جلیل.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: افضل عباده المومن انتظار الفرج الله
بهترین عبادت مؤمن، چشم به راه فرج خدائی داشتن است.

۲- بعد نبوت

بعد دیگر انتظار، توجه به پیامبران، مکتب پیامبران، و تجدید عهد با آنان است و همچنین توجه به مقام هدایت پیامبر اکرم (ص) هرکس دوست دارد آدم و شیث و نوح، ابراهیم و موسی و عیسی و داوود و سلیمان و یوسف (ع) و ... و محمد (ص) را ببیند می‌تواند آنان را در «مهدی» ببیند. مهدی، از اهل بیت پیامبر است او دوازدهمین وصی و جانشین پیامبر است. چون ظاهر گردد، پرچم پیامبر را درست می‌گردد، و به سنت پیامبر عمل می‌کند نخستین اصحاب او ۳۱۳ تن خواهند بود، به شمار اصحاب پیامبر در جنگ بدر پیامبر اکرم از آمدن او خبر داد. و درباره او سخن بسیار گفته است. چون او آشکار گردد. دین جدش پیامبر را رواج دهد و حاکم سازد. و امام

۱. سید محمد صدر، کتاب رسالت اسلامی در عصر غیبت، انتشارات بدر، بهار ۱۳۶۰ ص ۱۹

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، انتشارات مکتب اسلامی ج ۵۳ / ۱۲۸

جعفر صادق(ع) می‌فرماید: هر کس از شما در حال انتظار ظهور حاکمیت دین خدا درگذرد، مانند کسی است که در خدمت قائم باشد، و در خیمه او ... نه بلکه مانند کسی است که در رکاب قائم بجنگد، نه به خدا سوگند، بلکه مانند کسی است که در رکاب پیامبر (ص) شهید شده باشد.

این تعالیم همه، توجه دادن به اصل مهم نبوت است، و یاد آن و تأکید بر آن.

۳- بعد امامت

این بعد در انتظار به خوبی روشن است. مهدی، وصی صدیقین، و خاتم ائمه طاهرین است. مهدی، مظهر قائم جاری امامت است و قطب نمای حرکت در اقیانوس بزرگ هستی و مشعل حیات و تکلیف. در احادیث نیز تأکید بسیار شده است بر شناخت امام و خط امامت، در دوران غیبت امام صادق(ع) می‌فرماید: امام خود را بشناس! اگر امام را شناختی، چه ظهور، زودتر اتفاق بیفتد یا دیرتر، به تو زبانی نمی‌رساند.

۲- بعد عدل

انتظار مهدی، انتظار ظهور عدل است، عدل جهانی، عدل آفاقی و انفسی، مهدی مظهر اسماء الهی است از جمله این در اسم مبارک: (یا عدل یا کلیم) اوست که جهان آکنده از بیداد را آکنده از داد می‌سازد، و عدل خدایی را در همه جا و همه سوی سرایت می‌دهد. انتظار، یعنی چشم به راه امامی داشتن که چون بیاید جهان را از عدل و داد مملو سازد، از آن پس که از ظلم و جور مملو شده باشد.

۳- بعد معاد

معاد بازگشت انسان، به نزد خدا و ورود به جهان پایدار، و شروع زندگی اصلی است. مرگ دروازه این راه است. به هر حال، در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم «معاد» و بازگشت مسئولانه به نزد خداوند همواره حضور دارد این حضور در سه جهت نمودار است.

جهت اول: این که مهدی (ع) به هنگام ظهور، ستمگران و کیفر می‌دهد و ظالمان را به سزای اعمالشان می‌رساند و مؤمنان را عزیز می‌دارد و رحمت الهی را به سزاواران می‌چشاند. و این خود نمونه‌ای است از چگونگی معاد و رستاخیز.

جهت دوم: اینکه به هنگام ظهور مهدی، گروهی از پاکان و پلیدان به جهان باز می‌گرداند، و به تعبیر قرآن کریم: «از هر امتی، دسته‌ای را باز می‌گردانیم» - و یوم نحشر من کل امه فوجاً^۱؛ و این خود قیامت صغرای است، و نشانه‌ای است بر قیامت کبری.

جهت سوم: اینکه ظهور مهدی (ع) از «احشرا ماساعه» است، یعنی، علائم قیامت. یکی از علائم و نشانه‌های حتمی قیامت می‌آید، و تا او نیاید و حکومت عدل را در جهان بر پا ندارد، عمر جهان به سر

نمی‌رسد بدینسان می‌نگریم که مسئله انتظار موعود، روابطی بسیار عمیق به اصل اعتقادی معاد دارد و بدینسان می‌نگریم که «انتظار» شاخص منور ابعاد عقاید حقه است.^۱

انتظار، بسیج عمومی

آینده از آن هیچ کس نیست، که «آینده از آن خداست». آنچه از ما ساخته است، این است که برای آینده آماده شویم. و خود را برای اجرای آنچه از ما چشم دارد. مهیا سازیم. «ویکتور هوگو»
انتظار، یک بسیج عمومی است. این آمادگی عمومی و همیشگی، جوهر اصلی انتظار است؛ این است که باید ماهیت انتظار شناخته شود، تا انتظار، انتظاری اسلامی باشد و شیعی و سازنده، نه یک تنبلی و تکلیف‌رهایی و «وادادگی». انتظار پدیده‌ای عظیم و جریانی مهم است. همه می‌دانیم که ظهور مهدی موعود، و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و بسیار مهم است. نشر عدالت در همه آفاق، و نشر حق در همه نفوس، شیعه منتظر این امر بزرگ است، شیعه خود را برای چنین هدف عظیم آماده می‌دارد.^۲

داوریهای حساب نشده

جمعی از خاورشناسان اصرار دارند ایمان به وجود یک مصلح بزرگ جهانی را واکنشی از وضع نابسامان مسلمانان در دوران‌های تاریک تاریخ بدانند. جمعی از پژوهشگران شرقی و اسلامی که تحت تأثیر افکار غربی‌ها قرار دارند. به این طرز تفکر دامن می‌زنند و حتی اصرار دارند که ایمان به وجود مهدی و مصلح جهانی را یک فکر وارداتی تلقی کنند که از عقاید یهود و مسیحیان گرفته شده جمعی از جامعه‌شناسان ماتریالیست می‌کوشند و از مسئله انتظار ظهور مهدی، دلیل بر عقیده خود ترتیب دهند که این عقیده یک ریشه اقتصادی دارند و برای تحذیر افکار توده‌های به زنجیر استعمار کشیده ساخته و پرداخته شده است. با تمام این گفت‌وگوها، باید توجه داشت که اعتقاد به چنین ظهوری یک ریشه فطری در همه نهادها دارد که در اعماق عواطف انسان نفوذ کرده است. و یک ریشه اصیل اسلامی که در منابع مهم اسلامی دیده می‌شود. ولی شاید مطالعات محدود این پژوهشگران از یک سو، علاقه به توجیه هادی برای هرگونه فکر و عقیده مذهب، از سوی دیگر، این گونه افکار را به وجود آورده است. جالب اینکه جستجوگرانی از غرب، همچون (مارگل پوت) به انکار احادیث اسلامی پیرامون مهدی (عج) برخاسته می‌گویند: این احادیث را هرگونه تفسیر کنند. دلیل قانع‌کننده‌ای درست نیست که تصور کنیم پیغمبر اسلام (ص) ظهور یک مهدی را برای احیاء تحقق اکمال و تقویت اسلام لازم و حتمی شمرده باشد. لیکن درگیری آتش جنگ‌های داخلی در میان یک نسل واحد، پس از وفات پیغمبر (ص) و درهمی و آشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلاف آنان، با یکدیگر روی داد. موجب اقتباس فکر و ظهور (منجی) از یهود یا مسیحیان گردید، که به ترتیب در انتظار ظهور و بازگشت (مسیح) به سر می‌برند، نمی‌دانم (مارگلی پوت) چه کتابهایی از منابع اسلامی را در این زمینه دیده و چگونه در تفسیر آنها چیزی که او را قانع کند نیافته است، در حالی که در مهمترین منابع شیعه و اهل تسنن درباره این ظهور احادیث صریحی وجود دارد، و این احادیث در سر حد تواتر است. چگونگی همه دانشمندان - محققان اسلامی تقریباً بدون استثناء و جز افراد بسیار نادری همچون ابن‌خلدون که در مقدمه تاریخ خود را احادیث مهدی تردید کرده، گفت و گویی در صدور این احادیث از پیامبر (ص) ندارد و تنها گفت و گوها پیرامون شاخ و برگ‌ها و مسائل فرعی آن است، ولی تنها مارگلی نتوانسته

۱. محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، چاپ سپهر، تهران، زمستان ۱۳۶۰ ص ۳۸۸

۲. محمدرضا حکیمی؛ خورشید مغرب، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، چاپخانه سپهر، تهران ۱۳۶۰ ص ۳۶۵

قانع شود؟ این سؤالی است که خود آن باید پاسخ آن را بدهد، ما به این می‌نگریم که این انتظار توده‌های زنجیر را در یک عالم رؤیایی فرو می‌برد و از آنچه در اطراف آنها می‌گذرد غافل می‌سازند. و آن‌ها را به تنبلی و فرار از تعهدهای اجتماعی تشویق می‌کند. به عبارت دیگر از نظر فردی عاملی است باری رکود و توقف و از نظر اجتماعی وسیله‌ای برای خاموش ساختن جنبش‌های ضد استعماری و به هر صورت اثر منفی آن آشکار است.^۱

منتظران در فساد محیط حل نمی‌شوند.

توضیح اینکه هنگامیکه فساد فراگیر می‌شود، و اکثریت و یا جمع کثیری به آلودگی می‌کشاند گاهی افراد پاک در یک بن‌بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن‌بستی که از یأس از اصلاحات سرچشمه می‌گیرد. گاهی آنها فکر می‌کنند. کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست، این نومییدی و یأس ممکن است آن‌ها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند، و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند، تنها چیزی که می‌تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن‌داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ به همین دلیل امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت؛ همچنین افراد صالحی که در محیط‌های فاسد گرفتارند بدون امید نمی‌توانند خویشتن را حفظ کنند نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شد امید ظهورش بیشتر می‌گردد. اثر فزاینده روانی در معتقدان، و آن‌ها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کنند آنها نه تنها با گسترش دامنه فساد محیط مایوس‌تر نمی‌شوند بلکه به مقتضای:

وعده وصل چون شود نزدیک

آتش عشق تیزتر گردد

وصول به هدف را در برابر خویش می‌بیند و کوشش‌هایی برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیادتری تعقیب می‌گردد.

چنین می‌توان نتیجه گرفت که اثر تخدیری انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود. همانگونه که جمعی از مخالفان تحریفش کرده‌اند و جمعی از توافقان مسخش. اما اگر به مفهوم آن به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود. یک عامل مهم تربیت و خودسازی و امید خواهد بود.^۲

حضور ایرانیان در صحنه

در برخی از احادیث اشاره شده است به حضور فعال «عجم» جامعه مهدی. البته مقصود از عجم ملت‌های غیر عرب است، ولیکن به احتمال قوی بیشترین مصداق آن، در هنگام ظهور، ایرانیان خواهند بود، به ویژه که مرکز ثقل تشیع نیز در ایران است، این سرزمین مقدس، به هر حال، شرق (شرق کشورهای اسلامی) و خراسان (سرزمین خورشید طالع) و طالقان و ایران و مکه مکرمه و مدینه منوره و نجف اشرف و کوفه در جریان ظهور حق مطلق، نقش‌هایی عهده دارند، چنانکه قسطنطنیه (استانبول فعلی) نیز، یکی از مراکز مهم فتح‌های ادلیه مهدی و یاران اوست! از شهرها و سرزمین‌های دیگری نیز، در مبارزات و فتوحات ادلیه سپاهیان مهدی آل محمد (ص) نام برده شده است.

۱. آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی، نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ ص ۹۱

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، انتشارات مکتب الاسلامیه، بحارالانوار ج ۳۶۴/۵۲

شهرها و سرزمینهایی که حمل درگیریهای بزرگ و حوادث گران است از جمله انطاکیه، دمشق، فلسطین، اردن، حلب، و سپس که در این مراکز، و پاره‌ای جاهای دیگر. از جمله سرزمین چین. مبارزات و درگیریهای اتفاق افتاد و پیروزیهایی بزرگ، نصیب مهدی و یاران و سه آثار نصر غلبه این قیام معلوم می‌شود و اندک اندک، سراسر جهان، از وقوع حادثه کبری و قیامت صغری، آگاه می‌گردند؛ آنگاه مقدمات فتح همه جهان فراهم می‌گردد، و انقلاب به همه جا راه می‌گشاید، و در مدتی کوتاه از جایی که خورشید طلوع می‌کند تا آنجا که غروب می‌کند همه جا را فرا می‌گیرد.^۱

پرچم‌های سیاه خراسان

از روزگاران قدیم، که از «مهدی موعود» گفتگو شده است. سخن از «رایات سود خراسان» رفته است، یعنی: پرچم‌های سیاه که از سوی خراسان می‌آید و مردمی که با آن پرچمها حرکت می‌کنند، گفتگو شده است که آنان در شمار یاران مهدی در می‌آیند، و او را یاری می‌کنند، تا حکومت جهانی عدل و داد را پی ریزد و بر سر کار آورد. محدث سنی معروف، علاءالدین متقی هندی (در گذشته ۹۷۵)، در کتاب خود درباره حضرت ولی عصر (ع) یعنی: کتاب «البرهان، فی علامات مهدی آخرالزمان»

یک باب را ویژه همین موضوع قرار داده است و در آن باب (باب ششم) ۲۶۰ حدیث از طریق ابوداؤد. ابن ماجه، احمد حنبل، هبرانی. حاکم نیشابوری، نعیم بن حماد، سعیدبن مسیب و ... آورده است. در این احادیث از قول پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنان چنین رسیده است: هرگاه دیدید که رایات سود (پرچم‌های سیاه) از سوی خراسان آمدند، خود را به آن پرچمها برسانید اگر چه خویشتن به روی برف بکشد، زیرا که مهدی خلیفه الله در میان آنان است.

پرچم‌های سیاه از سوی خراسان می‌آیند. مردمی که با آن پرچمها حرکت می‌کنند دل‌هایی دارند چنان پاره‌ای پولاد ... آنان راهبان شبند و شیران روز ...!^۲

مقام منتظر

هیچ فردی در مقام منتظر نخواهد بود. مگر اینکه سه ویژگی بهم پیوسته را در خود فراهم سازد اعتقادات و باورداشته‌ها، ویژگیهای درونی، رفتارهای فردی و جمعی.

اگر این سه پایگاه نباشند انتظار مفهومی نخواهد یافت. انتظار نه چنین است که گرفتاران و دربند ماندگان نفس خویش پنداشته‌اند. بدانسان که قرآن از سوی آنان می‌گوید: اذهب انت و ربک فقاتلا. انا ههنا قاعدون.

- ای موسی! تو و پروردگارت به جنگ با دشمنان برخیزید - ما در اینجا نشستگانیم.

فراز اول: اعتقادات و باورداشته‌ها

این بحث از سه جهت شکل می‌پذیرد.

۱. باید معتقد باشیم که خواست الهی بر اجرای عدل مطلق و اصلاح بشریت مبتنی است و هدف خدائی و وعده الهی در قرآن هیچ‌گاه تخلف‌پذیر نخواهد بود.

۲. ایمان بدین مسئله که رهبر پیروزمند و سرافراز در آن راز بزرگ حضرت مهدی (عج) خواهند بود. آنچه‌آنکه درستی این باور میان شیعیان و سنی‌ها به حد تواتر رسیده است و حتی از آن نیز فراتر رفته است.

۱. محمدرضا، خورشید مغرب، ص ۴۱۲

۲. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۴۱۲

۳. باید پذیرفت که مهدی که رهبری خواهد کرد همان - محمد بن الحسن العسگری علیه السلام می باشد. و این موضوع از ضروریات شیعه است چرا که احادیث فراوانی در این مورد از معصومین علیهم السلام رسیده است حتی جمعی از متفکرین علمای سنی این قول شیعه را پذیرفته اند.

فراز دوم: ویژگی های درونی

این فراز از دو امر مهم و اساسی تشکیل شده است:

۱. اگر فرد، از فداکاران و از جان گذشتگان راستین انتظار نبود، لاقلاً باید بسان فردی از افراد معمولی نهایت کوشش خویش را مبذول دارد تا بتواند آمادگی کامل برای پذیرفتن این عدالت همگانی را در خویش فراهم سازد.
۲. باید هر لحظه انتظار پیاده شدن نظام الهی را داشته باشد که بر پادارنده کمال عدالت و طلوع بخش صبح قیام حضرت مهدی علیه السلام است. چرا که ظهور حضرتش تنها وابسته به اراده خدای بزرگ می باشد و جز او دیگر تعیین کننده ای وجود ندارد. از این رو احتمال برپایی ظهور حضرتش هر لحظه وجود دارد. برای هر مؤمنی باورمند به روز ظهور، امکان ایجاد آگاهی در سه جهت آثار اعتقادی انتظار دارد این آگاهی از جنبه روحی آرام بخش و آسایش تر است چرا که خود موجب بالارفتن درجه پاکی و میزان فداکاری انسان مؤمن نسبت به خود و جامعه اش می گردد. در روز ظهور نیز با ایجاد چنین آمادگیهای ظلمها و سختیها برداشته می شود. اگر در انسانی، از دیدگاه عقیدتی این یافت درونی ایجاد شد او آمادگی پذیرش حالت همیشه منتظر را خواهد داشت.

فراز سوم: رفتارهای فردی و جمعی

رفتارهای فرد بر اساس تطبیق یافتن بر فرامین الهی در هر زمان و برتری دادن آن برخواستهای فردی در کردارها و گفتارها شکل گیرد. تاحدی که او، گامزن در مسیر حق و وره رو است گشته دارای اراده ای پولادین در آمیختگی با پاکی و خلوص واقعی گردد. تا آمادگی بر دوش کشیدن مشکلات و عهده داری مسئولیت های آن روز موعود را بیابد.

این رفتار بر همگان بخصوص مسلمین که در انتظار آن روز موعود نشسته اند لازم و ضروری است زیرا آنان می دانستند که حضرت مهدی علیه السلام اجراء کننده عدل کامل. جهان را بر اساس دین پاک اسلام - دوباره - پی ریزی خواهد کرد. اما شیعه که می داند رهبرش با او معاصر است، بر کردارهای او نظاره می کند، بر گفتارهایش آگاه است، و از کنشهای نادرست او اندوهگین می شود. بر اوست هر لحظه، خویش را برای آن روز موعود مهیا ساخته، آمادگیهای لازم را کسب کند و هیچگاه نافرمانی تعالیم رهبرش - حضرت مهدی علیه السلام - را ننماید.^۱

آثار سازنده انتظار:

اکنون به سراغ پی آمدهای این انتظار در وضع کنونی جوامع اسلامی برویم و بینیم آیا ایمان به چنین ظهوری آن سان در افکار رویایی فرو می برد که از وضع موجود خود غافل می گردد، و تسلیم هرگونه شرایطی می کند؟

آیا ایجاد تحرک می‌کند یا رکود؟ آیا مخدر است یا بیدار کننده؟ به هر حال برای رهایی از هرگونه اشتباه در محاسبه در این گونه مباحث، باید به اصطلاح آب را در مسیر سرچشمه گرفت تا آلودگی‌های احتمالی نهرها و کانالهای میان راه در آن اثر نگذارد. به همین دلیل رویایی را که روی مسأله انتظار تأکید می‌کند مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم: ۱. کسی از امام صادق (ع) پرسیده: چه می‌گویی درباره کسی که دارای ولایت امامان است، و از انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟ در پاسخ فرموده: هو به منزله من کان مع القائم فی فسطاطه - ثم سکت هیئه - ثم قال هو کم کان مع رسول الله صلی الله : او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او بوده باشد. سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام در مبارزاتش همراه بوده است این مضمون در روایات زیادی تعبیرات مختلفی نقل شده است.

۲. در بعضی (به منزله الضارب بسیفه فی سبیل الله) و همانند شمشیرزنی در راه خدا

۳. در بعضی دیگر (کمن قارع مع رسول الله به سیفه) مانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد.

۴. در بعضی دیگر (بمنزله کان قاعداً تحت لواء القائم) « همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد»

۵. در بعضی دیگر « بمنزله المجاهدین یدی رسول الله » (همانند کسی است که با پیامبر شهید شود)

این تشبیهات هفت‌گانه که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) در این ۶ روایت وارد شده بسیار پر معنی و روشن‌گر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه در میان مسأله انتظار و جهاد و مبارزه با دشمن، در آخرین شکل خود، وجود دارد:

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی همیشه توأم با یک جهاد وسیع دامنه دارد است در حدیث دیگری از پیامبر می‌خوانیم: افضل العباده انتظار الفرج.

این حدیث اعم از اینکه انتظار فرج را به معنی وسیع کلمه بدانیم، و یا به مفهوم خاص یعنی انتظار ظهور مصلح جهانی باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می‌سازد.^۱

ثواب و فضیلت منتظر فرج شدن

حضرت رضا (ع) از پدرانیش روایت نموده که رسول خدا فرموده که افضل علمهای امت من منتظر بودن است به رسیدن فرج از جانب خدای تعالی در کتاب امالی از ابن حمویه او از محمد بن محمد بن بکیر او از ابن مقبل او از عبدالله بن شیبب او از الحق بن محمد قروی او از سعید بن مسلم او از علی بن الحسن او از پدرش او از علی (ع) روایت نموده که رسول خدا (ص) فرموده: هر که از خدای تعالی به دادن قدر قلبی از روزی خشنود و راضی شود هر آینه خدا به عمل او راضی می‌شود و منتظر فرج بودن عبادت است.

شیخ صدوق در کتاب خصال از اصول اربعمائه نقل نموده که امیرالمؤمنان علی (ع) فرموده: منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نومید نشوید زیرا که درست‌ترین علما نزد خدای تعالی انتظار فرج است. بعد از آن فرمود که کندن کوهها از بیخ آسان‌تر است از مدار او رفتار نمودن با پادشاهی که مدت سلطنتش طول یافته باشد. پس در این باب از خدا اعانت و یاری بطلبید و صبر کنید، زیرا زمین ملک خداست به آن وارث می‌گرداند از بندگان خود کسی را می‌خواهد و عاقبت امر برای متقیانست و به این امر پیش از رسیدن وقتش تعجیل می‌کند که باعث

۱. آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی، نشر مدرسه علی بن ابیطالب، چاپ ۱۳۷۶، ص ۹۹

پشیمانی می‌شود و این مدت را به طولانی نشمرید که موجب قساوت دل‌های شما گردد هر که به امر ما چنگ بزند هر آینه در جایگاه قدس با ما می‌باشد هر که منتظر امر ماست مانند کسی است که در لواء خدا به خون خود غلطیده است.^۱

انتظار عدالت

فوتوریسم

فوتوریسم یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور بسیجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است. فوتوریسم عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی به زور استریانیسم (مذهب زرتشت) و جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت: کاتولیک، پروتستان، ارتودکس، و به طور کلی در میان مدعیان نبوت! به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی بالاتفاق بشارت ظهور همچو مصلحی را داده‌اند. در این راستا دو مذهب عمده اسلام - تشیع و تسنن - هم در ظهور یک «مهدی» در دوران واپسین زمان اتفاق نظر دارند.^۲

نظر کلی و اجمالی به تاریخ فوتوریسم

فوتوریسم یکی از مسائلی است که در بحث‌های تئولوژیک تمام مذاهب آسمانی (رشته تئولوژی بیلیکال) درباره آن بحث و گفتگو شده است.

«دارمستتر» در طی کنفرانسهایی که به مناسبت ظهور «مهدی متمهدی» در سودان در فوریه سال ۱۸۸۵ میلادی (مطابق جمادی الاولی ۱۳۰۲ هجری) در حضور عده کثیری برگزار گردید و سپس گفتارهای او به شکل کتاب مستقل چاپ شد، می‌گوید: «می‌دانید که محمد (ص) چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟ وقتی که او ظهور کرد. در عربستان علاوه بر شرک ملی باستانی! سه دیانت بیگانه موجود بود: آئین یهود، دیانت عیسوی، کیش زردشت ... نکته مشترکی که در این سه دیانت و عدالت رفته را به جهان بازآورد و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد.

شما همگی در کتاب زندگی یسوع بخشی را که مربوط به این موضوع است خوانده‌اید: مطابقه تعالیم این سه دیانت پیش از ظهور منجی باید نیروی بد بر جهان حکمفرما شود. البته بشاراتی که در این باره کتب آسمانی مقدسه و مکتب مدعیان نبوت وارد شده بی‌شمار است که از مکتب غیر اسلامی: زبور، زند، حکمی، ضقینا، اشعیاء، شاکمونی (هند) انجیل متی، دیدوپاتکیل (هند)، جاماسب، انجیل یوحنا، دانیال، را به عنوان نمونه، می‌توان نام برد و ما در اینجا فقط چند آیه از آنها را برای نمونه نقل می‌کنیم:

در فرمور (۳۷) زبور داوود علیه‌السلام می‌گوید: (۹) شریران منقطع می‌شوند، اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد... (۱۱) متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد (۱۴) شریران شمشیر را کشیدند، تا آنکه مظلوم و مسکین را بیندازند، کمانهای ایشان شکسته خواهد شد. (۲۲) متبرکان خداوند وارث

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، / انتشارات جاویدان، مؤسس محمد حسن علامی، جلد سیزدهم. ص ۴۲۴

۲. سردبیر. دکتر محمد علی محمدی، ماهنامه نیکی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ایرانچاپ، تهران

زمین خواهند شد اما ملعونان وی منقطع خواهند شد (۳۸) عاصیان عاقبت مستأصل و عاقبت شریران منقطع خواهند شد (۱)

در کتاب زند کتاب مذهبی زردتشتیان در این باره آمده است: لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی بر اهریمنان باشد ... آنگاه فیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند ... و بعد از پیروزی ایزدان و بر انداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.

در کتاب جاماسب‌نامه شاگرد زردشت می‌گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و به دین جد خویش بود و زمین را پر داد کند»

در کتاب صفینای نبی، فصل ۳ در آیه ۶ و ۷ می‌گوید: «به منظور گردآوردن طوایف بشر بر یک دین حق، سلاطین دول مختلفه را نابود کنم. آن وقت برگردانیم به قومها لب پاکیزه برای خواندن همه به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش.»

«شاکمونی» پیغمبر هندوها در کتاب مذهبی خود می‌گوید: «پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان «کشن» بزرگوار تمام می‌شود و او کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و برابرها سوار شود و دین خدایک دین شود و دین خدا زنده گردد.»

در انجیل متی فصل ۲۵ آیه ۲۱ گوید: و چون فرزندانسان در جلال خود خواهد آمد با جمع ملائکه مقدس بر کرسی بزرگ قرار خواهند گرفت.

و باز در انجیل متی فصل ۲۴ آیه ۲۷ و ۳۰ آمده است: «... چون برق که از شرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر می‌گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود ... خواهند دید فرزند انسان را برابره‌های آسمان که می‌آید با قدرت جلال عظیم.»

در یکی از انجیل مورد قبول مسیحیان پروتستان ضمن وصایای مسیح (ع) به شمعون پطرس این طور می‌گوید: ای شمعون خدای به من فرموده: ترا وصیت می‌کنم به سید انبیاء که بزرگ فرزندان آدم و پیغمبر امی عربی است و بیاید ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پراکند. «بشارت فوق به ما نشان می‌دهد که در زمان رستاخیز جهانی پیشوای ما، هدف انبیاء یک مرتبه در سراسر روی زمین به مرحله اجرا در می‌آید و انقلاب روحانی به اندازه‌ای قوی و نیرومند می‌شود که جهان را «همانند سیل» پر می‌کند.

این بود اجماعی از شهادتات و بشارات انبیاء الهی یا مدعیان نبوت که برای نمونه نقل شده و البته همه ادیان، مصلح جهانی را به نام «مهدی» نامیده‌اند و هر مذهب و کیشی او را به نام مورد پذیرش همان کیش معرفی کرده است. ولی از قرائن و آیات قبلی و بعدی همان کتب، به خوبی می‌توان فهمید که مقصود همه آنها همان «مهدی» از دودمان رسالت اسلامی است.^۱

فوتوریسم از نظر اسلام

اسلام که آخرین و کامل‌ترین کیش آسمانی است، این موضوع را بیشتر و کاملتر تشریح کرده است، آیاتی که در قرآن شریف آمده و به این موضوع تعبیر شده است زیاد است و ما تنها به نقل بعضی از آنها اکتفا کرده و کیفیت دلالت آنها را به کتب تفاسیر حواله می‌دهیم:

۱. سردبیر دکتر محمد علی محمدی، ماهنامه نیکی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ایرانچاپ، تهران ۱۳۸۱

۱. «و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكران الارض يرثها عبادي الصالحون» «ما در کتاب زبور (داود) بعد از تورات (ذکر) نوشته‌ایم که وراثت و حکومت جهانی از آن بندگان برگزیده و صالح خواهد بود.»
۲. «هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لا كره المشركون» و اوست آن خدایی که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا سرانجام دین خود را بر هر دینی برتری دهد، و لو اینکه کفار کراهت داشته باشند.
۳. «يا ايها الذين امنوا من يرتد منكم فسوف يأتي الله به قوم يحبهم و يحبونه اذله على المومنين اعزه على الكافرين يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومه لائم ذالك فضل الله يوتيه من يشاء و الله واسع عليم.» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید کسی از شما از دینش بر می‌گردد (خدا از او بی‌نیاز است) و به زودی جمعیتی را روی کار می‌آورد که هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را، در مقابل مؤمنان خاضع و در برابر کافران سربلندند، در راه خدا مجاهده می‌کنند و از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی‌ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد. خدا واسع و داناست.»
۴. «وعد الله الذين و عملوا الصالحات ليستخلفهم في الرض كما استخلف الذين من قبلهم ليمكن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم امنا، يعبدونني و لا يشركون بي شيئاً.» «خداوند به آنهایی که از شما ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که به آنها خلافت روی زمین دهد همچنانکه که قبل از آنها بوده‌اند داده است و دین آنها را در زمین جایگزین می‌کند. همان دینی را برای آنها پسندیده و ترس آنها را به امنیت مبدل می‌سازد. آن روز مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نمی‌سازند.»^۱

فهرست منابع و مآخذ

۱. مجلسی، علامه، بحارالانوار، انتشارات جاویدان، جلد سیزدهم
۲. مکارم شیرازی، آیت الله، حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) نشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب، چاپ هشتم ۱۳۷۶.
۳. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، چاپخانه سپهر، تهران، زمستان ۱۳۶۰
۴. صدر، سید محمد، رسالت اسلامی در عصر غیبت، انتشارات بدر، بهار ۱۳۶۰
۵. محمدی، محمدعلی، ماهنامه نیکی، انتشارات وزارت و ارشاد اسلامی، چاپ ایرانچاپ، تهران ۱۳۸۱
۶. خراسانی، شیخ محمد جواد، مهدی منتظر، انتشارات شهید چاپ پیام، واحد کتاب بنیاد بعثت.

مهدویت در قرآن، احادیث و ادعیه

خدیجه صفاری مقدم

چکیده

از دیدگاه قرآن، فلسفه برانگیخته شدن انبیاء و فرستادگان الهی علاوه بر اقامه قسط و اجرای احکام و قوانین وحی در جامعه مطرح شدن سیره آنان به عنوان الگو برای مردم می باشد و به تبع آن سیره و زندگی ائمه اطهار علیه السلام، این مشعلداران راستین هدایت، به عنوان الگو فرا راه تمامی بشریت و بویژه دوستداران و پیروان آنان قرار دارد. چهره تابناک و معصوم هر یک از آنان همچون ستاره ای در آسمان پرشکوه اسلام می درخشد و مورد احترام و تکریم است و زندگی پرتحرک و سازنده آنان باید راهگشای افراد جامعه، بویژه جوانان باشد.^۱

موضوع مهدی و این که او در آخرالزمان ظهور می کند و عیسی پشت سر او نماز می گذارد و اسلام دیگر بار به دست توانای او حیاتی دوباره می یابد. یکی از مسائل مهم دین اسلام است. احادیث فراوانی که در این زمینه رسیده است. از حد تواتر می گذرد. روایان صحابی، تابعی، مکی، مدنی و ... آن را بازگو کرده اند در میان آنها چهره هایی همچون عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، عبدالله بن عباس، عایشه، ابوهریره، عبدالله بن مسعود و ابوسعید خدری دیده می شود. این احادیث در صحاح سته اهل سنت آمده است تنها در کتاب معروف کنز العمال، باب مهدی، سی حدیث درباره مهدی آمده است^۲ و در کتاب الحاوی، سیو طی بیش از ۱۸۰ حدیث در این باره نقل شده است.^۳

در این مجموعه آیاتی چند از قرآن کریم مربوط به قیام مهدی در آخر الزمان و حوادث آن دوران و نمونه هایی از احادیث نبوی در این زمینه و برخی از گفته ها و اظهارنظرهای دانشمندان بزرگ اهل سنت درباره مهدی موعود و شماری از تفاسیر عالمان اهل سنت که در آنها آیاتی چند به حضرت مهدی (ع) و حوادث ظهور تفسیر گشته و ذکر آن امام بزرگ در آنها آمده است و بیان ادعیه های مربوط به امام زمان عج الله تعالی شریف گردآوری شده است.

اشکار شد که موضوع « مهدی »، « انتظار »، « ظهور »، سراسر کتابها و مدارک مذاهب اسلامی را فرا گرفته است. پیامبر اکرم « ص »، خود آن را تعلیم داده است. علی بن ابیطالب « ع » و دیگر امامان، همواره، درباره آن سخن گفته اند، و درباره خصوصیات موعود و ظهور، و انتظار منتظران، دقایقی بسیار مطرح ساخته اند. علما و بزرگان فرق اسلام، در سرتاسر تاریخ اسلام، و در سرتاسر جهان اسلام، در این باره فصل ها نوشته اند و کتابها نگاشته اند.

با این حساب، آیا شدنی است که موضوعی اینچنین، در کتاب الهی ریشه هایی نداشته باشد؟! موضوعی به این مهمی، که خود پیامبر تعلیم داده، و آن همه درباره آن سخن گفته است، و سپس از علی و دیگر امامان، آن همه در آن باره بیانها و سخنها رسیده است، بیقین ریشه هایی قرآنی دارد و آیاتی چند مربوط به آن فرود آمده است

در قرآن کریم، درباره مسائل آینده دوران، و حوادث آخر الزمان، و استیلای خوبی و خوبان بر جهان، و حکومت یافتن صالحان - گاه باشاره، و گاه بتصریح - سخن گفته شده است. اینگونه آیات را مفسران اسلامی، طبق مدارکی حدیثی و تفسیری، مربوط به مهدی و ظهور آخر الزمان دانسته اند. آیات دیگری، در قرآن کریم

هست ، که به جنبه حضور ولایتی مهدی « ع » ، اشاره - بلکه در این باره صراحت - دارد. اینک ۱۳ آیه، از آیاتی که راجع به مهدی است ، و آخر الزمان ، و ظهور « طلعت رشیده » و « دولت کریمه »؛

آیه اول؛

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ، مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ.^۴

- مادر زبور داود، از پس ذکر (تورات) ، نوشته ایم که سرانجام ، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند.

امام محمد باقر « ع » فرموده:

این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند، اصحاب مهدی هستند، در آخرالزمان.

شیخ طبرسی، پس از نقل این حدیث، می گوید:

حدیثی که شیعه و سنی ، از پیامبر « ص » روایت کرده اند، بر گفته امام باقر دلالت دارد. حدیث این است: «اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند همان یک روز را آن قدر دراز کند ، تا مردی صالح ، از اهل بیت من ، برانگیزد، و او جهان را ، همانگونه که از جور و ستم لبریز شده باشد، از داد و دادگری لبریز سازد » و امام ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، در کتاب « الْأَبْعَثُ وَ النُّشُورُ » ، اخبار بسیاری در این باره آورده است و آن اخبار را، نواسه او ، ابوالحسن عبیدالله بن محمد بن احمد ، در سال ۵۱۸ ، برای ما روایت کرد.^۵

در « تفسیر علی بن ابراهیم » ، درباره این آیه، آمده است:

ما در زبور، از پس ذکر نوشتیم ... همه کتابهای آسمانی ذکر نامیده می شود. أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ، یعنی قائم و اصحاب او. (این مطلب در زبور آمده است زیرا که) در زبور وقایع و کشتارهای عظیم آمده است ، و هم حمد خداوند و تمجید ذات او، و هم دعا و نیایش.^۶

در این آیه خدای - قادر متعال - به بندگان صالح وعده حتمی داده است که سرانجام آنان را وارث زمین می گرداند. این نوید با الفاظی چون « وَلَقَدْ » - که حتمیت را می رساند - و فعل ماضی « كَتَبْنَا » ، و یادآوری این وعده در کتابهای آسمانی مانند « زُبُور » و « ذِكْرُ » (که نام عمومی کتابهای آسمانی است و با داشتن « ال » بر همه آنها انطباق می یابد)؛ تأکیدی دو چندان شده است، و از سویی کلمه « الْأَرْضُ » همه پهنه گیتی و مناطق جغرافیایی زمین را شامل می شود - نه بخشهایی از آن - و ساخت جمله « أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا » نیز تسلط بندگان صالح بر همه زمین را می رساند.

پیدا است که تاکنون این بشارت تحقق نیافته است، و از آن جا که وعده خدا تخلف نمی پذیرد، این امر به طور حتم شدنی است، و به فرض روایتی در تفسیر این آیه به دوره آخر الزمان و آمدن مهدی نباشد، وبا توجه به خاتمیت پیامبر ما « صلی الله علیه و اله و سلم » می توان اذعان داشت که بر اساس آن سرانجام روزی همه زمین به تصرف بندگان شایسته خدا در می آید، و بی گمان آن دوران بنا بر بشارتهایی که پیامبر « ص » درباره مهدی داده است، در روزگار مهدی موعود خواهد بود.

آیه دوم؛

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ ، وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً ، وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.^۷

ما می خواهیم تا به مستضعفان زمین نیکی کنیم، یعنی: آنان را پیشوایان سازیم و میراث بران زمین. این آیه نیز، طبق پاره ای از سخنان امام علی بن ابیطالب (ع) ، در « نهج البلاغه » ، روایاتی از دیگر امامان، به گونه ای ، ناظر به مستضعفان محروم و پیروان راه حق است، که سرانجام، جهان از آن شایستگان

ایشان خواهد شد. و این امر، در زمان ظهور حجت بالغه است.^۸ چنانچه شیخ بزرگوار ابوجعفر صدوق، در «امالی» روایت کرده است که علی (ع) فرموده: «این آیه مربوط به ماست».^۹

آیه سوم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ ، يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ، أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ، أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ...^{۱۰}

- ای مؤمنان! هر کس از شما از دین خویش بگردد (زیانی به دین خدا نخواهد رسانید، زیرا که خداوند دین خود را بی یاور نخواهد گذاشت، بلکه) او مردمی پدید خواهد آورد، که ایشان را دوست می دارد و ایشان او را دوست می دارند، آن مردم، با مؤمنان خوشرفتار و نرمخو خواهند بود، و با کافران سختگیر و بسی گذشت، و آنان همواره می کوشند و در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ سرزنشگری باکی نخواهند داشت ...

و در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است:

... این آیه، درباره قائم و اصحاب او نازل شده است، همانان که در راه خدا جهاد کنند، و از هیچ چیز پروا ندارند.^{۱۱}

آیه چهارم:

وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ، لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ، وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ ، الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ ، وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ...^{۱۲}

- خداوند، آنان را که گرویدند از شما و نیکیها کردند، وعده داد که بیقین ایشان را خلیفه کند در زمین - چنانکه آنان که از پیش بودند خلیفه ساخت - و دینشان را باز بگستراند، آن دین که پسندید برای آنان، و هم آنان را از پس بیمی که دارند، بی بیمی دهد و ایمنی ...

شیخ طبرسی می گوید:

از امامان اهل بیت روایت شده است که این آیه، درباره مهدی آل محمد «ص» است. شیخ ابوالنضر عیاشی، با اسناد خود، از حضرت امام زین العابدین «ع» روایت کرده است که این آیه را خواند و فرموده: «اینان به خدا سوگند شیعه ما هستند، خدا این کار در حق آنان به دست مردی از ما خواهد کرد. و این مرد مهدی این امت است و همان کسی است که پیامبر «ص» فرموده است: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا همان یک روز را چنان دراز کند تا مردی از خاندان من حاکم جهان گردد. اسم آن مرد اسم من (محمد) است. او زمین را از عدل و قسط لبریز سازد، همانگونه که از ظلم و جور لبریز شده باشد»، و چنین مطلبی، درباره این آیه، از امام محمد باقر «ع» و امام جعفر صادق «ع» نیز روایت شده است.

امین الاسلام، شیخ ابوعلی طبرسی، سپس سخن خویش را، درباره این آیه، به اینگونه به پایان می برد: چون گسترش دین، در سراسر زمین و جهانگیر شدن آیین، از گذشته تاکنون پدیدار نگشته است، پس به یقین این امر در آینده خواهد بود. چه این جهانگیری دین و آیین، وعده ای خدایی است - طبق آیه - و وعده خدایی خلف بردار نیست و خلف نخواهد گشت.^۲

آیه پنجم:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.^{۱۳}

- او آن خداست که رسول خویش را بفرستاد، به راهنمونی و دین راست، تا آن دین را پیروز گرداند بر همه دین های دیگر، هرچند بر مشرکان دشوار آید.

رشیدالدین میبیدی، در تفسیر «کشف الاسرار»، در شرح این آیه گوید:

رسول، در این آیه، محمد است و هدی و هدایت، قرآن و ایمان است و دین حق، اسلام است. خدا این دین را بر دیگر ادیان برتری دهد، چنانکه دینی نماند مگر اینکه اسلام بر آن غالب آید و این امر، بعد از این خواهد شد و هنوز نشده است و قیامت نخواهد آمد مگر اینکه این کار بشود. ابوسعید (خدری) روایت کرده است که پیامبر « ص » از بلایی یاد فرمود که به این امت رسد، تا بدانجا که از بسیاری ظلم و ستم، کس برای خویش پناهی نیابد. چون چنین شود، خداوندی مردی از خاندان مرا برانگیزد، وبه دست او زمین را از عدل و قسط بپا کند، انسان که از ستم آکنده باشد. همه ساکنان آسمان، و همه ساکنان زمین از او خرسند باشند. در روزگار او قطره بارانی در آسمان نباشد، مگر اینکه بر زمین فرود بارد و گیاهی در زمین نباشد، مگر اینکه بروید. چنان روزگاری خوش و بابرکت پدید آید، که کسان آرزو کنند کاش مردگانشان زنده شوند و به این جهان بازگردند ...^{۱۴}

... سدی می گوید: (پیروزی اسلام بر دیگر ادیان) هنگام قیام مهدی است، (در آن زمان) مردمان یا باید مسلمان شوند و یا جزیه دهند و این که گفته شده است، مهدی همان عیسی است نادرست است، زیرا اخبار صحیح به گونه ای متواتر وارد شده که مهدی از خاندان پیامبر است، از این رو، تطبیق مهدی بر عیسی جایز نیست و حدیثی که گوید: (مهدی کسی جز عیسی نیست) درست نیست.

در کتاب البیان محمد بن یوسف گنجی در تفسیر « لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ » نیز آمده است: « هو المهدى من ولد فاطمه ».^{۱۵}

آیه ششم:

... لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ، وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.^{۱۶}

برای ایشان است، در این جهان، خواری و در آن جهان، عذابی بزرگ.

رشیدالدین میبیدی، در شرح این قسمت از آیه، گوید:

ترسایان راست در این جهان رسوایی و خواری و ننگ، اگر ذمی بود گزیت، و اگر حربی بود قتل، و در آن جهان عذاب مهین جاودان در آتش. مقاتل و کلبی گفتند: « لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ »، فتح قسطنطنیه و عموریه و رومیه است، حصارها و نشستگاه ایشان، که در آن استیصال ایشان است و تَبْتُرُ نِظَامَ دَوْلَتِ اِيْشَان. مصطفی « ع » گفت: « الْمَلْحَمَةُ الْعُظْمَى فَتْحُ قُسْطَنْطِينِيَّةِ، وَ خُرُوجُ الدِّجَالِ، فِي سَبْعَةِ اَشْهُرٍ » (یعنی: واقعه و کشتار بزرگ، فتح قسطنطنیه است و خروج دجال که خلال هفت ماه پدید آید). سدی گفت: خِزْيِ اِيْشَانِ دَرِ دُنْيَا اَنْ اَسْتِ كِه « مَهْدِي » بِيْرُوْنِ اَيْدِ، وَ قُسْطَنْطِينِيَّةِ بَغْشَايِدِ، وَ جَايِ اِيْشَانِ خِرَابِ كَنْدِ، وَ قَوْمِي رَا بَكْشِدِ، وَ قَوْمِي رَا بَه بَرْدِگِي بِيْرِدِ وَ « مَهْدِي » اَنْ اَسْتِ كِه مِصْطَفِي « ع » كِه « لَوْلَمْ يَثْبِقْ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَبْعَثَ فِيْهِ رَجُلًا مِّنِي »^{۱۷} (اگر از عمر جهان باقی نماند مگر یک روز، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند، تا مردی از خاندان من، برانگیزد ... ».

آیه هفتم:

... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا، فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا، فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ، اِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا.^{۱۸}

... و هر کس را بکشند به بیداد، وارثان او را صاحب فرمان کردیم (که هر چه خواهند بکنند: قاتل را بکشند، یا دیه ستانند، یا عفو کنند) مبادا که کس به گزاف کسی را بکشد، که خدا یاور خون بناحق ریخته است.

حویزی، در تفسیر « نُوْرُ الثَّقَلَيْنِ »، می گوید:

امام محمد باقر «ع» فرموده: این کس، حسین بن علی «ع» است که مظلوم کشته شد و ماییم اولیاء این خون. هنگامی که قائم ما بیرون آید، خون حسین را بطلبید... وَأَنَّهُ كَانَ مَنصُورًا، آن است که جهان پایان نگیرد، تا انتقام این خون، (۱. سوره بقره (۲)، آیه ۱۱۴).

به دست مردی از آل رسول «ص» گرفته شود، مردی که جهان را از قسط و عدل لبریز سازد، همانسان که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.^{۱۹}

آیه هشتم:

بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ، إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...^{۲۰}

- بقیه الله (ذخیره الهی)، برای شما مردم، اگر مؤمن باشید، از هر چیز و هر کس دیگر بهتر است.

در تفسیر «نورالثقلین»، از «اصول کافی»، نقل شده است:

مردی از امام جعفر صادق «ع» درباره قائم پرسید، که آیا می توان او را به هنگام سلام دادن، «یا امیرالمؤمنین» خطاب کرد؟ امام صادق فرموده: نه، این اسمی است که خداوند به «امیرالمؤمنین» داده است. ... پرسیدم: فدایت شوم، به هنگام سلام دادن به او، چه بگویم؟

امام صادق فرموده: همه باید بگویند: «السلامُ علیک یا بقیة الله»! سپس امام این آیه را تلاوت کرد: «بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۲۱}

شیخ ابومنصور طبرسی، در کتاب «الاحتیاج»، از امیرالمؤمنین «ع» نقل کرده است که فرموده: بقیة الله، یعنی مهدی، که پس از گذشتن این دوره، خواهد آمد و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، همانگونه که از ظلم و جور پر شده باشد.^{۲۲}

شیخ صدوق، در کتاب «اکمال الدین»، از امام محمد باقر «ع»، حدیثی طولانی نقل کرده است. امام در آن حدیث که سخن از قائم می گوید، از جمله می فرماید: هنگامی که قائم خروج کند، به خانه کعبه تکیه دهد، آنگاه ۳۱۳ تن نزد او گرد آیند. پس نخستین سخنی که گوید این آیه است:

«بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» - من بقیه الله ام، و حجت خدایم و خلیفه خدایم در میان شما. آنگاه هر مسلمانی که به او سلام دهد، گوید: «السلامُ علیک یا بقیة الله فی أرضه»^{۲۳}

همچنین در احادیث آمده است که حضرت امام محمد باقر «ع» فرموده: علم به کتاب خدا و سنت پیامبر «ص» در قلب مهدی ما می روید چنانکه بهترین و شادابترین گیاهان می رویند. هر کس از شما باقی ماند و مهدی را ملاقات کند، به او اینگونه سلام بدهد: «السلامُ علیکم یا اهل بیتِ الرحمه و النبوه، و معدن العلم، و موضع الرساله! السلامُ علیک یا بقیة الله»^{۲۴}

- درود بر شما، ای خاندان رحمت و نبوت! و ای ذخیره گاههای علم، و ای پایگاههای رسالت! درود بر تو ای ذخیره خدایی، ای بقیه الله.

«بَقِيَتْ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۲۵}

- اگر با ایمان باشید، «بقیه الله» برای شما خیر (نعمت و برکت و سامانیابی) است.

در کتاب نورالابصار آمده است:

چون (مهدی) ظهور کند، کعبه را پایگاه خویش قرار می دهد، و ۳۱۳ نفر از یارانش به او می پیوندند، آن گاه در نخستین سخن این آیه را تلاوت می کند: «بقیه الله بهتر است برای شما، اگر ایمان بیاورید». سپس میگوید: منم بقیه الله و خلیفه خدا و حجت او بر شما.

آیه نهم:

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ، لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَكُمْ تَكُنْ أَمِنْتُمْ مِنْ قَبْلِ^{۲۶}

- روزی که پاره ای از آیات پروردگار تو پدیدار گردد، آن روز هیچ کس را - اگر از پیش ایمان نیاورده باشد- ایمان و باور سودی نخواهد بخشید.

سید هاشم بحرانی، صاحب « تفسیر » می گوید:

شیخ صدوق، از امام جعفر صادق « ع » روایت کرده است که فرموده: « آیات ، در این آیه ، ائمه هستند و آن آیت مورد انتظار، قائم « ع » است. روزی که قائم با شمشیر قیام کند، ایمان آوردن آن کسان، که از پیش به او ایمان نداشته اند، آنان را سودی نخواهد داشت، اگرچه آنان، به امامان پیش از او، ایمان داشته باشند^{۲۷} .»

همچنین می گوید:

ابوبصیر ، از امام جعفر صادق « ع » ، روایت کرده است که فرموده: « مقصود از این آیه (یعنی: یوم یاتی بعض آیات ربک . . . روزی که پاره ای از آیات پروردگار تو پدیدار گردد . . .) خروج قائم آل محمد « ص » است. ای ابابصیر ! خوشا به حال شیعیان قائم، که در زمان غیبت در انتظار او به سر می برند، و هنگامی که ظاهر شود ، فرمانبردار اویند. آنانند اولیای خدا ، که نه از چیزی ترسی دارند، و نه به دل اندوهی^{۲۸} .»

آیه دهم:

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ.^{۲۹}

- در شب قدر، همه امور را ، بر طبق حکمت، به جای خویش مقرر دارند.

مقصود از این آیت فرخنده، تقدیر امور است در شب قدر، در هر سال. و این امر در ارتباط مستقیم است با حضرت ولی عصر «ع»، و حضور ولایتی او، در امت و در مجاری تقدیر، و در جهان کائنات.

آیه یازدهم:

« وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ، لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ».^{۳۰}

- کیست ستمکارتر از آن که نگذاشت نام خدا در مسجدهای خدا برده شود، و در ویران ساختن آنها کوشید؟ آنان در مسجدها جز بیمناک و ترسان داخل نخواهند شد و نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.

در تفسیر درالمنثور و تفسیر طبری درباره « لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ »، آمده است:

« أَمَّا خِزْيُهُمْ فِي الدُّنْيَا فَأَنَّهُ إِذَا قَامَ الْمَهْدِيُّ وَ فَتَحَتِ الْقُسْطَنْطِينِيَّةُ قَتَلَهُمْ فَذَلِكَ الْخِزْيُ. »^{۳۱}

- خواری و ذلت (ستمکارانی که سد راه دین خدا و آئین حق اند) در دنیا، زمانی فرا می رسد که مهدی بپاخیزد، و قسطنطنیه را فتح کند، و آنان را بکشد.

رشید الدین امام احمد میبیدی در تفسیر الاسرار می گوید:

« ترسایان راست در این جهان رسوایی و خواری و ننگ، اگر ذمی بود گزیت، و اگر حربی بود قتل، و در آن جهان عذاب مهین جاودان در آتش. مقاتل و کلبی گفتند: « لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ »، فتح قسطنطنیه و عموریه و رومیه است، حصارها و نشستگاه ایشان. مصطفی «ع» گفت: « الْمَلْحَمَةُ الْعُظْمَى فَتَحَ قُسْطَنْطِينِيَّةَ ، وَ خَرُجَ

الدجال، فی سبعه أشهر» (یعنی؛ واقعه و کشتار بزرگ، فتح قسطنطنیه است، و خروج دجال که خلال هفت ماه پدید آید). سدی گفت: خزی ایشان در دنیا آن است که «مهدی» بیرون آید، و قسطنطنیه بگشاید، و جای ایشان خراب کند، و قومی را بکشد و قومی را به بردگی ببرد و «مهدی» آن است که مصطفی «ع» گفت: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَبْعَثُ فِيهِ رَجُلًا مَنِي...» (اگر از عمر جهان باقی نماند مگر یک روز، خداوند همان یک روز را چنان دراز کند، تا مردی از خاندان من، برانگیزد...^{۳۲}).

آیه دوازدهم:

«وَ أَنَّهُ لَيَلْمُ لِلْسَاعَةِ»^{۳۳}

- و هرآینه او، نشانه فرا رسیدن قیامت است.

در تفسیر این آیه، سیوطی می گوید:

(نشانه قیامت) خروج عیسی قبل از آن است.^{۳۴}

و در روح المعانی آمده است:

نزول عیسی یکی از نشانه های قیامت است، بنابر قول مشهور عیسی هنگام نماز صبح در دمشق فرود می آید، امام (جماعت) که همان مهدی است، عقب می ایستد (تا عیسی امام جماعت شود) ولی عیسی او را مقدم می دارد و پشت سرش نماز می گذارد.^{۳۵}

شبلنجی به نقل از مقاتل بن سلیمان و مفسران پس از وی در تفسیر آیه فوق می گوید: (نشانه قیامت) مهدی است و (دوران) او در آخر الزمان است.^{۳۶}

آیه سیزدهم:

«كَتَبَ اللَّهُ لِأَغْلِبَنَ أَنَا وَ رُسُلِي، إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^{۳۷}

- (خداوند در لوح محفوظ) خواسته و وعده داده است که به طور حتم من و رسولانم چیره شوم، همانا! خدا قوی و عزیز (شکست ناپذیر و استوار) است.

این آیه از پیروزی ائین الاهی بر همه ائینها حکایت دارد، فعل «كَتَبَ» ماضی است و به گونه ای روشن و حتمی این امر را می رساند که گویا این پیروزی انجام یافته است، همراه شدن این فعل با لام و نون تأکید، جایی برای تردید در تحقق این وعده نمی گذارد، و ذیل آیه که قدرت و اراده خدا را می نمایاند و به منزله علتی برای نوید آغاز آن است، جایی برای توجیه های ناپایست و تفسیرهای نامناسب نمی گذارد، زیرا سخن از قهر و غلبه و قدرت غالب خدائی است.

چنین تأکیدی نمی تواند تنها در پیروزی پیامبر در جنگهای صدر اسلام و یا در استدلالهای کلامی اسلام با دیگران ادیان و برهانی تر بودن آن محدود شود، و از سوئی تاکنون این پیروزی جهانی پدید نیامده است. بنابراین باید در آینده تحقق پذیرد و همه ائینها و تفکرات غیر الهی زوال پذیرد و ائین یکتاپرستی سراسر گیتی را فرا گیرد، که بنابر روایات بسیار، آن زمان روزگار مهدی موعود خواهد بود.

مهدی در احادیث نبوی

۱. پیامبر «ص»: شما را به (ظهور) مهدی بشارت می دهم... زمانی که اختلافها، سختی ها و دل نگرانی ها مسلمانان را دربرگیرد، قیام می کند و زمین را که پر از ظلم و ستم گشته است، آکنده از عدل و داد می سازد ساکنان آسمانها و زمین از او خشنود می گردند، مال (و امکانات اقتصادی) را به شیوه درست (بین مردمان) تقسیم می کند و دلهای مسلمانان را سرشار از بی نیازی می سازد...^{۳۸}

۲. پیامبر «ص»: اگر از (عمر) دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را طولانی گرداند تا مردی از فرزندانم را برانگیزد (برای زنده کردن اسلام و اصلاح اجتماعات بشری)، که همانام من است.^{۳۹}
۳. پیامبر «ص»: مهدی از خاندان من، و از فرزندان فاطمه است.^{۴۰}
۴. پیامبر «ص»: چگونه آید، آن گاه که عیسی در میانتان فرود آید، و امامتان از خودتان باشد.^{۴۱}
در شرح این حدیث آمده است:
- نماز عیسی (ع) در آخرالزمان و نزدیکی برپایی قیامت، پشت سر مردی از این امت دلیل بر قول صحیح است که: «زمین (هیچگاه) از حجت خدا خالی نیست».^{۴۲}
۵. پیامبر «ص»: در آخرالزمان آزارها و ستمهای جانکاه از سوی شاهانشان بر امتم فرود می آید. بلاهایی که سخت تر از آن شنیده نشده است. آنچنان که دنیای فراخ بر آنان تنگ می نماید. همه جا آکنده از ستم و بی عدالتی است و انسان باایمان پناهگاهی برای فرار از ظلم نمی یابد، در این هنگام خدای متعال مردی از خاندان مرا برمی انگیزد، پس زمین را از عدل و داد پر می کند...^{۴۳}
۶. پیامبر «ص»: در زمانی که (دنیا را ظلم و ستم فرا گرفته و دین باوران در تنگنا و سختی به سر می برند) فریادی از آسمان بر می آید، که ای مردم! همانا خدا روزگار طاغوتان و منافقان و پیروان آنها را به سرآورده، و بهترین امت محمد را به سرپرستی شما گمارده است. در مکه به او پیوندید که بی گمان او مهدی است.^{۴۴}
۷. پیامبر «ص»: (تاکنون) چهارتن بر زمین فرمانروایی مطلق یافته اند... و در آینده (فرزند) پنجمین نفر از خاندانم بر آن حکومت می کند.^{۴۵}
۸. پیامبر «ص»: (مهدی) فردی از فرزندان من است، چهره اش چونان ستاره درخشان... آنگاه که به سوی شام حرکت کند، جبرئیل پیشاپیش و میکائیل همراه اوست، اهل آسمان و زمین با ظهور او شادمان می شوند.^{۴۶}
۹. پیامبر «ص»: خداوند محبت مهدی را در دلها می اندازد، پیروان او شیران روز و راهبان شب اند.^{۴۷}
۱۰. پیامبر «ص»: (مهدی) مال (داراییها و امکانات اقتصادی را آن گونه که باید) تقسیم می کند و سنت من شیوه (رفتاری) اوست،... او آئین اسلام را در زمین مستقر می سازد.^{۴۸}
۱۱. پیامبر «ص»: قلمرو فرمانروایی و حکومت مهدی شرق و غرب را دربرمی گیرد.^{۴۹}
۱۲. پیامبر «ص»: مهدی نسبت به کارگزاران حکومت (در انجام وظایف و مسئولیت ها) سخت گیر است (خطای آنان و قصور در انجام وظایف را بر نمی تابد)، در امور مالی (و اقتصادی) بخشنده است، و به همه مسکینان مهربانی می ورزد.^{۵۰}
۱۳. پیامبر «ص»: (با ظهور مهدی) پرندگان و جانوران وحشی شادمان می شوند... آنها (ی اشامیدنی گوارا و سالم) در دولت او زیاد می گردد، رودخانه ها گسترش می یابد... و گنجها نمایان می شود.^{۵۱}
۱۴. پیامبر «ص»: همانا مهدی در امت من است (در آغاز حکومت او گاه) فردی (به خاطر فقر و تهیدستی) نزد او می آید، و خواستار بخشش مالی می شود و می گوید: مهدی! بیخشای! مهدی! بیخشای. مهدی به اندازه ای که توان بر دوش کشیدن آن را دارد به وی مال می دهد.^{۵۲}

۱۵. پیامبر «ص»: سرانجام در میان امت مهدی به حکومت می رسد، (در روزگار او) خدا بارانهای (پیاپی و سودمند) فرو می ریزد، و انواع گیاهان در زمین می روید، ... نسل چهارپایان (و گونه های مختلف حیوانات و جانوران) فزونی می گیرد (پس از اینکه در اثر آلودگیهای زیست محیطی بسیاری از گونه های حیوانی نابود شده است)، و مسلمانان (در دنیا و در میان ادیان توحیدی) شوکت و عظمت می یابند.^{۵۳}

۱۶. پیامبر «ص»: از میان امت من مهدی قیام می کند، خداوند او را برای فریادرسی مردمان برمی انگیزد.^{۵۴}

۱۷. پیامبر «ص»: مهدی از فرزندان من است، در پرتو خلافت (و حکومت) او پرندگان آسمان خرسند می گردند. (کنایه از گسترش قانون و عدالت در سراسر جهان است).^{۵۵}

۱۸. پیامبر «ص»: مهدی (موعود) در امت من است ... در دوران (حکومت) او مسلمانان به سطحی بی نظیر از رفاه در زندگی و برخورداری از نعمت ها می رسند، (همه) خوردنی ها در اختیار آنان قرار می گیرد، هیچ چیز (از امکانات زندگی و رفاهی) از آنان دریغ نمی شود، مال و ثروت در آن روزگار به صورت انبوه روی هم انباشته است. (نزد حاکمیت مرکزی اسلامی).^{۵۶}

۱۹. پیامبر «ص»: پس از من خاندانم با سختی ها، گریزها و تعقیبها روبه رو می شوند، تا این که مردمی از شرق به پا می خیزند ... خیر (حق، عدل، اصلاحات) را خواستار می گردند، ولی (طاغوتیان و دنیاخواران) حقوق آنان را پاس نمی دارند و به خواسته هایشان اهمیتی نمی دهند، آنگاه آنها (برای دستیابی به اهداف و آرمانهایشان) می ستیزند، و در جنگ پیروزی به دست می آورند، در این هنگام آنچه را خواهان بوده اند پذیرفته می شود، ولی آنان نمی پذیرند (و به نبرد ادامه می دهند) تا رهبری را به مردی از اهل بیت من بسپارند، پس او دنیا را پر از عدل و داد سازد، چنانچه آنها آن را از ستم انباشته اند.^{۵۷}

۲۰. پیامبر «ص»: برترین عبادتها انتظار فرج است.^{۵۸}

۲۱. پیامبر «ص»: هرکس مهدی را انکار کند (و ظهور او را دروغ بیندارد)، کافر است.^{۵۹}

۲۲. امام علی (رض): (راوی می گوید): نزد علی بودیم، مردی درباره مهدی از او سؤال کرد. علی گفت: ای کاش آن زمان فرا می رسید! ... (در روزگار او) خدای متعال قومی را که همچون قطعه های ابر پراکنده اند، گرد هم می آورد، و دلهایشان را به هم نزدیک می سازد، آنان از هیچ کس نمی هراسند، و از اینکه فردی به جمع آنان گراید، به خود نمی بالند ...^{۶۰}

۲۳. حضرت امام حسن عسگری (ع): - پس از من، فرزندانم، قائم (و صاحب امر دین و امامت) است. و اوست که مانند پیامبران، عمری دراز خواهد داشت، و غایب خواهد شد. در غیبت طولانی او دلهایی تیره گردد. فقط کسانی در اعتقاد به او پابرجا خواهند ماند، که دل آنان به فروغ ایزدی رخشان باشد، و روح خدایی به آنان مدد رساند.

۲۴. امام صادق (ع) فرمود: «حکمت غیبت مهدی، همان حکمتی است که در غیبت پیامبران و حجج الهی پیشین وجود داشته است ... این غیبت، امری از امور الهی، و سری از اسرار خدایی، و رازی از رازهای ربانی است. ما وقتی بدانیم که خدای عزوجل حکیم است، تصدیق می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است، اگرچه آن حکمت و مصلحت را خود تشخیص ندهیم، و به راز آن پی نبریم».^{۶۱}

در احادیث، خصوصیات از پیامبران یاد شده است، که در قائم آل محمد «ص» هست:	
از حضرت آدم «ع»	- طول عمر
از حضرت نوح «ع»	- طول عمر
از حضرت ابراهیم «ع»	- پنهان بودن ولادت و دوری از مردم
از حضرت موسی «ع»	- پنهان بودن ولادت و غیبت از قوم، هیبت و شکوه‌مندی
از حضرت یوسف «ع»	- زیبایی، جود، بودن در میان مردم و شناخته نشدن ^{۶۲}
از حضرت صالح «ع»	- غیبت از قوم
از حضرت داود «ع»	- قضاوت کردن به حکم داودی ^{۶۳}
از حضرت سلیمان «ع»	- جهانداری و حشمت سلیمانی
از حضرت ایوب «ع»	- برخورداری از فرج و گشایش پس از گرفتاری ^{۶۴}
از حضرت یونس «ع»	- رجوع به میان مردم، پس از غیبت، در هیئت جوانان
از حضرت عیسی «ع»	- نورانیت، مورد اختلاف قرار گرفتن احوال شخصی
از حضرت محمد «ص»	- انقلاب خونین و خروج با شمشیر و در هم کوبیدن جباران

همچنین دیگر علوم و اسرار انبیاء و اولیاء و بزرگان در نزد مهدی است: اسماء شیشی و علوم هرمسی، واذکار یونسی، و ..

مهدی در اندیشه عالمان تسنن

۱. خطابی (در گذشته به سال ۳۸۸ هـ)

حدیث پیامبر «ص» که فرمود:

(رستاخیز فرا نمی رسد، مگر آن گاه که زمان در هم نوردد، سال چون ماه شود، و ماه چون روز، و ...) .
در زمان مهدی یا عیسی و یا هردو است.

این مطلب را ملاعلی قاری در کتاب المرقاه شرح المشکاه یادآور شده، و گفته است، از آنجا که این پدیده در هنگام خروج دجال، رخ می دهد، و دجال در زمان مهدی و عیسی است، اظهر آن است که گفته شود، مضمون حدیث مربوط به زمان مهدی و عیسی است و « مبارکفوری » صاحب کتاب تحفه الأحوذی در شرح حدیث، همین قول را گفته است.

۲. بیهقی (در گذشته به سال ۴۵۸ هـ)

امام بیهقی پس از ضعیف دانستن حدیث: « لامهدی ا لا عیسی بن مریم » (هیچ مهدی نیست، مگر عیسی بن مریم) ، می گوید:

به طور قطع اسناد احادیثی که بر قیام مهدی، آشکار دلالت دارد، صحیح تر است.

این مطلب را « ابن حجر » در تهذیب التهذیب، در ترجمه محمد بن خالد جندی راوی حدیث « لامهدی الاعیسی بن مریم » آورده است و « ابن قیم » در المنار المنیف فی الحدیث الصحیح و الضعیف از او نقل کرده است.^{۶۵} (مجله الجامعه الاسلامیه، سال اول، شماره سوم، ذی‌قعدة ۱۳۸۸ (۱۹۶۹)، (به نقل از موسوعه الامام المهدی، ج ۱، ص ۶۰۷).

۳. ابن اثیر (در گذشته به سال ۶۰۶ هـ)

مهدی، یعنی: کسی که خداوند راه حق را به او نشان داده است. این کلمه، به صورت اسم به کار رفته است، تا جایی که «عَلِمَ بِالْغَلْبَةِ» شده است و همین کلمه (مهدی)، نام آن کسی است که پیامبر «ص» مزده داده است که در آخرالزمان می آید.^{۶۶} (ابن اثیر: النهایه، ج ۵، ص ۲۵۴)

در حدیث آمده است که (در روزگار مهدی): «زمان به هم نزدیک می شود (گذشت زمان محسوس نیست)، یک سال همچون یک ماه است».^{۶۷}

۴. ابن خلدون (درگذشته به سال ۸۰۶ یا ۸۰۸ هـ)

مشهور بین همه مسلمانان، در همه عصرها این است که به یقین در آخرالزمان، فردی از خاندان نبوت ظهور می کند، دین را مدد می رساند، و عدل را می گستراند، و مسلمانان از او پیروی می کنند، و بر همه کشورهای اسلامی حاکم می شود، و مهدی نام دارد.^{۶۸}

۵. ابن حجر هیتمی (درگذشته به سال ۹۷۴ هـ)

اعتقاد به وجود مهدی منتظر، بنابر احادیث صحیح، امری لازم است، عیسی و دجال در زمان او ظاهر می شوند و هر جا «المهدی» به طور مطلق آورده شود، مراد اوست.

- برکت دعای پیامبر در نسل علی و فاطمه پیداست، ... و همین که مهدی از نسل آنان است (تأثیر دعای پیامبر را در حق آنها می نمایاند) و برای این امر بس است.^{۶۹}

- «حسن» (پس از قضیه استسقا) به خانه برگشت و محترمانه زیست ... تا این که در سامرا در ۲۸ سالگی از دنیا رفت ... وی فرزندی به جز «ابوالقاسم محمد حجت» نداشتن که در آن هنگام ۵ ساله بود و خدا در همان کودکی به او (علم و) حکمت داده بود، و «قاسم منتظر» نامیده می شود. گفته شده، بدان خاطر او را «منتظر» می نامند که در شهر از دیده ها غایب گردید و مکان او پنهان ماند.^{۷۰}

نیز در کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، می گوید:

این که از پیامبر «ص» روایت شده است: «مهدی از فرزندان عمویم عباس است» ... با اخباری که می گوید: «مهدی از خاندان پیامبر و از فرزندان فاطمه است» منافات ندارد. زیرا احادیثی که مهدی را از فرزندان پیامبر «ص» می داند صحت و اعتبار استوارتری دارد، تا آن جا که برخی از حافظان امت و امامان بزرگ گفته اند: این که مهدی از نسل پیامبر «ص» است از مسائل قطعی و متواتر بوده، و هرگز نمی توان از آن عدول کرد.

از این رو، جمع بین احادیث به این است که گفته شود: مهدی از دودمان پیامبر و از فرزندان او خواهد بود، اگر چه از سوی مادر به «عباس» برسد. نکته اساسی این است که مهدی از اهل بیت پیامبر است و این سخن با احادیثی که او را از فرزندان «حسن بن علی» یا «حسین بن علی» و یا «ناسازگاری ندارد.

۶. ملا علی قاری حسینی (درگذشته به سال ۱۰۱۴ هـ) در کتاب شرح فقه الاکبر امام ابوحنیفه

مهدی موعود نخست در سرزمین عربستان ظهور می کند، آن گاه به بیت المقدس می رود. در آن جا به محاصره «دجال» در می آید، در این هنگام عیسی بن مریم از سوی «دمشق» به یاریش می شتابد، و دجال را نابود می سازد و سپس در نماز به مهدی اقتدا می کند، تا امامت و رهبری او را تأیید نماید و پیروی خود را از پیامبر اسلام بنمایاند.

۷. محمد برزنجی (درگذشته به سال ۱۱۰۳ هـ) در کتاب الاشاعه لاشراط الساعه: نخستین نشانه روز بازپسین، ظهور مهدی است. احادیث پیرامون او، به حدی است که فراتر از حد شمارش می نماید، در روایات فراوان صحیح و مشهور آمده است که او از فرزندان فاطمه است ... این امر در حد تواتر معنوی است و انکار آن جایی ندارد ...

وی زمین را که از بیدادها آکنده شده است، پر از عدل و داد می کند.^{۷۱}

۸. شیخ محمد عبده (درگذشته به سال ۱۳۲۳ هـ)

خاص و عام می دانند که در اخبار و احادیث، ضمن شمردن علائم قیام قیامت، آمده است که از اهل بیت پیامبر « ص » خروج می کند، که نام او مهدی است. او زمین را، پس از آن که از جور و بیداد آکنده باشد، از عدل و داد آکنده می سازد. در آخر ایام او ، عیسیای مریم « ع » از آسمان فرود می آید ...^{۷۲}

مهدی در ادعیه

دعای علوی مصری که امام زمان ارواحنا فداه به او تعلیم فرمودند:

رَبِّ مَنْ الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ ...^{۷۳}

دعای ندبه

الْحَمْدُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا ...^{۷۴}

دعای عهد

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ ، ...^{۷۵}

دعای سهم الليل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ اعْتِزَالِ عِزَّتِكَ ، ...^{۷۶}

دعای فرج

إِلَهِي عَظُمُ الْبَلَاءِ ، ...

دعای یانورالنوراز امام زمان ارواحنا فداه

يَا نُورَ النُّورِ ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ، ...

دعای حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه هنگام عبور از وادی السلام

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا ، ...

دعای عظیم الشان به نقل از جناب محمد بن عثمان

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ، انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ، ...

دعای سمات به نقل از نایب روح جناب محمد بن عثمان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ ، ...

پی نوشتها:

۱. سوره انبیا (۲۱) ، آیه ۱۰۵.

۲. تفسیر « مجمع البیان » ، ج ۷ ، ص ۶۶ - ۶۷.

۳. تفسیر « نورالثقلین » ، ج ۳ ، ص ۴۶۴.

۴. سوره قصص (۲۸) ، آیه ۵.

۵. «مجمع البيان» ج ۷، ص ۲۳۹.
۶. تفسیر «نورالثقلین» ج ۴، ص ۱۰۷ - ۱۱۱.
۷. سوره مائده (۵)، آیه ۵۴.
۸. تفسیر «نورالثقلین» ج ۱، ص ۶۴۱.
۹. سوره نور (۲۴)، آیه ۵۶.
۱۰. «مجمع البيان» ج ۷، ص ۱۵۲. نیز تفسیر «البرهان» ج ۳، ص ۱۴۷.
۱۱. سوره توبه (۹)، آیه ۳۳.
۱۲. «كشف الاسرار» ج ۴، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.
۱۳. سید مؤمن بن حسن بن مؤمن الشبلنجی: نورالابصار، چاپ دارالجلیل، ص ۳۴۳ (کسی که خدا او را بر همه ادیان چیره می گرداند) مهدی از فرزندان فاطمه است.
۱۴. «نورالثقلین» ج ۳، ص ۱۶۳.
۱۵. سوره اسراء، (۱۷)، آیه ۳۳.
۱۶. «نورالثقلین» ج ۳، ص ۱۶۳.
۱۷. سوره هود (۱۱)، آیه ۸۶.
۱۸. «نورالثقلین» ج ۲، ص ۳۹۰.
۱۹. «نورالثقلین» ج ۲، ص ۳۹۰.
۲۰. «نورالثقلین» ج ۲، ص ۳۹۰ - ۳۹۲.
۲۱. «بحارالانوار» ج ۵۲، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.
۲۲. سید محمود آلوسی بغدادی: روح المعانی، ج ۲۵، چاپ احیاء التراث العربی، ص ۶ - ۹۵.
۲۳. سوره انعام (۶)، آیه ۱۵۸.
۲۴. تفسیر «البرهان» ج ۱، ص ۵۶۴.
۲۵. تفسیر «البرهان» ج ۱، ص ۵۶۴.
۲۶. سوره دخان (۴۴)، آیه ۴.
۲۷. كشف الاسرار، ج ۴، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.
۲۸. جلال الدین سیوطی: الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، چاپ دوم، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ، ص ۲۶۴.
۲۹. تفسیر كشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۲۵.
۳۰. تفسیر كشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۲۵.
۳۱. جلال الدین سیوطی: الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۷، چاپ دوم، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ، ص ۳۸۶.
۳۲. سید محمود آلوسی بغدادی: روح المعانی، ج ۲۵، چاپ احیاء التراث العربی، ص ۶ - ۹۵.
۳۳. مؤمن بن حسن مؤمن الشبلنجی: نورالابصار، چاپ دارالجلیل، بیروت ۱۴۰۹ هـ، ص ۳۴۳.
۳۴. سوره مجادله (۵۸) : ۲۱.
۳۵. احمد بن حنبل: المسند، ج ۳، چاپ دار صادر (بیروت)، ص ۳۷ و ۵۲.
۳۶. ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی: فرائد السمطین، ج ۲، چاپ مؤسسه محمودی، بیروت، ص ۳۲۵ (حدیث ۵۷۵).

۳۷. سلیمان بن اشعث سجستانی: سنن ابی داود، ج ۲، چاپ اول، دارالجنان، بیروت ۱۴۰۹ هـ، ص ۵۰۹ (حدیث ۴۲۸۴).
۳۸. محمد بن اسماعیل بخاری: صحیح بخاری، ج ۲، چاپ دارالمعرفه، بیروت، ص ۲۵۶.
۳۹. ابن حجر عسقلانی: فتح الباری، ج ۶، چاپ دارالمعرفه، ص ۴۹۴، (حدیث ۳۴۴۹).
۴۰. علی بن حسام الدین متقی هندی: کنز العمال، ج ۱۴، چاپ پنجم، مؤسسه الرساله بیروت ۱۴۰۵ هـ، ص ۲۷۵، (حدیث ۳۸۷۰۸).
۴۱. جلال الدین سیوطی: عرف الوردی فی اخبار المهدی، ج ۲، ص ۸۱.
۴۲. جلال الدین سیوطی: عرف الوردی فی اخبار المهدی، ج ۲، ص ۸۱.
۴۳. مدرک پیشین، حدیث ۱۸۲.
۴۴. جلال الدین سیوطی: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۵.
۴۵. ابن حجر هیتمی: الصواعق المحرقة، (چاپ ۱۳۰۸ هـ)، ص ۱۰۲.
۴۶. شیخ الاسلام حموی: فرائد السمطين، ج ۲، چاپ اول، مؤسسه المحمودی، بیروت، سال ۱۴۰۰ هجری، ص ۳۱۲، (حدیث ۵۶۲).
۴۷. جلال الدین سیوطی: الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۰.
۴۸. جلال الدین سیوطی: العرف الوردی فی اخبار المهدی، ج ۲۱، ص ۸۱.
۴۹. محمد بن عیسی بن سوره: الجامع الصحیح، ج ۴، (تحقیق ابراهیم عطوه عوض)، چاپ دارالاحیاء التراث العربی، ص ۵۰۶.
۵۰. ابو عبدالله حاکم نیشابوری: المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، چاپ بیروت، ص ۶۰۱ (حدیث ۱۶۷۳ / ۳۸۱).
۵۱. جلال الدین سیوطی: الحاوی للفتاوی، ج ۲ (تحقیق: محمد محیی الدین)، ص ۱۳۲.
۵۲. احمد بن حجر هیتمی: الصواعق المحرقة، طبع مکتبه القاہره، ۱۳۷۵ هـ، ص ۱۶۲.
۵۳. محمد بن یزید قزوینی: سنن ابن ماجه، ج ۲، (تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی)، چاپ احیاء التراث العربی، ص ۱۳۶۶، (حدیث ۴۸۰۳).
۵۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.
۵۵. ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره: الجامع الصحیح و هو سنن ترمذی، ج ۵، (تحقیق ابراهیم عطوه عوض)، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ص ۵۶۵، (حدیث ۳۵۷۱).
۵۶. سلیمان بن اشعث سجستانی: سنن، ج ۴، ص ۱۰۶.
۵۷. حاکم نیشابوری: مستدرک الصحیحین، ج ۴، طبع دارالمعرفه، بیروت، ص ۵۵۴.
۵۸. «اکمال الدین»، «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۹۱.
۵۹. چنانکه برادران یوسف «ع» او را می دیدند و نمی شناختند، تا آنکه خویش را معرفی کرد.
۶۰. احکام داودی معروف است. حضرت داود «ع» بر طبق علم خود به واقع، حکم می کرد، و منتظر بینه و شاهد نمی ماند.
۶۱. حضرت ایوب «ع» پس از مدتها گرفتاری و ابتلا، به فرج و آسودگی و گشایش رسید. مهدی «ع» نیز، پس از هجوم عباسیان به خانه پدری آن امام، به آوارگی و دوری از یاران و دوستان مجبور گشت، و سپس

طبق حکمت الاهی، از نظرها غایب شد، و این غیبت به درازا کشید. او نیز چونان حضرت ایوب به فرج و گشایش آسودگی خواهد رسید. و فرج او، فرج همه مؤمنان و مستضعفان و برحقان است.

۶۲. النهایه، ج ۴، ص ۳۳.

۶۳. مقدمه ابن خلدون، ص ۳۶۷.

۶۴. احمد بن حجر هیتمی مکی: صواعق المحرقه، چاپ مصر، ۱۳۷۵ ه، ص ۱۶۱.

۶۵. مأخذ پیشین، ص ۱۹۰ - ۱۶۲.

۶۶. مجله الجامعه الاسلامیه، سال اول، شماره سوم، ذیقعدہ ۱۳۸۸ ه (۱۹۶۹)، (به نقل از موسوعه الامام

المهدی، ج ۱، ص ۹۹ - ۵۹۸).

۶۷. تفسیر المنار، ج ۶، ص ۵۷.

۶۸. صحیفه مهدیه، ص ۱۹۵.

۶۹. صحیفه مهدیه، ص ۲۱۷.

۷۰. صحیفه مهدیه، ص ۲۷۹.

۷۱. صحیفه مهدیه، ص ۳۰۷.

۷۳. صحیفه مهدیه، ص ۳۲۲.

۷۴. صحیفه مهدیه، ص ۳۳۴.

۷۵. صحیفه مهدیه، ص ۴۹۶.

۷۶. صحیفه مهدیه، ص ۵۰۰.

آیات و روایاتی پیرامون حضرت مهدی (علیه السلام)

رضا عباسی مقدم : آموزشکده سما مشهد

حتی اذا استیاس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جاء هم نصرنا
تا آنجا که رسولان مایوس شدند و گمان کردند حتی افراد اندک مؤمن نیز به آنان دروغ گفته اند در آن حال
یاری ما به سراغشان آمد.

سوره یوسف / آیه ۱۱۰

عن المفضل بن عمر عن ابي عبدالله عليه السلام قال:
جاء رحل الى امير المؤمنين عليه السلام فشكى اليه طول دوله الجور، فقال له امير المؤمنين
(عليه السلام) : و الله (لا يكون) ما تأملون حتى يهلك المبطلون و يضمحل الجاهلون و يامن المتقون و قليل ما
يكون حتى لا يكون لاحدكم موضع قدمه، و حتى تكونوا على الناس اهلون و ن الميته عند صاحبها، فبينما انتم
كذلك اذ جاء نصر الله و القتم، و هو قول ربي عزوجل في كتابه:
حتی اذا استیاس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جاء هم نصرنا
از مفضل بن عمر از ابو عبدالله امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

مردی به محضر امیر المؤمنین شرفیاب شد و از طولانی شدن دولت جور و ستم به آن جناب شکایت کرد. امیر
المؤمنین به او فرمودند: به خدا سوگند آنچه آرزوی شما را دارید نخواهد شد تا اینکه باطل جویان هلاک شوند و
جاهلان از میان بروند، و متقیان - که اندک هستند - در امان گردند، تا جائیکه احدی از شما جای پای برای
خودش نخواهد یافت، و تا آنجا که شما در نظر مرد ماز مردار در چشم صاحبش نیز بی ارزش تر خواهید شد، و
همانطور که شما در آن حال هستید ناگهان یاری خداوند و پیروزی یابید، و این است (معنی) فرموده پروردگار
عزوجل من در کتابش: تا آنجا که رسولان مایوس شدند و گمان کردند (حتی افراد اندک مؤمن نیز) به آنان دروغ
گفته اند، در آن حال یاری ما به سراغشان آمد

هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب

(قرآن) هدایتی است برای متقیان آنانکه به غیب ایمان آورند.

سوره بقره / آیات ۲ و ۳

حافظ سلیمان قندوزی (حنفی) در کتاب ینابیع الموده از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که گوید:
جندل بن جناده بن جیبر یهودی، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و سپس از آنحضرت درباره اوصیای
ایشان پرسید. پس پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب او آنان را بر شمرد، تا اینکه فرمود:
پس بعد از او (یعنی امام حسن عسگری علیه السلام) فرزندش محمد است، که به مهدی، قائم، و حجت خوانده
می شود و غیبت و پنهانی گزیند. سپس خروج کند. پس آنگاه که خروج (قیام) نماید، زمین را همانگونه که پر از
جور و ستم شده است از عدل و داد آکنده سازد. خوشا به حال صبر پیشگان و شکیبایان در دوران غیبت او.
خوشا به حال پایداران بر محبتا یشان (یعنی حضرت مهدی و سایر ائمه علیه السلام) آنانند کسانی که خداوند در

کتاب خویش و صفشان نموده و فرموده است:

«هدی للمتقين ، الذين يؤمنون بالغيب»

و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الذين كله لله

با آنان بجنگید تا فتنه ای باقی نماند و دین تمامی اش برای خدا باشد

سوره انفال / آیه ۳۹

حافظ قندوزی به اسناد خویش از محمد بن مسلم روایت کرده است که:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: تأویل قول خداوند متعال در سوره انفال «و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة» چیست؟

حضرت فرمودند: تأویل این آیه هنوز نیامده است، پس هنگامیکه تأویل آن بیاید با مشرکان بیکار خواهد شد تا وقتی که توحید خدای عزوجل را بپذیرند و تا زمانی که شرکی نباشد، و این در قیام «قائم» ما خواهد بود.

و لقد كتبنا فی الزبور و من بعد الذکر ان الارض یرتھا عبادی الصالحون

و همانا نوشتیم در زبور. پس از ذکر. که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

سوره انبیاء / آیه ۱۰۵

حافظ قندوزی سلیمان حنفی به اسناد خویش از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره قول خدای متعال: و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرتھا عبادی الصالحون، روایت کرده است که فرمودند: آنها قائم و اصحاب وی هستند.

ان الساعة آتیة لا ریب فیها

به تحقیق ساعت فرا می رسد. تردیدی در آن نیست.

سوره حج / آیه ۷

ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ساعت برپای نشود تا وقتی که مهدی از من، در زمین به حکومت برسد. پیشانی اش گشاده و بینی اش کشیده است. زمین را پر از قسط و عدل می کند همانگونه که پیش از او آکنده از ظلم و جور شده است.

و عدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین ون قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا

خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و اعمال صالح پیشه گرفتند، وعده داده است که در زمین جانشین ساز نشان همان گونه که کسانی را قبل از ایشان جانشین ساخته بود، و همانا دینشان را که برای آنان خشنود گشته است. بهر آنان استقرار و تمکن بخشد و خوف و هراس آنان را مبدل به امن و امان سازد.

سوره نور / آیه ۵۵

علامه نیشابوری - در تفسیر خویش - به هنگام تفسیر آیه «الذین يؤمنون بالغیب» در سوره بقره، گفته است:

مهدی منتظر، که خداوند در قرآن با گفتار خویش «وعدالله الذین آمنو منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض، بدو وعده داده است، و آنچه از پیامبر رسیده است که فرموده:

«اگر از دنیا جز روزی باقی نمانده باشد، خداوند آن رو زرا طولانی گرداند تا اینکه مردی از امت من، که اسم او چون اسم من و کنیه او چون کنیه من است، قیام کند. زمین را همچنانکه پر از ظلم و جور گشته است، از عدل و قسط آکنده سازد.»

گفتارهایی از ائمه معصومین علیه السلام پیرامون حضرت مهدی علیه السلام

قال امیرالمؤمنین علیه السلام

المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله

آنکس که انتظار امر ما را می کشد. همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد

اکمال الدین / جلد ۲ / ص ۶۴۵

قالت صدیقه الکبری (سلام الله علیها)

و اکمل ذلک بابنه محمد رحمه للعالمین . علیه کمال موسی و بهای عیسی و صبر ایوب

و سپس رشته امامت را با فرزند حضرت عسگری (ع) یعنی محمد به پایان می رسانم که او برای عالمیان رحمت است. او دارای کمال موسی. نورانیت عیسی و شکیبایی ایوب است.

اصول کافی / جلد ۱ / صفحه ۵۲۷ / روایت ۳

قال حسین بن علی (ع)

یسلم الله تبارک و تعالی امره فی ليله واحده

خدای متعال امر فرج حضرت مهدی (ع) را در یک شب اصلاح می فرماید.

کمال الدین / باب ۳۰ / حدیث ۲

قال علی بن الحسین (ع)

من ثبت علی موالاتنا فی غیبه قائمنا اعطاه الله اجرا لک شهید من شهدا بدر واحد

آنکس که در مودت و دوستی. در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند خدای متعال پاداش هزار شهید از شهدای بدر واحد را به او اعطا می فرماید.

کمال الدین / باب ۳۱ / حدیث ۷

قال علی بن حسین (ع)

انتظار الفرج من اعظم الفرج

انتظار فرج خود بزرگترین گشایش است.

کمال الدین / باب ۲۱ / حدیث ۲

قال علی بن الحسین (ع)

فی القائم سنه من نوم و هی طول العمر

در حضرت مهدی (عج) شباهتی از حضرت نوح است و آن عمر طولانی ایشان می باشد.

کمال الدین / باب ۴۶ / حدیث ۵

قال محمد بن علی (ع)

اذا قام القائم وضع یدک علی رووس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم

چون قائم قیام نماید دستش را بر سر بندگان قرار دهد و بدین وسیله خردهایشان را جمع کرده اند و اخلاقشان تکامل یابد.

بحار الانوار / جلد ۵۲ / باب ۲۷ / حدیث ۷۱

قال محمد بن علی (ع)

القائم منا اذا قام طلب بشار الحسين

قائم از ماست و به هنگام قیام خونخواهی حضرت حسین (ع) را می نماید.

مکیال المکارم / جلد ۱ / حدیث ۱۲۰

قال محمد بن علی (ع)

القاتل منکم ان لو ادرکت قائم آل محمد نصرته کان کالمقارع بین یدیه بسیفه لا بل کالشهید معه

آنکس که از سر صدق بگوید: اگر زمان حضرت مهدی (عج) را درک می کردم او را یاری می نمودم. مانند کسی است پیروزمندانه پیشاپیش حضرتش شمشیر زند. نه مانند کسی است که همراه حضرتش شهید شود.

کمال الدین / جلد ۲ / باب ۵۵

قال الصادق (ع)

توقع امر صاحبک لیلک و نهارک

صبح و شام منتظر ظهور مولایت باش.

مکیال المکارم / جلد ۲ / باب ۸ / صفحه ۱۵۷

قال الصادق (ع)

من مات و هو عارف لامامه لم یضره تقدم هذا الامرا و تاخر

آنکس که تا دم مرگ مقام امام زمانش را بشناسد چه ظهور پیش افتد و یا پس زیان نمی بیند.

مراه العقول / جلد ۴ / صفحه ۱۸۹

قال الصادق (ع)

من سر ان یكون من اصحاب القائم فلینظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر

هرکس دوست دارد از یاران حضرت مهدی باشد باید انتظار او را داشته باشد و به نیکویی و پرهیزگاری رفتار نماید در اینصورت منتظر اوست.

غیبت نعمانی / باب ۱۱ / حدیث ۱۶

قال الصادق (ع)

کذب الموقتون. ما وقتنا فیما مضی و لانوقت فیما یستقبل

تعیین کنندگان زمان ظهور دروغ گفته اند ما در گذشته هیچ زمانی را برای ظهور تعیین نکردیم و در آینده نیز وقتی را تعیین نخواهیم کرد.

منتخب الاثر / فصل ۶ / باب ۱ / حدیث ۱

قال الصادق (ع)

طوبی لشیعه قائمنا. المنتظرین لظهوره فی غیبه و المطیعین له فی ظهوره

خوشا به حال پیروان قائم ما. آنهایی که به هنگام نهران زیستی چشم به راه ظهورش هستند و هنگام آشکار شدنش فرمانبردارش باشند.

کمال الدین / باب ۳۳ / حدیث ۵۴

قال الصادق (ع)

طوبى لشيئتنا المتمسكين بحبنا فى غيبه قائمنا
خوشا به حال شیعیان ما. چنگ زندگان به ریسمان ما در غیبت مهدی ما.

اثبات الهدی / جلد ۶ / صفحه ۴۱۷

قال موسى بن جعفر (ع)

انما هي محنة من الله عزوجل امتحن الله بها خلقه
همانا امر غیبت آزمایشی است از جانب خدای عزوجل که خلقتش را بدان بیازماید.

بحارالانوار / جلد ۵۱ / باب ۷ / صفحه ۱۵۰

قال موسى بن جعفر (ع)

يغيب عن ابصارالناس شخصه و لا يغيب عن قلوب المومنين ذكره
حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت از چشم مردم پنهان می کرد ولی یادش از دل مومنین نمی رود.
کمال الدین / باب ۳۴ / حدیث ۶

قال على بن موسى الرضا (ع)

من ترك التقية قبل خروج قائمنا فليس و منا
هرکس قبل از قیام حضرت مهدی (ع) تقیه را ترک نماید از ما نیست.
کمال الدین / باب ۳۵ / حدیث ۵

سخنانی از حضرت مهدی علیه السلام

فانا يحيط علمنا بانباتكم و لا يعزب عنا شئ من اخباركم

به درستی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از احوال شما بر ما پوشیده نیست.

بحارالانوار / جلد ۵۲ / صفحه ۱۷۵

و اكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم

هرچه بیشتر در تعجیل فرج دعا کنید که خود گشایش در کارهای شماست.

کمال الدین / جلد ۴ / باب ۵۰

انا غير مهملين لمراعا تكم و لا ناسين لذكركم

همانا ما در رسیدگی به شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما از خاطرمان نمی رود.

بحارالانوار / جلد ۵۳ / باب ۲۱ / توقیع ۷

طلب المعارف من غير طريقنا اهل البيت مساوق لانكارنا

جستجوی معارف جز از راه ما اهل بیت پیامبر مانند انکار ما خواهد بود.

دین و فطرت / جلد ۱

و انى لآمان لاهل الارض كما ان النجوم امان لاهل السما

همانا من مایه امان مردم از عذاب الهی می باشم چنانکه ستارگان برای اهل آسمان مایه امان هستند.

کمال الدین / باب ۴۵ / توقیع ۴

ملعون. ملعون من اخر المغرب الی ان تشتبک النجوم

ملعون است. ملعون است کسی که نماز مغربش را به تاخیر بیاندازد. تا زمانی که ستارگان آسمان پدیدار شوند.
بحارالانوار / جلد ۵۲ / صفحه ۱۵

فما یحسبنا عنهم الا ما یتصل بنا و مانکرهه و لا نوثره منهم

هیچ چیز باعث دوری ما از آنان نمی شود مگر آن امور ناپسندی که از آنان به ما می رسد.

کلمه الامام المهدی / صفحه ۲۰۰

ملعون ملعون من اخر الصلوات الی ان تنقضی النجوم

ملعون است. ملعون است کسی که نماز صبحش را به تاخیر بیاندازد. تا زمانی که ستارگان آسمان محو شوند.
بحارالانوار / جلد ۵۲ / صفحه ۱۶

و بی بدفع الله عزوجل البلا عن اهلی و شیعتی

و به واسطه وجود من است که خداوند عزوجل بلا را از خاندان من و شیعیانم دور می کند.

بحارالانوار / جلد ۵۲ / باب ۱۸ / صفحه ۳۰

و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجت الله علیهم

و اما در حوادث و رویدادها به راویان ما مراجعه کنید همانا ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم.

کمال الدین / باب ۴۵ / توفیق ۴

و لولا ما عندنا من محبت صلاحکم و رحمتکم و الاشفاق علیکم. لکنا عن مخاطبتکم فی شمل

و اگر ما علاقه به صلاح و خیر شما نداشتیم و بر شما شفیق و مهربان نبودیم. همانا از گفتگوی با شما روی می گردانیدیم.

بحارالانوار / جلد ۵۳ / صفحه ۱۷۹

فلیعمل کل امر منکم ما یقرب به من محبتنا و لیتجنب ما یدنیه من کراهیتنا و سخطنا

هریک از شما باید آن گونه عمل کند تا از طریق دوستی ما به ما نزدیک شود و از آنچه که او را به خشم و ناخوشایندی ما نزدیک می کند پرهیز نماید.

بحارالانوار / جلد ۵۳ / باب ۲۱ / حدیث ۷

و لو ان اشیا عنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفا بالعهد علیهم لما تاخر عنهم الیمن بقائنا

و اگر شیعیان ما که خدا آنها را بر طاعت خویش موفق بدارد در وفای به عهدی که بر آنهاست یکدل بودند سعادت ملاقات ما از ایشان به تاخیر نمی افتد.

کلمه الامام المهدی / صفحه ۲۰۰

ان الله معنا فلا فاقه بنا الى غيره و الحق معنا فلن يوحشنا من قعد عنا و نحن صنائع ربنا و الحق بعد صنائنا
به درستی که خدا با ماست و ما را نیازی به غیر او نیست و حق با ماست و از کناره گیری مردم ما را وحشتی
نیست. مخلوق پروردگاران می باشیم و آفرینش دیگران از برکت وجود ماست.

بحارالانوار/ جلد ۵۳ / صفحه ۱۷۸

و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب
و اما نحوه بهره وری از من در ایام غیبتم. همانند بهره وری از خورشید است.
هنگامی که بر پشت ابر. از چشمها پنهان می شود.

کمال الدین / باب ۴۵ / حدیث ۴

من انکر خروج المهدي فقد كفر
آنکس که قیام مهدی را منکر شود به تحقیق کافر شده است.

بحارالانوار/ جلد ۵۱ / صفحه ۷۵

من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی
هرکس قائم از فرزندان مرا منکر شود مرا انکار کرده است.

بحارالانوار/ جلد ۵۱ / صفحه ۷۲

فمن ادرك زمانه فليتمسك بدینه و لا يجعل للشيطان اليه سيلا بشكه
و آنکس که زمان غیبت حضرت مهدی را درک نماید پس باید به آداب و عقاید دینی خویش تمسک جوید و
نگذارد شیطان در او شک و تردید راه دهد

کمال الدین / صفحه ۵۱

مساله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی (عج)

مریم قربانی، فاطمه قربانی

مساله «مهدویت» و اندیشه ظهور حضرت مهدی (عج) و این که وی از سلاله پاک خاندان نبوت، و از دودمان مقام شامخ ولایت (پسر عم، جانشین، و وارث علوم رسول خدا(ص) علی بن ابی طالب (ع) و از ذریه طیبه دخت گرامی پیامبر بزرگ بانوی بانوان عالم حضرت فاطمه زهرا (ع) و از نسل سرور آزادگان جهان حضرت حسین بن علی (ع) است، یکی از مسائل بسیار مهم دینی و مشهور اسلامی است. مساله مهدویت و اندیشه ظهور مهدی (ع) در آخر الزمان، در آئین مبین اسلام، مساله ای اصیل، ریشه دار و با سابقه است که هرگز با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی گردد و با آنکه از زمان رحلت پیامبر تا کنون مدت چهارده قرن از آن می گذرد، اما تنها از فروغ این عقیده کهن و باستانی کاسته نشده است، بلکه با پیشرفت سریع صنعتی و انحطاط اخلاقی جوامع بشری و احساس یاس و نومیدی، و زندگی سراسر رنج زا و درد آلود، هر آن و هر لحظه، عشق سوزان بشریت نسبت به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) بیشتر و نور امید و آرزو در دل‌های خداپرستان افروخته تر، و اشتیاق توده های محروم و دردمند، برای ظهور آن خورشید فروزان شعله ور تر می گردد. در آئین مقدس اسلام کمتر مساله ای را می توان یافت که به اندازه مساله مهدویت به آن اهمیت داده شده باشد و شاید بتوان گفت: در مورد هیچ مساله ای از مسائل حیاتی اسلام به اندازه مساله مهدویت روایت نرسیده است.

زیرا علاوه بر آیات متعددی از «قرآن کریم» که پیشوایان معصوم آنها را به وجود مقدس حضرت مهدی (ع) تفسیر و تاویل کرده اند، روایات فراوانی از طریق اهل سنت نیز از پیامبر گرامی اسلام و صحابه و تابعین و ائمه معصومین درباره ظهور مبارک آن یکتا بازمانده حجج الهی وارد شده است، در این روایات ویژگی های شخصی و اوصاف و جزئیات زندگی آن یگانه مظهر قدرت خداوندی بیان گردیده، و هم اکنون بیش از شش هزار حدیث از منابع و مدارک معتبر شیعه و سنی درباره آن وجود مقدس در دسترس ما قرار دارد^۱

مساله، مهدویت، و اندیشه ظهور حضرت مهدی که به عنوان یک شخصیت ممتاز الهی، و رهبر آسمانی، و «خاتم اوصیا» و آخرین سفیر خداوند، در پایان جهان ظهور خواهد کرد و بر سر تاسر کره خاکی استیلا خواهد یافت و به وسیله آن وجود مقدس، همه مکتبهای موجود زمان و حکومت های مقتدر جهان و تمام نیروهای تخریبی، و قدرت های اهریمنی، نابود خواهند شد، و در تمام جهان، صلح و صفا عدالت و امنیت بر اساس حکومت حق و عدل برقرار خواهد گردید، اندیشه ای است که کلیه فرق اسلامی آن را پذیرفته و سرسختانه از آن دفاع می نمایند^۲

مساله مهدویت، و اندیشه ظهور حضرت مهدی و گسترش جهانی ایمان اسلامی، و پیروزی نهایی حق بر باطل، و استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی و بالاخره تشکیل «مدینه فاضله» و حکومت جهانی واحد، در میان «مسلمانان» ریشه قرآنی دارد. قرآن کریم، با قاطعیت هرچه تمامتر، پیروزی نهایی ایمان اسلامی،

^۱ - متن ۶۰۰۰ حدیثی که یاد آور شده ایم در کتاب نفیس «منتخب الاثر» نوشته دانشمند گرانقدر، آیه الله لطف الله صافی گنپایگانی جمع آوری شده است. در این کتاب جمعا ۶۲۰۷ حدیث با ذکر ماخذ از ۱۵۴ کتاب معتبر شیعه و سنی نقل شده است.

^۲ - برای اطلاع بیشتر به بخش چهارم کتاب که تحت عنوان: اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی آورده ایم مراجعه فرمایید.

و غلبه قطعی «صالحان و پرهیزکاران» بر مستکبران و زورمندان و کوتاه شدن دست جباران و ستمکاران از دامان محرومان و مستضعفان و آینده درخشان فرزندان انسان را در پرتو حکومت حق و عدل الهی به همه مسلمانان و پیروان ادیان وعده داده است.^۲

۱- ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه جامعه اسلامی :

مساله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان ، یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام ، و از اعتقادات قطعی عموم مسلمانان است ، که شیعه و سنی در طی قرون و اعصار متمادی همه بر این عقیده اتفاق نظر داشته و آن را جزء عقاید قطعی خود می دانند .

اگر چه وجود این عقیده در اسلام به خصوص در میان شیعیان ، از مسایل بسیار حایز اهمیت و از اعتقادات بنیادی محسوب می شود و از این رهگذر در میان همه مذاهب اسلامی ، شیعیان بیش از همه با این عقیده شناخته شده اند لذا برخی از افراد ناآگاه و بی اطلاع ، یا لجوج و معاند پیوسته کوشیده و می کوشند تا این عقیده را در مذهب شیعه محصور کنند ، ولی هرگز عقیده به ظهور حضرت مهدی در اسلام اختصاص به شیعه ندارد بلکه عقیده به ظهور حضرت مهدی مورد اتفاق و اجماع همه مسلمین بوده و کلیه فرق اسلامی در این عقیده با هم اتفاق نظر دارند و حتی فرقه ساخته شده « وهابیت» نیز آن را جز عقاید قطعی و مسلم خود می دانند و به طور جدی از آن دفاع می نمایند ، و معتقدند که : اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع) بر هر مسلمانی واجب است و جز افراد نادان و بی اطلاع و بدعت گزار ، منکر آن نخواهند بود^۳

مساله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) یکی از ضروریات دین مقدس اسلام است که منکر آن از آیین اسلام بیرون است . از این رو کلیه مسلمانان از شیعه و سنی و به طور کلی عموم امت اسلامی عقیده دارند ، که بر اساس روایات وارده ، ناچار باید در آخرالزمان (و تاریک ترین دوران تاریخ بشر) مردی از خاندان پیامبر (ص) به نام حضرت مهدی(ع) ظهور کرده بر همه کشورها مسلط شود ، و دین را تایید بخشد، و سراسر روی زمین را پر از عدل و داد کند و او از دودمان پیامبر اکرم (ص) و از نسل حضرت فاطمه (ع) است . از نظر مسلمانان ، مساله «مهدویت» و عقیده به ظهور مهدی موعود (ع) یک اعتقاد عمیق دینی و مذهبی و یکی از مهمترین و حساس ترین فرازهای عقیدتی اسلامی است .

این عقیده در اسلام و به خصوص در میان شیعیان ، از اعتقادات بنیادی و تردید ناپذیری است که هیچ گونه شک و تردید در آن وجود ندارد .

عموم مسلمانان و به ویژه شیعیان عقیده دارند که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ع) از ضروریات مذهب است ، و اخبار و روایات مربوط به آن حضرت از طریق شیعه و سنی به حد «تواتر» رسیده است .^۴

عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک مهدی موعود که در روایات متواتر اسلامی با اوصاف، « قرشی، هاشمی، فاطمی، علوی، حسنی، حسینی» معرفی گردیده و نویدهای ظهور مبارک آن حضرت سالها

^۲ - در زمینه غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران بر مستکبران و وعده های نوید بخش قرآن به مسلمانان در بخش هشتم تحت عنوان : « نویدهای ظهور حضرت مهدی در قرآن کریم » به تفصیل سخن گفته ایم به آنجا رجوع شود.

^۳ - رک : بخش چهارم (اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی (ع) .

^۴ - خبر « متواتر» خبری است که جماعتی آن را نقل کنند که راویان آن در کثرت و فراوانی به حدی باشند که عادتاً اتفاق و توطئه آنها بر دروغ محال باشد و از اخبار آنها علم به صحت خبر حاصل شود و این گونه روایت حجت است این حجر عقلانی در کتاب « نزهة النواظر» صفحه ۱۲ می نویسد : خبر متواتر مفید یقین است و عمل کردن به آن نیاز به بحث ندارد .

پیش از ولادت با سعادتش از زبان مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و خاندان پاکش برای امت اسلامی بازگو شده یک امر قطعی و مسلم است .

عموم مسلمانان عقیده دارند که ظهور مبارک حضرت مهدی در آخرالزمان ، وعده قطعی خداوند است و نویدهای ظهور آن موعود جهانی در قرآن کریم و روایات اسلامی به صورتی گسترده در نهایت وضوح و روشنی بیان شده است .

عموم مسلمانان عقیده دارند که طبق وعده های قرآن کریم و روایات اسلامی آینده تاریخ و در آخرالزمان مردی از اهل بیت به نام حضرت مهدی (ع) ظهور خواهد کرد که دین را تائید و عدل و داد را آشکار خواهد نمود و دشمنان دین و انسانیت چه بخواهند و چه نخواهند سرانجام او ظاهر می شود و بر همه کشورها و ممالک اسلامی مسلط می گردد.

در زمان او اسلام جهانگیر می شود سراسر روی زمین پر از عدل و داد می شود ، پرچم توحید و یکتاپرستی در همه جهان به اهتزاز در می آید ، دینی جز دین مبین اسلام باقی نمی ماند ، نظام جهانی بر اساس ایمان به خدا و احکام اسلام استوار می گردد، بر تمام جهان دین واحد ، قانون واحد ، نظام واحد ، و رهبر واحد حکومت می کند و در همه جا صلح و صفا ایجاد می شود و حق و عدالت پیروز و ظلم و ستم یکسره از بین می رود .

عموم مسلمانان عقیده دارند که با جهانی شدن ظلم و ستم ، فساد و تبهکاری و وجود حکومت های ظالمانه با معیارهای غیر عادلانه در سطح جهان ، از نقطه نظر رحمت الهی ، ظهور مهدی موعود یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که طبق وعده های صریح اسلامی آنچنان که در قرآن کریم و اخبار اهل بیت آمده است سرانجام باید ظاهر شود کاخهای ستمگران را بر سرشان فرو ریزد ، پرچم حق و عدالت را بر فراز گیتی به اهتزاز در آورد ، ریشه ظلم و بیداد را از بیخ و بن برکند و بر ویرانه های کاخ جباران و ستمکاران جهانی آباد و آزاد بنیان نهد ، و انسانها را از زیر یوغ استعباد ، استثمار و استعمار رهایی بخشد .

عموم مسلمانان و به ویژه شیعیان ، عقیده دارند که ظهور حضرت مهدی یک امر محتوم و مسلم است که بدون تردید واقع خواهد شد و کفر کافران ، لجاجت منکران و سرسختی معاندان در تحقق اراده و مشیت الهی و ظهور منجی آسمانی ، کمترین اثری نخواهد داشت و از این رو همه منتظر و چشم به راهند ، و همه انتظار روزی را می کشند که ندای نوید ظهور «منجی موعود» در سرتاسر جهان طنین انداز شده همه ساکنان روی زمین ، طنین آن ندای آسمانی را با گوش خود بشنوند و از جان و دل اجابت کنند ، و سر از پا نشناخته شتابان به سویش روان گردند .

آنچه در مقام معرفی مهدی موعود در منابع معتبر شیعه و سنی آمده بدین قرار است .

« او حجت خدا ، خاتم اوصیا، رهایی بخش امت مهدی منتظر قائم آل محمد صاحب الامر ، صاحب الزمان ، عدالت گستر ، بقیه الله ، صاحب شمشیر ، ظاهر کننده دین ، خلف صالح ، باعث ، وارث ، صاحب ، خالص ، صاحب الدار (صاحب خانه) مامل ، مومل (امید آینده) نایب برهان باسط (گسترنده) نایب (انقلابی) منتقم ، سید ، جابر (ترمیم کننده دین) ، خازن (خزینة دار علوم الهی) امیر امیران ، قاتل تبهکاران آقای دو جهان و امام منتظر برای تاسیس حکومت عدل الهی است .^۶

نهان زیستی آن حضرت بدین معناست که دور از چشم مردمان ولی زیر همین آسمان کبود بسر می برد . اگر برخوردی هم برایش پیشامد کند ، اغلب ناشناخته می ماند و دیدارهایش با شیعیان تنها به اذن خداست .

^۶ - دلایل الامامه ، ص ۵۰۲ ، منتخب الاثر ، ص ۲۵۶-۳۲۴-۳۲۶-۳۴۵-۳۴۶-۴۶۷ بنایع الموده ج ۳ ص ۱۰۹ و بسیاری از کتابهای روایی دیگر .

هم اکنون سال ۱۴۱۴ هجری قمری - نزدیک به ۱۱۵۹ سال از عمر شریفش می گذرد و بنا به اراده مشیت حکیمانه الهی، هنوز شاداب، جوان و نیرومند است^۷ و این حالت کهنسالی و نافر سودگی او، بهترین محک برای رسوایی و سیه رویی دروغگویان و دروغ پردازان «مهدی نما» و مدعیان مهدویت است. مهدی قائم (ع) وارث نهایی فضایل و کمالات انبیاء و اولیاء خداست. در خرد و دانش از همه پیشتر است و در طاعت و عبادت و بندگی از همه پیشروتر، و در کرم و بخشش از همه پیشگام تر و در شجاعت و شهامت و رشادت از همه پیشتازتر است^۸

در سایه چنین حکومتی، ظلم، جور، جفا، تعدی و تجاوز و جنایت و خیانت ریشه کن می گردد^۹ و برادری و برابری و عدالت و محبت، همه جا را فرا می گیرد^{۱۰} تعالیم سعادت بخش اسلام به بهترین شکل به اجرا در می آید، و آئین جاوید رسول اکرم (ص) همه سرزمینها سایه گستر می شود. در تمام معابدی که غیر خدا پرستش می شد تنها خدا را می پرستند، و همگان به کیش توحید می گرایند^{۱۱} و آنها که به هیچ رو در برابر منطق و برهان سر فرود نمی آورند و هنوز به وسوسه نفس و ابلیس به بتها و طاغوتها دلبستگی تام و تمام دارند و به حکومت «الله» به هیچ وجه گردن نمی نهند، نابود می گردند^{۱۲} و جانیان، زورگویان، آشوبگران و گردنکشان همگی از بین می روند.

انتقام خون شهیدان راه حق - بویژه سرور آزادگان حضرت حسین بن علی (ع) از جلادان و خونخواران گرفته میشود^{۱۳}.

زمین، برکات بی شمار خود را نثار مقدم مبارک حضرتش می نماید، و گنجهای پربهایش را برای او آشکار و پدیدار می سازد همه جا سبز، خرم، شاداب و شکوفا می گردد. آسمان نیز نعمت های بی مانندش را بر زمین فرو می بارد فراوانی نعمت و برکت، به گونه ای زندگی را برای مردم شیرین و دلپذیر می سازد که مردگان آرزوی برگشت به دنیا و زندگی دوباره را می کنند^{۱۴}

حضرت مهدی دست عنایت خود را بر سر مردم می گذارد و با پرتوی از ولایت به آنان رشد عقلانی و کمال اخلاقی می بخشد^{۱۵} و زمین به نور پروردگار جهان، پر فروغ و درخشان می گردد. هر کجا ویرانه ای باشد به فرمان حضرتش آباد می شود امن و امان بر همه جا سایه افکن شده، و ترس، هراس و نگرانی از میان می رود تا حدی که زنی تنها، با زیب و زیور، مسافتی طولانی را می پیماید بدون آن که هراسی از راهزنان یا درندگان به دل راه دهد^{۱۶}.

^۷ - منتخب الاثر ص ۲۸۵ و ۲۲۱، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۱، بیروت، کمال الدین ج ۲، ص ۳۶۶ باب ۵۷: ح ۱۲ و بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۳۶ و ج ۵۳ ص ۶

^۸ - در این زمینه در بخش های مختلف این کتاب به تفصیل سخن رفته است.

^۹ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۴ ح ۸۸. کمال الدین باب ۳۳، ح ۷

^{۱۰} - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱

^{۱۱} - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴: کمال الدین باب ۳۳، ح ۳۱

^{۱۲} - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰، ح ۲: کمال الدین باب ۳۴، ح ۶

^{۱۳} - مکیان المکارم، ج ۱، ص ۶۳، ح ۱۲۰: بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۲۱۸، ح ۷

^{۱۴} - مستدرک - حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵؛ و منتخب الاثر، ص ۱۴۶، فصل ۲، باب اول، ح ۱۳

^{۱۵} - بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۳۶، ح ۷۱

^{۱۶} - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶، ح ۱۱؛ مکیان المکارم، ج ۱ ص ۱۰۱، ح ۲۲۸

اموال عمومی و ثروت های همگانی را میان مردم یکسان بخش و پخش می نماید^{۱۷} و مردم آنچنان دست گشاده و سخاوتمند و مهربان خواهند شد که انسان حاجتمند، بدون آن که لازم باشد تمنایی کند یا تقاضای بر زبان آورد یا دست نیاز به سوی این و آن دراز کند از جیب برادر ایمانی خود به اندازه نیاز بر می دارد و پس از فراغ و گشایش، آن را باز می گرداند^{۱۸}.

تعلیم و تربیت در زمان آن حضرت گسترش می یابد؛ حضرتش چندین برابر علوم و معارفی را که فرستادگان الهی برای بشر آورده اند، آشکار می سازد^{۱۹}.

سطح دانش مردم آنچنان بالا می رود که زنان در خانه یارای آن را دارند که بر پایه کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند^{۲۰}.

روزگار زرین تاریخ بشر، که مصلحان و اندیشمندان جهان به نام های گوناگون چون: «مدینه فاضله»، «شهر آفتاب» و سرزمین «الدورادو» از آن یاد کرده اند^{۲۱} همین دوران است که نوید تحقق حتمی و قطعی آن در یک آیه از آیات قرآن مجید به اجمال آمده است آنجا که خدای عز و جل می فرماید:

خداوند به کسانی که از شما، که ایمان آورده و عمل نیک و شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتما آنها را خلیفه روی زمین خواهد گرداند، همان گونه که مردم پیشین را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آیینی را که برایشان پسندیده در سراسر جهان گسترده و پا بر جا خواهد ساخت، و ترس و هراسشان را به آرامش و امنیت مبدل خواهند نمود، آنچنان که همگان تنها مرا پرستش نمایند، و چیزی را که شریک من قرار ندهند و بعد از آن هر کس که کافر شود از پلیدان و بدکاران خواهد بود.

در این آیه قرآن چهار نوید اساسی به مومنان صالح داده شده است:

۱- حکومت واحد جهانی با رهبری آخرین حجت خدا حضرت مهدی به سیله مردمان صالح و با ایمان اداره خواهد شد.

۲- نظام کامل و عالی اسلامی در سراسر گیتی، برقرار خواهد شد و قوانین نجات بخش و سعادت آفرین، اسلام دقیقا به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۳- بیم و هراس توده مردم به آسایش و امنیت مبدل خواهد گشت.

۴- همگان، خدای یکتای بی همتا را خواهند پرستید و هرگونه شرک، کفر و بت پرستی ریشه کن خواهد گردید.

چکیده و عصاره این چهار برنامه، همان جمله معروف و مشهوری است که شیعه و سنی در کتاب های معتبر خود نقل کرده اند، و بیش از هر عبارت دیگری در مورد خروج قائم آل محمد بر زبان مبارک پیامبر و دودمان پاکش جاری گشته که فرموده اند:

يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَّ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَّ جُورًا^{۲۲}

سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

^{۱۷} - عقد الدرر، ص ۴۰، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷ و منتخب الاثر، ص ۱۴۷

^{۱۸} - اختصاص مفید، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲

^{۱۹} - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، ج ۷۳

^{۲۰} - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، ج ۱۰۶

^{۲۱} - مدینه فاضله، تعبیر افلاطون است و سرزمین «الدورادو» تعبیر «ولتر» و «شهر آفتاب» تعبیر «توماس کامپانلا»

^{۲۲} - منتخب الاثر، ص ۲۴۷-۲۴۹ فصل ۲، باب ۲۵

زمان ظهور منجی عالم تعیین نشده است^{۲۳} سبب این « نامعینی » وابستگی مستقیم زمان ظهور به پندار و گفتار و کردار آزادانه مردم است و این چیزی است که جامعه اسلامی و به خصوص شیعیان دوازده امامی درباره مهدی موعود و ظهور او بدان عقیده دارند و چشم به راه هستند ، و از همه منادیان آزادی و مدعیان بشر دوستی که به دروغ هر روز در گوشه ای از جهان ندای آزادی سر می دهند ولی خود در فرصت های مناسب آزادی را از ریشه و بن بر می کنند ، بیزارند ، و تنها در انتظار ظهور آن یگانه منجی آسمانی و مصلح الهی بسر می برند .

۲- اصالت مهدویت و انکار ظهور حضرت مهدی از سوی برخی از مغرضان و معتصبان :

مساله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی یکی از مسائل بسیار مهم و مشهور اسلامی است که ریشه های ثابت آن در کتاب و سنت ، آیات و روایات قرار داشته و در منابع و مدارک اهل سنت نیز در باره آن از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و صحابه و تابعین روایت شده است و حتی در معروفترین و معتبرترین و اصولی ترین منابع حدیثی اهل سنت مانند (مسند احمد حنبل)^{۲۴} (و صحاح سته)^{۲۵} روایات مربوط به آن حضرت به فراوانی آمده است .

با این حال ، برخی از معتصبان ، مغرضان و کج اندیشان ، و یا افراد عنود و لجوج ، و یا بالاتر از آن تحصیل کرده های از خود راضی ، از اهل سنت - که علم و دانش خود را والاتر از حق و حقیقت می پندارند و همه چیز را با معلومات ناقص خود می سنجند و به هر که با معلومات ناقصشان سازگار نباشد با دیده تردید و انکار می نگرند ، و زبان به ایراد و اعتراض می گشایند ، موضوع بدین روشنی را مخدوش نموده و پس از گذشت ۱۴ قرن از این واقعیت در عصر تمدن و فرهنگ تمام مطالب کتابهای خودشان را نادیده گرفته و عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) را افسانه ای پنداشته اند که فقط شیعه معتقد به آن است !!^{۲۶} .

غافل از این که مساله مهدویت و عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) در اسلام مساله ای اصلی و ریشه دار است و اختصاص به « تشیع » ندارد و قبل از این که یک عقیده « شیعی » باشد ، یک عقیده اسلامی ثابت و خالص است که مدت چهارده قرن از عمر آن می گذرد و در طول این مدت پیوسته مورد اتفاق و اجماع عموم مسلمانان بوده و علما ، دانشمندان ، نویسندگان ، محققان و محدثان از شیعه و سنی در این باره کتابها ، رساله ها و مقاله ها نوشته اند ، تا آنجا که هم اکنون بیش از پنجاه جلد کتاب معتبر و مستقل درباره وجود مقدس حضرت مهدی از علمای اهل سنت^{۲۷} و متجاوز از یک هزار جلد کتاب مستقل در مساله مهدویت در دست است^{۲۸} که این خود دلیل قاطعی بر اصالت مساله مهدویت و ریشه دار بودن این عقیده است .

ما در اینجا در مقام پاسخگویی به افتراهای ناروای این گونه افراد عنود و ماجراجو نیستیم و پیش از این ، دانشوران ، پژوهشگران و اندیشمندان آزاد اندیش و منصف جهان در این باره حق مطلب را ادا کرده و پاسخ یاره

^{۲۳} - منتخب الاثر ص ۳۰ ، ح ۴۱ و کفایه الاثر ، ص ۱۶۸

^{۲۴} - این احادیث را می توانید به خصوص ، در کتاب « مسند احمد بن حنبل » جلد یکم ص ۸۴ ، ۹۹ ، ۳۷۶ و ج ۲ ، ص ۳۳۶ ، و جلد سوم ص ۱۷ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۳۶ ، ۹۸ ، ۳۱۷ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶ ، ۳۸۴ ، و جلد پنجم ص ۵۷۷ ، و جلد ششم ص ۳۱۶ ملاحظه کنید

^{۲۵} - صحاح سته « معتبرترین کتاب روایتی اهل سنت می باشد که عبارتند از : صحیح بخاری ، صحیح مسلم ، سنن ابی داود ، سنن ترمذی ، سنن نسائی و سنن ابن ماجه

^{۲۶} - به کتاب دانشمندان ، عامه و معدی موعود (ع) مراجعه فرمائید .

^{۲۷} - اسامی آنها را در کتاب « الامام المهدی » علی محمد علی دخیل ، صفحه ۲۶۰ ، و کتاب « او خواهد آمد ص ۷۹ ، ۸۴ بخوانید»

^{۲۸} - انتظار ، بذر انقلاب ، ص ۱۶ و روزگار رهایی ، ج ۱ ص ۱۶

گوئیهای آنان را داده اند ولی آنچه گفتن و نوشتن آن بر یک انسان مسلمان با ایمان لازم است و به صراحت باید اعلام نماید این است که مهدی موعود یک انسان عادی و یا قهرمان خیالی نیست، بلکه او حجت خدا، و جانشین پیامبر (ص) و مردی الهی و آسمانی و مظهر قدرت خداوند است که پذیرش و انکار او از سوی شخصی یا گروهی ذره ای از شکوه و عظمت او نمی کاهد زیرا او چون مهر تابان و خورشید فروزانی است که سرانجام به هر خانه ای خواهد تابید و از هر روزنه ای خواهد درخشید و هرگز تیرگی اندیشه جاهلان و تنگ نظری خفاشان از نور افشانی آن آفتاب عالم تاب مانع نخواهد شد.

شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد

آری! ظهور مبارک حضرت مهدی (ع) از وعده های حتمی پروردگار است، و خداوند در وعده هایش تخلف نمی ورزد و بی شک قیام شکوهمند آن مصلح پیروز تحقق خواهد یافت. و دنیا را آنچنان که پر از ظلم و جور شده از عدل و داد پر خواهد نمود و انکار منکران لحظه ای آن را به تاخیر نخواهد انداخت همچنین اعتراض معترضان که بدون توجه به دلایل روشن و براهین آشکار بی مهابا به پیش می تازند و از شنیدن حق و پذیرفتن آن امتناء می ورزد در تحقق ظهور آن مصلح الهی هیچ گونه اثری نخواهد داشت و ظهورش بدون تردید به وقوع خواهد پیوست و کسی را یارای مقاومت در برابر آن نخواهد بود.

و یستنبئونک احق هو قل ای و ربی و انه لحق و ما انتم بمعجزین^{۲۹} :

از تو می پرسند آیا به راستی آن حق است؟ بگو آری! به پروردگارم سوگند که حق است و شما هرگز راه فراری ندارید^{۳۰}

فورب السماء و الارض انه لحق مثل ما انکم تنطقون^{۳۱}

« به پروردگار آسمان و زمین سوگند، که این وعده، همانند این که شما با یکدیگر سخن می گوید حق و حقیقت است.»

۳- ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه صحابه و تابعین :

اصل مساله مهدویت و ظهور حضرت مهدی در چهارده قرن گذشته بین تمام مسلمانان مطرح بوده است و صحابه بزرگ رسول خدا (ع) و تابعین و سپس تابعین و سایر طبقات روات از آن زمان تا به امروز روایات مربوط به آن حضرت را با تمام مشخصات، اوصاف و نشانه ها روایت نموده و علما و محدثان بزرگ اسلامی نیز آنها را در کتابهای خود گردآوری نموده و حتی برخی از آنان در این خصوص کتابهای مستقلی تالیف کرده اند.

بسیاری از شخصیت های سرشناس علمی، ادبی و سیاسی نیز ایمان و عیده خود را نسبت به این موضوع در اشعار و کتاب ها اظهار داشته اند و در موارد متعددی اصالت این عقیده را مورد تایید قرار داده و در فرصت های مناسب سخنانی در این رابطه ابراز داشته اند که در کتب تاریخ ثبت گردیده تا در اختیار آیندگان قرار بگیرد. در این زمینه، شواهد بسیار زیادی از کتب حدیث، تاریخ، تفسیر، لغت، جغرافی، رجال، عقاید، کلام و حتی شعر و ادب از عربی و فارسی در دست داریم که نشانه اصالت مهدویت و حقیقت این اعتقاد بزرگ اسلامی است اینک قسمتی از آنچه که در این زمینه از شخصیت های علمی، ادبی و سیاسی نقل شده می آوریم.

^{۲۹} - سوره یونس، آیه ۵۳

^{۳۰} - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۰ به نقل از روزگارهایی، ج ۱ ص ۷۱

^{۳۱} - سوره الذاریات آیه ۲۳

عثمان بن عفان می گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: امامان بعد از من ۱۲ نفرند که ۹ نفر آنها از فرزندان حسین (ع) هستند و مهدی این امت از ما اهل بیت است - هر کس که بعد از من به آنها تمسک گوید به ریسمان الهی تمسک جسته و هر کس از آنها دوری گزیند از خدای تعالی دوری گزیده است.^{۳۲}

حذیفه بن یمان می گوید:

«از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود وای بر این امت از دست پادشاهان ستمگری که بندگان خدا را می کشند و آنها را می ترسانند هنگامی که خداوند اراده کند که عظمت و عزت اسلام را باز گرداند همه ستمگران سرکش و عنود را هلاک می سازد که او بر هر چه بخواهد قادر است او این امت را پس از آن که تباه شده اند اصلاح می کند ای حذیفه اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می سازد تا اینکه مردی از اهل بیت من جهان را مالک شود و اسلام را آشکار و ظاهر گرداند و خداوند هرگز در وعده خود تخلف نمی ورزد^{۳۳}

طاووس یمانی می گوید:

«بسیار دوست داشتم که نمیرم تا آنکه زمان حضرت مهدی (ع) را درک کنم زیرا در آن زمان به پاداش نیکوکاران افزوده می شود و از گناه گنهکاران جلوگیری می شود و آن حضرت مال را به فراوانی بخشش می کند و بر مسئولین کشوری بسیار سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار رئوف و مهربان است.^{۳۴}

صعصعه بن صوحان می گوید:

«آن شخص بزرگواری که حضرت عیسی پشت سر او نماز می گزارد دوازدهمین نفر از عترت رسول خدا (ص) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین (ع) است. اوست خورشید فروزانی که از مغرب طلوع می نماید، در بین رکن و مقام در کنار کعبه - ظاهر می شود و زمین را از وجود ستمگران پاک می سازد و ترازوی عدل را برقرار می نماید به طوری که هیچ فردی به فرد دیگری ستم نخواهند کرد.^{۳۵}

گفتار منصور خلیفه عباسی:

سیف بن عمیره نقل می کند: روزی در نزد ابوجعفر منصور خلیفه عباسی بودم که خود آغاز سخن کرد و به من گفت: ای سیف به ناچار ندا کننده ای از آسمان به نام مردی از فرزندان ابوطالب ندا خواهد کرد.

گفتم: ای امیر شما هم این مطلب را روایت می کنی؟

گفت: آری به خدایی که جان من در دست قدرت اوست که من این موضوع را با دو گوش خود شنیده ام.

گفتم من این حدیث را پیش از این نشنیده بودم

گفت: ای سیف این حدیث حق است و چون چنین است ما سزاوارتریم که آن را اجابت نمائیم بدان که منادی به نام مردی از عموزادگان ما ندا خواهد کرد.

^{۳۲} - کفایه الاثر، ص ۹۳

^{۳۳} - بشاره اسلام ص ۳۲، بهار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳، ح ۲۸، ینابیع المودد ج ۳، ص ۲۹۸ غایه المرام، ص ۷۰۰ و منتخب الاثر ص ۱۴۹

^{۳۴} - عقداالدرر، ص ۱۴۳، والملاحم و الفتن، ص ۱۴۸، باب ۱۵۱، ح ۱۸

^{۳۵} - الامام المهدی (ع) ص ۸۵، ح ۱۲

گفتم : مردی از فرزندان فاطمه ؟

گفت: آری ، ای سیف اگر این مطلب را از محمد بن علی امام باقر (ع) نشنیده بودم ، آن را برای تو بازگو نمی نمودم ، ولی گوینده محمد بن علی است و در همه روز زمین کجا توان کسی را مانند او پیدا کرد ^{۳۶} .
گفتار هارون الرشید :

سلیمان بن اسحاق که خود از بنی عباس و از نواده های عبدالله بن عباس است گوید: پدرم برای من نقل کرد که روزی نزد هارون الرشید بودم که از « مهدی » و عدالت او سخن به میان آمد و سخن در این باره به درازا کشید .

آنگاه هارون الرشید گفت : گمان من این است که شماها چنین می پندارید که پدر من مهدی عباسی همان مهدی موعود است ولی من به شما می گویم که پدرم از پدرانش از ابن عباس و او از پدرش عباس بن عبدالمطلب برای من نقل کرد که پیامبر خطاب به عباس فرمود :

ای عمو ! دوازده نفر از فرزندان من امام خواهند بود . حوادث ناگواری روی خواهد داد و روزگار بسیار سختی فرا خواهد رسید ، آنگاه مهدی (ع) که از فرزندان من است ظاهر می شود و خداوند امر او را در یک شب اصلاح می نماید او سراسر زمین را پر از عدل می کند همان گونه که پر از ستم شده است آنگاه هر چه خدا بخواهد در زمین حکومت می کند . ^{۳۷}

۴- عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) از نظر اقوام و ادیان:

انتظار ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی و امید به آینده و استقرار صلح و عدل جاویدان ، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملتی اختصاص ندارد .

از این رو ، همه افراد طبق فطرت ذاتی خود مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تایید و عنایت پروردگار ، از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات یافته ، شور و بلوا در جهان پایان پذیرد و انسانها از وضع فلاکت بار کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه ای که انسان است نایل آیند .
در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان از مصلحی که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد، سخن به میان آمده و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه به مردم با ایمان جهان ، نویدهایی داده اند .

در این زمینه یکی از نویسندگان معروف چنین می نویسد :

موضوع ظهور و علایم ظهور ، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت ، و طالب تکامل معنوی وقتی که از همه نا امید می شود و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز باز متاسفانه ، بشریت غافل و بی خبر روز به روز خود را به سوی فساد و تباهی می کشاند و از

^{۳۶} - عقد الدرر ، ص ۱۱۰ ، ارشاد مفید ، ص ۳۳۷ ، کافی جلد ۸ ص ۲۰۹ - بحارالانوار جلد ۵۳ ص ۲۸۸ ، والمهدی

ص ۵۱

^{۳۷} غایه المرام ، ص ۷۰۴ ، فرائد السمطین ، ج ۲ ص ۳۲۹ ، باب ۶۱ ، و الامام المهدی ص ۳۰۷

خداوند بزرگ بیشتر دوری می جوید ، و از اوامر او بیشتر سرپیچی می کند بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید .

از این رو در همه قرون و اعصار ، آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ مانند : زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمان ، سابقه دارد بلکه آثار آن را در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان و حتی مکزیکی و نظایر آنها نیز می توان یافت .^{۳۸}

آری عقیده به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی در پایان جهان ، یکی از مسایل بسیار مهم و حساسی است که نه تنها در آیین مبین اسلام ، بلکه در همه ادیان آسمانی ، و نه تنها در میان پیروان ادیان و مذاهب بلکه در نزد بسیاری از مکاتب مختلف جهان سابقه دیرین دارد و تمامی پیروان ادیان بزرگ عالم از مسیحیان ، کلیمیان و زرتشتیان گرفته تا پیروان مکتب های الحادی ، همه و همه بدان عقیده دارند .

پیروان ادیان و مذاهب گوناگون و دیگر ملل و اقوام گذشته و مکاتب مختلف جهان درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند ، مسلمان او را « مهدی موعود منتظر و پیروان سایر ادیان و ملت‌ها و توده های محروم ، وی را « مصلح جهانی » یا « مصلح غیبی » یا « رهاننده بزرگ » یا « نجات بخش آسمانی » و یا « منجی اعظم » می نامند ولی درباره اوصاف کلی برنامه های اصلاحی ، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی و ظهور او در آخر الزمان اتفاق نظر دارند .

جالب توجه این که حتی در این اواخر نیز این عقیده در بین گروهی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ جهان به عنوان « لزوم تشکیل حکومت واحد جهانی » در سطح وسیعی مطرح گردیده است .

« عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه ای که در تمام مسایل علمی نصیب بشریت شده ، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسایل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است

امروز بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه مشهور جهان نیز عقیده دارند که با پیشرفت سریع صنعت و تکنولوژی ، زندگی ماشینی ، رقابت های نا سالم نظامی ، بازیهای خطرناک سیاسی و احساس یاس و نا امیدي در بین جوامع بشری برای رهایی از اوضاع نابسامان کنونی ، تشکیل حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت آزادی لازم و ضروری است .^{۳۹}

بنابراین برغم افکار بیمارگونه کوتاه نظران کج اندیش که می پندارند مساله مهدویت و انتظار ظهور یک رهبر بزرگ آسمانی در پایان جهان ، از مختصات مسلمانان و یا از عقاید خاص شیعیان است و می کوشند تا با تلاش مذبوحانه خود آن را در یک مکتب خاص محصور کنند این مساله اختصاص به مسلمانان و شیعیان ندارد ؛ بلکه یک اعتقاد عمومی مشترک است که همه امت ها و ملت ها و پیروان ادیان و حتی مکاتب مختلف فلاسفه ، دانشمندان و اندیشمندان واقع بین جهان نیز در این عقیده و مرا با هم شریک اند .^{۴۰}

^{۳۸} - مقدمه کتاب « مهدی موعود » ترجمه سیزدهم بحار ، ص ۱۷۷ و مهدی انقلابی بزرگ ص ۵۷ ، به نقل از کتاب علائم

الظهور

^{۳۹} - به بخش یازدهم ، تحت عنوان « نظریات فلاسفه و دانشمندان درباره آینده جهان » مراجعه فرماید

^{۴۰} - در مورد این که همه امت‌ها و ملت‌ها درباره ظهور حضرت مهدی با هم عقیده اند در بخش نهم تحت عنوان « نویدهای

ظهور مهدی موعود در کتب مقدسه » در کتب مقدسه به تفصیل سخن رفته است

اصالت اعتقاد به ظهور منجی :

عقیده به ظهور یک نجات دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن ، نگرانیها و هراسها مرتفع گردد، و ب برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه تاریکیها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود ، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت ، در همه جا و در همه زمانها بین تمام ملتها شایع و رایج بوده است .

این عقیده در طول دوران زندگی انسانها پیوسته در میان همه ملتها و پیروان ادیان بزرگ موجود بوده و حتی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها ، ژرمنها ، اسنها و سلتها ، نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده بی عدالتی ها را از بین برده حکومت واحد جهانی تشکیل داده بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند .

مساله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل ملتها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت ، انسانها در فراز نشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری ، پیوسته خود را از یاس و ناامیدی نجات داده و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان ، لحظه شماری می کنند.

عقیده به ظهور یک نجات دهنده حتی از نظر یهود و نصاری نیز قطعی است. و حتی این که در میان همه طوایف یهودو همه شاخه های مسیحیت وجود این عقیده قطعی و مسلم است.

انتظار ظهور «منجی» در بین یهود و نصاری:

نویسنده آمریکایی کتاب « قاموس مقدس » درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش یک «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم «یهود» چنین می نویسد:

عبرانیان منتظر قدم مبارک « مسیح » نسلا بعد از نسل بودند و وعده آن وجود مبارک مکررا در «زیور» و کتب انبیاء علی الخصوص در کتاب « اشعیا » داده شده است تا وقتی که « یحیای تعمید دهنده » آمده به قدم مبارک وی بشارت داد لیکن «یهود» آن نبوات (پیشگوییها) را نفهمیده با خود همی اندیشیدند که «مسیح» (سلطان زمان) خواهد شد و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد^{۴۱}

نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدس» در کتاب خود از یهودیان زبان به شکایت می گشاید که دعوت عیسای مسیح را بعد از آن همه اشتیاق و انتظار سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدسشان داده بود و سالها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند مطابق نیافتند از این رو با او به دشمنی برخاستند ، حتی وی را جنایتکار به ملت اسرائیل و تعالیمش را ضد آرمان اساسی کتب مقدس « عهد عتیق » (تورات و ملحقات آن) دانستند ناچار به محاکمه اش فرا خواندند و به اعدام محکومش کردند و همچنان با احساس غبنی جانکاه مجددا در انتظار « مسیح موعود » و رهایی بخش از رنج و ستم ، نشستند.

مسیحیان با این که حضرت عیسی(ع) را «مسیح موعود» یهودیان می دانستند ، چون نسبت به پیروی او احساس ناتمامی کردند ، یکباره امیدشان از « زمان حال » برکنده شد ؛ حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار « مسیح » و بازگشت وی از آسمان در پایان جهان نشستند.

^{۴۱} - قاموس مقدس ، ص ۸۰۶ به نقل از کتاب « او خواهد آمد » ص ۳۲

مسیح های دروغین :

اعتقاد به ظهور یک « منجی بزرگ جهانی » و اشتیاق به ظهور یک رهبر آسمانی در میان یهود و نصاری ، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملت مدعیان شگفتی را پدید آورده و افراد زیادی پیدا شده اند که خود را به دروغ « مسیح موعود » معرفی کرده اند به طوری که صاحب کتاب « قاموس کتاب مقدس » درباره شماره مدعیان دروغین « مسیح موعود » می نویسد :

۲۴ نفر مسیحیان (مسیح های) دروغگودر میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروفترین آنها « برکوبه » است که در اوایل قرن ثانی می زیست و آن دجال معروف ادعا می نمود که راس و رئیس و پادشاه قوم یهود است .

و در مائه دوازدهم تخمینا ده نفر از مسیحیان یعنی : مسیح های دروغگر - ظاهر گردیده ، جمعی را به خود گروانیده و این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده ، و جمعی کثیر نیز در آن معرکه ، طعمه شمشیر گردیدند و آخرین مسیحیان مسیح های دروغگر « مرد خای » است او شخصی بود آلمانی که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده ، اسباب اشتداد فتنه و اشتعال نائره فساد گشت ، و چون آتش فتنه بالا گرفت ، فرازی گردیده معدوم الاثر شد . نویسنده کتاب « دیباچه ای بر رهبری » بعد از نقل این جریان از کتاب « قاموس کتاب مقدس » می نویسد :

« متأسفانه اطلاع مولف آمریکایی کتاب قاموس کتاب مقدس » به زبان فارسی که سالها نیز ساکن همدان بوده است درباره شماره مدعیان « مسیحائی » و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان « مسیح موعود » قیام کرده است نارساست .

شماره این مدعیان ، به مراتب بیشتر از آن است که وی یادآور شده است ، همچنین قیام « مردخای » آلمانی در قرن هفدهم ، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می آورد: تنها طی دو قرن هیجده و نوزده در انگلستان ، بالغ بر شش تن ، به نام « مسیح موعود » ظهور کرده اند و اغتشاشهایی را هم دامن زده اند و پاره ای از آنان نیز به کیفر رسیده اند

« البته به موازات دین مسیح در دین یهود نیز مسیح های دروغین متعدد ظهور کرده اند از جمله یکی از مسیح های یهودی « داود آل روی » از یهودیان ایران است او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران مدعی شد که او مسیح موعود است .

۵- عقاید اقوام مختلف جهان درباره مصلح موعود :

مساله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است و اختصاص به هیچ قوم و ملتی ندارد سر منشاء این اعتقاد کهن و ریشه دار علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل و برقراری نظام صلح و امنیت در سرتاسر جهان است نوید های بی شائبه پیامبران الهی در طول تاریخ بشریت به مردم مومن و آزادی خواه جهان است .

تمام پیامبران بزرگ الهی در دوران ماموریت الهی خود به عنوان جزئی از رسالت خویش به مردم وعده داده اند که در آخر الزمان و در پایان روزگار یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم ظالمان و ستم ستمگران نجات خواهد داد و فساد بی دینی و بی عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد .

سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند مصر باستان ، هند ، چین ، ایران و یونان و نگرش به افسانه های دیگر اقوام مختلف بشری این حقیقت را به خوبی روشن و مسلم می سازد که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف آرا ، عقاید و اندیشه های متضادی که با یکدیگر دارند در انتظار مصلح موعود جهانی بسر می برند اینک برای این که درباره این موضوع سخنی به گزاف نگفته باشیم فهرست مختصری از بازتاب این عقیده را در میان اقوام و ملل مختلف جهان در اینجا می آوریم :

۱- ایرانیان باستان معتقد بودند که : « گرزا سپه » قهرمان تاریخی آنان زنده است و در « کابل » خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید .

۲- گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که : « کیخسرو » پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی ، دیهیم پادشاهی به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند .

۳- نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند .

۴- نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و « ژرمن » را بر دنیا حاکم گرداند .

۵- اهالی صربستان انتظار ظهور « مارکو کرایویچ » را داشتند .

۶- برهمنیان از دیر زمانی بر این عقیده بودند که در آخر زمان « ویشنو » ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست گرفته و مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا « برهن » گردد و به این سعادت برسد .

۷- ساکنان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که : « ارتور » روزی از جزیره « آوالون » ظهور نماید و نژاد « ساکسون » را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد .

۸- اسن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزمان ظهور کرده دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود .

۹- سلت ها می گویند : پس از بروز آشوبهایی در جهان ، « بوریان بو ویهیم » قیام کرده دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد .

۱۰- اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد آنگاه « اودین » با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود .

۱۱- اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور « بوخص » می باشند

۱۲- اقوام امریکای مرکزی معتقدند که : « کوتزلکوتل » نجات بخش جهان پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد .

۱۳- چینی ها معتقدند که « کرشنا » ظهور کرده جهان را نجات می دهد

۱۴- زرتشتیان معتقدند که : « سوشیانس » (نجات دهنده بزرگ جهان) دین را در جهان رواج دهد فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد ایزدان را از دست اهریمن نجات داده مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند .

۱۵- قبایل « ای پوور » معتقدند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است .

- ۱۶- گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر « ممفیس » زندگی می کردند معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می شود اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند .
- ۱۷- گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخرالزمان ، در کنار خانه پدیدار گشته جهان را تسخیر می کند .
- ۱۸- ملل و اقوام مختلف هند ، مطابق کتاب های مقدس خود ، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد .
- ۱۹- یونانیان می گویند : « کالویبرگ » نجات دهنده بزرگ ، ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد .
- ۲۰- یهودیان معتقدند که در آخرالزمان « ماشیح » (مهدی بزرگ) ظهور می کند و ابدالاباد در جهان حکومت می کند او را از اولاد حضرت اسحاق می پندارند در صورتی که « تورات » کتاب مقدس یهود او را صریحا از اولاد حضرت اسماعیل دانسته است .
- ۲۱- نصارا نیز به وجود حضرت مهدی قایلند و می گویند : او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و عالم را خواهد گرفت ولی در اوصافش اختلاف دارند^{۲۲}
- آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشا گرچه همه آنها با حضرت مهدی کاملا تطبیق نمی کند و حتی برخی از آنها اصلا با مهدی موعود اسلام وفق نمی دهد از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن این که گذشت :
- این افکار و عقاید و آرا که همه آنها با مضمون های مختلف از آینده ای درخشان آمدن مصلحی جهانی در آخرالزمان خبر می دهند نشانگر این واقعیت است که همه آنها در واقع از منبع پر فیض وحی سرچشمه گرفته است ولکن در برخی از مناطق دور دست که شعاع حقیقت در آنجا کمتر تابیده است در طول تاریخ به تدریج از فروغ آن کاسته شده و فقط کلیاتی از نویدهای مهدی موعود و « مصلح جهانی » در میان ملتها به جای مانده است .
- البته سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی ، خود بر اهمیت موضوع می افزاید و مساله « مهدویت » و ظهور مصلح جهانی را قطعی تر می کند .
- بنابراین عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی در آخرالزمان یک عقیده عمومی است و اگر کلمه « مهدی » و واژه های دیگر را که پیروان سایر ادیان و مذاهب مختلف جهان بر آن حضرت اطلاق می کنند از قالب اصطلاح اختصاصی آنها در آوریم ، و آن حضرت را « نجات بخش بزرگ آسمانی » یا « مصلح جهانی » و یا « رهایی بخش غیبی » بنامیم اختلاف اسمی هم رفع می شود .

۶- عقیده به ظهور حضرت مهدی یک مساله عقلی و منطقی است :

هنگامی که به وضع کنونی جهان نظر می افکنیم و سیر صعودی جنایتها ، جنگها ، و خونریزی ها ، کشمکش ها و اختلافات بین المللی و گسترش روز افزون مفسد اخلاقی و اجتماعی را مشاهده میکنیم پرسشهایی برایمان مطرح می شود که :

آیا اوضاع کنونی جهان به همین منوال پیش خواهد رفت ؟

آیا دامنه این جنایتها ، خیانتها و کشتارها همچنان گسترش خواهد یافت ؟

آیا این کشور گشایی‌ها توسعه طلبی‌ها و ظلم و ستم‌های بی حد و مرز همچنان ادامه خواهد داشت؟ آیا این همه انحرافات عقیدتی و مفساد اخلاقی و ظلم‌های اجتماعی همچون باتلاق متعفن، بشریت را در کام خود فرو خواهد برد؟ یا این که روزنه امیدی برای نجات بشر و اصلاح جامعه وجود خواهد داشت؟ در پاسخ این سوالات مهم باید گفت: از نظر عقل و اندیشه سالم روزنه امیدی برای نجات و اصلاح بشر وجود دارد و سرانجام روزی فرا خواهد رسید که این ابرهای سیاه و تاریک و طوفان‌های مرگبار و وسیل‌های ویرانگر فتنه و فساد از میان خواهد رفت آسمان صاف و روشن و آفتاب تابنده و درخشان به دنبال خواهد آورد و این گرداب‌های مخوف و هولناک برای همیشه در برابر بشر نخواهد بود و در افقی نه چندان دور نشانه‌های ساحل نجات به چشم می‌خورد چه آن که جهان در انتظار یک مصلح بزرگ الهی است که با یک قیام عظیم و گسترده همه عالم را به نفع حق و عدالت دگرگون خواهد نمود و بشریت را از تیرگی ظلم، فساد، و تباهی نجات خواهد داد.

برای روشن شدن مطلب به دو دلیل عقلی توجه فرمایید:

الف- نظام آفرینش به ما این درس را می‌دهد که جهان بشریت سرانجام باید به قانون عدالت تن در دهد و خواه ناخواه تسلیم یک نظم عادلانه و پایدار گردد.

توضیح مطلب این که: جهان هستی تا آنجا که می‌دانیم مجموعه‌ای از نظام‌های عالم است وجود قوانین منظم در سرتاسر این جهان، دلیل بر یکپارچگی و به هم پیوستگی این نظام است و مساله نظم و قانون یکی از جدی‌ترین و اساسی‌ترین مسایل این جهان محسوب می‌شود. از منظومه‌های بزرگ جهان گرفته تا یک ذره «اتم» که میلیونها از آن را می‌توان بر روی نوک سوزنی جای داد همه و همه تابع یک نظام دقیق و معین و برنامه حساب شده‌ای می‌باشند.

دستگاه‌های مختلف بدن انسان نیز از ساختمان یک سلول کوچک گرفته تا مغز، اعصاب، قلب، ششها، و سایر اعضا و جوارح آدمی همه و همه دارای آنچنان نظم دقیقی هستند که هر کدام از آنها مانند یک ساعت بسیار دقیق در بدن انسان کار میکند و ساختمان منظم دقیق‌ترین کامپیوترهای جهان در برابر آنها بسیار ناچیز و کم ارزش می‌نماید.

ما با یک نگاه ساده به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم به این حقیقت می‌رسیم که جهان هستی درهم و برهم نیست بلکه تمام پدیده‌ها بر یک خط سیر معینی حرکت می‌کنند و همه دستگاه‌های جهان هستی همچون لشکر انبوهی که به واحد‌های منظمی تقسیم شده باشند به سوی مقصد معینی به پیش می‌روند.

بنابراین، آیا در جهانی این چنین که انسان «جزء» این «کل» است می‌تواند به صورت یک وصله نا منظم و نا هم‌رنگ با جنگ و خونریزی و ظلم و ستم اجتماعی زندگی کند؟!

آیا بی‌عدالتی‌ها و فساد‌های اخلاقی و اجتماعی که نوعی بی‌نظمی است می‌تواند برای همیشه بر جامعه بشریت حاکم باشد؟

آیا خدایی که در نظام شگفت‌انگیز جهان هیچ یک از نیازهای موجودات عالم را از نظر لطف و عنایتش دور نداشته و به انسان چشم‌بینا، گوش‌شنوا و عقل و هوش کافی عنایت فرموده است می‌توان گفت که: بشریت را به حال خود رها ساخته است تا همچنان در وادی ضلالت و گمراهی گام بردارد و با بی‌نظمی و بی‌عدالتی به زندگی خود ادامه دهد؟

آیا ممکن است خداوندی که این چنین نیازمندیهای انسان را تامین می کند او را از وجود یک راهنمای دانا و توانا و معصوم که با غیب این عالم در ارتباط بوده و بشریت را به راه سعادت و خوشبختی رهنمون شود محروم سازد؟

تردیدی نیست که از نظر عقل و اندیشه برای برقراری نظم و قانون و جلوگیری از هرج و مرج و ریشه کن شدن فتنه و فساد و اجرای قسط و عدالت، وجود رهبری الهی و آسمانی لازم و ضروری است.

به همین دلیل است که امیر المومنان در یکی از سخنان خود در « نهج البلاغه » می فرماید:

اللهم بلی، لا تخلو الارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورا لئلا تبطل حجج الله و بیناته^{۴۳}

«آری بارخدا یا زمین هرگز از حجت خدا خالی نخواهد بود که یا ظاهر و آشکار و یا ترسان و نهان خواهد بود تا حجتها و دلایل روشن پروردگار باطل نگردد، مشاهده نظام هستی و جهان آفرینش ما را به این حقیقت متوجه می سازد که سرانجام جهان بشریت و جامعه انسانیت نیز در برابر نظم و عدالت سر تسلیم فرود خواهد آورد و به مسیر اصلی آفرینش باز خواهد گشت.

ب- سیر تکاملی جامعه ها نیز دلیل دیگری بر آینده روشن جهان بشریت است زیرا ما هرگز نمی توانیم این حقیقت را انکار کنیم که جامعه بشریت از روزی که خود شناخته است پیوسته در حال پیشرفت بوده و رو به کمال و ترقی حرکت نموده و هیچ گاه در یک مرحله توقف نکرده است.

در جنبه های مادی از نظر خوراک، پوشاک، و مسکن و تهیه سایر لوازم زندگی روزی در ابتدایی ترین شرایط زندگی قرار داشته و امروز بر خلاف زمان های گذشته مرحله ای رسیده است که عقلها را حیران و چشمها را خیره ساخته و به طور مسلم این سیر صعودی باز همچنان ادامه خواهد یافت.

از نظر علوم و دانش و فرهنگ نیز پیوسته رو به سمت جلو حرکت نموده به اختراعات و اکتشافات جدید و مدرنی دست یافته و روز به روز کشف تازه و تحقیق جدید و مطلب نوی را در این زمینه به دست آورده است.

این « قانون تکامل » سرانجام شامل جنبه های اخلاقی و معنوی و اجتماعی نیز می شود و انسانیت را به سوی یک قانون عادلانه، و صلح و عدالت پایدار و فضایل اخلاقی و معنوی به پیش می برد و اگر امروز می بینیم که مفاصد اخلاقی در دنیای کنونی رو به فرونی است و بشریت در گرداب فساد و تباهی دست و پا می زند این خود نیز زمینه را برای یک انقلاب تکاملی سرانجام آماده می کند.

البته ناگفته پیداست که هرگز نمی گوئیم که فساد را باید تشویق کرد ولی می گوئیم فساد وقتی که از حد گذشت عکس العمل آن یک انقلاب تکاملی معنوی خواهد بود که بشریت را به جهان انسانیت باز خواهد گرداند زیرا هنگامی که انسانها در دام بلا گرفتار شدند و به بن بست رسیدند و عواقب نامطلوب گناهان خویش را دیدند و سرهای آنها به سنگ خورد و جانهایشان به لب رسید حداقل آماده پذیرش اصول سعادت آفرینی که از ناحیه یک رهبر الهی و دینی ارائه می شود خواهند گردید.

پس به این نتیجه می رسیم که عقیده به ظهور حضرت مهدی یک مساله عقلی و منطقی است که نیازی به هیچ بیان ندارد زیرا هر انسان عاقلی آن را تصدیق و هر خردمندی آن را تأیید می نماید.

^{۴۳} نهج البلاغه فیض کلمات قصار شماره ۱۳۹، ص ۱۱۵۸ منتخب الاثر ص ۲۷۰ و قریب به این مضمون بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۲ از امام صادق /

۷- عقیده به ظهور حضرت مهدی یک مساله فطری است :

از دیدگاه مذاهب و ادیان عقیده به ظهور حضرت مهدی یک مساله ای کاملاً فطری و طبیعی است که با سرشت آدمی آمیخته شده و عمری به درازای عمر آفرینش انسان دارد .

برای اثبات این مطلب نیاز چندانی به دلیل و برهان نیست و همین قدر کافی است که بدانیم با همه اختلافاتی که در میان ملت‌ها و امته‌ها در طرز فکر ، آداب و رسوم ، عقاید و آراء و تمایلات و خواسته های باطنی آنها وجود دارد عشق و علاقه به صلح و عدالت و زندگی مسالمت آمیز مطلوب کلیه جوامع بشری و خواست طبیعی همه انسانهاست .

این که ما می بینیم همه انسان ها در همه زمانها می جوشند و می خروشدند و به دنبال روزی بهتر و زندگی مرفه تر می گردند و در انتظار تحقق پیروزی نهایی بسر می برند و با دیدن ظلم و ستم فریاد بر می آورند و بر ضد جباران و طاغوت‌های زمان طغیان می نمایند و فریاد رسی را به یاری می طلبند خود دلیل قاطعی بر ریشه دار بودن این تمایل باطنی و خواست درونی و فطری بودن مساله « مهدویت » است .

زیرا فطرت همان الهام و درک درونی و خواست طبیعی و تمایل باطنی انسان است که نیاز به دلیل ندارد و هر انسانی بدون دلیل و برهان آن را می پذیرد و به آن ایمان دارد به عنوان مثال : وجود تشنگی و گرسنگی در نهاد آدمی یک امر فطری و طبیعی است و نیاز به دلیل ندارد پس اگر تشنه می شویم و احساس گرسنگی میکنیم و علاقه به آب و غذا داریم دلیل بر آن است که آب و غذایی وجود دارد که دستگاه آفرینش ، تشنگی و گرسنگی و میل به آن را در وجود بشر قرار داده است .

و به این می رسیم که اگر انسان ها در انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی بسر می برند و شبانه روز انتظارش را می کشند که بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند و ریشه ظلم و ستم را از بیخ و بن برکند دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر و عشق و علاقه به ظهور آن یگانه ولی مطلق خداوند در درون جان یکایک افراد بشر نهفته است .

به راستی اگر صلح و عدالت ، آرامش و امنیت و صفا فطری بشر نبود آیا زورمداران و تجاوزگران و سلطه جویان می توانستند مقاصد شوم خود را زیر پوشش عدل و صلح و همزیستی مسالمت آمیز به مردم عرضه کنند و به ظلم و باطل ، لباس حق و عدل بپوشانند و با اسمهای تو خالی مردمان را فریب دهند و عده ای را به استضعاف بکشند و بر آنها فرمان روایی کنند؟!

و این دلیل بر این است که چون فطرت بشر ، حق و عدل را می خواهد و از ظلم و باطل نفرت دارد اینان به این گونه مسائل متوسل می شوند؟!

« انتظار فرج و اعتقاد به « مهدی موعود » یا « واپسین منجی » یک اشتیاق و میل باطنی است اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده ظهور « رهاننده بزرگ » این خواسته و شوق درونی را بی پاسخ نگذاشته است و این خواسته نیز مانند دیگر خواسته ها در شرایط گوناگون کم و زیاد و شدت و ضعف پیدا می کند .

آشفتگی اوضاع نا امنی حاصل از آن و فشار و تبعیض و ستم در جامعه عقیده به « منجی بزرگ » را تشدید می نماید آن چنان که این شوق دیرین و انتظار در لحظات فشار و اختناق ، شعف و تنگدستی ، تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می شود و این شرایط خرمن اشتیاق توده ها را برای ظهور « واپسین منجی » و مهدی موعود شعله ور می سازد .^{۴۴}

آری! حقیقت مهدویت در واقع منتهی شدن سیر جوامع بشری به سوی جامعه واحد، سعادت عمومی، تعاون و همکاری، امنیت و رفاه همگانی، حکومت حق و عدل، نجات مستضعفان نابودی مستکبران، پیروزی جنود الله بر جنود «شیطان» و خلافت مومنان و شایستگان به رهبری موعود پیامبران و ادیان است و این همان چیزی است که مطلوب هر فطرت پاک و خواست طبیعی هر انسان سالم و جوان بیدار است.

کدام انسان با شرف و با فضیلتی است که با ظلم و ستم موافق باشد و کدام انسان عاقل و آزاد اندیش سالمی است که از طاغوت و طاغوتچه‌ها و رژیمهای ضد مردمی حمایت کند؟

سرانجام قیام جهانی مهدی به وقوع خواهد پیوست و وعده خداوند تحقق خواهد یافت و عالم انسانیت از فسادها و تباهیها و نابسامانیها خلاص خواهد گردید و عاقبت بشریت نجات پیدا خواهد کرد و طرفداران ظلم و ستم شکست خواهند خورد و بلندگوهایشان خاموش خواهد شد و قلم‌های نویسندگان شان در هم خوانند شکست.

۸- عقیده به ظهور حضرت مهدی یک اعتقاد اصیل مذهبی است:

عقیده به ظهور حضرت مهدی یک اعتقاد اصیل دینی و مذهبی می باشد که ریشه های محکم و استوار آن در تمام ادیان الهی و کتاب های آسمانی قرار داشته و جزء عقاید قطعی و دیرین مسلمانان و همه پیروان ادیان عالم است بر خلاف تصور برخی از بیمار دلان که می پندارند مساله «مهدویت» و انتظار ظهور حضرت مهدی رای مرهم نهادن بر زخم های جانکاه بشریت و اختلافات جهان اسلام پس از رحلت پیامبر یا ساخته و پرداخته شیعیان است این مساله اختصاص به اسلام و تشیع ندارد بلکه مساله «مهدویت» که در واقع همان عقیده به ظهور یک منجی بزرگ آسمانی است یک عقیده مشترک جهانی و یکی از حساس ترین فرازهای عقیدتی ادیان و مذاهب و از امال و آرزوهای دیرین بشریت است که در تاریخ خلقت بشر عمری به درازای عمر آفرینش انسان و در اسلام عمری به درازای عمر اسلام دارد.

براساس نوید های فراوانی که در رابطه با ظهور یک «منجی بزرگ» در کتب مذهبی اهل ادیان آمده و تمام انبیای بزرگ الهی به عنوان جزئی از رسالت خود در هر زمان ظهور یک مصلح جهانی را در پایان جهان به مردم وعده داده اند جای هیچ گونه شک و تردید نیست که عقیده به ظهور حضرت مهدی یک مساله اعتقادی اصیل و ریشه داری است که از اعماق وجود انسانها سرچشمه گرفته و توسط پیامبران و سفیران الهی به مردم با ایمان جهان ابلاغ گردیده و نشانه های ظهورش به روشنی بازگو شده است.

آنچه از آیات شریفه قران کریم و روایات اسلامی استفاده می شود این است که «دین» جز نهاد بشر و خمیر مایه ذات و وجود اوست که خداوند عالم بشر را توأم با آن آفریده و از او قابل انفکاک نیست ولی انسان ها فقط کلیات آن را از قبیل توحید، پی بردن از علت به معلول و شکر منعم درک می کنند و درک جزئیات آن، نیاز به بعثت انبیا و آمدن پیامبران الهی دارد که با توضیح تبیین و تبلیغ آنها انسان به فطری بودن دین بیش ز پیش متوجه میشود.

قران کریم در این باره می فرماید:

فایم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلك الدين القيم.^{۴۵}

«به دین خالص پروردگار که بدان مایلی روی آور، به آن فطرت پاکی که خداوند تمام بشر را از آن آفریده

است دگرگونی در آفرینش خدا نیست این است دین محکم و آیین استوار.»

از این آیه شریفه به خوبی استفاده میشود که دین و آیین به طور کلی یک امر فطری و طبیعی بوده و جز ذات و نهاد بشر است که خداوند آدمی را توأم با آن آفریده و هرگز از او جدا نمی شود .

پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز در حدیثی می فرماید .

« کل مولود یولد علی الفطره حتی یكون أبواه یهودانه و ینصرانه^{۴۶} »

هر مولودی با فطرت اسلام از مادر متولد می شود و این پدر و مادر است که او را یهودی یا نصرانی می کند.

از این حدیث شریف استفاده می شود که اساس اولیه پذیرش دین در فطرت تمام کودکان بشر وجود دارد و پدران و مادران که مربیان اصلی فرزندان هستند از این سرمایه فطری استفاده می کنند و فرزندان خود را به آیینی که مایلند متدین و به راهی که در نظر دارند سوق می دهند .

اگر اصل تقاضای مذهب در فطرت بشر نبود و سرشت آدمی درخواست آن را نداشت عرضه مذاهب های مختلف از طرف پدران و مادران بی فایده بود و بشر هرگز یک عمر دین و آیینی را با عشق و علاقه نمی پذیرفت و بدون چون و چرا از آن پیروی نمی نمود به هر حال یکی از وظایف بزرگ پیامبران الهی بیدارکردن فطرت های بشر و به کار انداختن سرمایه های معنوی انسان است . آنها آمده اند تا بشر را به ادای پیمان فطرت وادارند و نعمت های فراموش شده خدا را به مردم یاد آوری کنند و با فعالیت های تبلیغی خود نیروهای نهفته عقل مردم را برانگیخته و به کار اندازند چنان که امیر مومنان ضمن خطبه ای درباره بعثت انبیاء می فرماید :

« فبعث الله فیهم رسله ، وواتر الیهم انبیائه ، لیستا دوهم میثاق فطرته و یدکروهم منسی نعمته و محتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیرو لهم دفائن العقول^{۴۷} »

« خداوند تبارک و تعالی پیغمبران خود را در بین مردم برانگیخت و آنان را پی در پی فرستاد تا عهد و پیمان خداوند را که جزء ذات و جبلی آنان بود از آنها بخواهند و نعمت فراموش شده الهی توحید فطری را به آنان یاد آور شوند و از راه تبلیغ با مردمان گفت و

گو نمایند و افکار و عقول پنهانی آنها را که بر اثر ضلالت و گمراهی در زیر غبار کفر و جهل پوشیده و مستور گردیده به کار اندازند .

بنابراین از آنجایی که عقیده به ظهور حضرت مهدی و یا به تعبیر دیگر عقیده به ظهور یک « منجی بزرگ آسمانی » از مسایل قدیم ادیان و اسلام است و در تمام کتب مقدسه اهل ادیان و مذاهب مختلف جهان به ویژه در اسلام به صورت گسترده ای عنوان گردیده و دامنه آن به حدی است که حتی شعاع آن در بین « مکاتب » و مردم غیر مذهبی نیز دیده میشود معلوم می شود که این مساله مهم و حیاتی همانند مساله عقیده به ذات اقدس حضرت احدیت یک عقیده اصیل دینی و مذهبی و یک میل باطنی درونی است که در ژرفنای فطرت بشر جا دارد و هر زمان که بشریت بر اثر ظلم و ستم ستمکاران به ستوه آید و جانش به لب رسد و راه نجاتی نیابد انتظار ظهور آن یگانه مصلح الهی در دلش زنده میشود و او را به جست و جوی رهبر و راهنما بر می انگیزد . به همین جهت است که هم ادیان و مذاهب مختلف و هم دین مبین اسلام به این میل باطنی و خواسته درونی توجه خاصی مبذول داشته و ظهور یک رهبر الهی و منجی آسمانی را در پایان جهان به پیروان خود وعده داده اند .

نوید های « منجی موعود » و یا به تعبیر دیگر : « مصلح جهانی موعود » مربوط به امروز و دیروز و ده قرن قبل و بیست قرن قبل و یا مخصوص این دین و آن دین و این ملت و آن ملت نیست بلکه از زمان های خیلی

^{۴۶} - بحار الانوار ج ۳ ص ۲۸۱ - ح ۲۲

^{۴۷} - نهج البلاغه ، فیض خطبه ۱ ، ص ۳۳ ، صبحی صالح خطبه ۱ ص ۴۳

دور بین ملتها و پیروان ادیان شایع بوده است . تا کنون تعداد زیادی از این نوید ها که به عنوان نشانه های ظهور از زبان پیامبران الهی بازگو شده دقیقا طبق وعده های انبیا تحقق یافته و در عصر ما نیز برخی از آنها در حال تحقق یافتن است .

۹- عقیده به ظهور حضرت مهدی اختصاص به اسلام ندارد :

اسناد و مدارک موجود تاریخی نشان می دهد که این اعتقاد یک اعتقاد جهانی و همگانی و عالم گیر است و منحصر به اسلام و مذهب تشیع و یا حتی منحصر به مذاهب شرقی و غربی نیست برای اثبات این مدعا کافی است تنها به یک نمونه از اعترافات یکی از خاورشناسان متعصب یهودی اشاره کنیم :

گلدزیهر ، خاور شناس و یهودی متعصب درباره جهانی بودن مساله انتظار و عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک « منجی بزرگ » می گوید :

« اعتقاد به بازگشت و ظهور « منجی موعود » اختصاص به اسلام ندارد پندارهای مشابهی را می توان در میان اقوام دیگری نیز به فراوانی یافت .

بنابر اعتقاد « هندوایسم » ، « ویشنو » در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش به دست دارد در پایان دوره کنونی جهان به عنوان « کال کی » ظاهر خواهد شد و سرزمین « آریا » را از دست ستمگران غاصب که منظور اقوام فاتح مسلمانند رهایی خواهد بخشید .

در میان اقوام مغول تا امروز (۱۹۱۰ م) این عقیده شایع است که « چنگیز خان » پیش از مرگ خود وعده کرده است که در هشت یا نه قرن دیگر از نو باز در زمین ظاهر خواهد شد و مغولان را از زیر یوغ « چینیان » نجات خواهد داد .

در میان اقوام شرقی و غربی حتی در میان سرخ پوستان آمریکایکاپندارهای مشابهی درباره بازگشت یا ظهور « منجی موعود » پدید آمده است ^{۴۸}

عقیده به ظهور یک « مصلح بزرگ جهانی » در نزد بسیاری از جوامع قدیمی دیده می شود این عقیده که در واقع همان انتظار فرج مسلمانان است دارای ابعاد گوناگون فلسفی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و مذهبی است که در زمینه آن صاحب ادیان و مذاهب ، فیلسوفان و جامعه شناسان ، روانکاران و روانشناسان و طرفداران احزاب و مکاتب ، بحث بسیار کرده اند و از این رو :

« یهودی از همه فرقه هایش در انتظار ظهور مسیح موعود است که عدالت واقعی را در آخر الزمان در سرتاسر جهان برقرار نماید .

مسیحی ، از همه گروههایش در انتظار بازگشت مسیح پاک است که شالوده عدالت را در آخر الزمان در پهنه گیتی استوار سازد .

مسلمان از همه مذاهب مختلفش در انتظار ظهور حضرت مهدی و بازگشت حضرت عیسی است که حکومت عدل واقعی را در آخر الزمان در سراسر جهان از کران تا کران بنیان نهند ^{۴۹}

^{۴۸} - او خواهد آمد ، ص ۳۰ و ۳۱

^{۴۹} روزگار رهائی ج ۱ ص ۵۹

مهدویت، فرهنگ انتظار و مسئولیت پذیری

مینا قهرمان شهرکی

مقدمه

تقدیم به پیشگاه ولی الله الاعظم، حضرت حجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف. این بنده حقیر سراپا تقصیر، از خداوند متعال خواهانم که ما را از بندگان مصلح خود قرار دهد و ان شاء الله از صالحانی باشیم که لیاقت انتظار و دیدار مصلح جهانی را داشته باشیم. منتظر ظهور حجت خدا بودن، توفیقی است که نصیب هر کس نمی‌شود مگر آنهایی که دارای گوهری پاک و ایمان راستین باشند و عنایت و لطف الهی شامل حال آنها خواهد شد. حقیقت داشتن آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، دلائل بسیاری دارد. که ما را به خیلی از حقایق، راهنمایی می‌کند. همانطور که می‌دانید در این صحنه پر آشوب جهانی، و در این پهنه پر هیجان دنیاپرستی، سنگری جز ذخیره الهی در روی زمین وجود ندارد، و آرامشی جز به یاد خدا و مردان خدا حاصل نگردد بقیه الله خیرلکم ولی شرط امان یافتن در این سنگر الهی و حصول آرامش به یاد «الله» و مردان الهی تنها ایمان و عقیده ثابت است، «ان کنتم مؤمنین» بقیه الله در عصر و زمان همان وجود مهدی است که دلها با یاد او آرامش پیدا می‌کند، و خاطره‌های پریشان شاد و خرم می‌گردد و درد و الم مصیبتها و گرفتاریها تسکین می‌یابد.

ویژگی امام عصر

« از بدو تولد تاکنون آفتاب وجودش بر عالم هستی پرتو افکنده و از نور وجودش و سایه پر مهرش بهره می‌برند»

حکیمه خاتون دختر حضرت امام جواد (ع) و عمه امام عسکری (ع) می‌گوید: در سال ۲۵۵ در نیمه شعبان. ابو محمد امام حسن عسکری (ع) به دنبال من فرستاد و فرموده: ای عمه، امشب در نزد ما بیا، همانا به زودی خداوند عزوجل تو را به ولی و حجت خود بعد از من مسرور می‌کند. حکیمه فرموده: با این مزده فرحناک شدم و لباس برگرفته و فوراً رفتم تا به خدمت حضرت ابی محمد (ع) رسیدم، در حالی که آن حضرت در صحن خانه نشسته بود و اهل خانه اطرافش بودند. عرض کردم: فدایت شوم این خلف و فرزند از کیست؟ فرموده: سوسن پس چشمم را گردانیدم و در میان آن کنیزان جز سوسن کنیزی را ندیدم که بر اثر آن حمل باشد.

حکیمه گفت: وقتی که نماز مغرب و عشاء را بجا آوردم، غذا برایم آوردند، سپس من و سوسن در یک اتاق خوابیدیم. بعد از مختصری خواب بیدار شدم و همواره در آنچه ابومحمد (ع) مرا از امر ولی الله وعده داده بود فکر می‌کردم.

پس پیش از وقتی که هر شب برای نماز بلند می‌شدم برخاستم و نماز شب خواندم تا به نماز وتر رسیدم، در این وقت سوسن با فزع و ناراحتی برجست و بیرون رفت.

وضو گرفت و برگشت و مشغول نماز شد تا رسید به نماز وتر، در قلبم افتاد که طلوع فجر شده، برخاسته که نگاه کنم، دیدم که فجر اول طالع شده پس شکی از وعده حضرت (ع) در دل من افتاد.

حضرت از اتاق خودش مرا صدا زد که عمه جان شک مکن و الساعة امر واقع شده و او را خواهی دید.

حکیمه خاتون گوید: برای آنچه در قلبم خطور کرده بود از ابی محمد (ع) خجالت کشیدم. با شرمندگی بسوی اتاق برگشتم. دیدم که سوسن نمازش را قطع کرد و در حال فزع و نگرانی بیرون آمده گفتم: پدر و مادر به فدایت، آیا چیزی احساس می‌کنی؟ فرموده: بلی ای عمه جان.

حکیمه خاتون گوید: من ناگاه ولادت آقای خود را احساس کردم و صدای ابی محمد (ع) را شنیدم که می‌فرموده: ای عمه، پسر را نزد من بیاور.

پرده از روی سیدم برداشتم، دیدم آن حضرت به حالت سجده سر بر زمین گذاشته است و بر دست راستش نوشته است « جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً » یعنی حق آمد و باطل نابود شد، به درستی که باطل نابود شدنی است.

پس او را به خود چسبانیدم و نزد حضرت ابی محمد (ع) بردم، حضرت او را در آغوش گرفت زبانش را بیرون آورد و چشمان او را مسح کرد و آن را گشود. سپس زبانش را داخل دهان او نمود و کام او را برداشت و بعد او را در دست چپ خود نشانید. پس ولی خدا به طور مستطیل و مربع نشست حضرت دست بر سرش کشید و فرموده: پسر من به قدرت خدا سخن بگو.

پس ولی‌الله استعاذه نمود و فرموده: « اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. و زبان گشود به نام خدا و فرموده: « بسم الله الرحمن الرحيم، و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم الوارثين و نمكن لهم فى الارض و نرى فرعون و هامان و جنودهما منهم ما كانوا يحذرون »^۱ و ما اراده كرديم بر كسانى كه در آن سرزمين ضعيف واقع شدند منت گذارديم و آنان را امامان و وارثان آنجا گردانيم و در زمين به آنان قدرت و سلطنت بخشيم و به فرعون و هامون و لشكريانشان آنچه را كه از آن ترسان بودند بنمايانيم.

و بعد فرموده:

« اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و ان علياً امير المؤمنين حقاً » و يكايك از ائمه (ع) را نام برد تا به خودش رسيد و برای فرج دوستانش به دست خودش دعا کرد و سپس سکوت نمود. حکیمه گفت: سپس میان ما و حضرت امام حسن عسکری (ع) پرده‌ای برقرار شد و دیگر آقای خود را ندیدم. به حضرت ابی محمد (ع) گفتم: ای آقای من! مولای من کجاست؟ فرموده: او را کسی که شایسته و سزاوارتر از تو و ما به او می‌باشد گرفت. چون روز سوم شد، مشتاق دیدار ولی‌الله شدم، به سوی ایشان رفتم نه اثری دیدم و نه ذکرى شنیدم و کراهت داشتم که سؤال کنم.

حضرت ابو محمد (ع) فرموده: ای عمه، مولود در کنف خدا حرز اوست و خدا او را مستور و پنهان نموده زمانی که جان مرا قبض کرد و دیدی که شیعیانم اختلاف کردند به ثقات آنان خبر بده (از وجود فرزندانم) بدرستی که خداوند او را از خلقش غائب می‌کند. پس او را احدی نمی‌بیند تا جبرئیل اسب او را پیش کشد (و امر او قاطع گردد) « ليقضى الله امراً كان مفعولاً »^۲ و خدا حکم دهد و اجرا کند امری را که شدنی است.

حکیمه خاتون گوید: چون چهل روز شد، به نزد حضرت امام حسن (ع) رفتم، ناگاه دیدم مولایمان حضرت صاحب (ع) را که راه می‌رود و صورتی زیباتر از صورت او و لهجه‌ای فصیح‌تر از لهجه او ندیدم. حضرت فرموده: این مولود نزد خداوند عزوجل، بزرگوار است.

۱. قرآن کریم - سوره قصص آیه ۴ و ۵

۲. قرآن کریم - سوره انفال آیه ۴۴ و ۴۲

عرض کردم: از کار او (امر) عجیبی می بینم (که آن حضرت راه می رود) و حال آنکه چهل روز دارد. امام (ع) تبسم نمود و فرمود: ای عمه، مگر نمی دانی که ما ائمه در یک ماه به اندازه آنچه دیگران در ظرف یکسال بزرگ می شوند، رشد می کنیم.

پس برخاستم و سر مبارک آن حضرت را بوسیدم و برگشتم. سپس آمدم و جستجو کردم و حضرتش را ندیدم، به امام ابو محمد (ع) گفتم: مولایمان چه شد؟ فرمود: وقتی که خداوند تعالی مهدی این امت را به من بخشید و عطا نمود، دو ملک فرستاد تا او را به پرده ها و سراق عرش بردند تا در نزد خداوند عزوجل ایستادند، پروردگار فرمود: آفرین بر تو ای بنده ام که دینم را یاری و امرم را آشکار می کنی و بندگانم را هدایت می نمایی. قسم خوردم که من بوسیله تو (از دشمنان) انتقام گیرم و بواسطه تو عطا و بخشش نمایم و به خاطر تو پیامرزم و بدست تو عذاب نمایم. ای فرشتگان او را برگردانید او را با آرامش به پدرش برگردانید و بدو برسانید که او در کف و حرز و یاری من است تا زمانی که بوسیله او حق را آشکار نمایم و باطل را از بین بردارم و دینم را پایدار و ثابت نمایم.

حکیمه خاتون گوید: وقتی که از مادرش متولد گردید دو زانو بر زمین قرار گرفت و انگشت سبابه خود را به طرف آسمان بلند نموده و عطسه ای زد و فرمود:

«الحمد لله رب العالمین و صل الله علی محمد و آله عبداً و اخراً غیر مستنکف و لا مستکبراً» سپس خداوندی را که پروردگار عالمیان است و درود بر محمد و آل او در حالی که بنده سرکش و خودخواه نیستم. سپس فرمود: ستمکاران گمان می کنند که جهت خدا باطل شدنی است، اگر به ما اجازه سخن داده می شد هر آینه شک همگان زایل می گردید.»^۱

مهدویت یا اندیشه پیروزی نهایی

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل. و بالاخره اجراء این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی، از او به «مهدی» تعبیر شده است. اندیشه ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی - با تفاوتها و اختلافهائی - بدان مؤمن و معتقدند.

زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه، قرآنی است. این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی ایمان اسلامی. غلبه قطعی صالحان و متقیان، کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه، و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است.

این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده، و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است؛ که طبق بسیاری از نظریه ها و فرضیه ها فوق العاده تاریک و ابتر است.

۳. سوره والعصر حضرت امام زمان (ع)، نویسنده: آقای عباس راسخی نجفی. چاپ اول - سال ۱۳۷۲ شمسی - ص ۲۱۵ تا

انتظار فرج

امید و آرزوی تحقیق این نوید کلی جهانی انسانی، در زبان روایات اسلامی، «انتظار فرج» خوانده شده است و عبادت - بلکه افضل عبادات - شمرده شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است.

مردم مؤمن به عنایاتی الهی، هرگز و در هیچ شرائطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح الله در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی، و به علاوه، توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است.^۱

دو نوع انتظار

انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری سازنده و نگهدارنده است، تعهدآور است، نیروآفرین و تحرک بخش است، به گونه‌ای است که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود؛ و انتظاری که گناه است، ویرانگر است، اسارت بخش است، فلج کننده است و نوعی «اباحیگری» باید محسوب گردد. دو نوع انتظار، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم تاریخی مهدی موعود (ع) است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات تاریخ ناشی می‌شود. اکنون به تشریح این دو نوع انتظار می‌پردازیم و از انتظار ویرانگر آغاز می‌کنیم.

انتظار ویرانگر

برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود اینست که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها و تبعیضها و اختناقها و حق کشیها و تباهیها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است.

آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد. حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل، یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیروی حکومت حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید علی هذا هر اصلاحی محکوم است. زیرا هر اصلاح یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیب ظاهر نمی‌شود؛ برعکس، هر گناه و فساد و هر ظلم و هر تبعیض و هر حق‌کشی، هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب‌الوقوع می‌کند رواست زیرا «الغایات تبرر المبادی» هدفها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند. پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. این جاست که گناه هم فال و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهائی. این جاست که این شعر مصداق واقعی خود را می‌یابد:

در دل دوست به هر حيله رهي بايد کرد

طاعت از دست نيايد گنهی بايد کرد

این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می‌نگرند، زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه می‌شمارند. برعکس، اگر خود هم اهل گناه نباشد در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می‌نگرند زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می‌نمایند.

انتظار سازنده

آن عده از آیات قرآن کریم - که همچنانکه گفتیم ریشه این اندیشه است و در روایات اسلامی بدانها استناد شده است - در جهت عکس برداشت بالاست. از این آیات استفاده می‌شود که ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است که از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود، سهمیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدانها در روایات استناد شده است نشان می‌دهد که مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است:

« وعد الله الذین آمنوا و عملواالصالحات لیستخلفنهم فی الارض و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً... »

خداوند به مؤمنان و شایسته‌کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد، دینی که برای آنها آن را پسندیده است مستقر سازد، دوران خوف آن را تبدیل به دوران امنیت نماید (دشمنان آنانرا نابود سازد) بدون ترس و واهمه خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند و چیزی را در عبادت یا طاعت شریک حق نسازند.

ظهور مهدی موعود منتهی است بر مستضعفان و خوار شمردگان، و وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان، و مقدمه‌ای است برای وراثت آنها خلافت الهی را در روی زمین « و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین. »

ظهور مهدی موعود، تحقق بخش وعده‌ای است که خداوند متعال از قدیمترین زمانها در کتب آسمانها به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است و پایان. تنها به متقیان تعلق دارد:

« و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون » - « ان الارض لله یرثها من عباده و العاقبه للمتقین. »

حدیث معروف می‌فرماید: « یملاء الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً » نیز شاهد مدعای ما است نه بر مدعای آن گروه، در این حدیث نیز تکیه بر روی ظلم شده است و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می‌رساند که قیام مهدی برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند - بدیهی است که اگر گفته شده بود یملاء الله به الارض ایمانا و توحیداً و صلاحاً بعد ما ملئت کفراً و شرکاً و فساداً مستلزم این نبود که لزوماً گروهی مستحق حمایت وجود داشته باشد. در آن صورت استنباط می‌شد که قیام مهدی موعود برای نجات حق از دست رفته و به صفر رسیده است نه برای گروه اهل حق - و لو به صورت یک اقلیت.

شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد.

پس سخن در اینست که گروه سعدا و گروه اشقیاء هر کدام به نهایت کار خود برسند، سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتهی درجه شقاوت برسند.

در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است، که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده است، بلکه فرضاً اگر اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند و در ردیف یاران سیدالشهدا.

از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام یک سلسله قیامهای دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد، آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است نمونه‌ای از این سلسله قیامها است. این جریانها نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد.

در برخی روایات اسلامی سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه ادامه پیدا می‌کند و چنانکه می‌دانیم بعضی از علمای شیعه که به برخی از «دولت‌های شیعی» معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود ادامه خواهد یافت همان سلسله دولتی باشد. این احتمال هرچند ناشی از ضعف اطلاعات اجتماعی و عدم بینش صحیح آنان نسبت به اوضاع سیاسی زمان خود بوده اما حکایتگر این است که استنباط این شخصیتها از مجموع آیات و اخبار و احادیث مهدی، این نبوده که جناح حق و عدل و ایمان باید یکسره در هم بشکند و نابود شود و اثری از صالحان و متقیان باقی نماند تا دولت مهدی ظاهر شود، بلکه آنرا به صورت پیروزی جناح صلاح و عدل و تقوا بر جناح فساد و ظلم و بی‌بند و باری تلقی می‌کرده‌اند.

از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود (ع) آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان بر پا بوده است.

«مهدی موعود تحقق بخش ایده‌آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است»^۱

در انتظار رؤیت امام زمان علیه‌السلام

قال ابو عبدالله علیه‌السلام: من مات منکم علی هذا الامر، منتظر الیه، کان کمن کان فی فسطاجا القائم.

امام صادق علیه‌السلام درباره آنها که همواره منتظر ظهور امام زمان بودند ولی عجل به آنها مهلت نداد و آن شور و شوق و دیدن آن حضرت در دل‌هایشان باقی ماند، می‌فرماید: هر کس از شما بمیرد و در انتظار دیدن امام زمان بود، او همانند کسی است که در سپاه حضرت قائم علیه‌السلام گوش به فرمان و آماده برای انجام وظیفه است. یعنی ثوابی که از برای او در نظر گرفته می‌شود همانند آنها که در کنار آن حضرت، آماده به خدمت بوده‌اند.

آنهایی که در آرزوی دیدن امام زمان هستند و همیشه مشتاق ظهورش می‌باشند، حتماً خود را برای این کار، از هر لحاظ مهیا کرده‌اند و در تمامی خوبی‌ها پیش‌قدم و نمونه هستند تا این لیاقت و سعادت، نصیب آنها شود. خداوند از دل‌های ما به خوبی آگاه است و او می‌داند که این نیت‌های خیر با واقعیت در عمل، چقدر مطابقت دارد.

انتظار ظهور و عشق دیدن مهدی، همیشه برای خود و دیگران مایه دلگرمی است. یار امام زمان (ع) بودن به شرط درستی و رفتار و کردار است. پس همین شور و شوق دیدن آن حضرت، انسان را همیشه در کمال خوبی و مهر و محبت و ایثار نگه می‌دارد و خوبی‌ها از تمام کارهایش پیداست.

در انتظار ظهورش باشیم

قال ابو عبدالله علیه السلام: و انتظر و الفرج صباحاً و مساءً.

امام صادق علیه السلام به شیعیان سفارش می‌کند که هر روز و هر شب منتظر فرج و ظهور امام زمان باشیم.

انتظار، وقت و زمان معین ندارد و هر فرد می‌بایستی همیشه چشم به راه ظهور امام زمان باشد همان‌گونه که در هر لحظه، به رحمت خداوند، امیدوار هستیم. انتظار فرج یعنی امید به گشایش کارها و راه نجات مردم است. انتظار فرج، یک حالت عمومی برای همه مردم است یعنی آرزو داشتن برای نجات و رهایی همه مردم، همواره باید آن را در نظر داشته باشیم و این یک فکر جهانی باید باشد، و اگر نیت خیر و دلسوزی برای مردم در دلها باشد، این نشانه مهر و محبت افراد منتظر است. چون تنها کسی که می‌تواند جهان را از بحران روز افزون، نجات دهد، اوست که به فرمان خدا ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند و مردم را از شر ظلم و ستم ستمکاران نجات می‌دهد، بنابراین کسی که همیشه در اندیشه خیر و صلاح مردم است حتماً ثواب مداوم برای او ذخیره می‌شود چون نشان‌دهنده روح با صفا و عشق و علاقه خود با امام زمان علیه‌السلام و ایمان راستین اوست و این گونه افراد، سعادت و خوشبختی مردم و بشریت را می‌خواهند و با اندیشه انتظار، در واقع حکومت عدل را برای تمام مردم، و به خصوص مستضعفین جهان آرزو دارند. انتظار یعنی همراهی و همسویی داشتن با امام زمان (ع) است.

شیعه واقعی منتظر ظهور است

شیعه واقعی، همواره منتظر ظهور فرج امام زمان است و در نامالایمات دنیا و خواهش و تمنای نفس، امتحان می‌شود تا از گرداب معرکه وسیع هوی و هوسها تا چه حد، صحیح و سالم بیرون آید و آنگاه معلوم شود که در امتحان بزرگ، چه نمره‌ای را می‌تواند کسب کند.

عن جاب الجعفی قال: قلت لابی جعفر (ع): متى یکون فرحکم؟

فقال: هیهات هیهاته لایکون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغزبلوا، حتی یذهب الکرر و یصفوا الصفو.

جابر یکی از شیعیان با ارادت است، او از امام باقر علیه‌السلام پرسید: آقا جان، زمان فرج شما چه وقت است؟ آن حضرت فرمودند: هیهات هیهات، فرج ما آن زمانی است که شما مردم امتحان شوید و با الکشیدن، شیعه حقیقی و شایسته معلوم می‌شود، همانند طلا که در کورده، اضافه‌های آن بیرون آورده شود و طلای صاف و خالص باقی بماند.

ادعای شیعه بودن، آسان است ولی در حقیقت داشتن این ادعا، شرط است. شیعه حقیقی در آزمایشگاه بزرگ دنیا معلوم و ثابت می‌شود که او چند درصد، ایمانش استوار و ثابت‌قدم بوده است. و عنوان شیعه واقعی و شایسته بودن، واقعاً هنر است چون مشکل است در این روزگار، کسی بتواند خود را پاک و منزّه نگه دارد، پس شیعه بودن، یعنی پاک و پاکیزه بودن است.

همیشه امیدوار باشیم

انسان در بدترین شرایط، برای نجات و گشایش در کارها و انتظار فرج، چراغ امیدواری در قلب او همیشه، کم و بیش روشن است و ناامیدی در واقع تلخ‌ترین مشکل برای انسان است، امیدواری از عوامل مؤثر برای خوشبختی است و انرژی دهنده خوبی برای حرکت و تلاش جهت نزدیک شدن به آرزوها است. و انتظار ظهور نیز از آن جمله است.

انتظار ظهور، علاوه بر بهره‌مند شدن از ثواب، کار پسندیده‌ای است که شایسته اهل معرفت است. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: انتظر و لاتیا سوا من روح الله، فان احب الاعمال الی الله عزول، انتظار الفرّج. امیرمؤمنان می‌فرماید: منتظر فرج باشید و هیچگاه از رحمت پروردگار ناامید نشیود و به یقین بدانید که از بهترین اعمال در نزد خداوند، انتظار فرج است. انتظار فرج، یعنی امید به رحمت خدا داشتن است و این بهترین مایه دلگرمی است. انتظار فرج، یعنی صبر و استقامت، توأم با امید داشتن برای رسیدن به مقصود و مقصود والا و ارزشمند است.

در معنای انتظار معمولاً برای چیز گرانبهایی به کار می‌رود که ارزش آن را دارد تا انسان مشکلات و سختی‌های سرراهش را تحمل کند ولی در موارد دنیایی، واژه انتظار فرج به کار نمی‌رود به هر قیمتی که باشد. انتظار ظهور، یعنی آماده باش و مهیا بودن برای ملحق شدن به آن حضرت است و کسی که همواره در این وضع باشد حتماً او در حال بهره‌مند شدن از ثواب است و همواره بر حسنات او در صحیفه اعمالش افزوده خواهد شد.

صالحان منتظر مصلح جهانی هستند، و در واقع منتظران اجرا شدن عدالت جهانی می‌باشند تا فرامین الهی بر زمین، به شایستگی انجام شود و تمام مردم در نعمت و عدالت و عشق به الله، روزگار خوبی را بیابند و خیر و سعادت دنیا و آخرت، نصیب آنها شود و تمام این موارد یاد شده، نشان‌دهنده حسن نیت و رفتار و کردار خوب منتظران ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام می‌باشند.

نشانه‌های منتظران ظهور

عن ابی عبدالله السلام قال: مت تشر ان یکون من اصحاب القائم (عج)، فلینتظر و لیعمل بالوراع و محاسن الاخلاق، و هو منتظر، فان مات و قام القائم بعده، کان له من الاجر مثل اجر من ادرکه، فجدوا و انتظرو هنیئالکم امیتها العصابه المرحومه.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هر که بسیار مشتاق است و دوست دارد که از یاران امام زمان باشد، او در انتظار ظهور آن حضرت باشد و نیز باید تقوا و پرهیزکار باشد و تمام خوبی‌ها در او جمع باشد، و در این صورت او از منتظران واقعی به حساب می‌آید، و اگر مرد بعد از او، امام زمان ظهور کند برای او اجرای همانند اجر آنها که در وقت ظهور، به خدمت امام زمان می‌رسند و در کنار او قرار می‌گیرند، پس تلاش کنید تا با این وصف، از منتظران آن حضرت باشید که خوشا به سعادت شما مردم خوب و با وفا، بدانید که خداوند به شما عنایت دارد.

در این حدیث امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید که منتظران ظهور، باید افرادی پاکیزه و پرهیزگار باشند و همچنین تمام خوبیها در رفتار و کردار آنها نمایان باشد تا لیاقت و شایستگی افتخار در کنار آن حضرت را بیابد و اگر کسی این چنین بود و عمرش کفایت نداد تا به زمان و لحظه ظهور آن حضرت برسد او در واقع همان اجر و پاداش را می‌برد و برای او، همین اندازه ثواب نصیبش می‌شود.

در شرایطی که می‌بینم حال و روز مردم و اوضاع دنیا بدتر می‌شود و زمام امور مردم در دست مستی بی‌خرد و فاسد قرار دارد و حاکمان شرور، هر روز بر سختی‌ها و رنج‌های مردم می‌افزایند و زورگویی و فساد در همه جا رواج می‌یابد، آیا نجات‌دهنده و مصلح جهان کیست که تنها او می‌تواند دنیا را اصلاح کند و به داد مردم برسد؟ جز این که آن حجت خدا برای همچین روزی ساخته شده و به فرمان او، آن حضرت ظهور کند و جهان را از شر و شروران و مفسدان نجات دهد و مردم گرفتار و در بند و ضعیف شده را سر و سامان دهد و آن مصلح غیبی، جهان را پر از عدل و داد کند.

بنابراین، اندیشه انتظار برخاسته از عشق و علاقه و پایبندی انسان به اصول و فرامین الهی است. وقتی همه جا را ظلم و بی‌عدالتی فرا می‌گیرد و مردم را می‌رنجاند در حالی که قرآن و فرامین الهی می‌تواند همه را نجات دهد و باعث اصلاح جامعه شود. بنابراین منتظران مصلح جهانی باید افرادی صالح و صلح‌طلب و مؤمن و متعهد باشند. و اندیشه و فکر بزرگی است به وسعت نجات انسانیت و طبیعت است، پس منتظر و عاشق مهدی (ع) باید تمام خوبی‌ها در او جمع باشد.

در ادامه آن حضرت می‌فرماید خوشا به سعادت منتظران که آنها مورد عنایت خداوند قرار دارند و لطف خاص الهی شامل حال آنها خواهد شد.

خطبه‌هایی از نهج البلاغه

آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی (عج) خطبه ۱۵۰

به راه‌های چپ و راست رفتند، و راه ضلالت و گمراهی پیمودند، و راه روشن و هدایت را گذاشتند. پس درباره آنچه که باید باشد شتاب نکنید، و آنچه را که در آینده باید بیاید دیر شمارید، چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب می‌کند اما وقتی به آن رسید دوست دارد که ای کاش آن را نمی‌دید، و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شد. ای مردم! اینک ما در آستانه تحقق وعده‌های داده شده، و نزدیکی به طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام‌آمیز است، قرار داریم.

وصف حضرت مهدی خطبه ۱۸۲

و ره دانش بر تن دارد، و با تمامی آداب، و با توجه به معرفت کامل آن را فرا گرفته است، حکمت گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد، و نیاز اوست که در بدست آمدنش می‌پرسد. در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری در راه مانده دم خود را به حرکت درآورده، گردن به زمین می‌چسباند.

خبر از ظهور و سیستم حکومتی حضرت مهدی (عج) خطبه ۱۳۸

او (حضرت مهدی (عج)) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوسهای خویش قرار می‌دهند، در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تفسیر می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد. در آینده آتش جنگ میان شما افروخته می‌گردد و چنگ و دندان نشان می‌دهد، با پستان‌هایی پر شیر، که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهرآگین دارد، به سوی شما می‌آید، آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است. عمال و کارگزاران حکومتها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین میوه‌های دل خود (معادن

طلا و نقره) را برای او بیرون می‌ریزد، و کلیدهایش را به او می‌سپارد، او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید، و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند.^۱

بنال ای نی

ز بنال ای نی، بگو با شور و فریاد
 که یا مهدی جهان پر شد ز بیداد
 کجائی، ای گل زهرا کجائی؟
 تو ای مهر آفرین لطف خدایی
 بشر را، ذکر حق، از یاد رفته
 ز باطل، زندگی، بر باد رفته
 بجان هم فتاده نسل آدم
 همه جنگ است و، خونریزی دمام
 دگر فکر تعاون در بشر نیست
 کسی را از کسی دیگر خبر نیست
 در این عصر اتم، گمراه مردم
 همه، نامهربان، دور از ترحم
 همه، بی‌روح و، بی‌ایمان و، مرده
 بدین دنیای فانی، دل، سپرده
 بیا، ای یار انسانهای خسته
 تسلی بخش دل‌های شکسته
 بیا، خود چاره بیچارگان باش
 فروغ گلبر آوارگان باش
 بیا، خود چاره بیچارگان باش
 فروغ گلبر آوارگان باش
 بیا، تا قلب‌ها آرام گیرد
 پریشان عالمی سامان پذیرد
 بنال ای نی، شب هجران سحر کن
 فغان از غیبت آن منتظر کن
 من و نی، ناله کردیم و شفق زد
 شبی از دفتر عمرم ورق زد
 شبان آمد، که گیرد نی زد دستم
 لب از نی برگرفتم، دم بیستم
 مبادا راز من گوید به چوپان

۱- نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی - نشر مؤسسه امیرالمؤمنین - چاپ هفتم - تاریخ چاپ زمستان ۷۹ - صفحات ۳۴۹،

عیان گردد «حسان» اسرار پنهان
 در اینجا، ناله نی شد بهانه
 برای نغمه‌های عاشقانه
 در اینجا، نی بود، نای گلویم
 که در آه و فغان از هجر اویم
 تو این خواننده، این اشعار غم‌خیز
 خدا را، با نوای نی میامیز
 که موسیقی بدین ما حرام است
 خلاف مکتب پاک امام است^۱

نتیجه

با ظهور منجی عالم بشریت، دوباره آسایش و امنیت از دست رفته، برقرار خواهد شد و شروران و مفسدان جهانخوار به قعر جهنم فرستاد می‌شوند، این پیامی است که پیامبر گرامی به مردم مظلوم و ستم دیده آخرالزمان مژده می‌دهد و بذر امید را در ناامیدی می‌افشاند.

و اینک وظیفه ماست که آرام ننشینیم و با امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ظلم و ستم و غیره زمینه را برای ظهور آقا فراهم سازیم و مانند دیگر منتظران آقا برای فرج ایشان دعا نمائیم. چنان که زراره گوید از امام باقر (ع) راجع به این آیه پرسش نمودم که فرماید: «هل ينتظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة» آیا جز ساعتی را که نگاه بر آنان بیاید، انتظار می‌کشند.

حضرت فرموده: «هی ساعه القائم تأتيهم بغتة» آن ساعت قیام حضرت قائم (ع) است که ناگهان بر آنان بیاید» و بنابراین هر روز و هر ساعت و هر دقیقه ما باید منتظر ظهور منجی عالم بشریت امام زمان (ع) باشیم.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- سوره والعصر امام زمان (ع) - نویسنده: آقای عباس راسخی نجفی
- ۲- بقیه الله (عج) - جمعی از نویسندگان - چاپ اول - پخش: دفتر نشر کوکب - تیراژ ۵۰۰۰ نسخه
- ۳- قرآن کریم
- ۴- نهج البلاغه - ترجمه محمد دشتی - نشر مؤسسه امیرالمؤمنین - چاپ هفتم - تاریخ چاپ: زمستان ۷۹ - صفحات ۲۷۵، ۲۵۷، ۳۴۹
- ۵- قیام و انقلاب مهدی - نویسنده: استاد شهید مرتضی مطهری - انتشارات صدرا - چاپ ششم رجب ۱۴۰۰
- ۶- مجموعه اشعار «بنال ای نی» در انتظار قائم فرخنده پی اثر حبیب چایچیان «حسان» - انتشارات امیرکبیر

شناختی در مورد امام زمان (عج)

زهرة کيقبادی

سیستم حکومتی امام زمان (عج)

سیستم حکومتی امام زمان بنا بر آنچه در روایات معتبر آمده است چنین است که :

- ۱- قانون اساسی در حکومت امام زمان (ع) «قرآن مجید» است.
 - ۲- به همه برنامه‌های قرآن عمل می‌شود و حکمی معطل نمی‌ماند.
 - ۳- عدالت و امنیت را در سر تا سر جهان گسترش می‌دهد.
- در این زمینه پیامبر (ص) فرموده: «روز ظهور مهدی - علیه‌السلام - منادی ندا کند که: ای مردم! امروز، روز آزادی و عدالت است».
- ۴- وحدت بشری را به معنای صحیح پیاده می‌کند.
 - ۵- دنیا به منزله یک خانه در می‌آید و حضرتش برای آن خانه چون پدری مهربان است.
 - ۶- علم تکمیل می‌گردد. چنانچه از حضرت صادق - علیه‌السلام - نقل شده که فرموده: «علم، ۲۷ حرف است، تا زمان مهدی - علیه‌السلام - بیش از ۲ حرف کشف نمی‌شود؛ لیکن حضرتش از هر ۲۷ درجه از علوم جهان برای بشر پرده بر می‌دارد»^۱
 - ۷- علم و صنعت در خدمت رشد فضایل اخلاقی قرار می‌گیرد.
 - ۸- تمام انسانها توانگر و غنی می‌گردند. و از نظر اقتصادی کامل، بطوریکه فقیر یافت نمی‌گردد.
- پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده: «تا فرصت دارید صدقه بدهید و روزی بر شما خواهد آمد در حکومت مهدی که هر چه بگردید فقیری پیدا نکنید تا به او صدقه دهید».
- ۹- حق هر کس به او داده می‌شود و به کسی ظلم نمی‌گردد.
 - ۱۰- زمین تمام گنجهای خود را در دسترس حضرت قرار می‌دهد.
 - ۱۱- یک دین در جهان باقی می‌ماند و همه به آن دین رو می‌آورند و آن اسلام است.
 - ۱۲- اصول شرافت و مردانگی و انسانیت رشد پیدا می‌کند.
 - ۱۳- عقلها تکامل پیدا می‌کند.
 - ۱۴- بیماران شفا پیدا می‌کنند. حضرت باقر (ع) فرمودند: «هر کس قائم ما را ببیند اگر بیمار باشد شفا یابد و اگر ضعیف باشد نیرومند گردد».
 - ۱۵- استعمار و بردگی را از بین می‌برد، چنانچه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرموده: «در زمان مهدی - علیه‌السلام - بردگی و استعمار از میان می‌رود و همه مردم آزاد زندگی می‌کنند. دل‌های مردم از حسد و دروغ و کینه پاک می‌شود» همانطور که ما چنین آرزویی برای مردم بی‌دفاع فلسطین داریم.
- حضرت علی (ع) در فرازهایی نهج‌البلاغه در مورد سیستم حکومتی حضرت مهدی چنان می‌فرماید که:
- «يعطف الهدى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى، و يعطف الراءى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراءى»

۱. شیفتگان حضرت مهدی - قاضی زاهدی، احمد، ص ۶۸، جلد ۴، چاپ اعتماد - انتشارات حاذق

ترجمه: « او (حضرت مهدی (ع)) خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، در حالی که به نام تفسیر نظریه‌های گوناگون خود را به قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد.^۱

۱- با ظهور مصلح جهانی، خواسته‌های مردم به فرمان آن حضرت تابع وحی می‌شود، در حالی که قبل از آن هوی و هوس بود.

۲- تفسیرهای فاسد و ناصواب از قرآن بوجود می‌آید که با آمدن امام زمان (ع) اندیشه‌ها و تفسیرها، تابع قرآن و خالص و ناب می‌شود.

و نیز آن حضرت در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید:

« در آینده جنگ میان شما افروخته می‌گردد، و چنگ و دندان نشان می‌دهد، با پستانهای پر شیر، که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهرآگین دارد، به سوی شما می‌آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است (حضرت مهدی (عج)) عمال و کارگزاران حکومتها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد، زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می‌ریزد، و کلیدهایش را بر او می‌سپارند. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند، و کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را که تا آن زمان متروک ماندند، زنده می‌کند.^۲

امام صادق (ع) در حدیثی در این باره می‌فرماید:

« اذا اقام القائم، دعی الناس الی الاسلام جدیداً و هدا هم الی امر قد دثر، فصل عنه الجمهور، و انما سمي القائم مهدياً، كانه يهدى الی امر مضلول عنه، و سمي القائم. لقيامه بالحق.»

ترجمه: « چون قائم قیام کند مردم را از نو، به اسلام دعوت می‌کند و آنها را به چیزی که در میان آنها کهنه شده، و آثارش از بین رفته، فرا می‌خواند. از این رو جمهور امت از دعوت او سرپیچی می‌کنند و گمراه می‌شوند. به قائم ما مهدی گفته می‌شود، زیرا به چیزی که مردم از آن گمراه شده‌اند هدایت می‌کند، و به او قائم گفته می‌شود، زیرا قیام به حق می‌کند.

امام زمان از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع):

شادی اهل آسمان:

امام علی (ع) از شادی اهل آسمان در هنگام ظهور حضرت ولی عصر (ع) یاد می‌کنند و می‌فرماید:

« یفرح لخروجه اهل السماء و سكانها، يملأ الارض عدلاً ملئت جوراً و ظلماً»

ترجمه: « برای ظهور او اهل آسمان‌ها شادمانی می‌کنند. روی زمین را پر از عدالت می‌کند، پس از آنکه با جور و ستم پر شده باشد.»

منتقم کشته‌ی کربلا:

علی (ع) در ضمن نامه‌ای خطاب به معاویه از لشکر سفیانی که از اعلام ظهور است بحث کرده‌اند و می‌فرماید:

« مردی نیکو سرشت و پاک روش از اولاد من، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است. من نام و نشان او را می‌دانم که آن روز، او کی و کجاست، او از تبار پسر حسین (ع) است.

۲. قیام و انقلاب مهدی از نظر فلسفه‌ی تاریخ، مطهری، مرتضی، انتشارات حکمت، ص ۶۷، جلد ۵

۳. نهج البلاغه - ترجمه‌ی دشتی - محمد، خطبه‌ی ۱۳۸، ص ۲۵۷، انتشارات صدرا

همان حسین (ع) که پسر تیز رو را می‌کشد، و او (مهدی «عج») انتقام خون پدرش (حسین «ع») را می‌گیرد.»

در حدیثی شریف از حضرت علی (ع) که در مورد حکومت مهدی (عج) بیان می‌فرمایند می‌خوانیم که: «بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد، و بر همان سیره و روش پیامبر (ص) و امامان (ع) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. حضرت مهدی (ع) سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد، آنچنان که اثرشناسان اثر قدمتش را نمی‌شناسند، گرچه دریافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند، و چونان شمشیرها صیقل می‌خورند. دیده‌هایشان با قرآن روشنایی می‌گیرد. و در گوشه‌هایشان تفسیر قرآن طنین می‌افکند. و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند.»^۱

برخی از نکات که از این حدیث می‌توان بر شمرد چنین است:

۱- مهدی موعود (ع) از نسل پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) است. پس ادعای دیگر مدعیان مهدویت دروغی بیش نیست.

۲- سیره‌ی حضرت مهدی (ع) همان سیره و روش پیامبر (ص) و امامان (علیه‌السلام) است. وجود مقدس نبی اکرم (ص) در خطبه‌ی غدیر خم در این خصوص می‌فرماید: «معاشر الناس من الله عز وجل فی مسکوک ثم علی ثم فی النسل منه الی القائم المهدی، الذی یا اخذ بحق الله و بكل حق هولنا».

ترجمه: «و ای مردم! نور الهی در من قرار گرفته، آنگاه در علی (ع) و سپس در فرزندانش تا به قائم مهدی (ع) برسد و اوست که حق خدا و همه حقوق از دست رفته ما را بازستاند.»

۳- وحدت و یکدلی مؤمنان از برنامه‌های آن حضرت است.

۴- عده‌ای با انجام عمل صالح منتظر قدم مبارک آن حضرت هستند. اینان برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند و چونان شمشیر آماده‌نبرد، صیقل می‌خورند. و پیوسته قرآن می‌خوانند و به تفسیر قرآن توجه دارند. اسلام و حکمران عادل:

آن حضرت در جایی دیگر از اسلام و حکمران عادل به عنوان دو برادر همزاد نام برده‌اند که اسلام را پایه و حاکم عادل را نگهبان آن می‌دانند.

«اسلام و سلطان عادل دو برادر همزادند. یکی از آنها بدون دیگری به کمال شایسته نمی‌رسد، اسلام پایه‌ای است و سلطان عادل نگهبان است. آنچه بی‌پایه باشد ویران می‌گردد و آنچه نگهبان ندارد تباه می‌شود. از این رهگذر هنگامی که قائم ما رفت بر نبرد دیگر اثری از اسلام نمی‌ماند (بعد از انقضای رجعت) و هنگامی که اثری از اسلام نباشد، اثری از دنیا نخواهد بود.»

دوران غیبت صغری و کبری:

در یک جمله کوتاه می‌توان عصر غیبت کبری را عصر حوادث و اضطراب و جنگ و دلهره و رعب و وحشت شیعه نام‌گذاری کرد. زیرا در یک نگاه گذرا به تاریخ می‌بینیم که حمله مغول در این عصر وقوع می‌یابد. جنگ‌های جهانی نیز در این عصر به وقوع پیوست و نیز حمله استعمارگران آمریکایی بر مردم مسلمان و بی‌دفاع

عراق و افغانستان، زندانها در همین عصر از علمای شیعه پر می‌شود. فقهاء و بزرگان شیعه در انزوا یا در زندانها به سر می‌برند با این وجود به مسئولیتهای بزرگ خبر در قبال امت عمل می‌کنند و این امت محروم را از چشمه سار زلال علم آل محمد (ص) سیراب می‌نمایند و لذا می‌بینیم شکوفائی علوم اسلامی در این عصر با همه فشارها و فتنه‌ها، سختی‌ها و کارشکنی‌ها به اوج خود می‌رسد.

امام دوازدهم دو مرتبه از دیده مردم مخفی شد. مرتبه اول از سال تولدش ۲۵۵ یا ۲۵۶ یا از سال وفات پدرش - ۲۶۰ - شروع شد و تا سال ۳۲۹ امتداد یافت. در طول این مدت گرچه از نظر عامه مردم غائب بود لیکن ارتباطات کاملاً منقطع نبود بلکه نواب خدمتش رسیده و احتیاجات مردم را مرتفع می‌نمودند. غائب بودن در این ۷۴ یا ۶۹ سال را غیبت صغری گویند.

غیبت دوم از سال ۳۲۹ که سال انقراض نیابت نواب بود، شروع شد و تا زمان ظهور امتداد دارد و این را غیبت کبری می‌گویند. پیغمبر اکرم و ائمه‌ی اطهار (ع) قبلاً از وقوع این دو غیبت خبر داده بودند.

از باب نمونه: امام صادق (ع) فرموده: «حضرت صاحب‌الامر دو غیبت دارد، یکی از آنها به قدری طولانی می‌شود که گروهی می‌گویند: مرده است، گروهی که می‌گویند: کشته شده است. گروهی می‌گویند: رفته است. فقط عده معدودی باقی می‌ماند که بوجود آنجناب عقیده دارند و ایمانشان ثابت و استوار است. در آن زمان کسی از جایگاه آن حضرت اطلاع ندارد، مگر خدمتکار مخصوصش «هشت» حدیث دیگر.^۱

غیبت صغری و ارتباط شیعیان:

در زمان غیبت صغری توده مردم از درک ملاقات حضرت صاحب‌الامر (ع) محروم بودند، لیکن ارتباطات کاملاً منقطع نبود و بوسیله عده محدودی که باب و نائب و وکیل نامیده می‌شوند با امام خود تماس گرفته حوائج خویش را رفع می‌نمودند و مشکلات دینی خود را حل می‌کردند. سهم امامی که به اموالشان تعلق می‌گرفت بوسیله همان نواب فرستاده می‌شد. گاهی از ناحیه مقدسه تقاضای کمک مادی می‌نمودند، گاهی برای سفر حج یا سفرهای دیگر کسب اجازه می‌کردند. گاهی برای شفای مریض و طلب فرزند از ایشان خواهش دعا می‌کردند. گاهی هم ابتدا از ناحیه مقدسه برای اشخاصی پول یا لباس یا کفن فرستاده می‌شد و مانند این کارها.

توقیع چیست:

به تقاضاهای مردم که بوسیله نامه از طریق نواب امام فرستاده می‌شد و پاسخ آنان نیز کتباً از ناحیه مقدسه صادر می‌شد که آنها را اصطلاحاً «توقیع» می‌گویند.

گفته شده که خود آن حضرت کاتب توقیعات بوده است. حتی خط مبارکش بین خواص اصحاب و علمای وقت معروف بوده آنرا به خوبی می‌شناختند. این سخن شواهدی هم دارد.

- محمد بن عثمان عمری می‌گوید: «از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می‌شناختم».^۲

۱. بحارالانوار - محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی - ترجمه ولی، ارومیه، حسن - جلد ۵۲، ص ۱۳۵ - انتشارات جاویدان

۲. دادگستر جهان، امینی، ابراهیم - ص ۱۳۳، جلد ۱۵ - انتشارات شفق

تعداد نواب آن حضرت:

در عدد نواب اختلاف است. سیر طاووس در کتاب «ربیع الشیعه» اسامی آنان را بدیع قرار ذکر کرده: «ابوهشام دارد بن القاسم، محمد بن علی بن بلال، عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، عمرا لهوازی، احمد بن اسحاق، ابومحمد الوخبای، ابراهیم بن مهزیار، محمد بن ابراهیم»^۱.

چرا از اول غیبت کامل واقع نشد؟

غائب شدن امام و رهبر جمعیت، آن هم زمانی طولانی امریست بس غریب و غیر مأنوس و باور کردنش برای مردم دشوار است. از این جهت، پیغمبر و ائمه اطهار علیه السلام تصمیم گرفتند که کم کم مردم را با این موضع آشنا سازند و افکار را برای پذیرش آماده نمایند، گاهی هم با رفتارشان عملاً شبیه غیبت را فراهم می ساختند. مسعودی در اثبات الوصیه نوشته است: امام هادی (ع) با مردم کم معاشرت می کرد و جز با خواص اصحاب با کسی تماس نمی گرفت. وقتی امام حسن عسگری (ع) به جایش نشست در اکثر اوقات از پشت پرده با مردم سخن می گفت تا شیعیان برای پذیرش غیبت امام دوازدهم مهیا و مأنوس گردند. اگر بعد از رحلت امام حسن عسگری (ع) غیبت کامل شروع می شد شاید وجود مقدس امام زمان مورد غفلت واقع شده کم کم فراموش می گشت. از این جهت ابتدا غیبت صغری شروع شد تا شیعیان در آن ایام، بوسیله نواب با امام خود تماس گرفته علائم، وکراماتی را مشاهده نمایند و ایمانشان کامل گردد. اما هنگامی که افکار مساعد گشت و آمادگی بیشتری پیدا شد غیبت کبری شروع گردید.

آیا غیبت کبری حدی دارد؟

حدی معین نشده لیکن احادیث دلالت می کنند که مدتش به قدری طولانی می شود که گروهی به شک می افتند.

از باب نمونه: امیرالمؤمنین (ع) درباره حضرت قائم (ع) فرمود: غیبتش به قدری طولانی می شود که شخص جاهل می گوید: «خدا به اهل بیت پیغمبر احتیاجی ندارد»

حضرت سجاد (ع) فرمود: «یکی از خصائص نوح در قائم وقوع خواهد یافت و آن طول عمرش می باشد.»

خبر از ظهور حضرت مهدی:

فاطمه علیها السلام اینچنین از ظهور مهدی (ع) خبر می دهد که روزی فاطمه علیها السلام به حسین فرموده: «هنگامی که تو را بزادم، رسول خدا بر من وارد شد - نوزاد را در بغل گرفت - سپس فرمود: ای فاطمه! حسینت را بگیر و بدانکه او پدر نه امام است و از نسلش امامهای صالحی بوجود خواهند آمد که زهومی آنان قائم است.» امام حسین (ع) نیز از ظهور مهدی خبر داده است که فرمودند: «دوازده امام از ما هستند، علی بن ابی طالب اول آنان و آخرشان زهومی فرزندی من قائم به حق می باشد. خدا به برکت وجود وی زمین مرده را زنده و آباد می کند و این حق را بر تمامی ادیان پیروز می گرداند، اگر چه مشرکین کراهت داشته باشند. مهدی، مدتی از نظرها غائب می گردد. در زمان این راه اذیتها خواهند دید. از باب سرزنش به آنچه گفته می شود: اگر عقیده شما صحیح است، پس امام موعود شما کی نهضت می کند؟ ولی بدانید هر کس در ایام غیبت آزار و تکذیب دشمنان را تحمل کند مانند کسی است که در کنار رسول خدا با شمشیر جنگ نموده است.»^۲

۳. دادگستر جهان، امینی، ابراهیم - ص ۱۳۵، جلد ۱۵ - انتشارات شفق

۱. ظهور حضرت مهدی (ع) - قاضی زاهدی، احمد - جلد اول - چاپ نگین - انتشارات مسجد جمکران

حضرت مهدی و نویدهای ظهور آن در قرآن

خداوند در قرآن در سوره قصص می‌فرماید:

« و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین.»

ترجمه: « و ما اراده کرده‌ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند، منت نهاده، آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

از امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که آن دو بزرگوار فرموده‌اند: « این آیه مبارکه مخصوص به صاحب‌الامری است که در آخرالزمان ظاهر می‌شود و فرعونیان و جباران را نابود می‌سازد و شرق و غرب جهان را به تصرف خود در می‌آورد، و آنچنان که پر از ظلم و ستم شده است مالمال از عدل می‌سازد.»^۱

و نیز در آیه ۸۳ سوره آل عمران خداوند می‌فرماید:

« افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً و الیه یرجعون.»

ترجمه: « آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ با آن که آنچه در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او هستند، و به سوی او بازگردانیده می‌شوند.» در تفسیر همین آیه شریفه از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل شده که فرموده: « هنگامی که حضرت قائم مهدی (ع) قیام کند هیچ نقطه‌ای در روی زمین باقی نمی‌ماند جز اینکه بانگ « لا اله الا الله و محمداً رسول الله» در آنجا بلند شود.»

نتیجه گیری

- ۱- سیستم حکومتی امام زمان (ع) به طوری است که قانون اساسی در حکومت ایشان قرآن است. آزادی و عدالت را در سر تا سر جهان گسترش می‌دهد، امام زمان در هنگام ظهور از هر ۲۷ درجه از علوم جهان برای بشر پرده بر می‌دارد و حق هر کس به او داده می‌شود و فقری پیدا نمی‌شود، استعمار و بردگی از بین می‌رود.
- ۲- امام علی (ع) در هنگام ظهور امام زمان (ع) از شادی اهل آسمان خبر می‌دهند و نیز می‌فرمایند که او مردی نیکو سرشت و پاک‌روش از اولاد من است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، و بردگان ملت‌های اسیر را آزاد می‌سازد.
- ۳- امام دوازدهم دو مرتبه از دیده مردم غائب می‌شود. مرتبه اول از سال ۲۶۰ شروع و تا سال «۳۲۹» امتداد یافت که غیبت صغری نام دارد و مرتبه دوم از سال «۳۲۹» آغاز شد و تا زمان ظهور امتداد دارد.
- ۴- عصر غیبت عصر حوادث و جنگ و دلهره است، همانند آنچه که هم‌اکنون مشاهده می‌کنیم که استعمارگران آمریکایی و انگلیسی با سلاحهای مرگبار خود مردم بی‌دفاع و مسلمان عراق را از بین می‌برند.
- ۵- مردم در زمان غیبت صغری از ملاقات با امام محروم بودند و تقاضای خود را به وسیله نامه از طریق نواب خاص امام برای امام می‌فرستادند و امام نیز پاسخ این نامه‌ها را با خط مبارکشان می‌نوشت که به این نامه‌ها توقیع می‌گویند.
- ع- غیبت کامل امام از همان اول برای مردم باورکردنش دشوار بود و به همین خاطر ائمه تصمیم گرفتند تا افکار مردم را برای این موضوع آماده سازند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ارمغان مهدی (عج): دهقان چناری، ابوالقاسم - جلد دوم - چاپ امیر - انتشارات مشهود - تاریخ نشر ۱۳۸۰
- ۲- بحارالانوار: محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی - ترجمه: ولی، ارومیه، جلد ۵۲ - انتشارات جاویدان - چاپ بی تا - تاریخ نشر ۱۳۰۸
- ۳- خصال یاوران مهدی (عج): ترجمه: سید محمد صدر، اداره پژوهش و نگارش - جلد ۴ - چاپ و توزیع شرکت سهامی چاپخانه (وزارت ارشاد اسلامی) - انتشارات ارشاد اسلامی - تاریخ نشر - اردیبهشت ۱۳۶۳ .
- ۴- دادگستر جهان: امینی، ابراهیم - جلد ۱۵ - چاپ قدس - انتشارات شفق - تاریخ چاپ ۱۳۷۵.
- ۵- شیفتگان حضرت مهدی (ع): قاضی زاهدی - احمد - جلد ۴ - چاپ اعتماد - انتشارات حادق - آذرماه ۱۳۷۴.
- ۶- ظهور حضرت مهدی (ع): هاشمی شهیدی، سید اسدالله - جلد اول - چاپ نگین - انتشارات مسجد مقدس جمکران - تاریخ نشر - تابستان ۱۳۸۰.
- ۷- قیام و انقلاب مهدی از نظر فلسفه و تاریخ: مطهری، مرتضی - جلد ۵ - چاپ فروغ دانش انتشارات حکمت - تاریخ نشر - رجب ۱۳۹۸.
- ۸- مصلح کل: صفائی کاشانی، علی - جلد دوم - چاپ پیام - انتشارات مفید - تاریخ نشر دی ماه ۱۳۷۴.
- ۹- نهج البلاغه: ترجمه دشتی، محمد - جلد ۵ - انتشارات صدرا - چاپ پیام آزادی - تاریخ نشر ۱۳۷۸.

چشم اندازی از حکومت حضرت مهدی (عج)

یاسر مرشدلو
دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه

قال رسول الله:

ان خلفائی و اوحیائی و حجج الله على الخلق بعدی لا ثنا عشر. اولهم انی و آخرهم ولدی. قیل: یا رسول الله، و من اخوک؟ قال: علی بن ابی طالب. قیل: فمن ولدک؟ قال: المهدي الذي يملاها قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً. و الذي بعثني بالحق بشيراً، لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه ولدی المهدي فينزل روح الله عيسى بن مريم فيعلی خلفه، و تشرق الارض بنور ربها و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب.^۱

حقیقت آن که جانشینان و اوصیای من و حجت های خدای بر خلق پس از من، دوازده تن می باشند. اولین ایشان برادرم و آخرین ایشان فرزندم. گفتند: یا رسول الله، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفتند: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی است که زمین را از عدل و داد می آکند، آنگونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. سوگند به آن که مرا به حق بشارت دهنده برانگیخت، اگر از عمر جهان جز یک روز نمانده باشد، خدای آن روز را دراز دامن کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز خروج کند. پس آنگاه روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گذارد و زمین به نور پروردگارش روشن شود و حکومت او مشرق و مغرب را فراگیر شود.

جلوه هایی از حکمرانی مهدی (ع)

قال امیرالمؤمنین (ع):

يعطف الهدى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهدى و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى.^۲

خواهش نفسانی را به هدایت الهی باز گرداند، آن گاه که هدایت را به هوای نفس برگردانده باشند رأی مردمان را تابع قرآن کند، آن گاه که قرآن را پیرو رأی خویش گردانده باشند. به اعتراف ابن ابی الحدید، این کلام هدایت نشان به حضرت مهدی (ع) اشارت دارد.^۳

قال الصادق (ع):

اذا قام القائم (ع) حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور، و امنت السبل و اخرجت الارض برکاتها و رد کل حق الی اهله و لم یبق اهل دین حتى یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان.^۴

^۱ فراند المسطین ۳۱۲/۲.

^۲ نهج البلاغه / ۱۹۵، خطبه ۱۳۸.

^۳ بنگرید به: شرح نهج البلاغه ۴۰/۹.

^۴ کشف الغمه ۲۵۵/۳.

آنگاه که قائم(ع) قیام کند، حکمش به عدل باشد، و ستم در روزگار او رخت بر بندد، و راهها ایمنی یابد، و زمین برکات خویش را ظاهر سازد و هر حقی به صاحبش برگردانده شود و اهل ادیان همگی به اسلام روی آورند و به ایمان اقرار کنند.

قال الرضا(ع):

الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر الله به الارض من كل جور و يقدرها من كل ظلم و هو الذی يشك الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه فاذا خرج اشرفت الارض بنوره و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احد احداً.^۱

چهارمین از فرزندان من که پسر مهتر کنیزان است، خدای به واسطه او زمین را از هر ستمی پاک گرداند و آن را از هر ظلمی منزه سازد. او همان است که درباره ولادتش شک کنند و همو دارای غیبت است پیش از آنکه خروج کند. پس چون خروج کند، زمین به نور او روشن شود، و او ترازوی عدالت در میان مردم نهد و کسی بر کسی دیگر ظلم نکند.

نمونه‌هایی از گفتار و رفتار امام زمان(عج) و چند ویژگی حکومتش

ده گفتار از امام قائم(عج)

۱. یا مرکم ان لا تشرکوا به شیئاً و ان تحافظوا علی طاعته و طاعه رسوله:

«به شما امر می‌کنم که چیزی را شریک خدا قرار ندهید و در اطاعت خدا و رسولش، مراقبت نمایید».^۲

۲. یا مرکم ان تحیوا ما احیا القرآن و یحیتوا ما امانت:

«به شما امر می‌کنم، آنچه قرآن آن را زنده کرده، زنده بدارید، و آنچه را قرآن نابود و باطل نموده، نابود

و باطل سازید».^۳

۳. انا بقیه من ادم، و ذخیره من نوح و مصطفی من ابراهیم، و صفوه من محمد(ع).

«من باقیمانده‌ای از آدم(ع) و ذخیره‌ای از نوح(ع) و برگزیده‌ای از ابراهیم(ع) و خلاصه‌ای از محمد(ع)

هستم». (یعنی مجموعه‌ای از اهداف این پیامبران بزرگ، برای اجرای برنامه‌های عالی آنها می‌باشم).^۴

۴. اخلقوا ابواب السؤال عما لا یعنیکم:

«درهای سؤال را از اموری که برای شما مفید نیست، ببندید».^۵

۵. لا تتكلفوا علو ما قد کفیتکم:

«بیش از آن اندازه علمی که امور شما را کفایت می‌کند، (در امور معنوی و مادی) خود را به مشقت

نیفکنید».^۶

۶. اکثروا الدعاء بتعجیل الفرغ فان ذلک فرجکم:

^۱ فراند السمطین ۳۳۶/۲

^۲ فرازی از خطبه امام قائم(ع) هنگام ظهور در مکه (الامام المهدي من المهدی الى الظهور، ص ۵۱۵)

^۳ فرازی از خطبه امام قائم(ع) هنگام ظهور در مکه (الامام المهدي من المهدی الى الظهور، ص ۵۱۵)

^۴ غیبه النعمانی، باب ۱۴، ص ۲۷۹

^۵ بحار، ج ۵۲، ص ۹۲.

^۶ العام الوری، ص ۴۲۴

«در مورد فرا رسیدن سریع فرج (ظهور امام زمان) بسیار دعا کنید، چرا که همین دعا و خواستن، مایه فرج و گشایش و نزدیک شدن به فرج امام زمان است»^۱.

۷. اذا غیر مسلمین لم اعاتکم، و لا ناسین لذکرک:

«ما به امور زندگی شما توجه داریم، و شما را از یاد نمی‌بریم»^۲.

۸. ما ارغم انف الشیطان بشیء مثل الدلاه، فعلها و ارغم انف الشیطان:

«هیچ چیزی مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال»^۳.

۹. و اما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکا لانتفاع با شمس اذا غیبتها من الابحار السحاب:

«اما چگونگی بهره‌مندی از من در عصر غیبتم، همانند بهره‌مندی از نور خورشید است در آن هنگام که ابرها آن را از دیدار مردم بپوشاند»^۴.

۱۰. اما ظهور الفرج فانه الی الله، کذب الوقاتون:

«ظهور فرج مربوط به اراده خدا است تعیین‌کنندگان وقت ظهور، دروغگو هستند»^۵.

نمونه‌هایی از رفتار و ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی(ع)

رفتار حضرت مهدی(ع) و برنامه‌های او در حکومت جهانی سراسر عدل و داد خود، صفا و صمیمیت، اخلاق عالی انسانی و ارزشهای والای اسلامی در همه زمینه‌های عقیدتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و... است، در آن وقت اهداف همه پیامبران و امامان(ع) تحقق می‌یابد و جامعه ایده‌آل و زیبای الهی، پدیدار می‌شود. دیگر از ظلم، ستم، بی‌بند و باری، رشوه، تجاوز به حقوق و هرگونه انحراف، خبری نیست، گلستانی از عالی‌ترین مفاهیم انسانی و اسلامی بر همه جا حاکم خواهد شد، برای روشن شدن این مطلب، نظر شما را به نمونه‌ها و شاخص‌های زمان حکومت جهانی حضرت مهدی(ع) که هر کدام بیانگر جلوه‌هایی از رفتار اوست، جلب می‌کنیم:

توحید و اسلام ناب در سراسر جهان

امام صادق(ع) در مورد آشکار شدن همه ابعاد دین در عصر حکومت حضرت مهدی(ع) فرموده:
هو المظهر علی الدین کله:

«مهدی آشکارکننده همه ابعاد دین است»^۶.

نیز فرموده:

اذا قام القائم لا یبقی ارض الا نودی فیها بشهاده ان لا اله الا الله، و ان محمداً رسول الله.

۱. همان مدرک

۲. فرازی از توفیق امام زمان به شیخ مفید (بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۵)

۳. بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۲

۴. اعلام الوری، ص ۴۲۴

۵. همان مدرک

۶. اثباه الهدا، ج ۷، ص ۶۱

«هنگامی که قائم(ع) قیام کرد، در سراسر زمین، جایی باقی نماند مگر اینکه در آن گواهی به یکتایی خدا و رسالت محمد(ع) داده شود».^۱

مهمتر از این آنکه، در آن عصر، اسلام ناب و حقیقی، آشکار و اجرا می‌گردد، و امام قائم(ع) به نوسازی و بازسازی دین اسلام می‌پردازد، چرا که بسیاری از مفاهیم اسلام در طول قرون، به وسیله دستهای جاهلان و سودجویان، وارونه معرفی می‌شود و پیرایه‌هایی دور از اسلام ناب، وارد آن می‌گردد، پرواضح است، که مثلاً معاویه و علی(ع) هر دو دم از اسلام می‌زدند، آیا اسلام علی(ع) با اسلام معاویه یکی بود؟

بر همین اساس امام صادق(ع) فرموده:

اذا خرج القائم یقوم بامر جدید، و کتاب جدید، و سنه جدیده و قضاء جدیده:

«هنگامی که قائم(ع) خروج کند، فرمان تازه، کتاب تازه، روش تازه و داوری تازه با خود می‌آورد».^۲

یعنی آن چنان اسلام را از برجسبها، پیرایه‌ها، خرافات و تفسیرهای نادرست پاکسازی و نوسازی می‌کند که به نظر مردم می‌آید که او دین و قرآن و روش جدید آورده است.

تا آنجا که امام صادق(ع) فرموده:

یصنع ما صنع رسول الله(ع) یهدم ما کان قبله، کما هدم رسول الله امر الجاهلیه و یتأنف الاسلام جدیداً:

«همان کاری را که رسول خدا(ع) انجام داد، انجام می‌دهد، روش گذشته را ویران و نابود می‌سازد، چنانکه رسول خدا(ع) روش دوران جاهلیت را نابود ساخت و اسلام را نوسازی می‌نماید».^۳

نیز فرموده: «سوگند به خدا، اختلاف از میان ادیان برداشته می‌شود، و همه دین‌ها به صورت یک دین در می‌آید».^۴

عدالت، امنیت و فراوانی نعمت در عصر درخشان حضرت مهدی(ع) عدالت و امنیت سراسر جهان را فراگیرد و در همه جا نعمتهای مختلف الهی، فراوان گردد.

امام صادق(ع) فرموده:

اذا قال القائم حکم بالعدل،

و ارتفع فی ایامه الجور،

و امنت السبل،

و اخرجت الارض برکاتها،

و رد کل حق الی اهله،

و لم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام، و یعترفوا بالایمان، اما سمعت الله سبحانه یقول: «و له اسلم من فی السماوات و الارض طوعاً و کرهاً و الیه ترجعون و حکم بین الناس بحکم داود، و حکم محمد(ع) فحینئذ تظهر الارض کنوزها، و تبدی برکاتها، و لا یجد الرجل منکم یومئذ موضعاً لصدقته، و لا لبره لشمول الغنی جمیع المومنین»:

«هنگامی که قائم(ع) قیام کند، حکومتش را بر اساس عدالت قرار دهد.

۱. همان مدرک، ص ۹۶

۲. اثبایه الهداه، ج ۷، ص ۸۳ و ۸۴

۳. غیبه النعمانی، ص ۱۲۱-بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۲

۴. بحار، ط قدیم، ج ۱۳، ص ۲۰۳

و در عصر او ظلم و ستم برچیده می‌شود.
جاده‌ها و راهها امن می‌گردد.
زمین برکات خود را آشکار می‌سازد.
هر حقی به صاحبش می‌رسد.

هیچ دینداری نمی‌ماند مگر اینکه اسلام را می‌پذیرد، و به آن اقرار می‌نماید.
آیا نشنیده‌ای سخن خدا را که می‌فرماید: «برای او خواه ناخواه اسلام آورد، هر که در آسمان‌ها و زمین است و به سوی او بازگردانده می‌شوند.» (آل عمران - ۸۳) و در میان مردم همانند داوود (ع) و محمد (ع) داوری کند.
در این هنگام زمین گنجها و برکات خدا را آشکار سازد، و کسی از شما موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی خود نمی‌یابد، زیرا همه مؤمنان غنی و بی‌نیاز خواهند شد.^۱
در این حدیث به نه امتیاز بزرگ سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی حکومت درخشان حضرت مهدی (ع) اشاره شده که هر کدام در جای خود، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.
امیرمؤمنان علی (ع) فرموده: «در آن عصر باران بسیار می‌بارد، زمین گیاهان خود را آشکار می‌سازد، کینه‌ها از دلها برطرف می‌گردد، درندگان و حیوانات آرامش می‌یابند، به طوری که زنی بین عراق و شام را می‌پیماید و در همه این فاصله دراز، گامهایش را بر روی گیاه می‌گذارد، زنبیلش بر سرش می‌باشد، هیچ درنده‌ای در مسیر راه، او را نمی‌ترساند.»^۲

پیشرفتهای علمی، فکری و تکنیکی

یکی از امتیازات عصر حکومت حضرت مهدی (ع) پیشرفتهای چشمگیر و عجیب علم و صنعت و فرهنگ است، تا آنجا که امام صادق (ع) فرموده:

العلم سبعة و عشرون حرفاً، فجميع ما جائت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير العرفين، فاذا قام قائمنا خرج الخمسة و العشرين حرفاً، فبثها في الناس و فم اليها العرفين حتى يبثها سبعة عشرون حرفاً:
«علم و دانش دارای بیست و هفت شعبه است، تمام آنچه پیامبران الهی تاکنون آورده‌اند، دو شعبه، بیش نبود، و مردم تاکنون جز آن دو شعبه را نشناخته‌اند، هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج شعبه دیگر علم را آشکار نماید و در میان مردم منتشر می‌سازد و دو شعبه دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت شعبه، تکمیل و منتشر شود.»^۳

امام باقر (ع) فرموده:

اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم:
«هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، و عقول آنها را با آن کامل، و افکارشان را تکمیل نماید.»^۴

۱. ارشاد مفید (ترجمه شده) ج ۲، ص ۳۵۹- بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۸

۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۶

۳. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵ (کتاب العقل، حدیث ۲۲)

امام صادق(ع) فرمود:

إذا قام قائمنا مد الله بشيعتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید، يكلمهم فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه:
 «هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند آنچنان نیروی گوش و چشم شیعیان ما را زیاد می‌کند که میان آنها و قائم(ع) نامه رسان نخواهد بود، او با آنها سخن می‌گوید، آنها سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خود است و آنها در نقاط دیگر جهان».^۱

توسعه ارتباطات نیرومند

امام صادق(ع) فرمود:

ان المؤمن في زمان القائم و هو بالشرق سیری اناه الذي في المغرب، و كذا في المغرب یری اناه الذي بالشرق.
 «همانا مؤمن در عصر حکومت قائم(ع) در حالی که در مشرق است برادرش را که در مغرب است می‌بیند، و همچنین مؤمنی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می‌بیند».^۲
 عبدالله بن عجلان می‌گوید: در محضر امام صادق(ع) از قیام حضرت مهدی(ع) سخن به میان آمد، به آن حضرت عرض کردم: «ما از کجا به قیام او باخبر می‌گردیم؟»
 فرمود:

یصبح احدکم و تحت رأسه صحیفه علیها مکتوب: طاعه معروفه:
 «هر یک از شما (یا یکی از شما) صبح از بستر بر می‌خیزد، در کنار سرش، دعوتنامه‌ای می‌بیند که در آن (این جمله آیه ۵۳ نور) نوشته شده است: طاعت خالصانه نشان دهید».^۳
 مفهوم این روایت، به «تکنیک فاکس» که در مخابرات امروز رایج است، بسیار نزدیک می‌باشد، و به طور کلی این‌گونه روایات بیانگر ارتباطات نیرومند و تنگاتنگ جهانیان با یکدیگر در آن عصر است.

پیشرفت‌های تربیتی در عصر قائم(عج)

فرهنگ اخلاقی و روابط خانوادگی و اجتماعی مردم، در عصر حکومت درخشان حضرت مهدی(عج) به جایی می‌رسد که امام باقر(ع) در ضمن گفتاری فرمود:
 تؤتون الحکمه فی زمانه حتی ان المراه لتقضى فی بيته بكتاب الله و سنه رسوله:
 «در عصر حکومت مهدی(عج) آنقدر حکمت و روشن‌بینی به مردم داده می‌شود که زن در خانه خود بر اساس قرآن و سنت رسول خدا(ع) قضاوت می‌کند».^۴

یعنی رسانه‌های گروهی و وسایل تربیتی در خانه و مدرسه و محیط بقدری مجهز و اسلامی و نیرومند است که مسایل و مشکلات در خانه‌ها به راحتی حل می‌شود و نیاز به کشمکش‌های بیرون خانه نیست، به این ترتیب

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۳

۳. بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۲

۴. الامام المهدی من المهد الى الظهور، ص ۶۰۱

فسادها و کشمکشهای خانوادگی و نزاعهای گروهی، به سادگی برچیده می‌شود و دیگر به دادگاه و کلانتری و در دسرهای بیرون خانه، نیاز پیدا نمی‌شود.

پیشرفتهای کشاورزی و اقتصادی

از امام معصوم (ع) روایت شده در مورد چگونگی حکومت حضرت مهدی (عج) فرمودند: «بلغ سلطانه المشرق و المغرب، و تظهر له الكنوز، و لا یبقی فی الارض خراب الا یعمره: «حکومت او مشرق و مغرب را فرا می‌گیرد، و گنجینه‌های زمین برای او آشکار می‌گردد و در سراسر زمین، جای ویرانی نمی‌ماند مگر اینکه آن را آباد خواهد ساخت.»^۱

امام باقر (ع) فرمود: «امام قائم (عج) در پشت مرقد امام حسین (ع) در کربلا، نهری را احداث می‌کند که تا نجف اشرف ادامه دارد، و در کربلا (از فرات) آب را به سرزمین نجف اشرف می‌رساند، و برای این نهر پلها و سدها می‌سازد و در کنار آن چندین آسیا احداث می‌کند.»
و در پایان فرمود:

و کانی بالعجوز و علی رأسها مکتل فیه بر، قتاتی تلک الارحاء فتطحنه بلاکراء:
«گویا پیرزنی را می‌نگرم که زنبیلی محتوی گندم بر سر نهاده و به آن آسیابها می‌آید، و گندم خود را به طور رایگان آرد کرده و به خانه‌اش می‌برد.»^۲

امیرالمؤمنان علی (ع) در ضمن گفتاری در مورد حکومت امام قائم (عج) فرمود:
و یزرع الانسان مدأ یخرج له سبعماه مدأ:
«یک کشاورز، به اندازه ده سیر گندم (یا برنج و ...) در زمین می‌کارد، و هفتصد برابر آن محصول به دست می‌آورد.»^۳

بر اثر توسعه کشاورزی و سایر عوامل تولید، فراوانی نعمت بقدری سرشار می‌گردد که رسول خدا (ع) در ضمن گفتاری فرمود:

«مژده باد به شما به آمدن مهدی (عج) که با توزیع عادلانه خود، امت محمد (ع) را بی‌نیاز می‌سازد و عدالتش همه جا را فرا می‌گیرد، به طوری که سخن گویش از طرف آن حضرت اعلام می‌کند:
من له حاجه الی:

«کسی که نیاز دارد نزد من بیاید.»

مرد نیازمندی نزد آن حضرت می‌آید، او به آن مردم می‌گوید: «نزد کلیددار بیت‌المال برو، تا به تو عطا کند.» او نزد کلیددار می‌رود، و می‌گوید: من فرستاده حضرت مهدی (عج) هستم، برای گرفتن آذوقه آمده‌ام. / کلیددار می‌گوید: «بریز و هر چه می‌خواهی و می‌توانی ببر.» او ظرف خود را پر می‌کند و قدرت بردن آن را ندارد، زیادی آن را همانجا می‌ریزد و تا اندازه‌ای که توان حمل دارد، با خود می‌برد، ولی پشیمان می‌شود و نزد کلیددار بر می‌گردد و می‌گوید: من حریص‌ترین فرد امت محمد (ع) هستم، زیادی بار خود را که نیاز ندارم، در آنجا برای دیگران می‌گذارم، کلیددار می‌گوید: «ما چیزی را که به کسی دادیم پس نمی‌گیریم.»^۴

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۷۶

۲. الغیبه الطوسی، ص ۲۸۱

۳. عقدالدرر، باب ۹، ص ۲۰۰

۴. الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۰۲

این روایات حاکی از آن است که افزایش تولید و توسعه کشاورزی و عوامل تولید و توزیع عادلانه، بقدری سطح اقتصاد در عصر حکومت مهدی (عج) را بالا برده، که مردم این گونه بی نیاز می شوند و از وفور نعمت برخوردار می گردند.

در عین حال خود حضرت مهدی (عج) و نزدیکانش با کمال سادگی زندگی می کنند، و از هرگونه تجمل گرایی دوری می جویند، تا موجب رنجش خاطر هیچ کس نگردند، از این رو نقل شده: معلی بن خنیس، به امام صادق (ع) عرض کرد:

«اگر حکومت به دست شما بیاید، ما نیز با شما زندگی خوشی خواهیم داشت.» (و از وسعت رفاه و آسایش شما بهره مند خواهیم شد).

امام صادق (ع) در پاسخ فرمود:

هیئات یا معلی اما و الله ان لو کان ذاک، ما کان الا سیاسه اللیل و سیاحه النهار، و لبس الخشن، و اکل الجشب، فزوی ذلک عذا، فهل رأیت ظلامه قط حیرها الله تعالی نعمه الا هذه:

«هیئات ای معلی! سوگند به خدا اگر چنین شود، برای ما جز نگرهبانی شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت، و خوراک سخت و بی خورش، چیزی نبود، از این رو آن امر از ما برکنار شد، آیا تو دیده ای که هرگز خداوند در کنار بردن حقی نعمتی جز این نعمت قرار دهد؟» (یعنی اگر غاصبان، حق ما را غصب کردند ظلم آنها از یک جهت برای ما نعمت است زیرا مسؤولیت نگرهبانی شبانه و تلاش روزانه را از گردن ما ساقط نموده است). و نیز امام صادق (ع) به مفضل فرمود: «هرگاه حکومت به دست ما برسد، شیوه زندگی (اقتصادی) ما همانند شیوه رسول خدا (ع) و امیرمؤمنان علی (ع) خواهد بود.»^۱

به این ترتیب دو مشکل بزرگ مسکن و بیکاری که موجب رنجها و تباهیها و انحرافات بسیار است، حل خواهد شد، زیرا رشته برادری بین مردم از یک سو، و بین آنها و دولت اسلامی حضرت مهدی (عج) از سوی دیگر و بالا بودن وضع اقتصادی و تولید و توزیع، هرگونه مشکل اقتصادی مردم را حل می کند و دیگر بیکاری وجود نخواهد داشت و موضوع خانه سازی بقدری وسعت دارد که خانه های کوفه (که در حدود ۷۰ کیلومتری کربلا قرار دارند) از یکسو به حیره (پشت نجف) و از سوی دیگر به نهر کربلا می رسند.^۲ و به همین ترتیب، در موارد دیگر نیز، این برنامه با تلاش وسیع و سریع ادامه می یابد.

جاده سازی و وسعت دادن به شهرها و مراکز مذهبی

جاده سازی و توسعه شهرسازی و کوتاه نمودن ارتفاع ساختمانها برای حفظ محیط زیست و توسعه مراکز مذهبی نیز یکی از برنامه های حکومت درخشان مهدی (عج) است، در یکی از روایات از امام باقر (ع) چنین می خوانیم:

إذا قال القائم یكون المساجد کلها جمأ لا شرف فیها کما کان علی عهد رسول الله و یوسع الطریق الاعظم فیصیر ستین ذراعاً و یهدم کل مسجد علی الطریق و یسد کل کوه الی الطریق و کل جناح و کنیف و میزاً بالی الطریق:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، همه مساجد دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد شد، همانگونه که در عصر رسول خدا (ع) بود، آن حضرت جاده های بزرگ را توسعه می دهد که به ۶۰ ذراع رسد، و تمام مساجدی

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۰

۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۷ (و اتصلت بیوت کوفه بنهر کربلا)

را که در مسیر راه (و مزاحم عبور و مرور) هستند، ویران می‌کند و تمام دریچه‌ها و روزنه‌هایی که به راهها گشوده می‌شود (و مزاحم عبور و مرور است) و همچنین بالکنها (مزاحم) و فاضلابها و ناودانهایی که به راه عبور مردم باز می‌شود را می‌بندد»^۱.

امام صادق(ع) فرموده:

«اذا قام قائم آل محمد(ع) بنی فی ظهر الکوفه مسجداً له الف باب و اتصلت بیوت الکوفه بنهر کربلا. هنگامی که قائم آل محمد(ع) قیام کند، در پشت کوفه، مسجدی (آن چنان بزرگ) بسازد که هزار در دارد، و خانه‌های کوفه بر اثر توسعه، به نهر کربلا متصل می‌گردد»^۲. نیز فرموده:

و لیودن اکثر الناس انه اشتری شبراً من ارض السبع بشبر من ذهب... و لیصیرن الکوفه اربعه و خمسين ميلاً، و لیجاورن قصورها کربلا، و لیصیرن الله کربلا معتلاً و مقاماً فیها الملائکه و المؤمنون.

«بیشتر مردم دوست دارند که یک وجب از زمین کنار جاده را به یک وجب طلا خریداری کنند، وسعت کوفه به پنجاه و چهار میل (هر میل دو کیلومتر) می‌رسد، تا آنجا که عمارات آن به کربلا می‌پیوندد و کربلا (کانون شهیدان بزرگ) مرکز بسیاری از فعالیتها می‌گردد فرشتگان و مؤمنان در آن مرکز رفت و آمد می‌کنند»^۳.

در نماز جمعه کوفه به امامت حضرت مهدی(عج) بقدری ازدحام می‌شود که انسانی در روز جمعه سوار بر مرکب راهوار و تندرو می‌شود تا خود را به نماز برساند، ولی بر اثر ازدحام، توفیق شرکت در نماز جمعه را نمی‌یابد»^۴.

اقتدار عظیم حکومت مهدی(عج)

اقتدار و قدرت عظیم حضرت مهدی(عج) و حکومتش بر جهان، بقدری عظیم و وسیع است، که عظمت و شکوه آن قابل تصور نیست، این اقتدار عظیم متشکل از چهار نیرومندی توانمند است:

۱. امدادهای غیبی در سطح وسیع
 ۲. توانمندی حضرت مهدی(عج)
 ۳. نیروهای انسانی جوان
 ۴. امکانات عظیم و بسیار در سطح عالی‌ترین پیشرفتهای علمی.
- در مورد امدادهای غیبی، در عصر حکومت حضرت مهدی(عج) سخن بسیار است، در اینجا نظر شما را به دو حدیث جلب می‌کنم:

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۹

۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۷

۳. بحار، ج ۵۳، ص ۱۱ و ۱۲. یکی از دانشمندان در تحقیق خود می‌نویسد: «اگر حدس بزنیم که بین دو در، حداقل ده متر فاصله باشد، طول مسجد به مقدار ۳۲۵۰ متر خواهد شد، و با ضرب این عدد بر خودش، چنین به دست می‌آید که مساحت مسجد ۱/۵۶۲/۵۰۰ (یک میلیون و پانصد و شصت و دو هزار و پانصد متر) می‌باشد. (الامام المهدی من المهدی الی الظهور، ص ۵۴۷)

۴. همان مدرک، ج ۵۲، ص ۳۳

۱. امام باقر(ع) فرمود: «هرگاه قائم(عج) قیام کند، خداوند او را به پنج هزار نفر فرشتگان نشاندار^۱ و پشت سرهم نازل شده و مقرب درگاه حق، یاری فرماید، جبرئیل در پیشاپیش او، میکائیل در طرف راست او، اسرافیل در طرف چپ او می‌باشند، و رعب و ترس از هر سو بر دشمنان به اندازه مسیر یک ماه راه رفتن، سایه می‌افکند، و فرشتگان مقرب، با اسکورت و نگهبانی وسیع، در محور حضرت مهدی(عج) می‌باشند»^۲.

امام صادق(ع) فرمود: هنگامی که زمام امور در دست صاحب امر، مهدی(عج) قرار گرفت، خداوند هر گودی زمین را برای او بالا برد، و هر بلندی را برای او پایین آورد.
حتی تکون الدنيا عنده بمنزله راحت، فایکم لم کانت فی راحتہ شعره له بیصرها:
«تا آنجا که سراسر جهان در پیشگاه او همچون کف دستش خواهد شد، کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد، آن را ندیده است؟»^۳ حضرت مهدی(عج) نیز این گونه بر اوضاع جهان، سلطه و آگاهی دارد.

در مورد توانمندی خود حضرت مهدی(عج) به روایت زیر توجه کنید:

ریان بن صلت به امام رضا(ع) عرض کرد: «آیا تو صاحب امر هستی؟»

آن حضرت پاسخ داد: «من صاحب امر هستم، ولی نه آن صاحب امری که سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند، چگونه من او باشم با اینکه ضعف بدنی مرا می‌بینی، قائم(عج) کسی است که در سن پیری با سیمای جوان نیرومند قیام می‌کند، او آن چنان توانمند است که اگر بر بزرگترین درخت روی زمین دست افکند، آن را از ریشه بیرون می‌کشد، و اگر بین کوهها فریاد بزند، صخره‌های عظیم کوهها یکباره از جا کنده شوند، عصای موسی(ع) و انگشتر سلیمان در دست اوست، او چهارمین فرزند من است، خداوند آنچنان که بخواهد او را غایب گرداند، سپس او را آشکار نموده و سراسر زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند»^۴.

در مورد نیروهای انسانی جوان، امیرمؤمنان علی(ع) فرمود:

اصحاب المهدی شباب لا کهول فیهم، الا مثل کهن العین، و الملح فی الزاد:

«اصحاب مهدی(عج) جوان هستند و فرد پیر در میانشان نیست، مگر همانند سرمه در چشم یا نمک در غذا»^۵.

و در مورد امکانات عظیم، روشن است که همه امکانات سیاسی، نظامی، اقتصادی، جغرافیایی مسلمانان در اختیار او قرار می‌گیرند، تا آنجا که امام باقر(ع) در ضمن گفتاری به شیعیانش فرمود:

و انتم قوام الارض و خزائنها:

«شما نگهبانان مقتدر سراسر زمین و خزانه دارهای سراسر جهان می‌باشید»^۶.

^۱ در آیه ۱۲۵ آل عمران، از این فرشتگان به عنوان فرشتگان مسموم سخن به میان آمده است.

^۲ غیبه النعمانی، ص ۲۴۴.

^۳ بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

^۴ بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

^۵ غیبه الطوسی، ص ۲۹۸، غیبه النعمانی، ص ۱۷۰.

^۶ بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

کوتاه سخن آنکه: ولایت و حکومت حضرت قائم (عج) با تمام امکانات و امتیازات، در سطح عمیق و وسیع، با پیشرفتهای بی نظیر، و اقتدار کامل، در پرتو امدادهای عظیم غیبی، در جهان برقرار می‌گردد، خداوند به چنین عصری سوگند یاد کرده و می‌فرماید:

و العصر: «سوگند به عصر حکومت امام قائم»^۱ و چنانکه در همین سوره عصر آمده، در هر زمان و در آن عصر، تنها آن کسانی نجات می‌یابند که مؤمنان با عمل باشند و همدیگر را به حق و استقامت دعوت نمایند.

هرگز فراموش نکنیم که برای پدیدار شدن چنین حکومتی، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی و آمادگی کامل لازم است، و باید رنجها کشید و عرق پیشانی ریخت و خون داد، چنانکه شخصی از امام باقر (ع) پرسید: «مردم می‌گویند وقتی که حضرت مهدی (عج) قیام کرد، کارها به طور طبیعی به پیش می‌رود و سامان می‌یابد و اصلا خونریزی نخواهد شد.

امام باقر (ع) در پاسخ فرمود: «سوگند به خدا چنین نیست، اگر چنین چیزی ممکن بود، در مورد پیامبر اسلام (ع) صورت می‌گرفت، در صورتی که به دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد، و پیشانیش شکست.

و الذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و انتم العرق و العلتی، ثم مسح جبهته:

«سوگند به خداوندی که جانم در دست اوست (چنین حکومت به دست نمی‌آید) مگر ما و شما عرق بریزیم و خونها ریخته شود، آنگاه دست بر پیشانی مبارکش کشید.»

^۱. یکی از احتمالات در تفسیر "والعصر"

تاریخ تحلیلی زندگی و غیبت امام زمان (عج)

سید مرتضی یوسف زاده

نویدهای پیامبر از حضرت مهدی (عج)

پیامبر (ص) فرمودند: مهدی از فرزندان من است. نام او نام من و کنیه او کنیه من می باشد. او شبیه ترین انسانها از نظر صورت و سیرت و چهره و اخلاق به من است. او غیبتی طولانی خواهد داشت و امتها در مورد او سرگردان خواهند شد. تا آنجایی که از دین خویش بر می گردند و گمراه می شوند آنگاه در آن شرایط است که آن حضرت بسان ستاره نورافشان به مردم روی می آورد و زمین را از عدالت و قسط لبریز می سازد همانگونه که از ظلم و بیداد لبریز شده است.^۱

مدارک موجود در منابع اهل سنت

در حدیث دیگری از قول پیامبر آمده: به هنگامه ظهور حضرت مهدی (ع) عیسی بن مریم از آسمانها فرود می آید. فرزندم مهدی (ع) که سالار مردم است، به او می گوید «بیا با ما نماز بگذار!» آنگاه می فرماید: «آگاه باشید! خداوند بخاطر احترام و گرامیداشت این امت، برخی را پیشوای دیگری قرار داد»^۲ و در کتاب یکی از علمای اهل سنت البیان گنجی شافعی ص ۵۰۱ آمده که: حضرت پیامبر (ص) دست بر شانه حسین (ع) نهاد و فرمود: مهدی این امت از نسل این است.

امام در منابع اهل سنت

انبوه روایاتی که در منابع و کتب اهل سنت پیرامون امامان دوازده گانه وارد شده است. برخی از آنها تنها از شمار امامان نور، بدون بیان نام و نسب آنها سخن گفته و برخی دیگر، آنها را با نام و نسب و شمار معرفی می کنند. برخی کلی و سربسته و برخی صراحت دارند که آن حضرت دوازدهمین امام نور است. پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «یکون لهذه الامه اثنا عشر خلیفه» یعنی: برای این امت، دوازده امام و پیشوا خواهد بود.

این روایت که به صورت کلی و سربسته بیان شده در کتاب مسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۱۰۶ چاپ مصر سال ۱۳۱۳ه و در صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۱۹ و یا این حدیث مفصل: این امت دوازده امیر خواهد داشت... و همگی آنان اهل قریش هستند که این حدیث نیز در صحیح بخاری جلد ۴ ص ۱۳۶ و صحیح ترمذی ج ۲ ص ۳۵ و در کتاب مسند امام احمد بن حنبل جلد ۵ ص ۹۰ و کتب دیگری از جمله تاریخ کبیر نجاری ج ۱ ص ۴۴۶، سنن ابوداود ج ۴ ص ۱۰۶ سنن و بیهقی ج ۸ ص ۱۴۳ و ... درج شده است.

گروه دیگری از روایات بطور روشن و گویا به بیان مشخصات امامان دوازده گانه پرداخته و آنان را با نام و نشان معرفی می کنند که به ذکر دو نمونه می پردازیم. از پیامبر گرامی (ص) آورده اند که فرموده: من سالار پیامبرانم و علی سالار جانشینان پیامبران و جانشینان من ۱۲ نفر می باشند، نخستین آنها علی (ع) فرزند ابی طالب و آخرینشان فرزندم مهدی (ع) که این حدیث در کتاب فرائد السمطین ج ۲ ص ۲۱۳ آمده و یا احادیث دیگری که پیامبر (ص) فرموده اند: جانشینان من و حجت‌های خدا بر بندگان پس از من ۱۲ نفرند. نخستین آنها

۱- کمال الدین ج ۱. ص ۲۸۶ و فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۳۴ و معجم احادیث المهدی (عج) ج ۱ ص ۲۵۸

۲- منتخب الاثر ص ۴۷۹ و صحیح مسلم ج ۱ ص ۶۳ چاپ مصر

علی ابن ابیطالب است و آخرینشان پسر مهدی است (پس از ظهور او) عیسی بن مریم از آسمانها فرود آمده و به امامت او نماز می گذارد و زمین و زمان به نور پروردگارش روشن می گردد و حکومت مهر و عدل او جهان را از شرق و غرب زیر پوشش می گیرد.^۲

حدیثی از سلمان

در حدیث دیگری از سلمان آورده اند که پیامبر گرامی (ص) برای ما خطبه خواند و فرموده: اینان جانشینان من هستند پیشوایان درست اندیش و نیک کرداری که شمار آنان به شمار فرزندان یعقوب و حواریون عیسی (ع) و سلمان از پیامبر درخواست نام آنان را نمود و حضرت نام یک یک آن بزرگواران را ذکر نمودند. این حدیث که به صورت خلاصه عرض شد در کتابهای فرائد السمطین ج ۲ ص ۲۱۷، شواهدالتنزیل ج ۱ ص ۵۹، معانی الاخبار صدوق ص ۱۱۴، امالی طوسی ج ۲ ص ۱۳۱ و منتخب الاثر ص ۱۰۰ به نقل از کفایه الاثر آمده است.

آیا چنین انقلابی امکان پذیر است؟

آیا جبر تاریخی است؟

با بررسی تاریخ انبیاء بزرگ الهی به نمونه های زیادی برمی خوریم که شرایط و فضای محیط و نیروهای مادی کاملاً با آنچه را که پیامبران در نظر داشتند متفاوت بوده است. و این تحول ناشی از خواست خداوند و اراده اولیاء اوست نه جبر تاریخ و خاصیت ماده.

آیا آن حضرت دیده به جهان گشوده است؟

مرحوم شیخ نجم الدین عسکری در جلد اول کتاب خویش «المهدی الموعود المنتظر عند اهل السنه» ج ۱ ص ۲۲۰ نام چهل تن از علما و دانشمندان اهل سنت را آورده است که همگی آنان در کتابهای خویش با ایمان به روایات رسیده از پیامبر (ص) به ولادت حضرت مهدی (ع) اعتراف نموده اند و همچنین است در کتاب منتخب الاثر که به ۲۶ تن از علما و دانشمندان اهل سنت در این رابطه اشاره نموده است و یا در کتاب دفاع عن الکافی ج ۱ ص ۵۶۹-۵۹۲ اثر جناب ثامر عمیدی نام ۱۲۸ نفر از علما و بزرگان اهل سنت را آورده است که آنان در کتابهای خود به ولادت حضرت مهدی تصریح کرده اند. آری ایشان در سپیده دم جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ دیده به جهان گشود و همچون حضرت عیسی بن مریم (ع) و حضرت فاطمه (س) که در شکم مادر سخن می گفتند، در نوزادی سخن گفت و ابتدا به یکتایی خداوند و رسالت پیامبر گواهی داد.

چگونگی نهران شدن آن امام بزرگوار

واژه غیبت به دو معنی تفسیر می شود:

- ۱- آن حضرت در جوامع بشری زندگی نمی کند و در دسترس مردم نیست
- ۲- حضرت مهدی (ع) در میان همین جامعه ها و همین انسانها است اما به قدرت خدا هرگاه اراده کند از برابر دیدگان غایب می شود و دیدگان مردم با اینکه آن حضرت موجود و حاضر است او را نمی بینند همچون فرشتگان، ارواح و جنیان که به نص قرآن شریف همه اینها در میان جامعه ها هستند.

در زمان پیامبر گرامی (ص) نیز فرشته وحی به صورت یکی از یاران پیامبر (دحیه کلبی) پدیدار می شد و با پیامبر خدا به گفت و شنود می نشست. مردم او را می دیدند و می پنداشتند دحیه کلبی است و ممکن است ما این قدرت استتار و اختفا از برابر دیدگان را معجزه ای از معجزات حجت خدا امام (ع) بدانیم زیرا معجزه آن است که دیگران از آوردن آن ناتوان باشند.

استتار و اختفای انسان از دیدگان قرآن

در سوره یاسین آیه ۹ می فرماید: وما در برابر آنان دیوار کشیدیم و در پشت سرشان نیز دیواری و بر دیدگانشان نیز پرده ای افکندیم تا نتوانند بنگرند و ببینند. در سوره اسراء آیه ۴۵ می فرماید: ای پیامبر به هنگامی که تو قرآن تلاوت نمایی، ما میان تو و آنانی که به قیامت ایمان ندارند، پرده ای ستر قرار می دهیم و در سوره طه آیه ۹۶ می فرماید: سامری گفت من چیزی دیدم که آنان نمی دیدند مشتی از خاکی که نقش پای آن فرستاده خدا بر آن بود برگرفتم و در آن پیکر افکندم... آری اینجاست حجاب مستورا که دیگر دشمنان شرارت پیشه نه تنها او را نمی بینند بلکه خود پرده را نخواهند دید. آری این غیبت طولانی به خاطر صیانت از جان گرامی و حیات پربرکتش و به تحقق رسانیدن نویدها و بشارتهای الهی است آری همان طور که رسول گرامی اسلام (ص) از شر مشرکان به غار پناه بردند و حضرت موسی ترسان و نگران از مصر بیرون رفتند حضرت مهدی (ع) نیز باید این روش را پیشه خود سازند.

مدعیان دروغین

مدعیان دروغین را به اعتباری به سه گروه می توان تقسیم نمود.

۱. کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی آنان را «مهدی نجات بخش» خواندند
۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت طلبی چنین ادعای دروغینی نمودند
۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران به چنین دجالگری و فریب دست یازیدند و بیشرمانه خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند. از جمله محمد حنیفیه، زید فرزند امام سجاد، محمدبن عبدالله محض، مهدی عباسی که پدرش منصوردوانیقی ادعا کرد که پسرش مهدی عباسی همان مهدی موعود است و یا بنیانگذار بهائیت، علی محمد باب و عده زیاد دیگری از این قبیل.

چگونه او یاری می شود

خداوند با ایجاد رعب و هراس در دل دشمنان (سنلقى فی قلوب الذین کفروالرعب) سوره آل عمران آیه ۱۵۱ امام را یاری می کند. یا بوسیله فرشتگانش که چهار گروه اند:

۱. مسومین فرشتگان نشاندار
۲. مردفین فرشتگان پیایی
۳. منزلین فرشتگان فرود آورده شده
۴. کروبین سالار فرشتگان و مقرب

و یا نیروهای طبیعت به یاری او می شتابند و اینکه گفته می شود حضرت با شمشیر عدالت با آنان برخورد می کند دو تعبیر شده است:

اول اینکه شمشیر را به عنوان رمز قوت و اقتدار دانستن و یا اینکه خواسته اند برای تحقق بخشیدن به آرمان پیامبران و شکوفا ساختن ارزشها از شمشیر عدالت استفاده کنند و شیوه پیامبران را اجرا نمایند.

امامان نور و نوید از امام مهدی (عج)

از امام چهارم نقل شده است که فرمودند: در قائم ما سنتهایی از پیامبران الهی است. سنت و نشانی از پدرمان آدم، سنت و نشانی از نوح، سنت و نشانی از ابراهیم، سنت و نشانی از موسی، سنت و نشانی از عیسی، سنت و نشانی از ایوب و سنت و نشانی از محمد (ص) اما نشان او از آدم و نوح، طول عمر اوست. نشان از ابراهیم ولادت نهانی و دوری گزیدن از مردم و نشان از موسی، خوف و تقیه از ستمکاران عنان گسیخته و نشان از عیسی اختلاف مردم در مورد اوست و نشان از ایوب گشایش و نجات پس از بلا و گرفتاری است و نشان از محمد (ص) قیام با شمشیر عدالت است. لازم به توضیح است که این امام همام را در سه مورد حکم به اعدام ایشان دادند بار اول در کربلا پس شهادت پدرشان امام حسین (ع) و بار دوم در کوفه در مجلس شوم عبیداله و بارسوم در کاخ بیداد و دمشق به دستور سردمدار خون آشام اموی «یزید» چرا که می دانست امام از نسل ایشان است، و همچنین از امام ششم نقل شده است که فرمودند: «هرکس به همه امامان اهل بیت علیهم السلام ایمان آورد و مهدی آنان را نپذیرد، بسان کسی است که به همه پیامبران خدا ایمان آورده اما رسال آخرین آنان محمد (ص) را انکار کرده باشد»^۴.

از امام هشتم نقل شده است که فرمودند: از نشانه هایش این است که با وجود عمر طولانی به صورت جوانی شاداب و پرشکوه ظاهر می گردد و به گونه ای که هرکس بر او نظاره کند او را کمتر از چهل سال می نگرد و از دیگر نشانه هایش اینکه است که گذشت روزگار تا آخرین لحظات زندگی او را پیر نمی سازد. از امام صادق (ع) آورده اند که فرمودند: زمین از آفرینش آدم تا کنون و تا همیشه تاریخ از حجت خدا تهی نخواهد بود خواه محبت حق ظاهر و آشکار و شناخته شده باشد یا بنا به مصالحی نهان و پوشیده و تارستاخیز نیز چنین خواهد بود. که اگر جز این باشد خدای یگانه پرستیده نمی شود.^۵ علامه مجلسی در کتاب خویش^۶ نام گروهی را که در غیبت کبری به دیدار حضرت مهدی (ع) نایل آمدند برشمرده است که از آن جمله می توان به داستان شیخ محمدحسن، آیت اله قزوینی و قضیه مقدس اردبیلی و عده زیادی اشاره نمود.

چگونه تا کنون زیسته است؟

اگر برآستی مساله طول عمر، برای چنین کسانی مطرح است چرا در مورد طول عمر حضرت خضر (ع) که از آب حیات و بقا نوشید و از زمان حضرت موسی (ع) تا کنون زنده است چون و چرا نمی کنند؟ و یا اینکه حضرت نوح ۹۵۰ سال مردم را به سوی خدا دعوت کرد. (سوره عنکبوت آیه ۱۴) مرحوم صدوق در سال ۳۸۱ از دنیا رفت و ساختمان موجود بر آرامگاه او در سال ۱۲۳۸ تجدید و تعمیر گشت. در همین تاریخ جسد او را تر و تازه یافتند (روضات الجنات) خوانساری (قصص العلماء) از تنکابنی و (تنقیح المقام) مامقانی این مسئله را آورده اند.

^۴ - اکمال الدین ج ۱ ص ۳۳۳

^۵ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۹۲ و اکمال الدین ج ۱ ص ۲۰۷

^۶ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۷۲-۱

حکمت الهی تاخیر ظهور امام عصر (ع) را اقتضا می کند. تاخیر تا زمانی مناسب است که تنها خدا خودش می داند نه وقت و هنگامی که بندگان برگزینند. بندگان که به هر حال به مصالح الهی و فرجام کارها ناآگاهند.

غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری

در مورد زمان آغاز غیبت صغری سه نظر وجود دارد:

- ۱- زمان غیبت صغری از شهادت امام حسن عسگری (ع) پدر گرامی آن حضرت در سال ۲۶۰ به بعد آغاز گردیده است.
- ۲- از زمان هجوم دشمنان به خانه آن حضرت در سامرا و غیب شدن آن حضرت در سرداب می دانند.
- ۳- از بدو تولد این غیبت آغاز گردیده که از همان زمان ایشان با بعضی از اصحاب ارتباط داشته اند.

نمایندگان خاص ایشان در مدت هفتاد سال عبارتند از :

۱. عثمان بن سعید عمروی
۲. محمد بن عثمان بن سعید عمروی
۳. حسین بن روح
۴. ابوالحسن علی بن محمد اسمری

حضرت مهدی (ع) در نامه مبارکی که به یکی از چهره های مورد اعتماد شیعه به نام «اسحاق بن یعقوب» که بوسیله دومین نائب خاص به او رسید مرقوم داشت: و اما در مورد رویدادها و جریاناتی که در آینده رخ خواهد داد به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم.^۷ از پیامبر گرامی (ص) روایت شده که فرمودند: آری سوگند به خدایی که مرا به رسالت برانگیخت، آنان در غیبت او از وجودش بهره مند می گردند و از نور ولایت و امامت او، نور و روشنایی برای زندگی خویش می گیرند درست همچون بهره ور شدن از خورشید اگرچه ابرها چهره آن را بپوشانند. آیا می توان به صرف نا آشنا بودن با چیزی آن را ناممکن و محال به حساب آورد؟ و یا اینکه خیلی چیزها را انسان نشناخته و حتی علت العلل را نشناخته جز اینکه بگوید: آن، سرچشمه و منشاء و علت اصلی قدرت بی کران خدا و اراده اوست نه چیز دیگری.

هنگام ظهور کی خواهد بود؟

از امام صادق آورده اند که فرمود: کسانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند دروغ می بافند ما خاندان رسالت نه در گذشته برای آن وقت مشخصی اعلان کردیم و نه در آینده چنین خواهیم کرد.^۸ شاید راز نهان بودن زمان ظهور آن حضرت امتحان الهی است و یا اینکه در انتظار سازنده بودن که برای این انتظار پاداشی بزرگ است. یا خود تصدیقی بر آیات قرآن و سخنان پیامبر و امامان نور علیهم السلام در مورد امام مهدی (ع) است. «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امانا و هم لا یفتنون . . .» آری یکی از دلایل امتحان اتمام حجت است و دیگری اینکه انسانها را به اوج قله نجات و پیروزی و کامیابی رسند. در دعا می خوانیم

^۷ - بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۸۱، وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۰۱، غیبت شیخ طوسی ص ۲۹۱، اکمال الدین ج ۲ ص ۴۸۴

^۸ - بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۰۳

بارخدایا تو خود ذات مقدس و پاک خویش را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانده بودی پیام آوردت را نشناخته بودم. بارالها تو خود پیام آور بزرگت را به من بشناسان که اگر خودت پیام آوردت را به من شناسانده بودی من حجت تو را نشناخته بودم.

خداوندا حجت و دلیل خویش را به من بشناسان که اگر حجت خویش را به من شناسانده بودی از دین و دینداری راستین گمراه شده بودم.

نشانه های امام مهدی (عج) در کلام بزرگان

در حدیثی از پیامبر گرامی (ص) آمده است: مهدی (ع) از فرزندان من می باشد. به هنگام ظهور، سیمایی چهل ساله و پرتوان و شاداب دارد، بسان ستاره درخشان. در گونه راست او خال مخصوصی است و دو جامه خاص (عبای قطوانی)^۹ بر تن دارد. او دارای قامتی برافراشته و پرتوان و متناسب است. بیست سال بر جهان حکومت می کند. گنجها را برای ساختن زمین و زمان استخراج می نماید و دروازه های کشورها، شهرها و قلمرو مشرکان را با درایت و قدرت می گشاید.

علائم ظهور

علائم ظهور را به سه دسته تقسیم می کنند: بخش نخست علائم عمومی، بخش دوم علائم و نشانه هایی که نزدیک شدن ظهور را می رسانند و بخش سوم علائم و نشانه هایی هستند که در همان سال ظهور رخ خواهند داد. برای بیان نشان های عمومی همین سخن مولا امیرالمومنین حضرت علی (ع) بس که به آن پرداختند و سه بار فرمودند: «سلونی-ایها الناس-قبل ان تفقدونی» و سپس در پاسخ به سوال صعصعه بن صوحان (که چه زمانی دجال خواهد آمد) به طور مفصل آن زمان را توضیح دادند. آنگاه که دروغ پردازی را روا شمردند و ربا را مباح دانستند و رشوه دادند و گرفتند، قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون را آسان ساختند و زنها بر زینها سوار شدند و تلاش کردن خود را شایسته مردان سازند و مردان نیز خود را در ظاهر و اخلاق بسان زنان سازند و خیلی نشان های دیگر که از ذکر آنها خودداری می کنیم.

نشانه های نزدیک ظهور که بعضی نزدیک به ظهور هستند و بعضی دیگر مقارن با ظهور در کتاب ارشاد مرحوم مفید به طور مفصل بیان شده که در اینجا به نمونه آن ها می پردازیم

گرفتن خورشید در نیم روزماه رمضان

گرفتن ماه در آخر ماه رمضان بر خلاف عادت

خروج دوازده امام دروغین

ویران شدن دیوار مسجد کوفه

و ...

و بالاخره بعضی از نشانه ها هنگام ظهور می باشند:

جنبش ترقی خواهانه مرد یمنی

جنبش ارتجاعی سفیانی

ندای روح بخش آسمانی

۹- عبای قطوانی: عبای سفیدرنگی است که دارای کرکهای کوتاه است. این حدیث در البیان گنجی شافعی ص ۱۳۷، فراندالسمطین ج ۲ ص ۳۱۴، عقد الدرر ص ۳۶، بحارالانوار ج ۵۱ ص ۹۶ آمده است.

فرورفتن زمین

قتل نفس زکیه

داستان سفیانی را تنها شیعیان نیاورده اند بلکه علمای اهل سنت نیز در کتابهای خویش آن را آورده اند^{۱۱} شهادت نفس زکیه یا شخصیت وارسته ای که در مسجد الحرام و در میان حجرالاسود و مقام ابراهیم کشته می شوند از نشانه های قطعی ظهور امام مهدی (عج) می باشد.

قرآن و نوید از امام مهدی (ع)

ما فرطنا فی الكتاب من شیئ : هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در این کتاب روشن و روشنگر آمده است و در این کتاب از هیچ چیز فروگذار نشده است (سوره انعام آیه ۳۸ و ۵۹)

این قرآن که از چیرگی روم بر ایران و برپایی دولت یهود خبر می دهد (آل عمران ۱۱۲) و از امکان گذشتن جو و راهیابی انسان به کرات آسمانی گزارش می کند (الرحمن آیه ۳۴) چگونه ممکن است در خصوص این موضوع چیزی نگفته باشد :

و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و بعضهم الوارثین (قصص ۵)
و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون. (قصص ۶)
«ان الارض یرثها عبادی الصالحون»

و ما اراده کردیم به کسانی که در روی زمین تضعیف شده اند نعمتی گران، ارزانی داریم و آنان را پیشوایان (راستین) و آنان را وارثان گردانیم و به آنان در زمین اقتدار و منزلتی شایسته دهیم و از آنان به فرعون و هامون و سپاهیانشان چیزی را که از آن می هراسیدند، نشان دهیم چرا که پیامبر فرمودند: انتم المستضعفون بعدی بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۳۰ امیرمؤمنان علیه السلام در تأویل این آیه شریفه می فرماید: دنیا پس از چموشی و سرکشی، بسان شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و آن را برای بچه اش نگاهداری می کند، به ما روی خواهد آورد. همان طور که ملاحظه می شود این آیات پس هزار سال از عصر حضرت موسی بر قلب مصفای پیامبر اسلام فرود آمده و با لفظ مضارع نم و نرید بیان گردیده که حاکی از آن است که این وعده در آینده تحقق می پذیرد.

در آیات فوق نرید، نجعلهم، نمکن و نری همه به صورت مستقبل آمده اند و نیز در آیه ۵۵ از سوره نور چنین آمده است: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند. وعده داده است که آنان را در روی زمین جانشین دیگران سازد همانگونه که مردمی را که پیش از آنان بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را- که خود بر ایشان پسندیده است- استوار سازد و وحشتشان را به امنیت تبدیل کند، تا آنها مرا بپرستند و چیزی را با من شریک نگیرند و آنان که از آن پس، راه کفر و ناسپاسی در پیش گیرند نافرمانند. در سومین آیه می توان از آیات سوره انبیاء آیه ۱۰۵ و مادر زبور (و کتابهای آسمانی پیشین) پس از نوشتن در لوح محفوظ، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می برند. و آیه چهارم، آیه ۳۳ از سوره توبه هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون این آیه شریفه در قرآن سه بار آمده است و خود دلیل بر حساسیت موضوع می کند. اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا برهند ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان و کافران ناراضی و مخالف باشند. در این آیه واژه «لنظهره» در

^{۱۱} صحیح مسلم ج ۲ ص ۴۹۳، عقد الدرر ص ۷۲ باب ۴، کنز العمال جلد ۶ ص ۶۸ و ...

خور تعمق است، چرا که «ظهور» در اینجا به معنای برتری کامل و روشن با چیرگی و قدرت همه‌جانبه و کامل است. «ان الارض یرثها عبادی الصالحون» چرا که در حدیث قدسی مشهور نقل شده: «لولاک لما خلقت الافلاک، خطاب به پیامبر(ص) اگر تو نمی‌بودی آسمانها را نمی‌آفریدیم.

نوع حکومت ایشان

ایشان به تاسی از پیامبر گرامی(ص) که فرمودند: من در میان جامعه، بر اساس دلایل و شواهد و سوگندها، قضاوت و داوری می‌کنم - نه بر اساس وحی و رسالت حکومت نخواهند کرد. چرا که شیوه عمل امام(ع) و پیامبر کمی فرق دارد در آنجا پیامبر اکرم(ص) بر جلوگیری از هم‌گسیختگی دین و اینکه عمل به علم خویش و وحی بدون دلیل و شاهد در قضاوت ممکن بود یک سنت واقع شود. و قضات از این سنت سوءاستفاده‌هایی کنند. چنین نکردند در صورتی که امام(ع) در مسایل و مشکلات بر اساس آگاهی و دانش خویش به حقایق و واقعیتها، داور می‌کند و به ظاهر امور یا قضایا یا اسناد و مدارک ساختگی، تکیه نمی‌کند. ما بر دو مسئله تکیه می‌کنیم نخست اینکه امام(ع) زمین را لبریز از عدالت و به قسط می‌سازد و دوم اینکه این تحول مطلوب، پس از لبریز شدن جهان از ستم و بیداد صورت می‌گیرد.

در هر صورت اعتقاد به این و واصل مانع از امر به معروف و نهی از منکر و انجام مسئولیتهای فردی، اجتماعی خانوادگی نمی‌گردد (به بهانه اینکه تعجیل یا تأخیر در ظهور انجام دهیم) در این زمان حتی زنان بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه در کانون خانه خویش داوری خواهند کرد. و او مذاهب مختلف را از روی زمین با ارشاد و هدایت خویش برمی‌دارد و جز دین خالص و پاک و آسمانی نمی‌ماند (الفتوحات المکیه، ج ۳، ص ۳۲۷، باب ۳۶۶، از عالم بزرگ اهل سنت معروف به ابن‌العربی)

پر فضیلت‌ترین اعمال شناخت و انتظار است

از امام جواد(ع) نقل شده است که فرمودند پرفضیلت‌ترین و برترین اعمال شیعیان و دوستداران ما، انتظار فرج است. و از همه مهمتر این حدیث نبوی است «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» یعنی هر کس از دنیا برود و امام راستین زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. (صحیح مسلم، ج ۶، ص ۲۲، مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۴۴۶، سنن بیهقی، ج ۸، ص ۱۵۶ و بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۲) و در کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۰۸ آمده است که امام حسن عسکری(ع) فرمودند پسر من در چهره، خلق و خوی، شبیه‌ترین مردم به پیامبر خداست.

حدیث ثقلین سند زرین دیگر

در کتب معتبر شیعه و سنت بیش از ۲۷۰ روایت در مورد این حدیث نقل گردیده که به صراحت به دوازده امام معصوم و شخصیت والای آنان اشاره شده است که اولین آنان حضرت علی(ع) و آخرین آنها حضرت صاحب‌الزمان(ع) می‌باشند و همه اینان از اهل بیت پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) هستند. مسلم در صحیح و در سنن ترمذی و دارمی این حدیث لفظ عترتی و اهل بیتی آورده‌اند.

رستاخیز چگونه است

یوم نحشر من کل امه فوجاً نمل ۸۳ و حشرناهم فلم تغادر منهم احداً كهف ۴۷ دو نوع حشر و نشر و زنده شدن هست، یکی از آن دو، عمومی و همگانی است و در روز رستاخیز است و دیگری خصوصی که همان رجعت گروههایی می باشد.

انتظار سبز

دلبز بیگی پور دانشجوی رشته علوم تربیتی

شب می‌روم در باغ رویاهای سبزمدر انتظار مرد فرداهای سبزم

در کوچه باغ ساکت شب می‌نشینم
من مرثیه‌خوان نگاهی آتشینم

در این دیار آشنا مردم نجینند
در انتظار فصل رویش ناشکیبند

این انتظار کهنه‌ام پایان ندارد
مهدی بیا چون دردمان درمان ندارد

اندوه هر درمانده‌ای را می‌شناسی
از زندگی وامانده‌ای را می‌شناسی

مهدی بیا و باغ دل را بارور کن
این هستی ویرانه را زیر و زبر کن

با اشک چشمم ترمه ترمه گل بدوزم
شمعی شوم در باور سبزت بسوزم

آقای من دیگر دلم طاقت ندارد
ابر حضور آبی‌ات باید بیارد

ای شهسوار سبز بایدهای تاریخ
ای خوب از شرق زمین تا غرب مریخ

از پرده غیبت برون آ، مهربانم
تا سبز گردد باور خشک زمانم

وقت است باران ندامت را ببینی
در اشک چشمانم صداقت را ببینی
ای در وجودم تار عشقت کبرپایی

زیباترین تصویر عرفان خدایی

وقتی صداقت در نگاه یاس مرده‌ست
در باور آیینه‌ها احساس مرده‌ست

وقتی چکاوک‌های عاشق بی‌قرارند
در امتداد جاده‌ها چشم‌انتظارند

وقتی بهار سبزمان زرد و خیالی است
پس کوچه‌های ذهنمان از عشق خالی است

ای ناجی آیینه‌ها یادی ز ما کن
دل را به مرز سادگی‌ها آشنا کن

وقتی بیایی لحظه‌ها غرق سرور است
هر گوشه‌ای را بنگری امواج نور است

دل را میان دستهامان می‌گزاریم
گاه ظهور آن را به دستت می‌سپاریم

میعاد هر غمدیده‌ای گاه ظهور است
وقتی سرای دیده‌ها فرش عبور است

تک سوار

فاطمه ثنائی نسب

خنده ها خونین و لبها دوخته
سینه ها بسیار از غم سوخته
کفر در هر جا به دلها تاخته
نور ایمان را ز بن انداخته

قلبها لبریز از داغ گناه
چشم ها خیره به شیمان سیاه

مرد عاشق تک سوار این زمان
مونس شبهای تلخ عارفان

نور از پیشانیس ساطع شده
بر بدی ها ذات او مانع شده

ذوالفقارش ضربه بر سر می زند
هیبتش تشویش را سر می زند

زود می آید ولی مرد خدا
مرد عاشقش، مرد بی رنگ ریا

گنجینه‌ی ظهور

معصومه حیدری

احساس می‌کنم که در این فصل بی‌ثمر
تنها دلیل مردن دل‌هایمان تویی
باور نموده‌ام که در این قحط‌سال نور
آن آخرین سپیده‌دم آسمان تویی

دل را کویر فاجعه در زیر پا شکست
باران آرزو چه تردید می‌کنی؟
این مجسمه‌های پر از خالی مرا
پر ز عطر نرگس امید می‌کنی؟

در اصطکاک ثانیه‌های نبودت
آتش گرفته‌ایم و عنایت نمی‌کنی
تندیس رافتی وز گنجینه‌ای ظهور
از چیست نازنین که سخاوت نمی‌کنی!

وقتی که دست‌های تو ای، آفتاب عشق
تا شانه‌های یخ زده‌ام پر نمی‌کشد
دیگر چه فرق می‌کند آیا کدام است
تقویم عمر پوچ مرا پاره می‌کند

از آسمان سربی این مرز شب‌زده
جز چکه چکه‌های کسالت نمی‌چکد
وقتی تو نیستی که به تابی بر این جهان
جز تند باد مرگ و تپاهی نمی‌وزد

از جمکران خالی چشمان ما هنوز
فریاد بی‌تو بودن ما می‌رسد به گوش
یعنی برای حوصله عمری نمانده است
ای منجی اسارت ما اندکی بکوش

زندانی غریب زمینیم و دائماً
خط بر تمام روز و شب خویش می کشیم
خط خورد هفته‌ای دگر و تو نیامدی
فریاد از این دقایق وارفته‌ای عقیم

مولای من از جاده‌ای غیبت عبور کن
محض دل شکسته دلانت شتاب کن
دیوارهای فاصله را ای حضور ناب
با دست‌های بت‌شکن خود خراب کن

اشعاری از منیر عسگر نژاد

(۱)

تراکم نفس ابرها فرا گیرند
 سکوت دل شکن لحظه‌ها چه دلگیرند
 دلم به حال تبار ستاره می‌سوزد
 که در عبور سپیده چه زود می‌میرند
 تو رفته‌ای و دو چشم طلایی خورشید
 هنوز پشت تبسم اسیر زنجیرند
 تو رفته‌ای و نه تنها هوای شرجی غم
 که بند بند وجودم بهانه می‌گیرند
 هزار سال رکود و هزار سال کبود
 برای آمدن تو هزاره‌ها دیرند
 بیا که در عطش است آسمان و با مهتاب
 چه ابرهای تهیدست بی‌تو درگیرند
 بیا که در فوران هماره‌ی بیداد
 تمام ثانیه‌هایم فدای تقدیرند

(۲)

قانون ماه

مذهب دوباره فاصله‌ای بی‌دلیل شد
 از سنگ هم گذشت دل من فسیل شد
 دیدی چه ساده روی دلم پا گذاشتند
 ظرفیت حضور تو را هم نداشتند
 اینجا همه نژادپرستند، خوب من
 بغض تو را دوباره شکستند، خوب من
 با تو، مسیح من، پس از این گریه می‌کنم
 اندازه‌ی تمام زمین گریه می‌کنم
 حالا غروبها نفسم درد می‌کند
 خورشیدهای جمعه مرا سرد می‌کند

رنگ زمین برای من و تو که رنگ نیست
اصلا قشنگ نیست عزیزم، قشنگ نیست

یک جفت بال آبی کمرنگ می‌خریم
پرواز می‌کنیم و کسی را نمی‌بریم

با تو به عمق روشن مهتاب می‌روم
هر شب که گریه می‌کنی و خواب می‌روم

قانون ماه مثل زمین از صلیب نیست
حتی نگاه مبهم او نانجیب نیست

معجون سرد فاصله‌ها را به هم زدم
با تو هزار سال نجومی قدم زدم

با تو، مسیح من، پس از این گریه می‌کنم
اندازه‌ی تمام زمین گریه می‌کنم

تکرار می‌شویم دوباره غزل غزل
لبخند می‌زنیم دوباره عسل عسل

امشب من از مدار زمین می‌روم، بیا
«در یک ستاره منتظرت می‌شوم بیا»

(۳)

شعاع سبزترین ماورای خورشیدی
به نبض تند زمین ردپای خورشیدی
برای دیدن تو در نمای خورشیدی
کجاست گرمترین سایه‌های خورشیدی
شبیبه نغمه‌ی دیر آشنای خورشیدی
نگاه ساده‌ی بی‌ادعای خورشیدی
نزول می‌کند امشب خدای خورشیدی

تویی ترانه‌ی بی‌انتهای خورشیدی
اگرچه زود گذشتی همیشه می‌ماند
طلوع کن که ببینی ستاره می‌میرد
در التهاب زمانه، به اوج دلسردی
سکوت ما پر از آواز مهربانیها
نگاه کن که چه زیبا ظهور خواهد کرد
به اعتقاد من ایمان بیاورید، آری

اشعاری از فاطمه غلامی

... بیا

معنی غربت این قوی غزلباز بیا
شور هر بیت غزل هر نت و آواز، بیا
عشق رسوا شد و آویخت به دار کلمات
تا شود حرف دلی با نگه ابراز، بیا
چه شود صبح تبسم بزند با نگهت
و شود روز نو با چشم تو، آغاز، بیا
آخر مثنوی یک شعر سپید است عزیز!
بشکن این قافیه با سنت اعجاز، بیا
بیش از این یوسف گمگشده‌ی ما ناز نکن
زد ترک بال سفر مرهم پرواز، بیا
آخر بیت غزل شد، آخرین بنت نبی!
آخرین مصرع این قوی غزلباز، بیا

غروب کوچه

غروب کوچه دلگیر است، برگرد!
دل از تنهایی‌ام سیر است، برگرد!
سکوت پنجره در بین دیوار
صدایم در گلو گیر است، برگرد!
تو در خوابم خدای عشق بودی
هنوزم وقت تعبیر است، برگرد!
بین دستانمان اینجا ترک خورد
که ماندن بی تو تحقیر است، برگرد!
بیا زیباترین، زیبای هستی
که این بن بست تقدیر است، برگرد!
بیا مهدی، بیا یوسف، مسیحا
غروب کوچه دلگیر است، برگرد!

بیخس آقا...

بیخس آقا! اگر درگیر شد دل
و آشفته کمی تکثیر شد دل
اگر رفتیم و دل دیوانگی کرد

و باز این بچه هی بیگانگی کرد
 هوسهایی برای سیب و گندم
 و بالا رفت از دیوار مردم
 اگر خواندیم اما اشتباهی
 و رقصیدیم اما در تباهی
 اگر آقا! غزل ویرانه گرد است
 گناه من نه! نه! این شهر سرد است
 اگر رک و چنین بی پرده گفتم
 و گفتم عاشقم نه! ساده گفتم
 ببخش آقا! مرا در آخرین بیت
 فدای تو عزیز ای آخرین بیت

بوی سیب

«بشنو از نی چون حکایت می کند
 از جدایی‌ها شکایت می کند»
 از غروب جمعه با دردی عجیب
 از صدایی که نیامد بوی سیب
 «بهترین تسکین دل این جمله است»
 که نگاهی با دو چشم خیس و مست
 را گره اندازم و هق هق کنم
 غرق چشمان تو باشم دق کنم
 جمعه کی با دیدنت زیبا شود
 با انا المهدی طپش بر پا شود
 مانده زیبا شعر من بی تو غریب
 یعنی آقا کی می آید بوی سیب
 بیا زور و زر و تزویر و درد است

بیا برگرد انگار آن تپش مرد
 جهانی خسته از یک کشمکش مرد
 بین هجرت صدایی خسته دارد
 و وحشت و لولی پیوسته دارد
 و لیلی کو کجاست افسانه‌ی عشق
 که مجنون مرده این پروانه‌ی عشق
 بیا لیلی، بیا شیرین، بیا یار
 پر از مجنون و فرهادی کن این دار

بین گیتارمان بی تو غریب است
 صدایش انتظار بوی سیب است
 بیا با پیچ و پیچک یاس مانده
 بین در چشمان الماس مانده
 بیا زیبا، بیا شادی، بیا یار
 بیا ای وارث تکبیر دلدار
 غریبانه و تنها و شکسته
 حقیقت کنج ویرانی نشسته
 بیا زور و زر و تزویر و درد است
 درخت آرزوها خشک و زرد است
 سراغ مثنوی‌ها کی می‌آیی؟
 سراغ شعر فردا کی می‌آیی؟
 برای خنده‌ی یک ابر عاشق
 برای خاطر درد شقایق
 بیا شهزاده‌ی خوب و شکیا
 بیا مهری، بیا یوسف، مسیحا

تقدیم به نام خورشید پایداری

مهسا فتاحی صدر

دلَم آسمانی شده پر از کبوتر فاصله‌ها
چه می‌شود اگر رها شوم از همه ثانیه‌ها
بگذرم به سوی تو بیایم بی هیچ حادثه‌ای جان بگیرم
در تو که یک واقعه‌ای بال و پر بگشایم سوی آسمان‌ها
قافیه شوم در همه مصرع‌ها
سرود بخوانم در فصل روئیت تو
نقش عشق کشم بر قامت تو
حک کنم یا مهدی‌هایم را بر همه کتیبه‌های آزادی
انتظارمان به سر آمد از فراق عشقت
طلوع کن ای خورشید پایداری

اشعاری از منصوره معینی

به پیشگاه اباصالح امام مهدی علیه السلام

روح بهاران

بر جاده‌های ساکت و خاموش

چشم انتظار مانده نگاهم

اینجا صدای پای کسی نیست

جز گامهای خسته‌آهم

در کوچه‌های غربت این خاک

آهسته، زیر نم‌باران

دل رفته بیقرار و شکسته

در جستجوی روح بهاران

برگیر یک چراغ پر از عشق

بردار یک سبد ز ترانه

بنشان نهال شوق تماشا

در آرزوی یک، دو جوانه

با من بیا به سمت تکاپو دستی بزن به دامن خواهش

در دوردست فاصله شاید نازی کند به قصد نوازش

باید چراغ آتش دل را روشن نگاهدارم و پرنور

شاید مسافری که براه است بیند لهیب جان من از دور

بگشای پلک پنجره‌ها را شاید بهار آمده باشد
 شاید رسیده سرزده، ناگاه وقت قرار آمده باشد...

حضور سبز

سبد سبد دل من با ترانه پر شده است
 برای خواستنت از بهانه پر شده است

تو در فشرده‌ترین فاصله کنار منی
 و بی‌نشانی تو با نشانه پر شده است

حضور سبز تو در عمق لحظه‌ها جاریست
 و از صدای عبور تو خانه پر شده است

تمام چلچله‌ها می‌رسند از پاییز
 بهار دست من از آشیانه پر شده است

ولی هنوز دلم از بهار تو خالی است
 اگرچه با غزلی عاشقانه پر شده است

اشعاری از حسن یعقوبی

آوازه‌های زخمی

هر روز من بدون تو دیروز خسته ایست
 پرپر زدن میان زوایای بسته ایست
 هر روز من که تهمت تکرار می‌کشد
 مثل دلم اسیر تپش‌های خسته ایست
 این مویه - این عزل - که جنون می‌چکد از آن
 آوازه‌های زخمی‌ساز شکسته ایست
 خورشیدی و شعاع تو تا لامکان رهاست
 این دل، غروب خسته‌ی در خون نشسته ایست
 می‌آیی و به نام تو آغاز می‌شود
 تاریخ سبز عشق، چه روز خجسته ایست!

کتاب راز

سرشار از تو گفتنم اما نمی‌شود
 امشب گره ز کار دلم وا نمی‌شود
 این واژه‌های یخ زده در زمهریر وهم
 شعری برای حضرت مولا نمی‌شود
 می‌دانم ای نگاه خدا، بی‌اشاره‌ات
 این روزهای شب‌زده فردا نمی‌شود
 بی‌جذبه‌ی تو دست و دل رودخانه هم
 در جستجوی دامن دریا نمی‌شود
 حتی عزیز! بی‌نظر عاشقانه‌ات
 گل رنگ و بو ندارد و زیبا نمی‌شود
 من کوچه کوچه گشته‌ام آینه را ولی
 تشبیه چشم‌های تو پیدا نمی‌شود
 وصف تو ای قصیده‌ی هستی، کتاب راز
 در دامن حقیر غزل جا نمی‌شود
 تا جمعه‌ای دوباره به دل قول می‌دهم
 جز انتظار، سهم دل ما نمی‌شود

روح روزگار

در خود شکسته‌ایم هزاران هزار بار
 لختی بیار آینه! ما را به خود بیار
 با برگهای بی‌رمق احساسمان یکیست
 ماندیم چون کویر، بیا حضرت بهار!
 ماییم و لحظه‌های سراسیمه پیش رو
 برگرد حسن گمشده‌ی روح روزگار
 ای آفتاب ناز! شبی عطر روشنت
 می‌گیرد آشیانه در این جان بی‌قرار؟
 ای آیه‌ی رفیع قیامت، نزول کن
 بر سرزمین روح تب آلودمان بیار

بهار تبسم

در این جزیره‌ی وحشی به جستجو تا کی؟
 مدام پرسه در افسوس و آرزو تا کی؟
 اسیر سایه‌ی شوم اشاره‌ها تا چند؟
 و هر زمان به غمی تازه روبرو تا کی؟
 میان این همه دل‌های سنگی و صدرنگ
 شبیه بوقلمون، حفظ آبرو تا کی؟
 کنار ساحل حسرت، دچار فرسایش
 ز تازیان‌های امواج‌های و هو، تا کی؟
 تمام پنجره‌ها در اسارت تزویر
 به دست این همه دل‌های بی‌وضو تا کی؟
 بیا بهار تبسم! به دستگیری باغ
 ز سخت جهانی پاییز، گفتگو تا کی؟

پایان سبز

این جمعه هم گذشت تو اما نیامدی
 پایان سبز قصه‌ی دنیا نیامدی
 مانده‌ست دل اسیر هزاران سؤال تلخ
 ای پاسخ هر آنچه معما، نیامدی
 کز کرده‌اند پنجره‌ها در غبار خویش
 ای آفتاب روشن فردا نیامدی
 افسرده دل به دامن تفتیده‌ی کویر
 ای روح آسمانی دریا، نیامدی

ای حسن پاک گمشده‌ی روح روزگار
زیباترین بهانه‌ی دنیا، نیامدی
ای از تبار آینه‌ها، ای حضور سبز
ای آخرین ذخیره‌ی طاها، نیامدی
این جمعه هم گذشت و غزل ناتمام ماند
این است قسمت دل من، تا نیامدی

روز لبخند او

معصومه حیدری

غروب است، غروب سرد و سربی و سنگین عصر جمعه، می‌نشینی کنار پنجره و خیره به ابرهای خاکستری می‌مانی. دلت عجیب گرفته. این جمعه هم تمام شد، تمام شد و به خاطره‌ها پیوست. اما از مسافر کوچه‌های گمگشته خبری نشد. باران نهم می‌بارد و نسیم خنک پاییزی، عطر کهنه‌ای آب و خاک و تن شسته شده‌ای کوچه‌ها را در فضا پراکنده می‌کند. چشمانت را می‌بندی و به او فکر می‌کنی. به کسی که قرن‌هاست به پای «نسل عصیانگر بشر» نشسته است، به کسی که گناه‌های حقارت بار ماشیت را خم می‌کند و سرکشی‌ها و نافرمانی‌های ما خون به دل آسمانی او می‌کند کسی که نگران «لحظه‌های غفلت» و دلواپس «لغزش‌های همیشگی» ماست.

و فکر می‌کنی که چرا انسان‌ها فراموش کرده‌اند که «آقا» و «سروری» هم دارند، فراموش کرده‌اند که به حال خود رها نشده‌اند و در «صاحب» و «ولی امری» هم دارند. و فکر می‌کنی چرا نسل ویرانگر بشر که بار سنگین «امانت عهد ازلی» را بر دوش دارد، چنین غرقه‌ای مرداب دنیا شده است که عطر خوش مولایش را حس نمی‌کند و نمی‌بیند، به جای ما، او برای ظهور خود دعا می‌کند. «مولای آخرالزمانی» که قرن‌هاست برای نجات این «افسار گسیختگان خاکی» چشم به در رحمت الهی دوخته و «انتظار» می‌کشد انتظار... انتظار... انتظاری به درازای قرن‌ها که از پس دالان‌های تنگ زمان به کندی می‌گذرد و کسی جز خدا، زمان به سر آمدنش را نمی‌داند. دلت برای غربت «او» می‌گیرد، غربت لحظه‌هایی که آقا در کنار ما، در بین ما و همراه و هم‌نفس ما حضور دارد و گناه‌های حقارت بارمان را می‌بیند و بر ایمان دل‌نگران اشک می‌ریزد.

ما جمعه‌ها را به هم زنجیر می‌کنیم بدون آن که عطر خوش «سپیده دمانش» را حس کنیم و غربت ماتم‌زده‌ای «غروب‌های خون رنگش» را درک کنیم. ما فراموش می‌کنیم که چه باری بر دوش مان است و چه عهدی بسته‌ایم و وظیفه‌مان در این عصر دود و آهن و ماشین کدام است و اصلاً برای چه به این خاکدان سراسر تباهی هبوط کرده‌ایم. اما او بلند بالای شرق‌مان، باز هم برای نجات و هدایت امتش دعا می‌کند. و چه بدامتی هستیم ما و چه غریب و مظلوم و درد کشیده مولایی است او که در «عصر بدعهدی» که متعلق به او و برای اوست، تنهاست، تنهای تنها! اشک‌های داغ صورتت را نوازش می‌دهد. نفس می‌کشی و فکر می‌کنی به آن روزی که همه، همه‌ای این مردم «سرگردان و حیران و گمگشته راه» یک دل و یک نفس و با تمام وجود «او» را صدا می‌کنند و خالصانه و صادقانه «ظهور سبزش» را طلب می‌کنند و تمام هست و نیست خود را خدای یک «تبسم شرقی و آسمانی» او می‌کنند. می‌دانی که او بزرگ است و دل دریایی‌اش وسیع، آن قدر وسیع که اشتباهات و خطاهای ما را به دل نمی‌گیرد و فراموش می‌کند و دوستان دارد. آخر او مولا و امام ماست! به آسمان رو به غروب خیره می‌شوی، برای یک لحظه حس می‌کنی که چشمان نگران و مهربان «موعود زمانمان» را می‌بینی که از پس پاره‌های خاکستری ابرها، به رویت لبخند می‌زند. حالا همه جا را غرق «نور حضور او» می‌بینی. چشمانت را می‌بندی و از ته دل با تمام وجود، دعا می‌کنی که آن «روز موعود» زیاد دور نباشد.

ما نیلوفریم

موسی الرضا حیدری

ما پیچکیم، پیچک آسمانی، ما نیلوفریم، نیلوفر دریایی، ما هر چه هستیم، اسرار روشن توبا وجودمان فاش می‌شود با دم و بازدم انتظار، شکوفا می‌شویم. مثل این همه گل که راز مگوی زمین را با شکوفایی‌شان فاش می‌کنند. ما هم حرف‌هایمان را با حضور تو بر زبان می‌آوریم، هر چند گلی هستیم، اما بی‌اشارت تو، حیاتمان خالی از امید و انتظار است.

ای در برگیرنده زمان و زمین! عطر شکوفایت را در عرصه انتظار، جاری کن، تو کمال آسمانی، اگر نباشی، آسمان چیزی کم دارد، چیزی به نورانیت خورشید، چیزی به وسعت حیات، ای باصفا! ای صمیمی! وقتی از کنار کوچه‌های دلمان می‌گذری مثل نسیم، کمی توقف کن تا رنگ و بوی خدایی بگیریم، بر جاده تشریف تو دل‌های بی‌قرار منتظرند، چشم به راه تو دوخته‌ایم. این همه گل‌های شکوفا بر سر راه تو، روح انتظار ماست که از باغ قلبمان، چیده‌ایم و نثارت کرده‌ایم.

ای آفتاب! در مسیر عبورت چشمان این همه عاشق را به تماشایت روشن کن. ما همه درس خوانده مکتب یعقوبیم. قصه یوسف را مرور کرده‌ایم و بوی دل‌آویز آن زیبایی را از طراوت قرآن، راهی قلبمان کرده‌ایم. ما حالا یعقوب‌زمانیم که به انتظار تو نشستیم. در انتظاریم تا بوی پیراهنی، چنان خاک باران خورده جمع ما را در بگیرد. در انتظاریم که عطر دل‌انگیزت، وسعت ما را ترنم کند تا خواب سال‌های سالمان، تعبیر شود. ذهن و قلبمان در انجماد روزمرگی، غبار گرفته است دچار عادت فراموشی شده‌ایم. دیگر تخیلمان با آنچه هست یکی شده است. رویایمان شده همین زندگی ماشینی، بی‌بال و پر و بی‌نگاه تازه‌ای در انزوا نشستیم ای شیرین‌ترین حقیقت، لطف کن و بر جمود ما آتش فرود آر. ای نزول آبی و سبز! از این زمان بیهوده، از این بی‌حرفی و از این بی‌نگاهی، افسرده‌ایم، ما را همان لحظه‌های بی‌تکلف خود کن. خوشا به حال قدسیمان که به تماشای تو آمده‌اند.

خوشا به حال آنان که تقاضای ملاقاتشان را رد نکردی و روز و شب غرق در آینه پیشانی‌ات بوده‌اند. خوشا به حال آنان که بر پیشانی کرامت تو سجده کرده‌اند خوشا به حال آنان که در نسیم صلوات تو به راز و نیاز مشغول شده‌اند. خوشا به حال آنان که در یاد تو و به یاد تو در جهاد و مبارزه و ظلم ستیزی‌اند و قیام و تکبیر آنها از جنس عدالت است.

انتظار

مهسا فتاحی صدر

به انتظار چشم‌های خسته‌مان نگاه کن تهی از نشاط است و تو می‌دانی غزل‌هایمان بی تو مضمون ندارد. مهدی، زمرد چشمانت را به تاریکی قلب‌هایمان هدایت کن تا کبوترهای نقره‌ای ایمان در آسمان بی‌ستون وجودمان به پرواز درآیند.

وقتی زرین بالهای زیبای مهربانی به سوی تو می‌شتابند و در هر جمعه در ذکرهای خود تو را یاری می‌کنند و سبد سبد ستاره در آسمان مساجد می‌پاشند و در سجده‌هایشان سیلاب اشک می‌ریزند، به انتظار پاکشان پایان ببخش و معصومیت یتیمان خرابه‌نشین را ببین که چگونه در انزوای مطروک‌ه‌های خویش سرود «امام» را می‌خوانند، در عمق چشم‌های حسرت کشیده‌مان سکوت است و فریادی خاموش، و تنها طریق شکست سکوت، حضور سبز توست، به آن یگانه پروردگار سوگند که چلچراغ‌های نگاهمان فانوسی کم نور گشته، همه شمع شده‌ایم و طاقتمان به سر آمده و در اقیانوس بی‌قراری‌ها دست و پا می‌زنیم، مهدی، انتظار دیدار تو عطشی بر لبان خشکیده‌ها فرو نشانده که با نوشیدن جرعه جرعه از آبهای خلیج نیز تشنگی‌مان رفع نخواهد شد، ما تنها از سرچشمه حقانیت تو سیراب می‌شویم، تنها از عدالت تو و تنها حضور سبز توست که یخبندان دل‌هایمان را ذوب می‌کند و گرمای فرح‌لخس امید را به ما عرصه می‌دارد، گلخانه‌هایمان پر از یاس و مریم و واقیاست ولی پیراهن تو عطر دیگری دارد تو عطر بهشت می‌دهی و می‌شود از معطر حضورت گلاب ساخت.

هزاران چشم منتظر حضور عرفانی تو را طلب می‌کنند همه پنجره‌ها بازند و سایه‌های کم‌رنگ تو را به سمت قالب‌های چوبی روی دیوار هدایت می‌کنند تا هر روز به هاله درخشان تو بنگرند، پرنده‌ها دیگر آواز نمی‌خوانند، آسمان بر ایشان قفسی تنگ است که هر دم بال و پر خود را به آن می‌کوبند و برای ظهورت بی‌تابی می‌کنند، زمان که آنقدر سریع از برابر چشمان همگان می‌گذشت حال هر ثانیه‌اش قدر یک عمر طول می‌کشد. در غریبانه لحظه‌هایمان از شبنم اشک‌هایی که بر روی خاک می‌افتد گل یاس می‌روید مهدی بگذار تو را نزدیک‌تر از آن فاصله‌ای که به ما داری احساس کنیم، بگذار قدم مقدست اولین مهمان کلبه ایمانمان باشد، ما ظهورت را باور داریم و می‌دانیم که حادثه‌ای سبز مقارن با حضور سبز تو خواهد بود، آدینه‌های تو همیشه دلگیر است، همیشه غم‌زده و همیشه محزون است و همیشه بوی ملائک را می‌دهد، و همه منتظران در آدینه تو چه عاجزانه می‌گیرند و تو را طلب می‌کنند. همه پیروانت با دستان خود محراب می‌سازند، محرابی از گل و گلاب و منتظرند تا تو بیایی و سجاده تقوی را رو به قبله‌گاه توحید بگسترانی و دو رکعت نماز شکر بجا آوری و تواشیح به نام رب بخوانی.

صدای صلوات‌هایمان را می‌شنوی که به «و عجل فرجهم» ختم می‌شود، آری همه درد کشیده‌های روزگار و عجل فرجهم تو را می‌خواهند تا تو، هر چه سریع‌تر در کنارشان حضور یابی، مهدی، نام زیبایت در چند بعدی ذهنمان نقش بسته است تا همه بدانند آخرین اختر تابناک بشریت در گوشه گوشه وجودمان جریان دارد.

ظهور تو معادل میلاد خواهد بود آن هنگام که غیبت کبری به سر آید گل واژه‌های عشق در حریم زمین طنین‌انداز می‌شوند و ماه نقره فام در پیشگاه تو قد خم می‌کند همه پرستوها حلقه مار به دورت می‌گردند و ترانه ظهور را می‌خوانند، آری همه کتیبه‌ها نام مبارک تو را با خطی سبز به آغوش می‌کشند و آدینه تو به رغم همه زیبایی‌هایش برترین جلوه‌گاه هستی می‌شود.

مهدی با ترنم چشم‌هایمان زنجیری از مروارید ساخته‌ایم که هم دانه آن یک حسن دارد: حسن عشق، ایمان و اتحاد به تو، و این زنجیر را در روز وصل بر گردنت خواهیم انداخت تا با واسطه آن حقیرترین یارانت را پذیرا باشی و ما را هم پایه خویش به شمار آوری. مهدی، ذوالفقاری‌های علی و ذوالجناح‌های حسین ما را ملزوم است تا با دشمنات از سر ستیز برآییم و آنان را نابود و ناکام سازیم.

نیکان تو همه مردان حق بودند تو نیز تنها نگین از انگشتر خاندان عطرتی پس ظهور کن و هرچه سریعتر ظهور کن که انگشتر زرین دین به نگین درخشانی همچون تو نیاز دارد تا بتواند اندیشه‌های فاسد را بسوزاند و بذر کامل اسلام را در خاک زمین بکارد انقلاب تو در سرتاسر جهان شهره خواهد شد آن هنگام که زمین و زمان به احترام و عزت تو، به خود می‌لرزند، مه‌آلود ناباورانه مشرکان حضور تو را سراب می‌دانند ولی روشنای نورانی چهره‌ات واقعیتی را در آن هنگام مسلم می‌شود و آن این است که تو آمده‌ای پس این خواب صادق را به حقیقت برسان، پل فاصله را بشکن، سر جدایی را از میان بردار تا همه مسلمان جهان فقیر و غنی در سایه امامت و ولایت تو زندگی کنند.

مهدی، ظهور کن تا در حوضه ادبیات الهی قافیه تمام اشعارمان را با نام مقدست رقم بزنیم و با فلسفه انقلابیت گوشه گوشه برگ‌های کتابچه‌های راهیان نور و دانش را استاندارد سازیم و فاز نوین مهدویت در ادبیات را به رخساره اجرا مبدل نماییم و جایگاه والای تو را هر چند از پیش اثبات شده است در اندیشه‌های خاموش و جاهل حک کنیم تا سازهای فرهنگی بتوانند سرنای انقلاب تو را با مضمون مهدویت به اجرا درآورند. مهدی آینده را برای همه ما جوانانی روشن کن که وسوسه‌های شیطانی گاه به ذهنمان خطور می‌کند، مگذار ناملایمات حیات همچون خار و خسی به چشم تازه قوای ما لطمه وارد کند که بی‌هدایت تو ما همه سرگردان یک گردابیم و آن معرکه‌ای است که گناه تلقی می‌شود و آخر الامرش به سقوط می‌انجامد.

مناجات‌های المهدی ما را بپذیر و بدان علت کار عشق ما به تو این است که همه غنچه‌های نشکفته از یک بوته‌ایم و شرایط می‌باید تا شکفته و آراسته شویم، لاله‌های سرخ همه از قبیله عشق‌اند و همه ما از یک سرشتیم، فصل را آغاز کن و لب‌های مهر شده را به ذکر مقدس «الله» تقدم ببخش.

یاس سفید

لیلا نصیری

بنام او که خالق یاس و نرگس است
یا رب المهدی بحق المهدی اشف صدر المهدی بظهور الحجت

ای روح دعا سلام مهدی

۱۷۰ بهار و خزان گذشت و نیامدی. سالهاست نگاهم پشت پنجره‌ای که متعلق به فردا است قاب گردیده و گرد و غبار هجران بر آن سایه افکنده. عمری است که برای آمدنت بیقرارم. یابن الزهراء، بین از فراق سخت بارانیم. بین ثانیه‌ها چگونه از هجر تو بغض کرده و به حق حق افتاده‌اند. آقا جان! حیف نیست ماه شب چهارده پشت ابرهای تیره و پاره پاره پنهان بماند، حیف نیست دیده را شوق وصال باشد ولی فروغ دیده نباشد.

بیا و قرار دل بیقرارم شو. بیا و صداقت آینه را به زلال آبی نگاهت پیوند بزن. بیا تا سر به دامانت بگذارم و عقده‌های چندین ساله‌ام را باز کنم. تو که معنای سبز لحظه‌هایی بیا تو که ترنم الطاف حق تعالی بیا. بیا که از هجرت چون اسپندی بر آتشم. یوسف فاطمه! کی طنین دلنواز انا بقیه... تو از کعبه مقصود جانها را معطر می‌نماید. کی کعبه به خود می‌بالد و زمین بر قامت دلربایت طواف عشق می‌گزارد و جان در سعی و صفای نگاه تو محرم می‌شود و مناسک حج و عید قربان را بجای می‌آورد. برای آمدنت تمام دل‌های عشاق دنیا را به ضریح چشم‌های قشنگ و عباس گونه‌ات گره زده‌ایم و در مراسم اعتکاف شبهای فراق برای گرفتن حاجتمان دست به دعا برداشته‌ایم. آقا جان برای آن لحظه که سبزپوش با پرچم یالثارات الحسین در انتهای افق غباری به پا می‌شود و تو با ذوالفقار حیدر و سوار بر اسب سفید قصه‌ها می‌آیی لحظه‌ها را به دست باد می‌سپارم.

بگذار صادقانه بگویم که کهنسالترین آرزوی دلم وصال توست! آرزویی که برای بدست آوردنش تمام کلافه‌های عمرم را به بازار معشوق فروشان برده‌ام و خودم را در جرگه خریداران یوسف زهرا(س) قرار داده‌ام. نازنینم! تو زیباترین دلیل برای شبهای قدر و شب‌زنده‌داریهای منی تو ضیاعین و دلیل امن یحیی منی. آقا جان! می‌خواهم برایت قصه بگویم. قصه سیب و گندم و مردی که سالهاست در میان مردم چشمم ایستاده، قصه خوشه خوشه انتظار و چشمانی که درو می‌کنند، قصه باران و سطرهایی که دلواپس پونه‌هاست، قصه اسب و خیال آمدن تو در باران، قصه‌هایی که مشق هر شب من است.

کاش می‌شد واژه‌ها را شست و انتظار را تفسیر کرد ولی افسوس... میدانی مرز انتظار کجاست؟! آنجا که قطره اشک منتظری سدی از دلواپسی ساخته و قطره قطره انتظار ذخیره می‌کند، آنجا که وجودش چون جرعه‌ای آب از تشنه‌ای رفع عطش می‌کند آنگاه که می‌فرماید اگر شیعیان ما مرا به اندازه قطره‌ای آب بخواهند هر لحظه ظهور من نزدیکتر می‌شد.

حس می‌کنم نزدیکی آنقدر نزدیک که با آمدن یک نسیم تو را احساس کرد و بویید.

خوب می‌دانم که آخر دل سنگ غصه و طلسم نحس قصه را می‌شکنی و آنگاه زمان وصل و جان‌نثاری می‌رسد. پس بیا از پس کوچه‌های انتظار، بیا که شعرهای بی‌قافیه مانده‌اند، بیا که با آمدنت گم می‌شود در تبسم تو بغض چندین ساله‌ام، بیا که غزل‌های مضمون ندارند و مثنوی عشق ناتمام است.

محبوبم! هر روز که می‌گذرد بیشتر از قبل دلم برایت تنگ می‌شود. عشق تو سراسر وجودم را فرا گرفته و اگر دلم را بشکافی بر لوح آن نام تو هگ گردیده و کنون ای بهار عشق! می‌ترسم از خزان عمر، ترسم از ندیدن است بگو که تا خزان من آیا فرصت بهار دیدن است،

یابن الزهرا! «لیت شعری این استقرت بک النوی» کاش می‌دانستم که کجا و کی دلها به ظهور تو آرام خواهند گرفت.

بنفسی انت!

به جانم سوگند که تا طلوع صبح صادق به انتظارت خواهم ماند و لحظه‌ها را با تمام سنگینی به دوش می‌کشم و سکوت ثانیه‌ها را به ازای فریاد زمان تحمل می‌کنم فقط برای رسیدن به لحظه با شکوه وصال.

آقاجان!

در وادی انتظار زمان را بنگر که چگونه از هجر تو همچون شمع ذره ذره آب می‌گردد. کی می‌آیی که قطره‌ها به دریا پیوندند؟ خیبر گشای فاطمه (س) کی می‌آیی؟

کی می‌آیی که کران تا بیکران دلم را برایت چراغانی کنم و چشمانم را فرش قدومت نمایم؟

بیا که بهار بی‌صبرانه مشتاق آمدن توست و قلبم جویبار اشکهایی که هر روز و شب برای فراق تو ریخته می‌شوند.

یاس سفیدم! بیا که با ظهورت آیه و «والنهار اذا تجلی» تأویل گردد. بیا که چشمه‌سار وجودم سخت خشکیده و فریاد العطش برآورده، بیا تا از نرگس چشمانت عطری برای سجاده‌ام بگیرم. بیا و مرا زائر شهر قاصدکها کن، بیا...

دلم برای ورود هر عشقی غیر از عشق تو بن‌بست است و دیده‌ام جز برای فراق تو نمی‌بارد. بیا که هجر تو آیه «ان عذابی لشدید» را تفسیر می‌نماید. آقاجان! بحق کوچه و چادر خاکی بیا، بیا که سید علی ما تنهاست و چاهی ندارد که غصه‌هایش را با او در میان بگذارد. بیا و رأس سبز شاپرک‌هایی باش که در جستجوی قبر مخفی یاس سرگردان کوچه‌های هاشمیند.

ای پیداترین پنهان من!

تا تو بیایی مروارید چشمانم را برای سلامتیت صدقه می‌دهم و برای آمدنت روزه سکوت می‌گیرم و با جام وصال تو افطار می‌نمایم. نذر کرده‌ام که بیایی تا جان شیرین را فرش قدمهایت نمایم. پس بیا که نذر خود را ادا کنم. ای آفتاب عمر!

تا تو بیایی انتظار را قاب می‌کنم و بر لوح دلم می‌کوبم. فریاد را حبس می‌کنم و به سکوت اجازه حضور می‌دهم. در نبود تو جام تلخ فراق را سر می‌کشم و سر به دوش هجران می‌نهم و برای آمدنت دعا می‌کنم. به امید آنروز هزار و صد و هفتادمین شمع را روشن می‌کنیم و منتظرت می‌مانیم.

به خدای کعبه می‌سپارم و سببسد نرگس و یاس چشم براهت می‌کنم.

کاش می‌شد که خدا اجازه ظهورت می‌داد
کاش می‌شد که در این دیار غربت
و میان موج غمها به سکوت سرد و سنگین
رخصت خاتمه می‌داد

کاش می‌شد جمعه ما شاهد ابروی زیبای تو می‌شد
دیده ناقابل ما فرش گیسوی تو می‌شد
کاش می‌شد انتظار منتظر پایان رسد
و هوا میزبان یاسها و نسترنها
خاک پای مهدی زهرا شود

کاش می‌شد تو هم از انتظار خسته شوی و
برای فرج دعا کنی
کاش می‌شد...